

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

التحفة الخيرية في شرح وشرح

١٩٠٥ - ١٩٠٤

جلد دوم -

مترجمش زبان فارسی

محقق و ناشر

۱۳۵۳

برای اینکه فرهنگ را در میان مردم آسان کند و آنرا در دسترس همه قرار دهد
با صلح و تفاهت با ما بیاموزید و به اموال جنایه و آلودگی
در این کتاب و به بیادیه در دوران محاربه و
تربیت و تفاهت را بشناسید
مجلس کابل در مطبعه مسوکه غایتی در توضیح آورده است

سنه ۱۳۳۴

<http://dli.iit.ac.in>

برچیده از کتابخانه دیجیتال هندوستان

<http://www.KetabFarsi.com> باز تکثیر از کتابخانه کتاب فارسی



جلد دوم

امیرال توغو

از مدت دو سالست که نام امیرال (توغو) در میان دو قطب کره زمین
طنین انداز کوششهای جهانیان میشود. این شخص که در وزه روز مجنون
و امروزه روز ابدی الاشتهار و مشهور است در نظر تمام انسانها و حتی در نزد
خود روسها نیز یک استاد معظم فن حرب دیده و شناخته میشود.

قسم دوم کتب ماجون همه گوی از آثار فتوحات و غزوات دسته های
کتابهای جنگی زاپون بحث میکنند و امیرال توغو چون روح در جیران
این غزوات نمایانست لهذا چنان مناسب دیده شد که این بخشین این
قسم کتاب خود را به ترجمه حال متراجمه حصر تاچیم.

(توغو) منسوب بیک خاندان عسکرئی میباشد که در زمان های پیش مستقل خانها
و امیری میداشتند. تصویرهای ایجاد او بر بعضی اوانی زاپونی حکوک میباشد
که آن اوانی و ظروف در نزد بعضی اورویاشانی که در جمع آوری آثار نفیس
صاحب ذوق سلیم میباشد خیلی مرغوب و مقبولست. این تصویرها منظره
پهنه زان جنگاور خول و زره پوشی را نشان میدهد که از دیدن آنها دلها لرزان
و دیده ها حیران میشود.

امیرال در چاردهم اکتوبر سنه ۱۸۵۶ میلادی متولد کرده است که به

این حساب در بن وقت - یعنی در وقت جنگ مذکور - چهار و هشت ساله
 يك كيتايت است كه جوان ترين و قهرمان ترين تمام عالم عسكری مي باشد .
 هنوز شانزده ساله بود كه در مكنتب سفينه (فورسه ستر) نام شهر اليه (ريون)
 انگلستان ميبود . سفينه (فورسه ستر) كشتي است كه براي تعليم و تربيه
 شاگردان تجارت بحري حاضر شده است اما شاگردان نيكه از درجه يكم تا
 پنجم از اين مكنتب امتحان داده بر اينند در خدمات بحرفي دولتي
 بجز قبول ميشوند .

(توغه) تحصيلات ابتدائيه بحريه خود را در انگلستان كامل كرد است
 و در سه هاي ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ بازيه انگلستان رفته در (مايوز ۱۸) - يعني
 تواعده اي بنام كنگ جنگي بحري ۵ از طرف (فيلو) - يعني يك نوعي دسته هاي
 كشتي جنگي بحري انگلند در بحر (مانش) كه مقابل سواحل فرانسه اجراء ميشود در
 حاشيه خود او نيز در يكي از اقسام دسته كشتي مذكور مأمور بود و وجود شده است .
 هنگامي كه در سنه ۱۸۹۴ بحريه چين و ژاپون آغاز نمود توغو به كيتاي و قوما
 تداقي (مانو و ا) نام (كرو و ازر) كه يك نوعي از كشتيهاي جنگيست مأمور بود .
 در جنگ مذكور اول كه طوي كه انداخته شده آژامشار اليه انداخته است و اين
 كتاب مرمي طوي اولين يك حادثه شريف و يك حكايث عجيبه از اديان مسودت كه
 هنوز در مابين دولتين مذكوره تين اعزازي حرب نشده بود . فلو - يعني يك دسته
 كشتيهاي جنگي چين سفانن نقابه كه قطعات عسكري او را حمل بود و به (كرويه)
 ميباور . همچنانكه و حايه بيكره دسته كشتيهاي جنگي ژاپون به كيتاي به اين قفا
 و اهورهاي نغزه عسكرو چين بر خور دسفان چين دسته كشتيهاي جنگي ژاپون
 را بيه يگر بخت آغاز نهادند . سها (قو و شينغ) نام سفينه غلبه كه در ميان آن بفر
 يك هزار و شصت نفر عسكرو چين و در زير برق و انفرق دو نفر انفران
 انگلزي بود كه يكي (غلس ووني) نام كيتان و ديگري (تامسه وني) نام صده دار

هسکر بحری بودند در يك غلبيج كوچك و پنهانی خود را كشيده خواستند
كه خود را از نظر دسته كشتی جنگی ژاپون پنهان سازند. وليكن كپتان (توغو)
این كشتی را هيج از نظر ترصد خود دور نداشته از عقب گيری اویازته ایستاد.
تا آنكه خود را بكشتی مذکور رسانیده راه گریز را بر و بند نمود. و يك افسری
را كه به میت او بود در يك قابضی سوار کرده در نزد افسران انگلیزی بكشتی مذکور
ارسال نمود و تسلیم شدن را بر ایشان تكلیف كرد.

كپتان (فالس وورتی) بچواب این تكلیف گفت: من از جنگی و
تخاصات ژاپون و چین هيج آگاهی ندارم و در زیر بیرق انگلیزی سیروسفر
هيكندم و هيج گناه این مسئله را ندارم. نحو اهم شده چند ۱۶۰ نفر عسکر چین
و پشاه امیر بدغم ما را بقدر میتو اتم كه این عسکر را بيك ساحل بطرفی بیرون بر آورم.
چیزی كه در بنواقمه و جیب غمایت دیده میشود ایست كه كپتان (فالس وورتی)
و كپتان (توغو) رفتاری مكاتب بوده اند - یعنی هر دوی شان در مكاتب سفینه
(فوردسه ستر) محصین علوم بحریه را كرده اند.

و الحاصل كپتان توغو بر تكلیف خود اصرار و عناد و رزید و باز برای افسران
انگلیزی خیر فرساده حكماً با تسلیم شود و با خود دشمنان كشتی بر آمده كشتی را
بین تر لك كنید. كپتان فالس وورتی با ز قبولی كرد. لهذا كپتان توغو بر واپور
(قوشنغ) با طوپی بزرگ بگله اندازی آغاز نهاد. كشتی (قوشنغ) در مدت
پس بار كی با جده مرشبات و شامنی كشتی نشینان خود يكجا غرق و نابود گردید.
كپتان فالس وورتی و سوه داور (طامپهون) خود شان را بدریا انداختند.
كپتان توغو بچا بكشتی تمام كشتی فرو آورده آنها را از غرق راهی و از دریا بكشتی
خود بر آورد و باقی هزار و شصت نفر عساکر چین را بقهر نیاب دریا فرستاد.
ایست كه این عساکر تمام توغو و كشتی قوو شتیخ در سنه ۱۸۹۴ با چین بمقام
اعلان حرب قاتم گردید.

کنتان توغو بعد از سقوط اقمه به جاده بحر به مشهور (بالو) اشتراك ورزید ،
بعد از آن آهسته آهسته در محاصره (وئی های وای) آکدار عسکری خود را
در قطار دولت خود حاضر و آشکار نمود .

باینسورت که زاپونیا در آنوقت به بحر آمدند که بنزدیکئی پانچو که مذکور
گردید یک فولد اردوی خود را بجهتکه بیرون بر آوردند ، و برای اینکار لازم
بود که یک حرکت بسیار ماهرانه نظر دقت و قوت چیزها تر از نقطه که عسکر
زاپون در آنجا بر آمدن ، به بحر آمدند بدیگر طرف حجاب کرده شود .

اینجا کنتان توغو را برای اینچووم ساختگی مأمور کردند . مومی الیه
تا بسیار وقتها بوده سواحل چین و علی الخصوص صومین منطقه که در آنوقت به
ناجرائی حرکت در آن مأمور است بیک نظار بسیار دقیق و ملاحظه حلس و عمای
صمیمیتی تابع کرده بود ، و بسایه این تتبع و اقتنائیک صدمه جرأتکار بود که موجب
حیرت هر کس گردیدند تشبث ورزیدند احراز مرفیتت و کاه پائی نمود . در زیر
نور سندانى ، افسرئى نو (سوفی) و (لژانور) نام دو کشتی جنگی خفیل
الحجم سریع السیری بود ، وقت شام بوده کنتان توغو دیدگاهی بحار کشتیهای
خود را احتیای بر نموده و کرمی داده بخروب مهابت منظر ماند . به تلب چون
شروب نمود و الحفظه راست بسوی بندر گاه (دیوتوا) - پسى دستهای
کشتی جنگی چین در آن ، موجود بود بحار کشتی تمام در عساکر گردید . در صحنه
نفاست شبان ، آنگاه بعد از آنقلوبه بر دار آما ، بردسته کانتی جنگی
مذکور چووم نمود و دست کشتی جنگی را بیک سینه جان عظیم و بالاش و تندیده
چسبى دوچار گردید که های طوری آنگاه در آن چووم در آن زمان در آن زمان
از هر طرف بردسته کشتیهای جنگی را از برده و از سرعت تمام خود در او پس
کشید . دست کشتی های جنگی چین بکن آنکه از طرف جه دست کشتیهای
جنگی زاپون بر و چووم شده است ، مضطرب و بیقرار گردیدند .

توغو در شبیه که بر دسته گنتی های جنگی چین هجوم و شبه خون میبردند
 هوا خیلی خشکی شدیدی حکم فرمایند بدو چة که یکشب پیش ازین هجوم چند
 نفر از افسران ژاپونی در میان کشتیهای خود شان از شدت سرما انجماد یافته
 يك يك قالب برفی شده بودند .

ازین وقایع مختلفه دانسته شد که کپتان توغومالك يك جرئت فوق العاده
 میباشد که بآن شجاعت خود احتیاط و بصیرت را نیز مزوج کرده است .

کپتان توغو در اتسای مخاربه چین وظیفه های بسیار نازک و مهمی که بعد
 او محول شده بود بکمان خوبی و درستی ایفا نمود زکاه هر مان او مظهر تقدیر و
 تحسین دولت متبوعه اش گردیده حضرت امیر امور بمکافات خدمات واقعه اش
 او را بریاست لنگرگاه عسکرئی (سامه بو) که قبضه نوزده بن بندر گاهای عسکرئی
 ژاپون است تعیین فرمود .

توغو کوه قد و ضعف البایه ولی متناسب الوجود و خوش سیاه و جازه دار
 است . چپین بلند و فراختر برهان و فرت ذکای اوست . چشمش مالک تکلمی
 بسیار تیز و جلاداری میباشد . دهنش بزرگ و موی ریش و سرش جوگندم و
 ووز چینی زده شده است .

امیرال توغو عیالدار است ، زوجه اش از اصیل زادگان ژاپون و
 مستخر برادریك (و بیوات) است دو پسر و يك دختر دارد اولادش در میان
 هشت سنه و شانزده سنه میباشد .

در سنه ۱۸۹۵ امیرال توغو و امیرال (ایتر) دهنه های کشتیهای جنگی
 ژاپون را سر از نو تنسیق و تشکیل داده نقشها و پلانهای مکشی برای آنها ترتیب
 و تنظیم نموده است . ختام این ترتیبات و تشکیلات بد استسای مخاربه روس و ژاپون
 تسلیف نموده از ژاپون بر سرف و اداره همه کشتیهای گروواتور و زور و زره پوش که
 درین جنگ از ژاپون موجود بود توغو با ایران عمومی تمسب و آمیزش نموده است .

امیرال توغو و قتی که هنوز در محاربه چین و واقعه های (وای های وای) بود در آنها
و سواحل را که در سواحل برای ضبط و اشغال آن. امور است بخوبی دیده و شناخته
است از آنرو هجوم اول (بوز آرتوز) که فائحه، ظفریات انحراب سر شده، بشود
از هجوم هائیکست که پیش ازین در آن خیلی فکر و اندیشه و در سواحل بصورت بسیار
ماهرانه آن فکر را از قوم بقمار آورده و موافق و کامیاب گردیده است.

حادثه (پتروبا و لوفسک) و میدان محاربه (۱۹۰) نام آگست و
ماجمه کبرای (چوشیا) هر یک ازین سه واقعه برای سلسله منتظمه فتوحات
یک یک عقده پانزده و این مظفریت منڈ یک یک بیرق، شته و و هر یک یک اثر
تغیر صنعت حرب است که امیرال توغو بهام عسکری هدیه نموده است.
ما میباید به آن ترتیبه بذایع کاوانه صنعت حرب بحری و انرا اصول مخصوصه
این کتاب محدرات بحرفی امیرال توغو بخیر اتم ...

این محاربان بحری چون بسیار مسائل مقلقه بحر بهرا که تا به جز (چوشیا)
با یک ردای شک و مبهوت است و بود حل و روشن نموده و به دست کشتیهای
جنگی تمام عسکری در سهای بسیار مفیدی داده است. لهذا به امیران
ذاتی امیرانهای انگلیزی و امریکائی که هم پدیده او هستند با نظر بسیار حرمت
ورعیت می بینند.

نورد (چارلس بره سفورد) که نوسر (دسته کشتی جنگی مانشر)
انگلیستان میباشند و نورد (چو تپشر) که سرافسری صومالی هم دسته
کشتیهای انگلیستان است بعد از محاربه (چوشیا) تغیر اتمامه های که متضمن بر
حبرت و تبریک بوده امیران (توغو) فرستاده همین واحز امارت خودشان
و اعلا آرازا نموده اند. نورد (چارلس) مذکور شخصیت مانیه و معنویه
و شقی مکتب سفینه (فورسه ست) خود در همین کتاب ساده و بی و جز چنین
تفسیر نموده میگردند:

— آیا بخانه خود چیزی گفتنی داری و خبری میفرستی ؟

او بجواب گفت :

— چیزی خصوصی نیست ؛ به آنها بگویند که بعاقبت میباشد . دلم خیلی راحت و آرامیست . همینقدر از آنها نیز وابسترحام دارم که به مکتوب هرستان خود فکر مرا مشغول سازند .

امیرال در تمام مدت این سفر بخاربه هیچ مکتوبی بخانه خود نفرستاده است . زوجه و اولاد هایش بکمال صبر و سکون اصرار حیات مینمودند ، و برای صحت و مطهریت شوهر و پدر خویش دعا و نیایش میکردند . زوجه فغلیفند امیرال احوال استقبال را اندیشیده در امور اداره بیتة خود خیلی متبصرانه حرکت میکرد . همه خدمتگاران خود در اخصت داده هر کارخانه را خودبالات اجرا مینمود .

و الحاصل امیرال توغویک قوماندان خارقه نهایت که عصرها کم چون او میزد و راند . در سنه ۱۸۰۵ امیرال (فلسون) انگلیزی بخاربه (تراقوز) حاکمیت در باهارا به تکلیفها بخش نموده بود . و بدین محاربات بحرفی عصر نوزدهم را بشهرت مظفریات خویش پر کرده بود . نهایت که بعد از یکعصر امیرال (توغو) ای ژاپنی ، بمخاربه (چوشیا) حیفة های تاریخ اوایل عصر بیستم را بشوش زریں موقیقات و مظفریات تزیین نموده است .

علو فکر امیرال (توغو) ازین بک نیز معلوم میشود که در وقت وداع از خانه بزوجه خویش گفت :

— یگانه و جاننیازی که دارم همینست که برای من هیچ نامه ننویسی ؛ و چون بعد از هجوم بر کشتیهای جنگلی دشمن شنید که بعضی از کشتیهای جنگلی دشمن خسارت زده شده است گفت :

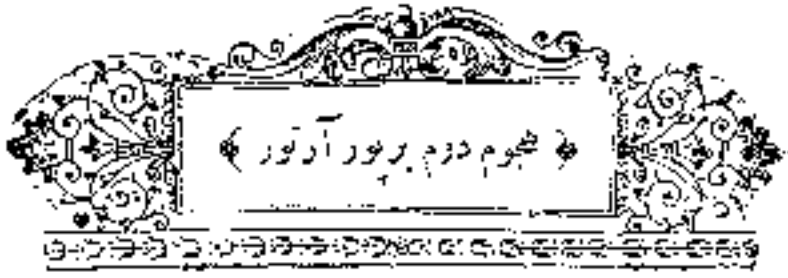
— دشمنان ما خاطر جمع باشند که ما کشتیهای آنها را نیز خورشان بزنیم .

خوبتر تعمیر خواهم کرد .

و بعد از آنکه ، مانند قلبه و منظریت (چون شیخ) يك يك منظریت بی مثالی را
 احراز نمودند گرافی که برای اخبار این کیفیت به ملک خود کشیده است چنینست :
 « این منظریت محض از اثر حسن توجهات حضرت (بیقادو) و معاومت
 روحانیه آبا و اجدادشان ، و ذکا کبری و مهارت افسران و مرتبات کشته‌یهای
 جنگهای شان میباشد . »

پس از همین بنا امیرال مؤمنین ، غالب منظر که به این توأشع و فتنا این خویشت
 چنان انسانیت را در سهای غیرت میدهد که میدانند که همان بزرگان استقبالی
 هنوز چه قدر فتوحات و منظریت برای او احضار و اکمال کرده خواهند بود !





افق دود آلود است. ولیکن بصورت خفیف!! در شهر، در خیابان... یعنی
 نگر گاه در بندر قزل و قالمشاید، میشود و بعضی حرکتها دیده میشود، اسرار
 و قوتات شیبته که در قول امر کوچک و بی اهمیت گمان میشد آهسته آهسته طامس
 و آشکار میگردد. و هر کس زخورد و بردگته بود و نبود واقعه آنگاه
 میشوند...
 بعد ازین حادثه درد انگیز چنان گمان میشد که در بندر گاه آریاتک معا
 لیت و کارکناری بزرگی دیده شود. بالعکس، در دسته کشتیهای جنگی
 روس امروزه بر عین سکونت و عین آرامی که روز دیده میشد، بقا حکم
 فرماست. در کشتیهای جنگی قضاوت روس يك ندانه زوال، و در چهره
 های غریبه و افسرهایك امارت حزن و ملالت نمایان میشود: امراد بجز به نکار
 های عادتى هرروزه خودشان که فی السابق دوام میورزند. امراد افسران
 عسکری بخلاف هرروزه امروزيك عصبيت و شدت تمام به اینطرف و آن
 طرف میشوند. و برر طیفه های سودو عه خودشان اقدام تامنک این میدهند.
 هاگه بیک شهر (پور آرتور) از لباس، تم دودهای کثیف و دمه های
 عنیف بیرون بر آمد، قرص شمس یایک دیدنه مخصوصه از افق تابدار شرف
 ظهور نموده موجه های بحر اسفرد را یکدیگر، بخفرد، و یکدیگر هینی بخشید!
 به داز شب عظم گذشته این فرص عالم آرا بشکل يك نوحه جسم قدرت
 نجلی کرد. ولیکن هنوز نشانه اشاع نکرده، مانند يك سیبائی سرخ آتشیی

جلوه گری میکرد؛ و چنان که این گره نظری نوردهای پاره پاره یارده سرخ شده افق که در دور و پیش او بود یک برفی جسم امپراطوری ژاپون است که بر (پور آرتور) رفیع اومی نصرت نموده است؛ این خور شدید معظم که در میان افق سپاه به منتهه پارکال است و یک بظنر دلبند بر توان رسیده مایه ژاپون را تشکیل میدهد بعد از آن که بر تحت عالی افق جنوس خود در یک آن تمام سطح دریا، و زوزو کوه ها و درون دره ها را بشما عات زیر بشکار خویش ضریق انوار نمود.

درین اثنا بنا که در طرف افق دیده شد که جهاد کشتی جنگی که بر اوج بالای دیر کپهای شان (شمس طالع) - یعنی برفی ژاپون نوع ثانی عظمت بود بشکار یک قوس دائره در حالتیکه دود های سیاه از دود کشهای آنها پیرامند سرعت تمام بخواب سوز گاه بود آرتور تدویر چرخ حرکت داشتند؛ این کشتیها عبارت از یک دسته کشتی جنگی (گر و وازور) حقیقی بود که غصد استکشاف از اصل دسته کشتی جهاد شده به پیش آمده اند؛ ماهی این گره و وازور ها (جیتوز)، (قزاک)، (ناقز انور) و [نوشینو] بود؛ پس چون موجود بودن دشمن سراسر محقق شد همه کشتیهای جنگی روس که در بندر گنگر نواز در اقامت بودند به محضی مابوره گنگر نواز پیش آغاز نهاد اما حرکت نکرد، بر جا های خود ماندند؛ در این اثنا کشتیهای ژاپون نیز حرکت صرفی انظر کردند؛ بعد از آنکه زیاده از یکساعت اطراف و اکناف اکتف و ترصد کردند و پس گردیده باز دور شدند.

ز ساعت هشت بیست دقیقه گذشته بود.

دسته کشتیهای جنگی روس بعد از آنکه سفینه های ژاپون رجعت نمودند بیک وضع گاهلانه بتعقیب آنها برآمدند؛ و اول بدوی شرقی و بعد از آن بجهت شبه شرقی بمرکات آغاز نهادند؛ اما این حرکات دسته کشتیهای جنگی روس

بطول ناپنجصد . چو فک اید نژده ، پانزده دقیقه حرکت کردن و ایس گذشتند .
از ساعت سه ربع گذشته بود .

ازین ضربت و عودت دست کشیدند . جنگی روس هرج یک نتیجه حاصل نشد . نفرات عسکری بحری بکمال سکوت و سکون بکار و بار خودشان ، ولی اهلالی قصبه و ما ، و زمین مالک از عول سدمات (خو ریل) ژاپون که یکشب پیشتر قصبه را بوزده انداخته بود ، بیجان و تلاش عظیمی ارائه بودند ، در کوه چینهای پور آرا نور از شبیه خون دیشب عکس صحنای قبل و وقت بسیار و چنان ایسی ، طامات و انفکار متعده میشد ، و این سخنان نیز اصل سمع حیرت میگردید که امیر ال ژاپونی بتار پور آرا نور ادر زیر کوه های طوب خواهد گرفت . اهلالی قصبه که چار بحر و زپش ازین دکنها ، و اهلای اهلالی ژاپون را که از پور آرا نور می آمدند بسیار از ان و رایگان خائب و خرابدار بودند . امروز تلاش و اندیشه آن افتاده اند که چنان یک آن اولتر از شهر بیرون برایشونک دار الا ، این برای خود تدارک نیابند .

اگرچه این خبر شنیده شده بود که سه سفینه جنگی بحسارت و فلاکت در چار ، و از حرکت معطل و بیکار شده اند . ولی هیچکس نمیدانست که در چار خسارت عبارت از چیست و چنانست ، چو آنک اس بریر و احتیاط افسران روس این بود که درجه خسارت حقیقت خود پاهای روس را طرز نکند ، و بنهان دارد .

حتی این احتیاط خود را بدرجه پیش برده بودند که (قولومینا) نام و پور تجربی کیا نیه (هند و چین) که در شب واقعه مذکور گذشته در بندر کوه بر روی شکر انداز بود ، و مجبوراً شاهد آن واقعه شده بود ، و سواد او بود ، که بر نظر شد داشته نگذاشتند که بندر کوه را تاراج کرده بیرون براید ، آنکه ما با افسران درجه خسارت و حضرت طور پاهای ژاپون را که بر و پور های جنگی روس رسانیده اند ، فاش نماید ، حتی یک پاره نیز از افراد بحریه روس و افراد کشتی

از کورگناشته بودند.

درین شانزده داخل شهر و استحکامات ساحل آوازدهم دهشی که دشمن
 میباید دشمن میباید (بیکمکس صدای مهیبی در اطراف و کناز و منتشر
 گردید. بواقیمکه در انتهای این همه دستا کشتی های جنگی ژاپون بکابل
 هدایت و دهشت هر طرف وجود کرده بودند.

امیرال توغور قبلی از زوانی همه کار های خود را مضر و آهسته ساخته
 و اشرف سازهائی امپراطور (ویکاود) ادارا اقرار کرده، قسم کنی دستا کشتی
 های جنگی خود را در دستا کشتی های جنگی که بکی از زوزه پوش هاود دیگری
 از کور و لوزر های زره پوش مرکب بود، تقسیم ساخته از جهت جنوب پس
 راست بر (پور آرتور) اسرار حرکت را داده بود.

امیرال (شترقی) روسی بمجور دیگر دستا کشتی های جنگی ژاپون را بکابل
 دیگر دستا کشتی های جنگی خود را در دستا کشته در بندگاه برونی حاضر و آماده
 ، تازانه گردید. کشتی های روس، نظام گنده - یعنی از هم دیگر مفصله دل
 بیک خطی در یک وضع بر آمیزی که گاه های بلوب های ساحل از سر آنها
 بنگار در صنف نظام حرب حاضر شوکت میداد. ساعت ده و نیم بود که دهشت
 یک کله بم (۱۶ پوسی) ژاپون نام در پیش ملو ریبود های روس بدشت
 بکشید. این کله بون اشارت بود در سکه پور آرتور از طرف دستا کشتی های جنگی
 ژاپون (نومیددوان) - یعنی در زیر کله ریزی گرفته شد تا محو یافت که هیچکس
 هم بدست کشتی های جنگی ژاپون بمهمه شوهای خرد بک آتش اسباب بزرگ و
 ملوهای آتش فشان خود در بدن گرفتند این حرب پیش روس و استحکامات ساحل
 بمقابله آغاز تهاوه از مسافت فوجان، در دهشت کشته های جنگی ژاپون بخار
 ضرب شدت تمام آغاز کردند.

همه کله های دستا کشتی های جنگی ژاپون که از طرفی (۱۶ پوسی)

می آید اختنبد به بسیار خوبی بوجه دلفواه تاثیر خود را اجرا میگرداند. طویچیان و کشتی بانان ژاپون چون میدانند که کنگه های شان بر هدف مطابوب و اصل شده بدست معنی انضای و تحلیفه میگردند، و بجوش و خر و خش آید سرشار نشد مظهر است باشند.

پرنس (یاماشیتا) که در سفینه (میقاذا) معاون امیرالک توغیر بود یکچند بار خود پلانن نشان گرفته گند را بجهل مقصود رسانید. حال آنکه کنگه های طوب های روس پیش از آن که به هدف واصل شوند در آب مبتناندن یکی از تانها پیمانند (در پور آن توور) بود و این مخاربه بر آرای الیبت تانها کرده چنین میگویند:

(از هر دو جهت بصدها طوب در یک آن رعد آید. بصدا آمده امره جنگ و جدال سر ببالند، یکتبد، در میان این دغدغه عظم از زمین و هوا بارز و میدر آمد، و خر منهای دودهای سیاه زرد رنگت روی سهارا نیره میداخت! سطح بجز پوست و میل از فدن کنگه ها فوارها تشکیل مید و معانوم میدند که طویچیان روس بخوبی آشان گرفته نمیتوانستند. چرا که قسم اعظم کنگه های آنها در پیش روی دست کشتی های جنگلی ژاپون بدریا بر بخت •)

دسته کشتی های جنگلی روس خود در زیر دریا حایه طویچیان ای قامه و استحکامات گرفته با بیرون بر آمدن و از آن دور شدن جسارت میدوانستند. تنها در نیمه های (نوویقی) و (آسقلو) و (دایانا) بپلک سرعت عظیمی جناح خط حرب دسته کشتی جنگلی ژاپون را دور نمود. گروه وازورهای ختلف ژاپون را که در پشت قسم کشتی دسته کشتی های جنگلی بودند در زیر آتش طوب گرفتند. این حرکت گروه وازور (نوویقی) را روسها شایان نهند. و تحسین پنداشته کپتن ساینه مذکور را به آشان (سن جورج) تا لطیف و سزاوار نمودند. مع هذا نژین حرکت روس ها به کتیبهای ژاپون هیچ ضرر و خسارتی از سبد ولی بالکس سفینه (نوویقی) با آتش کنگه های متعدد سفارش حربیه ژاپون گرفتار و به خسارات مهمی دوچار آمده بر جمت کردن مجبور گردید.

در ابتدای این محاربه يك حادثه مضحكه در بندر گه وقوع آمد كه آنها هم قضيه فرار كردن واپور تجارتي (قولوميا) است كه پيش ذكر شد، لاكن اينكاش كه تنها خود او فرار ميكرد؛ ني بلکه يك پاره روس را كه در پرورد مذکور برای محافظه فدا شده بود نیز باخورد آورد *

ساعت دوازده در میان دسته كشتی های جنگی روس يك دود كثيفي ظهور نموده معلوم شد كه يكي از كشتی های روس با آتش گرفته است * و در همان وقت يك كفه بزرگي طوب زاپوني از پشت تپه بندر گاه پرومي كنونموده كشتنی خسته حانه روس را خراب نمود *

در مابین دسته كشتی های جنگی طرفین از يك مسافه نزديكي يك محاربه وقوع نيافت * اميرال (مشاري) در خود اين قوت را نميداند كه در دبی فراخ بنده كشتی های جنگی زاپون بجه زنده اميرال نوشو نیز دانست كه با طوب خانه های مكن و مجهز استحكامات روس كاری از پيش نخواهد برد لهذا بجهت جنوب شرقی رجعت نمود در سهان بنده كشتی های جنگی زاپون را تعقيب كردند *

نظر بندرجات را پروردت های مختلف كه اميرال (لكسيهف) روسي فرستاده چنان معلوم ميشد كه كشتنی از عيوش (پولناوا) و گروه از وره های (ديانا) و (آسقول) و (نويق) روس در اقسام قوت و تراز خطه آب و بيطار خسار شده اند. كفه زاپوني كه يك كشتی (ديانا) اصابت نمود است چنان تاثير مدهمى اجرا کرده كه در مدت بسيار كمي اصاب آن بندر را خراب شده است * منجبه (آسقول) بيك كفه دودكش و بندر گاه قسم مائين و بسوم كه دكل بزرگ آن خراب شده است *

نزد بنده كشتی های جنگی زاپون از كه در عيوش (مبازا) و (لوجي) و گروه و زور (ايوانه) ميباشند نزيه بعضی خسارات كم و بيش اخيرى دوچار

شده است . قوساندان طویله‌پوشی زره‌پوش (فوجی) تلف شده ، همه ضایعاتیکه
ژاپونها از نفوس داده اند سه افسر ، سه نفر مقاتول ، ۷۲ افسر ، و ۱۶ نفر
سخت زخم‌دار ، ۳ افسر و ۲۰ نفر خفیف زخم‌دار شده اند .

امیرال (نوغو) در ژاپورت رسمی گذاشته است بیان کرده که غیبت حرشی
نست که گشتی های جنگی هیچ حال وارد نیامده است .

ژاپونها در محاربه که بسیار پیش نیامده اند خیلی عقل و مهارت بکار برده
اند . زیرا استحکامات ساحلی (پورتور) را طویله‌پوشی بسیار منزلت بزرگ
سیستم آخرین مجهز میبود ، و اگر استحکامات مذکوره بر سر کوهها و تپه
های بلندی که بشیرگه (پورتور) را احاطه کرده است موجود میباشده
و فشار سطح بحر موقع آنها خیلی بلند و حاکم افتاده است . پس طویله‌پوشیکه
از چنین استحکامات بلند انداخته شود از بالا پانزده تا بیست و نه متری اجزای
انداخت میکنند که گشتی هانر افند که به آن نزدیک شود این زاویه در می
حما قدر زیاده در میگردد . پس چون قسام افندنی گشتی های زره‌پوش - یعنی
سطحهای آن به زره حقیقی مسطور میباشده هرگاه گشته های بزرگ طویله‌پوشی
استحکامات بشیرگه در عمودی بر سطح و پورتور بخورد بی آنکه زره مسوراخ
کرده بگذرد پس خبر پیدا و درخته های عظیم در وجود و پورتور میماند ، و اگر
مرمی - یعنی گشته در پیش مشین و پورتور بینند احتیاط قوی دارد که ماشین را
از کار و حرکت انداخته زره پوس فاضل و بیگانه باشد . شاه خلیه نزدیک است این
نیرال ژاپونی به استحکامات روس از تعدادی غلاف او شمرده میبود .

در اشای محاربه صلابت غلبه و سکونت ذکر به عساکر بحر به گشتی های
جنگی ژاپون را ازین بک ، مثال قیاس باید کرد : که یک نفر از گشتی بان ژاپونی
بیک پارچه یم دشمن دست راستش از بدن جدا کرده بر سطح و پورتور
میباشد ، این نفری جسور دست افتاده خود را بدست دیگر گرفته در پیش

داکتور زدهیوش بقاعده نظام رفت و گفت : -- اگر برپائی شود که ندانوی دست مرا بعد از این بکنید و حالاً ساعده بشر ما نهد که بر سر خدمت و وظیفه خود بروم .

یکی از افسران کشتی زدهیوش (هانسوزه) (قازیمورا) نام صوبه داری بود که او نیز یازچهار کلمه نیم زمین دویده شده بود ولی او در حالتیکه نیم وجود بود بسیاری بر وی ایانه بطرف دیگر رفقای اطراف خود عطف نظر احترام کرده و جمع کردن آنکهای خود را از ایشان استرحم نمود و دست او را چون انجبین واقعت را میبینیم و پامینتریم پیدا کنیم که این چیزها کارهای طبیعی نیست حیات بشر است . و برای اینست که در تصور ماعتات و علویات آنها بسیار خطا میکنیم .

کسانی که به اینگونه شرق رمانی و دلآوری اظم نشان و شهرت میکنند آنها مانند انسانهای نادانی نیستند بلکه آنها از ان اولاد بشر اند که قطره بسیار بزرگند و عالی خلق شده اند .

اینگونه قهرمانانها که در راه شرف و ناموس نیست و وطن و باد شده و وظیفه خود به اینگونه صلابت و بها داری جان میکنند از ان انسانها نیست که در دفترهای دنیا و فکرهای قوم و ملت خود تذکراتهای پادشاهی میکنند ، و کم نشان ناپه ابدیه احترام یاد میدود .

سرگذشت پلنگ زابونی دیگر را نیز بر وجه ذیل نقل میکنیم : -- این شخص (آغه) نام یک کرپیل است که در وقت هجوم برپور آرنو در یک فرقه طور بردهای مخرب را اداره و قوم اندانی میکرد . مهارت و جسارتیکه در انسانی و تلیقه و اموریات خود بکارداشته است حقیقتاً شایان دقت و حیرت میباشد و سبب اشتباه ابدی او شده است .

موهی البه در محاربه (چین و ژاپون) کوماندهان طور پیدایی (قو قاقاقو

بود که نیل مذکور بطور پیاپی خود همه مواعع متحرکه که از طرف چینیا
وضع شده بود از هم پاره کرده در گذشت و به بندر گام (وای های وای) در
مده (پینگ یوان) نام کنونی زرعیه اش جنگلی چین را بغرق کردن موفق و
کلیاب گردید.

بعد از احراز کردن موفقیت ترغیب رتبه نمود و در گذشته زره پوش
(کی ووهایی) که لاجپنیم اختراع شده بود و امور حساب تعیین گردیده سفینه
(کی ووهایی) هندامیکه در سواحل شناخته تانگ جزیره (نوردهوز) گردش
میکرد به یک طرف هن شدت تانگ گرفتار آمده بصورت اسباب الایم و شقی محرو
غرق گردید.

بعد از آنکه امپراتوری دادن سفینه سراسر باطل شد کتان کشتی مذکور
که (نویسنی) نام داشت باین راه و در حساب بصورتیکه لایق شدن کشتیانان
ژاپون باشد به استقبال کردن مرگ قرار داده شد تا اینکه کشتی بر سطح واپور
جمع شدند و بعد از کمی محو آب جوئی و خوروش موجه های هوان انگیزی دریا
آوازه (ژنده بادشاه ما) بر بلند کرده حدشان بیک بازگی پدید بخند و اکثر
شان محو و نابود گردیدند!

کر نیل (تاشه) زردیگر فضایی فازکت خود طالع مندتر بود که بعد از غرق
شدن سفینه در حالتیکه در میان وجهای پردهشت شدوری میکرد بات محنه
بازتابش آمده سه روز تانیا در میان امواج بحر سلطان و پویان باند نهایت
بیک جزیره کوچکی از جزیره های (نوردهوز) واصل شده بعد از آنکه یکمندی
در انجا ماندند در کشتی که از طرف حکومت ژاپون برای جستجوی کشتی قضا
زده (کی ووهایی) فرستاده شده بود سوار شده به ژاپونیا آمد.

ایست که این کر نیل تکافات فنا کارنی خویش درین محاربه روس و ژاپون
بازگوماندان یک فرقه طور پدید آورده پس خود بات صداقانه و جسورانه در

دولت و ملت اجرا و ایفا کرد. است. . . (بومیان دمان) پور آرتور قدر (۴۵) دقیقه دوام و در زید. کله های ژاپون اگر چه در شهر خسارت و خرابی بزرگی نرسید ولی در میان اعدای یک تریس و رعب عظیمی انداخت و در شهر یک اندیشه و تلاش بزرگی حکم فرما گردید چون آنکه هر کس دانست که در هر کجا و بیگانه این تعرضات آتش باز دشمن دوام خواهد نمود. از باشندگان (پور آرتور) بغیر از هیئت مسکریه دیگر هر کس همین فکر بودند که ازین شهر جنگی و مسکری چنان و چگونه بیرون برآمده بشوند!

(در پور آرتور) در میان چهره های ملول و مکنز یکی چهره امیرال (شتاق) بود. این کوماندان و قفس بزرگ بحری یک تریس پیش ازین برای شرف نامزد و جبه خود بر تریس دادن یک جشن بر سره رمشغول بوده و خیلی شادمان و شغور می نمود. امروز چون می بیند که از دست کشتی های جنگی که در زیر اندازه امیرال او میباشد هفت جزو تمام بزرگی آن معنی کم و بعضی پیش دو چار خسرو را در نظر گرفت و دیدم که نه تنها خیلی دلخیز و از چهره اش علامت فلاکت و مغلوبیت رو نمودن بود. بعد از پیشین انسران و مأمورین روس به اظهار کردن یک فعالیت عصبیه آغاز نهادند. کشتیهای بخاری که در بندر گاه نرسیده اند بودند. بیرون بر آمدن یک کتایم متوجه شدند. بسیاری از اعدای شهر در زیر توقیف و نظارت سدی در آمدند. بحال این که میباید در میان شان جاسوس ژاپون وجود باشد. در هر نقطه ساحل پرر ها و تپانه های مسکری گذاشتند. برای محافظت و دفاع راه آهن و بندر گاه (دالی) تدابیر لازم اتخاذ کردند.

غریب است که دیروز شهر (پور آرتور) در میان یک سکونت خانه نساز حیات می نمود و امروز بعد از پیشین سیک اندیشه و اضطراب بزرگی افتاده بود. جان اصلی فعالیت قلعه (پور آرتور) امیرال (آلکسیف) که دالی هوادار اقتصادی شرق است میباشد. هزاران چنانچه در جمله امور میباید

و ملکه اجرای معاملات و اعطای اوامر و تعلیمات می نمود، در فردای آن روز
 فلاکت اندوز نیز برای محافظه شهر (پور آنور) و دیگر امور عسکر به بسکونت
 و بی پروائی که مخصوص شخص خود داوست اقدامات و تعینات بکار می برد اما این
 بی پروائی و آرامشی ادیرال (الکسیف) بک شایب ظاهرش بود که بر چهره
 خود کشیده بود، ولی بحقیقت صدای او به رهنه شور و پیانهای ژاپون که یکشب
 پیش در پستگاه (پور آنور) بشکتهائی کشیده و بسکونت شب را خلل پذیر
 گردانیده بود هیچ شبهه نیست که در آسمان افکار این کژدن با عظمت و احترام
 بک عکس صدای ایزم محمول نیارود باشد و مدارایه را بیک اندیشه بزرگی
 مستقیم و بازخواست، دو چیز کدر عظیم نکرده باشد.
 و قریباً محاربه طو بچی در (پور آنور) آغاز شده و وقت ادیرال (الکسیف)
 به (پتر بورخ) این تفراف را کشید:

«دسته کشتی های جنگی دشمن که مرکب از یازده کشتی بزرگ و هوش و
 گرو و آذوقه است فی الحال بنگله ریزی بر (پور آنور) آغاز نماید، قلعه (پور
 آنور) در حال به آتش دشمن جواب داد، دسته کشتی های جنگی ما نیز برای
 اشترک کردن محاربه لشکر برداشته بیرون برآمد. او در دو دسته کشتی های
 جنگی اقصای شرق، در راه شان و شرف شانک به محاربه کردن و نادمین
 جو و خود سینه بسینه جنگ کردن بک همچون و آرزوی شدید دستیابی
 و آرزو کس میباشند.»

این تذکرات نامه مختصر و الی عمه بر اقصای شرقی در غنچه پتر بورخ
 که از خبر کورت اثر پریشانه نهایت درجه و تأثیر بعدی در اولیک همچنان
 بزرگی بمحمول آورده بود و هر کس بیک بی عبوری و استهجان بزرگی
 به اقیانوس و نتیجه این حرب که سر از نو آغاز شده منتظر میبودند. بعد از کمی
 این انتظار و هیچجا به بیک سکون حسی تأثیر رفتی بیک از آن گریزند.

تبراً امیرال (الکسیه ف) در تلگراف اول خود مرده های که داده بود به این تلگراف ثانی در عالم (پترسبورخ) گمانی را که به نتیجه محاربه شدت منتظر بودند سر از نوبت تأثر الهی استیلا نمود . سورت تلگراف ایستاد : « بعد از آنکه دسته کشتیهای جنگی ژاپون بقدری کساحت بومیزدمان نمود آتش خود را قطع نموده و بسوی جنوب واپس گشته رفت . ضایعات ما در دسته کشتیهای جنگی (۵) افسرو (۶۶) نفر تسکیر مجروح (۱۴) نفر مقتول شده اند . در استحکامات ساحل (۱) نفر مشغول (۶) نفر مجروح است . در شنی محاذیه کشتی زره پوش (پولاوا) ، و گرو واز و رهای « دیا نا » و « اسقولا » و « نوویق » هر کدام در خط خط آب خود زخمیهای شدید برداشتا دو چار خسار شده اند . ضایعات و خساراتی که در قلعه واقع شده شایان تذکرات اهمیت ندارد . »

هر کس به این فکر افتاده بودند که نتیجه این مصایب و فزادگانی که یکی بشی دیگر میرسد بجه منجر خواهد شد : و از دشمنین بدخواه بجه گونه استقامت خواهند گرفت ، ولی فکر هیچکسی بر هیچ چیزی قرار نمیگرفت . زیرا کار از کار گذشته بود .

دشمن چون یکبار در حرکات اولیه سواق الجیمیته خود تقدم یافت باز چنان پیشود که در طریق خضر توقف ورزد ؟

بعد از آنکه امیرال الکسیه ف « را پورت (محاربه فی فیروزی) را به (پترسبورخ) فرستاد ، و اوامر و تعالیمت لازمه خود را در بنب پیداری و افتاده دسته کشتیهای جنگی و تسیرات کشتیهای خود را در دم بداد . اول کار یکبار کرد این بود که برای عموم اهالی (مانچوری) چنین یک بیاننامه نشر و اعلان کرد :

« ای اهالی مانچوری ؛ بدانید که در این روسیه و ژاپونیا حرب آغاز

کرد: من که بشهر آرزوی چار و تسلیب و قرار حکومت معظمه روسیه و الحاق
عمرمی اقصای شرق میباشم همه شهادت امر میکنم که این شش فقره را هر
يك فردی از شما مینماید که حرف بخرف تمقیب و پیروی نماید.

اولاً - در انشائی که در مابین روسیه و ژاپن است، مذاکرات صاحب بدویم داشتند زاپونها
بمخبر و ناگهانی بر دست کشتیهای جنگی ما تعرض خانانه اجراء نمودند لهذا نخستین
وظیفه ما اینست که بمقابل این معاملات حقوقی شکنانه زاپونها، و مقاصد
یکگانه آنها که عبارت از باغمال نمودن و لنگه که با کردن اراضی چینست تا محدود
روس، بعسرت بسیار معذنه و فداکارانه ایشانرا منع کنیم و مقابله نمایم.

ثانیاً - در امتیاز چینین يك تجاوز، منافع روس و چین باهم دیگر چنان
مربوط است که هیچصورت انفصال نمی پذیرد. پس لازم بود که حکومت
در خصوص طرد و دفع زاپونها در هر باب بر وسایع معاونت و عده ویرسانند.
چرا که از قواعد معاونت متقابل همین بود. حال آنکه حکومت مذکور
ببصرف بودن خود را، و در مقابل و قایمی که گذران باید مانند يك سیر کننده
مانند خود را بدین نمود. بناءً علیه جهت مأمورین ما بخوری را از نظر و
و بند آوری میکنم که برای همه قطعات عسکریت، که خواص سیر و خواص محافظ
باشند از زان و لوازم است کدام شتر اجماع آوری نمایند. و در خصوص هر اقتدار
که از دست شان بیاید در معاونت قسور نورزند.

ثالثاً - همه اهالی منچوری را معبران، و خان زانگان، و زراع، و تجار،
و همه چینی که کافی السابق بکار و بار خود مشغول باشند، و قریباً قطعات عسکریه
روس بر آنها بنیاد مینماید که بمطالعات مذکور، اهمیت و اعتبار تامی نشان
یابد، و چون چنین شود این عهد میکنم که از افراد روس به اهالی بومی
هیچ بدی نرسد.

د رابعاً - هرگاه بر خطوط راه آهن، و تلگراف، و تلفون که در

مانچوری هست تجزیات ، و تعرضاتی برسد همه اعیان و وجوه مملکت را که در اطراف و جوار خطوط مذکور سکنا پذیر باشند در زیر بازخواست سختی خواهم گرفت . به خطایط اخباریه ، و وسایط نقلیه زیان رسانیدن فی بلکه در خصوص تأمین و محافظه آن - می و غیرت بکار داشتن نیز از وظایف وجوه و اعیان مملکت میباشد . و اگر بر سر اینها تعلقات و اضطرابات بازم بر خطوط مذکور تجزیات و تعرضات واقع آید بغیر از آنکه اعلان جراً تکرار آنها را مجازات بسیار شدید جزا داده شود مأمورین و اهالی محله که در همان وقت اجرای تجزیات حاضر باشند بزدر زیر بازخواست شدید گرفته خواهند شد .

۳ خامساً - - خونخوارها ، و دزدان درین سرخ که بر سر مردم مانچوری یک بلای مرمی شده اند ، اردوی روس اگر ممکن شود همه آنها را از بیخ و بن برخواهد کند . لهذا شما از ضرر و تضییق آنها هیچ پروا نکنید . تنها جاهائیکه آنها پنهان باشند بنا خبر دهید اردوی روس علاج آنها را بواقعی خواهد کرد . و هرچیزی که ازینگونه دزدان و دزدانرا در خانه خود قبول بکند ، و اینجاهائیکه آنها پنهان باشند اشته خبر نمیدهد مانند خود آن دزدان مجازات خواهند دید .

۴ سادساً - - محقق میدانم که اهالی مانچوری به قابل اردوی روس اعتماد تام ندان خواهند داد . ولی اگر بآلکس یک قسمی از اهالی و مأمورین محلیه بر اردوی ما بدشمنی قیام ورزد پیشک و بی شبهه که آنها را با تمام محو و تلف خواهم ساخت . تمام اهالی مملکت بدانند در هیچ شبهه کنند که حکومت متبوعه من همه حقوق و منافعی که درینوقت در داخل این اراضی وسیع دوجار ضرر و تنگی شود همه را بصورت بسیار جدی و حقیقی مدافعه و تلافی میکند .



• که از (۹ تا به ۲۹) فیروزی جریان یافته •

بعد از محاربه (۹) فیروزی دسته کشتی های جنگی روس به بندر
داخلی واپس کشیده در بندر آره پرونی تنها سفینه های (قره خول) - یعنی
دیده بان مانده بود . درین میان به کرجه برای استکشاف بعضی سواحل
همچو از بعضی تشببات خورد و در یزده بوقوع آمده بود ولی بدسته کشتی های جنگی
ژاپون در هیچ جا هیچ يك تماس دست نداده است . باوجود آنهم روسها
در ایام متعاقبه دو کشتی قیمتدار دیگر نیز ضایع کرده اند :

در (۱۱) ماه فیروزی کشتی نقلیه نقب دریایی روس که (به نه سن) نام
داشت در حالتیکه مشغول عملیات سد کردن مدخل (تالیه ن وان) را با شور
پیل بود ، از طور سیراهی که خود او وضع کرده بود بشا ابر باد و جریان آب از
جای خود خطا خورده به کشتی مذکور مصادمه نمود ، و در آن واحد شرق
و نابودش ساخت .

درین واقعه هون انگیز (۴) افسرو (۹۲) نفر عسکر ترك جان و جهان
کرده اند . روز دیگر (بویارین) نام کرو و آرزوروسی نیز بهین فلات ترك جان
حیات کرده ، - یعنی این کشتی نیز در خلیج (تالیه ن وان) با يك نقب دریایی خود
روس مصادف کرده محو و نابود شده است .

در (۱۵) فیروزی بوقت شب در حالتیکه موجه های دریا مانند کوه ها
بالا میبر آمد دسته کشتی های جنگی طور سیدوی ژاپون باز یکبار بر (پور آرتور)
تاخت و تاز نمود ؛ اما بسبب تیرکشی ظلمت شب و شدت هراد و چار انقسام

شدند، آنها (آساغیری) و (هنیاتوری) نام دو مغرب های طو در پیدوی ژاپون از طوفان گردله برف که بشدت حکم فرمایند استقامت کرده بر دو سفینه دشمن که در پیشگاه مدخل بندرگاه و ضربه دیده بانی را ایفا میکردند هجوم برده بفرق کردن و نابود ساختن بی ازین دو کشتی موفق و کامیاب شده اند.

اما امیرال (توغو) در آشنای این طوفا آنها هیچ بک حرکت جدی و حقیقی تشبث نکرده بلکه آنها بر سرمد خصم اکتفا ورزیده است. اینهم از دو سبب نشأت میگردد؛ یکی آنکه هنوز اسامی حضرات و لوازمانی که برای مد کردن مدخل (پور آرتور) که در اواخر ماه فروری اجرا کردن آنرا امیرال (توغو) مصمم نموده بود تمام و ختام نیافته بود، ثانیاً اینکه قوت کشتی دسته کشتیهای جنگلی ژاپون شافعی کرده بود. زیرا بعضی سفینه های ژاپون که بصورت خفیف دو چار خسار شده بودند برای تعمیر بسواحل بمالک ژاپون فرستاده شده بودند، دیگر اینکه در (۱۲) ماه گرو وازورهای روس که در (ولادیوستوق) بودند، که آن در دریای ژاپون ظهور کرده بودند از آنرو امیرال (توغو) مجبور شده بود که یک دسته کشتی را از دسته کشتیهای جنگلی خود تفریق داده در زیر افسری امیرال (قامیه در) بدریای مذکور بفرستد.

در حوالی (ولادیوستوق) امسال زمستان کتر شدت نموده از آنرو (زائزه اشینان) نام فرماندان بحری روس بواسطه واپورهای بیخ شکن مدخل بندرگاه (ولادیوستوق) و از بختها بک کرده برای سربازان بیک حال مساعد و موافقی در آورده بود. در (۱۰) فروری (غسومبوی) و (روسینا) و (رورینق) نام گرو وازورهاراد، زیر افسری خود گرفته به استقامت جهت شرقی از بندر گاه (ولادیوستوق) بیرون برآمده بود. روز دیگر در پیشگاه آشنای (چوفا دو) بک کشتی تجاری ژاپون را غرق کرده است. و در همان وقت یک کشتی سوداگری دیگر ژاپون بآز طرف این گرو وازورهای روس به پیش انداخته

شده بود ولی کشتی مذکور حکمتها بکار برده خود را از دایره تأثیر کشتیهای جنگی مذکور بیرون بر آورده است .

امیران (قامبورا) که با کشتی زر میوش (هاتسوزه) و کرو و ازورهای (ایجو مو) و (آجو مو) و (ایوانه) و (دقو مو) بمقابله دسته کشتیهای جنگی (ولاد یووستوف) رفته بود اگر چه یکچند روز در آن حوالی گردش نموده است ولی بارشمن هیچ بر نخورد ، بوجود آسم په امیرال (قامبورا) یک وظیفه بسیار مشکلی و نازک داده شده بود که آسم عبارت ازین بوده بندر گاه (ولاد یووستوف) را در زیر تصرف بدارد ، و سواحل دریای ژاپون و نقلاتی که درین دریا از طرف ژاپون اجرا میشود بمقابل خدمات دسته کشتیهای (ولاد یووستوف) دانقادر زیر محافظه و امنیت بگیرد .

برای تصرف (نچور) نام واپور جنگی طوپکش روس که در (شانههای) نام بندر چین اقامت داشت ژاپونها (زوما) و (آقیت زوشیما) و (ایجو) نام کرو و ازورهای خود را بمنصب نهر (یانفجه) فرستاده بودند ، بعد از مناقشه و مذاکره بسیاری که روسها با آموورین چین کردند نهایت الامر روسها منجبور شدند که بنابر قاعده بیطرفی دولت در (۸) مارچ اسلحه و تجهیزات واپور طوپکش خود را در بندر گذاشته بی کار خود بر رفت ، کرو و ازورهای ژاپون نیز زهره داری درهایی یافته برای اعزای دیگر خدمات برقتند .

(سپووج) نام واپور طوپکش روس نیز یک سفینه غایب شده شمرده میشود ، زیرا این کشتی نیز در بندر گاه (ایتو) باقی محصور مانده بود و گریز که یخها باز شود باز هم از انتظار نجات کشتیهای ژاپون و رهائی نخواهد یافت و بر فرزند کردن موفق نخواهد شد .

دسته کشتیهای جنگی تقویه روس که در زیر کوماندهای قوترا امیرال (ویره نیوس) بود از او در برابر خواسته در نصف اخیر ماه فروری بقسم جنوب بحر

لاحرم و اصلت کرده بود برای این دسته کشتیهای جنگی يك سر بسوی شرق و ام بیرون يك حرکت جرأت کارانه شمرده میشد . چونکه صرف نظر از مشکلاتیکه برای تدارک کردن زغال از بندر کاههای دولتهای بیطرف درین راه دور و دراز برای او در پیش است، واصل شدن شان بدون آنکه از طرف دسته کشتیهای جنگی ژاپون دیده شود بیک بندر که اقصای شرق روس غیر قابل و عدم الامکان بنظر میآید . و اگر بخواند که دسته کشتیهای جنگی ژاپون در لزوم شکافه خود را هدف مخصنر مانند اسنهم بهبب ضعف فوت او محاله میباشد علیه در (۲۳) فیروزی قوترا امیرال (پور و شیوس) را امر بازگشت داده شد .

اینست که اینصورت دسته کشتیهای جنگی اقصای شرق روس از هر قسم قوه معالونه و مدد دسانی محروم ماندند . حال آنکه حکومت ژاپون دو کروز و از ورز رهپوش دیگر که از (چنوه) خریداری کرده بود (۱۶) فیروزی به (یوفوزوکا) که از بندرهای ژاپون است مواصلت کرده بودند . که باین سبب قوه بھریه ژاپون يك تفوق و برتری مسمی حاصل کرد .

در اصف اخیر فیروزی و پس امیرال (ما قاروف) بدسته کشتیهای جنگی روس که در بحر محیط کبیر بوده سوانسری بزرگه نغسب و تمییز گردید . اما نرسیدن مومی الیه امر و کوماندانی دسته کشتیهای جنگی را باز هم امیرال (شتاروق) اشأ اینمده .

شهر (پور آرتور) کم کم به انزبات خارجیه اش خنل برسد . بنا بر (۱۷) فیروزی خط تلگراف تحت البحری که (پور آرتور) را به (چنوه) ربط داده بود از طرف ژاپونها بریده شد . از دیگر طرف در جهت های (استقو) شرقیای چین خطوط سنا برده تلفون و تلگراف (پور آرتور) را که تا به قصبه (دالنی) موجود بود قطع نمودند .

این دو حادثه اگر چه در دیگر ایام آنقدر اهمیت و اعتباری نداشت ولی نظر بشرانط معلومه وقت حاضر اهمیت بسیار بزرگی را حائز بود و این دو حادثه سبب آن شد که امیرال (الکسیه ف) يك آن اولتر قرا که خود را به (مو کدن) نقل بدهد. لهذا پیش از آنکه (پور آرتور) راترک کند يك بار دیگر زیارت کردن و دیدن طوینجانیهای ساحل را مناسب دانست در اثنای این زیارت به افراد طویچی نزد جماعتی که در مخاربه (۹) فوری نشان داده بودند اظهار تشکر نمود و برای دیگر حرکات که بعد از این بوقوع آید آنها را تشویق و ترغیب کرد، و به بعضی از آنها نشانهای بخش نمود. بعد از آن قرا که عمومی خود --- یعنی (مو کدن) عودت نموده بر اردو دسته کشتیهای جنگی پنجین يك او امر بوجه نشر و تمهیم کرد:

دای اردوی جسور و ای دسته کشتیهای جنگی غبور و بخوبی بدانید و فراموش نکنید که نظر دقت حضرت چار، و بلکه تمام نظام انانیت در سنوات بطرف ما معطوف مانده لهذا برای مدافعه کردن محکمیت، و قرونبا و دادن دولت و وسبه و الزام دیگر دولتای معظمه بر ما فرض و دینست که جانیازی، و فداکاری را اساس و وظیفه خود بدانیم.

• هرگاه دشمن ما، چنانچه میگویند: خیلی قوتمند و توانا باشد ازین چه بهتر! چرا که در اینصورت با یک دشمن همباز و کفر خود جنگ میکنیم، و دشمن خود را لایق بنمود می بینیم، از انسب انتظار باید بکنیم، چونکه شرف و شانی که تفریهای پری و بحری ما حاصل کنند، نسبت به بزرگی دشمن بزرگ میشود.

• در تاریخ شرف و شان اردو و دسته کشتیهای جنگی ما، اطرات و مآثر بسیاری از بزرگان، هموطن ما، سلطوزاست، لهذا آن مردمان بزرگ درین وقت حاضر، شوق تجربه و هرقان شه باید بود.

و جناب حق ، که دایم السیاب حقیقت را محافظه و ذی حق را بحق میرساند در پیاز مزارع محافظه خواهد فرمود . چون چنینست برای دوام کردن بر محاربه یکجاشهر ، و سدیهای خود را یکی بکنیم ، هر یکی از شما برای حسن ایفا کردن وظیفه مودوعه خویش ، بیاید که اعتدال دم و سکونت فکر را پخته کنید .

بعد از نشر کردن این امر یوبه مالکیه ف ، و ایضا از کان حربیه ، و جمله هیئت سیاسیه و قلمیه خود یکجاشهر (پور آرتور) را ترک کرده بعد ازین مسئولیت منافعه شهرتینسا بدهند کومانندان و پور آرتور و جنرال (انتوس) باقی بماند ، کومانندان مذکور در اول امر ادارت صرفیه را اعزاز ، و برای المصلحتن قلوب و اذهان باشندگان شهر ، و دیگر نقاط ملک بیستامه نشر و امداد نمود .

تشریح نخستین برسد کردن مدخل پور آرتور

۲۴ - فروری

جموعه های اول و دومی که از طرف دسته کشتیهای جنگی ژاپون بر کشتی های جنگی روس بوقوع آمده بود اگر چه قوای منویه روسها اندکتر ، و قسم مهم سفاین حربیه شد ترا ما پوس و متضرر ساخته بود ولی با وجود آنهم دسته کشتیهای جنگی روس هنوز بحالیکه بر حرکت کردن غیر مقتدر باشد نرسیده بود . بناه غلبه در جوارده شد ، ولیو ، که ژاپونها سو قیسات عسکریه اجرا میکردند -- یعنی باو پور هائی نقلیه از سواحل ژاپون به ارا ضی ، مانجوری عسکر میداوردند احتمال اجرای تعرض از طرف کشتیهای جنگی روس بر آنها در هر آن و هر زمان موجود بود ، و چون سفائن روس که در محاربه های اول از طرف دسته کشتیهای جنگی ژاپون خسار زده

شده بودند آهسته آهسته تعمیر میشدند. احتیاج تعرض را بیشتر میکردند و تپید و ریگرایسکی بمناسبت شدت طوفانهای برف و مدخل (پور آرتور) را همیشه در زیر نرسیده اشقی برای دسته کشتی های جنگی ژاپون کیفیت بسیار مشکلی بود. لهذا ویس امیرال (توغو) اندیشید و قرار داد که یکجند سفینه های تجارتی را در مدخل پور آرتور غرق کرده کشتیهای روس را در آنجا حبس نماید.

امیرال توغو بری اجرا ای ایسکار پنج عدد سفینه بزرگ و کهنه تجارتی بدست آورد. مرتبان سفاین مذکوره عبارت از (۱۰) افسرو (۶۹) نفر عسکر بود. این نفرین از میان صدها دلاوران داوطلب انتخاب شده بود، و همه گی آنها در زیر کوماندا می (آربا) نام کپتان کشتی زرهپوش و به قزاق که سفینه امیرالست داده شده بود.

تنگترین جایشکه در مدخل بندر گام است تقریباً (۳۰۰) متر میباشد اما خط آب سفاین جسمه حربه به بلندی (۷) متر میباشد لهذا قسمی که در مدخل بندر گام مذکور مساعد برای سیر سفاین باشد زیاده از صد متر و بهائی ندارد.

نشیاناتی که برای سد کردن مدخلهای بندر گاهها تیرک انجاء گاه دسته کشتیهای جنگی دشمن شده باشند بوقوع میآید بمشکلات و مواعع بسیار بزرگی بر میخورد. اینگونه نشیانات خیلی مشکل است. و بیک حرکت حربه است که اکثر تابع طالع و تصادف میباشد. در مخاربه بهی (اسپا) نیاه (واصیکا) کوماندا آن دسته کشتیهای جنگی امریکایی برای سد کردن بندر گاه «سانتیافو» که دسته کشتی های جنگی اسپانی در آن انجا کرده بود نیز همچنین یک تشبیه اقدام نموده بود. و اجرای ایسکار را به صوبه دار بهی (خویسون) نام انگری محول نموده بودند. صوبه دار مذکور در

(مهره ای) نام کشتی کهنه و بزرگی سوار شده کشتی مذکور را در مدخل بندر مذکور غرق کرده اند. و در واقعاً که اصل مقصد حاصل نشده بود -- یعنی اصل مدخل سد و بند نشد .

صرف نظر از تدابیر یک دهه من در پنج مع این کار بکار برده در آب های یک جزیران در آن موجود باشد غرق کردن یک کشتی با مدخل مقصود از کار های بسیار دشوار فن بحری است . زیرا کشتی ، مانند یک جسم ثقیلی بسرعت در جهت شاقولی سقوط نیکند و آهسته آهسته غرق میشود تا آنکه جزیران آب اورا از نقطه هدف مقصد دور تر می اندازد .

امیرال (توسعه) اینخصوص را بنظر داشت و اهمیت گرفت . و پنج کشتی که برای غرق کردن تدارک بود ، بود به سنگ و چوب و دیگر مواد شعله و بعضی مواد مشتعله مانند پرول ، وقت و غیره پرومالان نمود . و برای در دادن این مواد مشتعله ترنیتات الکتریک از ساخته بود که به اینصورت در یک زمان واحد هم کشتیها آتش بگیرند ، و هم بقوت پر شدن آب در کشتی بسرعت تمام در قعر دریا فرو می رهند .

بین سفینه ۲ (۱۳) عدد سفینه های مخرب به طور پید و زیر یکجا می رفت ، و نیز این طور پید و ها آن بود که او را کشتی جنگی (زده نوزان) روسی را از خسارت زده شده و در مدخل بندر گاه مانده است سر اسراژ کار انداخته ، و ضرر آن را مانع می آید . نسیماً به دراز اندک کشتی های آتش بار خود را در محل مقصود غرق سازند مرتبات آنها را تخلیص و رهایی میدهند .

پس از آنکه این پنج کشتی بمقصد حرکت کنند ، و قنای افسران و دلاوران دایر علیه کشتیهای غرق با آنها سرام و دایه و تشویه را ایفا کردند ، و برای حتمن موفقیت و کامیابی آنها دعاها و نیایشها کردند .

ه پاشپرو ه نام کچان کشتی ز رهپوش (آسانا) یک فنج نقره بونی که یکی از شاهزادگان زاپون به او هدیه کرده بود از آب ساخته ، ودلاوردان دوطالب کشتی سو از ان غرقی را خطاب نموده ان لطفی آتی را بخواهد :

ه شهناز یک موقع بسیار تهاکه ناکی که در ذره شدت آتشی دشمن سروس میباشد میفرستم ، باز گشتن ازین امر که در جزایک محتملست . شهناز که باین موقع تهاکه ناله میفرستام چنان میدیدم . ام که از اولادهای چگر یازده خود جدا میشوم ، ولیکن اگر مدد اولاد من نداشتیم همه آنها را در راه این شرف و سعادت فدا میساختم و سرهای آنها را در گذرگاه دشمن که باین خاک مقدس پائی نمرض انداخته بود سدا نعت میخواندم ! و اگر تنه یک اولاد من نداشتیم آنرا نیز ازین شرف محروم نمیساختم ! بروید اولادهای من بروید! جسدت و شجاعت اولادهای محکمت (شاهس طالع) ز بر دشمن اثبات نمیشد در انشای انقادی و نلفه اگر دست راست خود را غائب کنید بدست چپ خویش ، و اگر هر دو را غائب کنید با پای خویش کوشش کنید ! و شاید پای شهناز برود با سر خود غیرت کرده در باب سجا آوردن امر گو ما بدان خود سعی و جهد ورزید !

وامان در احم بخوبی بداند که در هر یکی از شمولیقه بسیار عظیم و مستولین بسیار جسمیم باز کرده شده است ، هر گویکه در حدود این ایقادی ایچین وظیفه عالی ممانت کافی نمی باشد از حال بگویند ! ترفیق محبت نیست ، اما در حالیکه در دیش فروزه از خرفی و تردد باشد و بجه سارت کاذبه و شجاعت ساخته کارانه بساحه جنگ و وغا بود . عیب و عذر بزرگ شمرده میشود .

در اینجا نطق کرمان بعد اهای بر هیجان (زند باد مبارکادو) منقطع گردید ، بعد از انکه ایناعوان نهیجات ذائل شد کچان بار بر سخن خود دوام کرده گفت : پس چون چنین است شمار اوسبت میگویم که بمرید همه تان بلااستندا بمرید ! ولیکن حیات خود را حقیر شمرده تنبهار ای حاصل کردن نام و شهرت

نیست و اهم که خود تارا بشکند پند از بد. میباید که عفت هیچ یکی از شاهان دشمن
 تار مسرور و روان نسازد هیچ یک سر کی به آئینه و بی ثمره باید بود. هر کس
 بعد از آنکه و خفته خود در احسن ایفاء آنگاه که موت را در آغوش باید کشید اما
 ه از پشت پرده استقبال یک ساری و نوری میدیدم و به مجلسی یک روز مسعودی
 منتظر میباشم ، که آروز شاهمانی و مسرت هانست که به پایتخت و فدا کارش
 مانند عمال اولاد هندی و این دسته کشتهای جنگش دشمن در بندر گاه (پور آر
 تور) محبوس نمند و بر شنیدن این خبر مسرت تمام ز این تیا بود چه در تمام القهقار
 بکنند و در پناهنگامیک از شاهان فرآیدی بیکم لایحه بود و انقاج ششمین
 ایضا محو بهم کرد چونکه و خفته شاه روتی فکر و وضوح قلب بکار دارد و ای
 شاهان چه زیست که رونق و صافیت فکر و روح را زایش میکنند .

ه بیاید ای عمدهای فدا کاروی اولادهای حکمدار ظفر انداز و
 نی توها از آن جن و وض و ای قهرمانان شهادت گمن : برنید که همه بیکجا
 یک یک قنق از آب صاف و بر اف که حیات هر چه است نوش کنیم آری آری
 بنوشید ؛ بنوشید و بسفینه های خودتان که مقرر اندی تن خور اند شد
 - بنوشید ؛ زنده بد بیکادو : زنده باد حکمدار ما !!

بمجردیکه هوا کسب سکونت نمود و بجز کت شد بندر گاه آغاز و زبند شد
 سفین که دسته کشتهای جنگی حریف را نشکین داده بود (۳۳) فبروری
 در روز هندی یک دسته کشتهای جنگی که از طرف ای طور رسید و مشکلی بود به سبب
 ری بر آمده در شب دو جوار (لیا تویشان) با هم دیگر بکجا شدند ، از نتیجه
 کشتهای که از طرف بجز را اجرا میشد هیچ یک کشتهای جنگی دشمن بجز از
 یک کتی دودیر که تصادف نشد ، بعد از آن سفین حریفی ، کنار ساحل را اگر چه
 یکسر بسوی شمال شرقی بجز گت آغاز نهادند و برای آنکه تمکن باشد خود را از
 انفجار تیسس دشمن بگردانند سلسله جبال (لیا تویشان) را سپردم بدشمن

تغریب کردن خواستند. مژور سیدو هادالمها مین اصول حرکت میکنند. ساعت
دویم بود که این دسته کشتیهای جنگی در پیشگاه (پور آرتور) ظهور نمود.
روسها بعد از هجوم (۸) فوری برای آنکه بعد ازین بار با نخبان مصافی
گرفتار نیایند بکمان آتیه و بیداری میبودند، ازین سبب همز و شنیها و چرخهای
را که در بندر گادوقصب میجود بود داخلوش ساخته بودند. شمار (پروژه کتور)
های قوت ناک لکتریک سطح در پارا اتیسیدر چاهار روشن مبداعت و کشتی
زرعیوش (زرتوریل) در جهت چپ مدخل در یکجای کم آبی خشکه آتیه
بود. طرف سرسینه چون در آب بسیار تر فرو رفته بود در عین داخل اوقابن
نشسته بود. و از سربیک کشتی نگهبانی که راغبار ای گه انداختن مهیا، ششهای
آثار بطرف دریا دور داده بهمان حال که ششم بود. پیرامون کشتی (ده
توریل) در مسافت (۵) کیلومتر و کشتیهای ژاپون را دیدند. و بنجد درین
دیدت تمام بگه انداختن آغاز نهادند؛ و بطور بجزانه های ساحل نیز به این اثر ضب
اشترک ورزیدند؛ آتش طبع بیانه ساعت پنج صبح دوم نمود.
پس از زوال سفینه های ژاپون، روز بر آتشی شدید طبع بخانه های روس،
و در میان شعلات شدید، و ژاکتور های لکتریک از چهار طرف سطح دریا
پر تو انداز انعکاس بود شدت و سرعت تمام به پیش بتاختند.
در میان این ضیاعای شدید، چندان سفینه، تان و مریبان، سفینه های
ژاپون بدر خندیدن آمده در خصوص شناختن راه و تعیین جهت حرکت و استقا
ت خودشان خیلی متحیر و متردد ماندند بحقیقت نه اگر ضیاعی الکترونیک را نام
بر چهره شخصی عکس نمیشد بدین و تحریق کردن برای آفتشخص ممکن نیست.
نه در زمین و نه سایبان هیچ چیزی تقابل این ضیاعی شدید میباشود. و
و مانند کوران حرکت کردن لازم میآید؛ تعیین مسافت و جهت یککلام
مفقود میشود.

سه کشتی که در پیش بودیش از آنکه به مدخل برسد با گه‌های طوب‌عی روسها خرق گردیدند. دو کشتی دیگر که در پی آنها بود تا مدخل به پیش رفتن موفق شد: یکی ازین دو کشتی در پیش قنّه، لنگر بک و تویه برابری کشتی (ره تورزان) از طرف مراتب آن خرق شد. آنگاه استقامت حرکت خود را کم کرده و بک کتی دیگر بسوی شرق رفته در خارج خط سیر سفین خرق شده. غنچه‌های طلوریدوی ژاپون به (ره تورزان) نیم‌جان بزرگ شدن موفق شدند. اما بدست کشتیهای جنگلی کروازور روسی که در وقت در پیش روی بندر گه بیرونی اخذ و قمع کرده بودند ریختند.

هر کشتی که خود را برای خرق آماده کرده بودند بک قایتان در پشت خود بلرسمان بسته کرده، یکسبدها آنکه بعد از خرق کردن کشتی خرق کننده گان خود را با آن قایق‌ها رهایی دهند. طوری پیدوها نیز فرارند. ازین قایقها در خود جمع می‌گردند.

حال آنکه طوری پیدوها بسبب تأثیر آتش دشمن بگانه کشیدند مجبور بودند. لهذا قایق‌های باروی مددگار بسر خود مانده بودند. یکسبدها در جبهه مقینه آخرین خرق شده بود خشک نشست. و بک قسمی از افراد اسیر دست دشمن شدند. و بک قسمی در میان قایق‌ها قتل گردیدند. تا بک قایتان که در میان آن یک نفر و (۴۸) نفر اسیر بود یکسبدها خود را از آتش دشمن موفق شده به سارا آنکه بیاید و باقی بر روی وجه قایق‌ها و ششمین بیابان دیده نهایت بسا بک چیز برآوردگی از جزئیات معامه (ژاپون) خود را رساند. توانستند و در نتیجه کشتی باقی چون تصادف کرده با آن کشتی به زنجیرها رفتند. و در آنجا از طرف قونسونوس - یعنی شهیندر ژاپون استنباط کرده شدند. بک قایتان دیگر نیز که در بین آن هفت نفر بود و در دوم به سارا پشین در روی دریای آزاد از طرف دسته کشتیهای جنگلی ژاپون دیده شده در حال

رعایت شده اند .

این حرکتی که برای محاصره (پوز آر نور) او صرف دریا بروی کار آمد هیچ یک نتیجه موافقی مچون نگردید . تنها باقدرت دره برای مظفر پات آمده دستة کشتی های جنگلی ژاپون برای تخریب جدارت قهرمانانه ، و حدیث صداقت پرورانه مرئوسات — یعنی عساکر محریه ژاپونیکو اسطه خوبی شد . و بحقیقت چون نظر شود دیده میشود که بر او بغای این وظیفه مهمه مشککه هر از ان افراد بر فنا کردن جان دریغ نکردند . بسیاری از افرادی داوطلبی بر آیدم بدخواب خود عسکر شده اند ، حتی بعضی کسان بسبب کثرت و انبساط و طبعین برای آنکه جواب رفت دایمی امیران در کشتی که ایشانرا قبیل گذرانگشتهای خودشان را بریدم بچون خود اسامه ها نوشته اند . و در آن استادهای خود را اندام بودند که اگر از فدا کردن جان در راه حضرات (یکانو) شرم و پشیمان خود را خود خواهند گشت .

روها ، و عین الخصوص ، طبعات روسها در او روزی ازین فعالیت و سیدائی که در باب مسافعه بندر که بکار برده شده تفاخرها ، و شانها بسیار بی اندازه نموده اند . و این تفاخرها بیکدیگر چه حق هم داده ، میشود . زیرا پوز آر نور قوت خود را نشان داد که سراسر بخواب و عنایت نیست ، و کم و بیش از حیث در و موجود است :

از دیگر جهت یک شریک عارف اینست که دو کشتی تجاری کهنه تا بسیار دور حاضر خواسته در پهنه ای از گلهای خوب های آتشوز غران ، و صد ها صیانهائی شدید الکتریک در خشای خود در آمدن خلق بندر که رسانید . و وجود خود را خوب بدست خوب در راه مدارا شدن دشمن غرقه ثبات نمود . یکبار بحسامت ، و قوت تیرات مدتها و سلیطه مدافعه که بسوی این دو کشتی فرسود ، توجه شده تفکر و ماز حفته کرده شد . اقوا ناریه ثقیله ، و طوب

LIBRARY

های کوچک چاپ سریع آتش که در استحکانات ساحل بوده طومرهای دور انداز
گشتلی (ره تو زبان) همه کن از یکسو بران یکگشت دلاور آن دانو ناب
که در روز آن دو گشتلی منبانی بودند آتش پانهمین بخندند و آن آتشخور
شرف و شرف آتش را گشتن شعر دیه پیشه و بر فتنه تا آنکه کرد آتش که
این واقعه چون بنظر وقت و ملاحظه گرفته شود پانهمین حکم میشود
که گشتلی روس در خصوص، انور و حرکت قابلیت نماندند و طولی
سواحل و زاپورهای روس در زمین زدن و آتش را سوز و انداز کرده پارت
شان کمتر است و برای زاپورها در سوز که هر چه در ظاهر است و نه در خاموش
ولی در حقیقت حال یک مغفرت معلوم باطلانی عیب بر راجع است که
روز دوم این واقعه بوقت سحر (باین)، (استول)، (تویوق) نماند سه گرو
و زور روسی را سوز که برون بر آمده خود استند تا اثبات پانهمین که
زاپور منابع و واقعت نشده است *

درین شب یکصد گرو و زور و طومرهای زاپوری در خارج مانت آتش
طوب نمودار شده بر رجعت کردند و این (گشتلی) روسی در شب این هجوم
(۲۵) فیزیکی به نایب چار - یعنی (کاسیه ف) که در (سوکرن) بود این زاپور
مصلحت واقعه زاپور با ترفا از فرادین خود چار صغر که در است
حکایتی منقسمه را که در شب هجوم طومر - دهی زاپور و گشتلی (زده تو زبان)
از طرف روسی این واقعه را رسیدند گمان است تا بگذشت حشمتی یعنی شدن
عرض میگم :

روز (۲۵) فیزیکی وقت صبح بود که صدای انداخته شدن طومر از
گشتلی (زده تو زبان) سکونت و آرنای را که از مدتی در حرکت است که پانهمین
بود خان پیش - است *

دره تو زبان مانت وقت مخصوصه یا از اشک بخلاف شبه جزیره پانهمین

بر طوری پدید می‌آید که بسوی او در حرکت بود آتش می‌گردد و طوفانخانه هندی ساحل
بزرگه توپزان به آتش اشتیاق و زلزله بقدریک ساعت به طوب اندازی دوام
نمودند و ولی چون ساعت پنج کشتیهای آتش دشمن باطل و رسید و ۵۰ بسوی
داخل بندر گاه و کشتی ره توپزان یکسری شدت هجوم آوردند آتش توپهای ما
افاضه بصورت مہنگانه بنگاه توپزی دوام نمودند *

آتش برای دشمن آنقدر مہنگ و زور شده بود که کشتی آتش اول دشمن
را در داده در نزد قلعه نکتری یک غرق کرد و دیگر یک کتله که خوب نشان
گرفته شده بود کشتی دیگری دشمن را در دامنه‌ای (که مطلقاً) غرق کرده
است. این کشتیهای دشمن را سفین طوب پدید و تحریک و بگرد * این فہمیدہ
شد که سفین مذکورہ بمہمات * کردن و داخل بندر گاه و بر هوا کردن کشتی
(ره توپزان) مکتف و دماورد بودند. نظریه اقوال بسیاری از شاهدان
دماورد شدہ سایہ و زرد کتور حای الکتریک دو طوب پیدوی دشمن بقدر دریا
غرق شده است. و از سرریات آنها فرد واحد رهایی نیافته است *

و کشتیهای آتش بمعمولات سد کردن و داخل بندر گاه موفق نشده
بالمگر دو چہرہ ریشانی شده اند. سفین طوب پیدوی دشمن نیز اگر چه
چند بار کشتی (ره توپزان) هجوم نموده اند و آید میدان شوقی با جری آتش
بر ہم دیگر شان دوام ورزیده اند *

« چون روشنی صبح چهار اروشن ساخت دو کشتی دیگر دشمن نیز
دیدہ شدہ کہ بسنگلاظہا خیزدہ از ہم باز بارہ شدہ بود، و لاشہ یک سفینہ
خوب پیدوی زینون بزرگہ شد کہ در نزدیکی ساحل (شہ جزیرہ بلنگی)
غرق شدہ بود. از نتیجہ تحقیقاتی کہ اجرا شدہ معلوم گردید کہ کشتیهای آتش
کہ ہم از میان آتہا (۳۰۰۰) * تون * بالغ میشد بعضی مواذ استمالیہ
بسیار مؤثری برومانی شده بودند * با وجودیکہ در باب خاموش کردن آنها

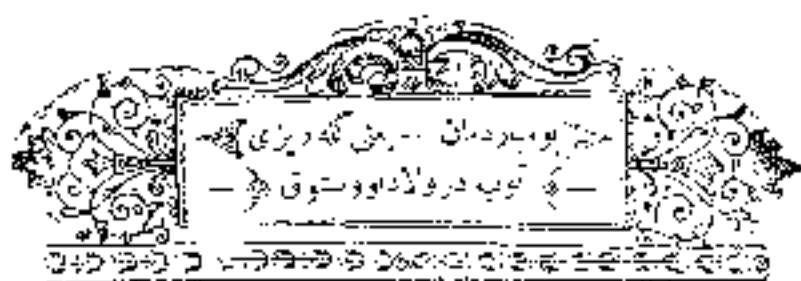
بسیاری وفد کارها اجرا شد ولی باز یکم گفته می‌آید در میان علما و شاعران
در سوختن بودند .

« عقب گیری دشمن محال بود ، چونکه در جوار مدخل بندر گاه
بسیاری از اجسام بر سطح دریا ریخته میشد . ه از علامت آنها معلوم میشد که
ترتیبات قبه‌های محری از طرف دشمن در انچه وضع شده باشد .»
امیرک (شتارقی) بسیاری از فقرات این دیوار خود را بر مسوولیت و
روایات افسانه‌داده ، و از دید شدن لاشه‌ها پلک خود پید و بحث رانده است ؛
حال آنکه این سخنها هیچ یکی مقارن صحت نیست .

در شب « ۲۵ » فروری یکجند مغرب طوری پندوی ژاپون بعضی قایقهای
بزرگی با بنیان در چینی رفت پیش روی خود سپر کرده ، بر کشتی بزرگ توپون
هجوم کردند . ولی بازم به قضیاتی نازل شده باز دست کردند ، و روز دیگر
به وقت سبوح (بنان) و (دهان) و (استیلد) و (تو ، یق) نام گروه از توپ
های روسی برای استیصال بلوری دروغهای (به ستر آشی) (و دو نوجینتی)
که برای منصفه استکشافی ساحل شرقی نیم جزیره (فو آ شوئو) فرستاده
ده شده بودند و هنوز برنگشته بودند از بندر گاه بیرون برآمده بودند ، اما
در عین زمان دسته کشتیهای جنگی ژاپون با گروه از توپهای مذکور آتش
بزرگی کشاده آنها را و ایس به التجه بدن بجهای و خوبخانیهای ساحل مجبور
کردند ، یکجند گروه از توپون بر دو ضلع پندوهای روسی که بیرون
برآمده بودند هجوم برده یکی را در جوار خلیج (کچونو) غرق کردند ، و
دیگری به (پور آرتور) به فرار کردن موفق شده است .

قسم کلی در سه کشتیهای جنگی ژاپون در پیش روی « پور آرتور »
صف کشیده است حکایات ساحل و بندر گاه درونی و بیرونی از آتش طویب
بقرار (۱۰) دقیقه گرفتند .

در « ۲۹ » فروری ژاپون با جزیره (خیانسو) را تسلط رسانده بودند .



- ۶ -

در روزهای اول مارچ يك واپور بخارتی (نسه) از (ولادیووستوق) برآمده به (ساقو دانه) پیامد، و خبر داد که دسته کشتیهای جنگلی کروواروهای روسی در (۲۹) فیوری باز از سارنگه (ولادیووستوق) بیرون رانده اند .
 دسته کشتیهای جنگلی روس ایران (قایمورای) که از يك زره پوش و (۲) کرووارو مرکب بود، چردشیدن اینسخن در دریای ژاپون درآمده و یکجانبه و در آنجاها گذن و گذار کرده و به اثر قدم دسته کشتیهای جنگلی دشمن تصادف کرده . در (۶) مارچ بحیریه (آقواید) دو احداث کرده این جزیره بخت جنوب شرقی (ولادیووستوق) مسافه (۲۵) میل واقع شده است .
 دسته کشتیهای جنگلی ژاپون چون بحیریه مدکور نزدیک سرعت میجو در آن نمود ، و آهسته آهسته بریکان احتیاط در نزدیکتی بندر گوه بیت جایی که از معلقه تا اثر طو بخانه های استراحتکامان ساحن دشمن بیرون بود يك نقطه محفوظه و لازمی کاین کربن شده .

هوای بسیار خنک بود ، تر و منور سانبکر ادر تحت لصفه (۳۶) درجه را نشوز میدهد ، و وجه های بشادیک بر سطح دسته کشتیهای جنگلی آب افشانی میکرد ، بحیر در بخش بیخ نیست ، و از چایکه کشتی بود ناباحن که مسافه (۵۰۰۰) تر و بود ، انشد يك همراهی غنی بشفر میآید .

کوهها ، و تپه های کوچک که از دوره معلوم میشد ، بایر فیه استور و عادت چادر های مرتبندی ، تصادف انظار وقت میکردند .

نظاره چراغ و وارسی از تانک جزیره (آسقولاند) باین نظر سفید رنگ شدت عجیبی تشکیل میدادند .

تیران (قابلمورا) دوگرو وارد خلیف خود را در تانک گذاشت ؛ و قسم کلید دسته کتایمی جنگائی خود را که عبارت از زر ، پوش (هاتسو زه) و گرو و از راهای زر پوش (آچوما) (زایوانه) و (ایچومو) و (یاقو مو) بودند یکسر بسوی شمال بر (ولادپو وستوق) راندند .

سفید پیش دار پنجاه شکسته دیگر سفائی نیز برداشتی که از کشتاه بود کوشش و بر زمینند که خود را به ساحل نزدیک سازند . در بیشتر نگاه بیرونی (ولادپو وستوق) هیچ یک کشتی دشمن دیده نشد ازین جهت تیران (قابلمورا) دسته کتایمی جنگائی خود را در دایره تانکری استحکامات (پوسفورود) اندر آورده یکسر بسوی استحکامات ساحل شمال شرقی در پیش رفتن بود .

پانصد و هشت چون تقریباً (۸۰۰۰) نفر در یک دایره بطول هالی سنگین و بزرگی و وسعت چای خود بر سر و خلیج (شیخ طرا) آتش طرب آغاز نهادند . از طرف دشمن هیچ مقابله نشد چو یک استحکامات که هفتی طرفهای زایون ، پانصد از خانه ساخته شده حتی در میانشان هفتی هیچ یک ملوب هم وضع و تیراندازی نبود .

در اطراف استحکامات داخلی اگر چه بعضی حرکات عسکرانه بدیدمشد ولی چون در دانستند که تانکهای شان تانکهای زایون نبرد آنها نیز سکوت اختیار کردند .

در آسای زایون بودارستان که تخریب (۱۰) دقیقه دوام نموده (۳۰۰) گریه از طرف زایون پانصد ساخته شده بود و آنکه بسبب زنده بودن ، خانه در شهر شای یک انسان کشت و یکچند تفریح و یکچند خانه تخریب شده است .

بعد از این زایون های یکسر بسوی جزیره (آسقولاند) عودت نمودند .

مقصود امیران (قابلمورا) ازین بودارستان این بود که تحقیق کنند که آیا دسته کتایمی در سر در بندر نگاه هست یا نیست و اگر باشند او را به زایون و چهارچ

دولت روسیه برای اخذ انتقام، عساکری که بر روسها در پیشگاه (پور آرتور) رسیده، مأهول شده است. این کشتان صاحب شهرت در (ترسبورخ) بعد از آنکه در حضور یک پاپ بزرگ که به اعتقاد خودشان گویا بر احوال غیب واقف بود زانو زد، این عبودیت شده و در حق خود از و دعا گرفتند. از میان آرزو تحسینها و آفرینهای یک جم غفیری برآه بر آمده بود. مومی الیه درد لخل قماره بسیار مزین و مطمئن ربایکه بر دو خط آهنین که سربازان از یکسر بدیکر سر قطع نموده بودند (۴) مارچ به (خاربین) موصلت یافت. شهر (خاربین) چون از آمدن امیرال مذکور خبردار بود از ان سبب ایستگاه راه آهن بایر قهای روس و سیزه ها و گله آراسته شده بسیاری از مردم کو ماندان نودسته کشتیهای جنگی اقصای شرق را بکنجه بیصبری انتظار میکردند. امیرال در ایستگاه راه آهن بر اسب استقبال بسیار دیدبه داری مظاهر کردید. بعد از آنکه یک کمی در استاسیون آرام کرد یکسر بسوی (دوکنن) حرکت نمود. در اینجا نیز یکسبب گرانید و بوالته عمومی ملاقات و مذاکرات دور و درازی کرده صبح وقت رهسپار کردید و در (۸) مارچ به (پور آرتور) واصل شد.

مومی الیه از هر جزایه در نیجه استقبالت بسیار شععه داری مظاهر کردید. هنگامیکه امرو کو ماندانی بدست اداره مومی الیه درآمد. بحقیقت که دسته کشتیهای جنگی پور آرتور سراسر دیگر حال و دیگر رونقی پیدا کرده. این کو ماندان بسور و صاحب عزم باین یک خوب میدانست که یک دسته کشتیهای جنگی اگر چه آغده قوتی هم نداشته باشد در دریای واسع با دشمن مقابله کند باز هم با جادافعه مطلقه را اختیار کردن آن چنان خطای فاحش و بزرگی شمرده میشود که مافوق آن تصور نیست.

د. امیرال شتاروق که سلف امیرال (مافاروق) است در عدم فعالیت بدرجه پشرفته بود که در خصوص تعبیرات لازمه سفین خسار زده نیز بدرجه شاید

و باید تثبیت نموده بود.

امیرال (ماکاروف) بر سیدن در مورد روحان با تالگراف از آنجا که روسیه بعدها استادکاران ماهر را طلب نمود و از ماشین خانه‌های بحرئی او رو یعنی روسی بسیاری از اسباب‌های لازمه و ابزارهای جنگی مختلف الاقسام را برای احتیاط جلب کرد. از چینیان محله بسیاری را در داخل بندرگاه بکار انداخت. حوض ۵ در (پور آرتور) موجود بود یعنی کویچک بود و در پوش بزرگ در آن نمیگنجید. لهذا بخواهی کردن يك حوض بزرگ که زره پوش‌های جدید برای تعمیر در آن بگنجند تثبیت نمود. اما در مخصوص سعی‌های که صرف گردید بیک نتیجه موفقیتی منجر نشد.

امیرال (ماکاروف) مدخل بندرگاه را در زیر نظارت و آگاهی خوبتر و بیشتری بگرفت. پروژه کتورهای الکتریك را در طرفین مدخل بیشتر گردانید. برای دفع کردن تسلیحات دشمن از طوپ‌های خفیف طوپخانه‌های متعددی در اطراف سواحل بندرگاه تشکیل داده پیش از آن در شبه‌خدمت دیده باقی پیش رو نیز موافق مطلوب جریان نه میسود. امیرال (ماکاروف) در بندرگاه بیرونی خدمت دیده‌ئی پیش رو را بصورت منظم و دائمی ترتیب داده. ماکاروف از روزی که به (پور آرتور) رسید رخنه‌های زره پوش (زره توپزان) را نیز موقتاً باخته‌ها گرفته و طوپ‌های سنگین و بزرگ آنرا کاملاً بیرون بر آورده تا داخل بندرگاه بشاوری برسانند.

زره پوش (زره توپزان) را بیک کشتی دبط دادند و چون از مدخل بندرگاه بکمان سنگینی و عظمت حرکت می نمود زنگ‌های ۴۰ سفاین حویبه متبادراً نواخته باشد. و در مدخل نیز از آن سردمان جمع آمده [هوررا] میکشیدند و این کشتی دیو آسان در میان این سه نهاد در بندرگاه داخل میشد. اسم [زره توپزان] که پیش از (۱۸۹۵) سال در دفتر تمام قوای بحریه

روس بکمال شان و شرف ثبت شده بود در شب (۹) فیورری (۱۹۰۴) بنا بر وقوع شبح‌خونی که از طرف ژاپون‌ها اجراء شد از نظر اعتبار افتاده برای همه دسته کشتیه‌های جنگی روس يك اعزازت و مسائب مستثویه شده بود . در هنگام وصول [ماقاروف] به (پور آرتور) باحوال معنویه دسته کشتیه‌های جنگی (پور آرتور) نیز خیلی پریشان بوده افران و افسران دسته کشتیه‌های جنگی که تازه آنوقت بقر لزبی موفقیتی و ناکامی دیگر چیزی ندیده بودند امین و اختار خودشان را از سلاح و خدمت‌های خود سراسر غائب کرده بودند اینهم يك چیزی طبیعی نیست زیرا آنها افران بحریه روس نیامند که مکملترین مرتبات دنیا بر هر که در يك عظامت و مسکنت دائمی مانند هر آن از طرف کشتیه‌های دشمن بشکند نومبار در آن معرض شوند هیچ شیبه نیست که همه غیرت و فعالیت و جمله قوه معنویه و جسارت شودشان را غائب خواهند کرد . افسران و افراد مبتدیان (که هر ساعتی که مادر بخواب صورت غایبان بگذرانیم ژاپون‌ها بر ما يك درجه فائق تر میشوند) .

افراد بحریه روس در خصوص تعلیم و تربیه نسبت به مرتبات دسته کشتی‌های جنگی ژاپون خیلی دو نژد و غرور تر بود . بعد از اعلان حرب و خسارت یافتن دسته کشتیه‌های جنگی روس در لشکرگاه داخلی پهنه هاماسا کتانه و عمارتانه بیکار گذرانیدند . حال آنکه دسته کشتیه‌های جنگی ژاپون همه بحر اصغر را يك جولانگه دائمی ساخته بودند .

در همین نسبت عسکریه مرتبات این دو دسته کشتیه‌های جنگی فوق و نسبت بصورت فوق العاده تر آید کرده بود .

این است که دسته کشتیه‌های جنگی روس به اینچنین حال نو میدی و پریشانی اوقات بود که درین زمان امیران [ماقاروف] به (پور آرتور) مواجالت کرده غیرت و فعالیت نهاده خود را حوال معنویه و جیت خود را امکان مرتبه اصلاح نموده



تشیب ژاپو بیا برسد کردن مدخل

۱۰ مارچ -

شاور شدن « ره توپزان » ، و فعالیت که مانشان جدید ژاپونهار ادا نشا نده بود که بعد زمین روسهار در بازار سکون و عطالت فارغ خواهد شد .
 اما که چه ژاپو نهامیدانستند که دسته کشتیهای جنگی (پور آرتور) بادسته کشتیهای جنگی ژاپون در بحر فرایع و وواسع نجه (دن نخواست توانست . وولی باوجود آنهم از بعضی امرضات ناگوانی روسهایی تدبیه نبودند . و چون تا بحال در بحر اصفربهیچ یلک مشکل و دامنه دوچار نشده بودند . و آزادانه حرکت داشتند علی الخصوص که در سواحل (کوریه) مسئله بر و ن بر آوردن عسکر سراسر موقوف بر آزادی حرکات و بی اندیشه بودن از تعرضات دسته کشتیهای جنگی روس میباشد . از ازر و در باب رفع کردن این اندیشه از تفکر و ملاحظه هیچ گاه فارغ نمیگردند .

ژاپونها کشتیهای نقل عسکر خودشانرا آتتهبه (سه . و ولیو) نی بلکه به « شینامپوه » یزخان میگردند ، که از این شینامپوه آبه دسته کشتیهای جنگی (پور آرتور) « ۱۹۰۰ » میل بحری مسافه موجود است . پس به اینسبب بلکه ملاحظه بیشتر میشود .

لهذا امیرالک (توشو) با تشیبات سد کردن مدخل پاسرگاه (پور آرتور) راسر از تو تصمیم نمود . اما چون از یک طرف وقت مساعد نبود و از دیگر

طرف کشتیهای آتش خرق به آسانی ندارد؛ همیشه مشارالیه مجبور گردید برینکه بطور پیل مراجعت نماید.

در (۱۰) تاریخ دو دسته کشتیهای جنگی که مرکب از کشتیهای تارپیدی و غریب بود ترتیب داده شده، یکجند دقیقه بعد از نیم شب به لنگرگاه خارجی که از کشتیهای دشمن خالی بود نزدیک گردانید. مع هذا سفایق مذکور از طرف پروژه کتورهای دشمن کشف گردیده از طرف استحکامات ساحل در حال توبر آتش شدیدی گرفته شدند.

ازین دو فرقه غریبهای طور پیدو (آقه بونو)، (ساماسامی)، (ه. ا. ز. و غومو) نامان کشتیهایی که فرقه اول را تشکیل میدادند، بنگاه باری استحکامات سواحل پروانگوده در مواقع مختلفه مدخل لنگرگاه بوضع کردن طور پناههای ثابت آغاز نمودند.

فرقه دوم که از (آساشیو، واکا زومی، و آکا نوکی) نامان کشتیهای مرکب بود، برنی ستر و اخفانمودن عملیات فرقه اول را از غریبهای روسی در جهت غربی و درانجه به ایالتوشانی «رفته اخذ» موقع نمودند.

بعد از نیم شب شش عدد غریبهای روسی که «ولانتی» و «ژودنوچینائی» و «به ستراشنی» و «ژیریشو ساری» و «ره جینائی» و «ستور غریبی» بودند برای کشف کردن قوت و معلوم کردن مقصد حرکت ژاپونیه از لنگرگاه داخلی بیرون برآمدند. و دو ساعت چهار در جنوب دماغه (ایالتوشانی) شبه عدد غریبهای سالف اندک ژاپون که در انجا اخذ موقع کرده بودند بچنگاه آغاز نهادند. هنوز سیدیده صبح نودید، شده بود که در مابین کشتیهای طور پیدوی طرفین از مسافت بسیار نزدیک مجاربه خلیل شدید طرحی بوقوع آمد.

اینجائز که بقدر (۲۰) دقیقه امتداد و درزیده است از زبان یک روسی که حاضر بوده بدینوجه حکایت میشود:

و کشتیها بیکدیگر خود آنقدر نزدیک شده بودند که مرئیات روس به کشتیهای ژاپون بدست کمانه می انداختند ، و فی این سه هادیایی که بتاقی شان در تیرگرفت هیچ ضرری به ژاپونها نرسانید ، اما آنکه های طوب بصورت مگسه اجرای عملیات می نمود ، کشتیهای طرفین بتاقی کت های همدیگر غربال آسایشکافی شکافت میدادند .

از راهبری که امریال (توشو) در حق اینواقعه نوشته است چندان معلوم میشود که کشتیهای روس در بخاربه خابلی خدمت زده شده اند و یکی از بیان آنها بکار و پیش کت مانده و یکی در گرفته است ، و فی کشتیهای ژاپون هیچ یکی بدرجه که از بخاربه خارج باشند خسارت دیده نشده است .

روسها با وجودیکه در مصلی ژاپونها بودند از حرکت قطعی احتراز کرده اند ، و طرفین باختیار خود از عهد بگر جدا شده اند اینسله خوبی غرضیست که در استای چنین محاربه شد بطوریکه از سقدر مسافت نزدیک اجرائی شده و از طرفین هیچ یکی بختیارت عظیم و جانی گرفتار نیامد ؟ اگر چه تازیکی نزدیک قدری سبب ضرر هست ولی کشتیهای روس که در عمل کشتیهای ژاپون بودند اگر بیکاره گئی ، و فی مهارتی تیر اندازند البته ازین تفوق عددی خود استفاده کرده بک کاری از پیش میبردند ، و اخلاص در بخاربه کوچکی باز افسران و مرئیات بحریه روسی بجهت زنی و تودد ، و ترس خود شانرا اثبات کردند ، اما جای تعجب و حیرت نیست که که با بدان دسته کشتیهای جنگی طود پدید و چون ، بود آنروز بیاندازش و اعزاز دروش ، عظمت خود در هوا کردند یک طور پیدایی ژاپونی هیچ شره نگردان

مورین اشافرتی دیگر فور بیدو وظیفه خدمت خود را که پشاندن خون بین بود در ، خرفی بشمار که کمان کرد در بود ، اما در خصوص اینوظیفه ، همه مبداء تا یکدام درجه اجرائی در کیفیت کرد ، در ، معلوم نیست ، اینسله را

وقوعات آینه ظاهر خواهد ساخت ا

این فرقه طوریان فشان، ساعت هفت صبح هنگامیکه از بندر کاه برونی
 میرا مدد راه به (زه چیتانی) و «ستره غویچی» نامان دو شور پیدوی
 روس تصادف کردند. این شور پیدو هابند از محاربه (ایانوینشان) به پور
 آنور عودت میکردند، ولی از ضربت مدعش محاربه سرسام و وائل شده از
 دیگر رفیقهای خود جدا افتاده اند. ولی ولسفا که بازم از ضربت نژاد پاپ
 زابونیا تخلص گرفتار شده اند، چونکه فرقه زابون بر هجوم کردن قرار
 داده کشتیهای روس را که آرزوی در آمدن بندر کاه را داشتند را متعلقان کر
 دند. کشتیهای روسی از محاربه احتراز کرده تمام قوت خود را بگریختن صرفه
 کردند، و برای آسانی فرار خود از هم دیگر جدا شدند. باین کشتیهای
 زابون بزرگند شدن از هم مجبور شده دو عدد آناهویشی (زه چیتانی) روسی
 افتادند. اما (سازانامی) زابونی بشتت تمام بر (ستره غویچی) روسی
 خود پنداخت، و محاربه بسیار شدید طویب آغاز نمود. تمیزات این دو
 کشتی به این نسبت بود: (ستره غویچی) یک عدد طویب ۵ مایسترو و ۷
 سانیمترو، و سه عدد طویب ۷ مایسترو، و ۷ سانیمترو داشت. و
 (زانامی) زابونی نیز یک عدد طویب ۵ و ۷، و پنج عدد طویب ۷ و ۵ - در
 آتش داخل بود.

کپتان (سازانامی) اولاً به این فکر سببی نهاد که آتش تمام طویبهای
 خود را بشوید و ۷ طویب بزرگ روسها جمع و توجیه نمود. و بیستورنه
 در دست بسیار کمی تقریباً طویبهای طویب و کورر بنگان بگن گشته، و طویب
 را بشوید، چه تا این استهلاک نشود بخراب کردن، و توجیه شد.

بعد ازین (سازانامی) به قوت طویبهای غویب عطاری بر (زه چیتانی)
 پیدا کرده، آتش طویب خود را بر دیگر کشتیها سینه متوجه ساخت.

یاک که ۵ و ۷ بمختص آب کشتی روسی رسیده، ماشین سفینه را مخرب و سفینه را از حرکت کردن غیر مقدر ساخت. طوپهای خفیف سفینه ژاپونی نیز طوپهای ۷ و ۸ روسی را بگلوله بگلوله ساکت و خاموش نمود.

درینوقت یاک سادئو بوقوع آمده است که تا به ایندم در تاریخ مخاربات بحریه جدیده امثال آن مهذبت نکرده؛ چنانچه بعد از ساخت کردن طوپهای دشمن (سازانامی) خود را بکشتی (ستره شوچی) که از حرکت و مدافعه نفس خود عاجز بود دیوار پیروز نزدیک ساخت، و چون دو نوات مرتبان روس تنگ شده بود هیچ کسی برای مقاومت ژاپونها در کشتی دیده نمیشد. ژاپونها در سه تنیکه فیه های بحری و طیارچه های شش تنیکه شان را بدست داشتند بکشتی روسها را حلقه شدند، و هر طرف کشتی را چسبجو کردند و وی در فاصله ۵ باقی مانده کان کشتی را تجزیه کرده بودند داخل نشدند. بعد از آن کشتی را بیک ریسمانی بخود بسته، و بوق ژاپونی را بر آن را افزائنه بکشیدن آغاز نهادند. اگر چه (ستره شوچی) را «سازانامی» نامیدند، کشتی و لی بنسبت شدت طوفان و آب گرفتگی بسیار کشتی روسها را زده شده سفینه به امواج دریا تزلزل کردید. از ساعت ده یک ربع گذشته بود که با برق ژاپونی در قعر بحر غرق شده روسها تنیکه در استحكامات ساحل بودند غرق شدن این کشتی را دیده بودند و چون برق ژاپونی بر آن بود کشتی ژاپون گمان کرده همچنان اخبار کرده بودند. سفینه دیگر روسی بعد از آنکه دو چار خسارات جدی و عظیمی گردید بر صورت که بود بفرار کردن موفق شد. درین محاربه ضایعات ژاپونها سفینه بسیار جزو دست. در سفینه های (سازانامی) و «آفه پونو» تنها دو نفر تلف، و چار نفر مجروح شده اند. در زمان شدت محاربه (یا مازاتی) نام صوبه دار بحری یا بکنقره «سکر بکشتی» «ستره شوچی» برج بنده بطرف دنباله آن برق ژاپونی را از پنجه است.

سینه مذکور وقتی که ضبط گردید منظره خون آلود سطح آن بسیار رفیع و دهشت انگیز بود. در هر طرف جسد های تازه شده دشن دیده میشد، و خود بدن و هر طرف و با بود طور پیدوی مذکور با دانه های که های دشمن شکاف شده خانه زنبوری میباشد.

دیس امیران (مقاروف) و ضعیف فزکت دوشور پیدوی مخرب خود اینچنینکه بدید همان لحظه با کروزو و اوزو های (نورونی) و «بایان» بالذات از بندر که بیرون بر آمد. اینچنین درین شانسیه کشیم ای جنگی ژاپون به بندر که بیرونی خیلی نزدیک شده بودند دو کروزو و اوزو روسی (سره شویج) را در صحنی داده شوا فسته پیش از زوال در ساعت هشت بی واصل شدن بقصد باز بندر که داخلی بودند کردن مجبور شدند.

اینهم شایان دقت است که در انشب کروزو و اوزو های ژاپونی بقدر که رس به بندر آمو زدنک شده از آنجا بکنه ریزی آغاز ندادند. نظریه رایور امیران (نوشو) چنان معلوم شده است که بقدر ضیای پروژک کتور های آنکتریک هدفهای شانگه های طوپهای، انفجوری دیده شده که های کروزو و اوزو های ماکر کروزو و اوزو ای افتاد و بحقیقت که در انشب در بندر آمو زدنک رسیده اند. مقول و بحجج روح در هر طرف افتاده بود.

امیران (نوشو) اگر چه میدانست که کروزو و اوزو های شهر و بانسحکامات خسار جدی و حقیقی نمیدانند ولی مقصد او ازین حرکت آن بود که قوت محافظه را از حوت بدهد، و بر ایشان و سرگردان ساخته شود و نوبه بریا کند. قسم کاهی دسته کشتهای جنگی ژاپون تمام شب را در نزدیک بندر که خارجا پسر آورده است.

وقتی که دتیار و شنی سیج روشن شد امیران (نوشو) کروزو و اوزو های خود را بدو قسم متقسم ساختند یک قسم آرا با طرف خلیج (بالین وان) و

و دیگر قسم آنرا بسوی خلیج (غولویڈیا) فرستاده و نلیفه و خدمت اینها این بود که در انظر فیها اجرای کشفیات بکنند و در هر جا که هر کشتی روسی را ببینند بلافاصله شجیوم برده تخریب نمایند. قسمی که به طرف (تالیه ن وان) میرفتند در جزایر جزیره (زان شان تان) یکت واپور قربانیه روسی را یافته ها نطقه آنرا شریقی کرده اند.

فسیکه در طرف سواحل غربی (پور آرتور) اجرای کشفیات و حرکات میکردند در خلیج (کیوز) ناشی (وه نو چیتلی) نام سفینه تخریب طور رسید و روسی را دیدند بدنه آن کاملاً در آب غرق شده بود و تنها در کجا بود و کشتی آن از آب بیرون مانده بود.

خود امیرال (توغو) بدست کشتیهای جنگی ژاپن پیش بجهت غربی (تالیوتیان) رفته و جبال مرتفعه را رسید کرد در یک موقعیکه از استحکامات ساحل دیده نمیشد لنگر انداز گردید و از خواباطوب های (۳۰) ساعتی و (۵) مایه تروی در دوازده شهر و بندر که درونی بن انداخته مقوس به بومیان من کردن آغاز نهادند. امیرال (توغو) سو بین دست کشتیهای جنگی کرو و انزور خود در اندر یک موقعی که مدخل بندر که دیده شود و از دایره تأثیر طوب های دشمن خارج باشد گذشت. این کرو و زورها تازیانی را که از انداخت حصول میآید بواسطه تاگراف بن سیم به امیرال (توغو) اخبار میگردند.

پوه باره مان پیش از زوال ساعت (۱۰) ابتدا کرده تا ساعت یک بعد از زوال دوام ورزیده است. شوخخانه های روس به این آتش گاه جواب داده اند.

ژاپونهای تازه - فقه (۱۲۰۰۰) متر (۱۵۰) دانه که های بزرگ بن انداخته مقوس انداخته اند. (ره تو زبان) و دیگر یکصد کشتی جنگی روس که در بندر کاهلانی بودند از کشتیهای ژاپون اگر چه خسارت زده شدند ولی

این خدایات جدی نبود. روسها ضایعات خودشان را به این صورت نشان میدهند: در استحضکامات (۶) نقر بجز روح، در دستگشتی های جنگلی يك نقر مقتول، در شهر (۳) نقر مقتول، يك نقر بجز روح.

در اپوزیت خود امیرال (توغو) تعداد از امست، که بر دستگشتی های جنگلی هیچ ضرری از خوابخانه های استحضکامات دشمن وارد نیامده است. بعد از همین اقسام مختلف دستگشتی های جنگلی ژاپونی نیز با هم یکجا شده همه شان به اسلحه حرکت نمود کرده اند. و در ایام متعاقبه در افغانی (پور آژ نور) هیچ دیده نشده اند.

این يك اسر آشکاری بود که از سال ۱۳۰۰ (۱۳۰۰) در جوهر اردستان هیچ يك ژاپوری حقیقی نخورده اند. امیرال (توغو) از این بود، باره شان در جزیره بود. یکی آنکه برای تداخت از مسافه به يك خبره اجرا کنند. دیگر اینکه دشمن را سرایینه و بدل از او.

راست ترش اینکه این بود. از آن يك رسم خوش آمدنی بود، که برای امیرال روسی از طرف امیرال ژاپونی اجرا کردند. آن امیرال روسی که دو روز پیش ازین بنامه (پور آژ نور) موصلت کرده، و در دلها و فکرهای عمومی امید تقاضات، و در مساحتی و مینه نشانه حیات و در عزت او خشکه از اقبال و نجات بر کرده و در ابتدا امیرال ژاپونی به امیرال روسی يك ضروری مقدماتی برای خود او يك مقادیر، سعیت نشاندادن، میخواست.

بصفت چون نقر شود هم چنین است تا آن امیرال (توغو) که نظریات و عدله او همه کسی نبودند. بعد از بود و روی او به (پور آژ نور) واقع جنگ خردید و به وقوع آمده امیرال منکر کرد. یک شجاعت و چابکدوی برای امتداد خردید و به های خود در اولی که در مفاصل قیوت خصم زیاد از میساعت این شده است. به يك، میسعت عقلمی و پس به سندر که خودت کرده بود.

البته که این رجعت سر به آسمان و تحولات بسیاری از امید پروان را منکسر
و مضطرب کرده خواهد بود .
این حوادث را المیراک (الکسیه ف) با این تکرار نامه به چار هر ضو
اشعار کرده بود .

—•••••—
—•••••—

گو، نشان دهنده کشتی های جنگی امیرالماقلوف از بور از تور چندین مینورسد؛
• شش سفینه خودرینده که در ۱۰ مارچ از بندر گاه بیرون برآمده بودند
یا شورید و های دشمن که در بی آنها گرفتار و از ودها بود با هم تصادف نمودند .
یکی یکبار در همین صور پیدوهای طرفین محرز به بی او شد تا کی در گرفت . درین
اثناء زبردتی (ولاستفی) بر طبع و پندوی دشمن یک طوری (ویت ویت)
انداخته یک کشتی شور پندوی دشمن را خرق نمود .
• اما مع التأسف که در وقت برگشتن شور پندوهای مابین بندر گاه، سفینه
رستوه غوجی (خسرات جنی و زنگی بر و بر سیده، داشتش چون از کاروا
افتاد آهسته آهسته بفرق شدن رو نهاد .
در ساعت ۸ صبح پنج شور پندوی دیگر سانه اعدوت نمودند . هنگامیکه حال
سفینه (ستره غوجی) را غفلت مآجر دیدم بفرق خود را بر گرفتار و زور (نورینی)
و نوحه و اگر و زور بیایا را پهمرا گرفته بهاء داد سفینه (ستره غوجی) نتوانستم
اما چون پنج تعلقه گرفتار و زورهای دشمن طور پندوی مرا از هر طرف
احاطه نموده بود و کشتی های در عیوش شان نیز در نزدیک شدن بود کشتی (ستره
غوجی) را که بقدر نیاز در نوحه خود اگر داب فنا کرد دیدم هائیده توانستم .
در ساعت (۹) چارده قطعه سفین حربه دشمن در بندر گاه (بور آنور)
جمع آمده از مسافت بسیار دور با طوب های بزرگ چاپ شهر را به بومباردمان
کردن آغاز نهاد .

«سپاین حریریة ما ازین بومباردمان خیلی کم و بی اهمیت خسارت یافتند .
بتابه هر آن بشماره کردن بادشمن بایک شوق و هیجان بزرگی حاضر و
منتظر میباشند .»

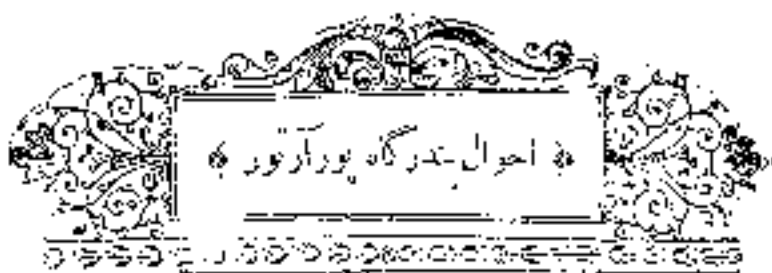
«در طولخانه های استحکامات ساحل ، درجه اشوریات بدرجه قی الغابه
میباشد . طوب خانه خانه مقرر دآ با آتش خود نشان طین پیدا و غای دشمن را بدور
کردن مجبور نمود .»

«در روز طولپای غلغله ، بندت به آتش در دهن جویاب ، اذن گرفت ، ازین
درجه مسافه بعید معلومست که بومباردمان عریض فائده و تأثیری ندارد بسیاری
از سر میبای دشمن از مسافه (۱۳) کیلومتر و انداخته شده است .»

«اینست وقوعه تیکه بعرض کردن آن شخص و ذات حدس پنهانی کسب صرف
میورزم غلطه»

دیاره میشود که را پوز نخستین که امیران (ماقاروف) نوشته نیز ،
را پوز نخستین امیران (الکسیم ف) باحوادث بسیار تاریخ و او بدستکی را جامع میباید
شده ، حال آنکه در (تاریخ) پیش از آنکه در این شهر منظور را بهی بزرگنوار
پاره این زنده بود ، و مظهر دعا و آئیند نوشته بود ، و از طرف داعب ،
نویسه شده بود که مانند سوانت های کبر امیر (الکسیمت) می باشد که مرده ها
و پشارهای بسیار در شب و فرحت آبیایی باشد که غیر شده ، حال آنکه و
که چنین نشد . . .

«قار و نیک شمال ، تخصص ، نظر بدستگاه کشی و ای جنگاری بحر محیط کبری
شمرده ، باشد ، و از پوز سبورغ تا پوز آرتور که ، با ، در پوز کبری که او شده
جاوید ، و در دلوئی حشر شزد آن آریدهای جدید می بخشید ، هیچ شبهه نیست
که آئینه پشور شدن ، سطرهای را پوز خود دخیای ، منعم و شرسکین بود ، باشد . . .»



در کیفیت استحکامات ساحل آن بندر

از احوال عمومی بندرگاه (پور آرتور) قبلاً این یک تبذیر بحث را نموده بودیم. و گفته بودیم که بندرگاه درونی آن وسعت کافی ندارد، و بندرگاه بیرونی آن نیز جمعاً مع شرایط لازمه گاه را جامع نمیشاند، و از اثر و یک بندرگاه ممکن عسکری شمرده نمیشود. در وقت دیخواهیم که این نقطه پلانت را توسعه و ایکن نماید.

در حال این بندرگاه که شرقاً (کوه طلا) و غرباً (شبه جزیره بلنگ) و منتهای شمالی آن آب و دریاچه سنگ و سنگتانی تشکیل میدهد به درازی (۹۰۰) متر میباشد. سنگترین محل آن همان جایست که بندری بزرگ و عمیق منتهی شده است، فراسی این محل (۳۰۰) متر است، و اسهترین محل آن (۵۰۰) متر میباشد که در وسط آبش صاف شده است. حال آنکه در نقطه فسی کبری ای سیر سفاین، ساء و کار آه دنی در همه بسیار سنگ و هم بسیار کم است. در وقت جذر صغی آب در شالیاز (۵) تا به (۶) متر میرسد. از این سبب در وقت نی باشد که در هر زمان این سفاین جسمه از شالی به بسیار مشکلات میگردد. نظر بقول یک افسر بحریه آلمانی که بسیار وقتها در (پور آرتور) مانده بود گویا ما نوره بیرون بر آوردن یک کشتی بزرگ پوش صنف اول به یکجده ساعت اجرا میشود. علی الخصوص که کشتی بعضی کشتیها در میان این آب بزرگ باشد مانده بسیار و هزاره را رسد و بداند. تا این احوال

حرب اگر چه يك قسمی ازین محصورات، رفع نموده شده بود ولی با وجود
آنها حرکت بر آمدن و در آمدن کشتیها به آسانی اجرا نمیشد.

بنابراین حوال مدخل دستة کشتیها از جنگی درون بنگال - بهوالت ازین
مدخل بر آمده تیتو است. این است که بندر گاه (پور آنور) از نقطه نظر
عسکری محصورهائی بزرگتری دارد.

یکی از دو قسم که بندر گاه داخل توان نزدیک پانجه (لنگر گاه شرق)
است ۵ دروازه (کوه طلا) واقع شده است. دیگر قسم (لنگر گاه غرب)
است که از (زم جزیره بلنگ) و یک سوی غرب و بعد از آن سوی جنوب
محدود گردیده است. (بندر گاه شرق) عبارت است از يك حوضه پنج گردیده
که طول آن در زمان چند (۵۲۵) و عرض آن ۵۳۶۰ و عمق آن
(۳) متر میباشد. این عمق ششاد در زمان بهران زره پوشه آگاهی میباشد.
مندان جدید و قزاق که بدو این تعمیر خانه مجبور گردانند درین بندر گاه بند
نمایند درین بندر گاه ششاد کشتی گنجایش در وقت زیادند.

در بندر گاه شرق در این زمان از اینک (بیشتر) - یعنی در بار سرنگ سنگ
بستی که سفید، در آن نزدیک شده است که اتصال می باشد بر خط و پیلان در
گوشه شمال شرقی بندر گاه يك حوضی هم وجود است که تنها گرو و وارون
علائق استفاده کرد و میباشند. این حوضی بواسطه دو عدد ماشین غلطی و من
در صرف (۹) ساعت سر امر از آب خالی میشود. در که در شرقی آن برای
ضرب ویدو عالی يك تعمیر خانه می وجود است.

در جهت شرقی (لنگر گاه شرق) تعمیر خانه های کشتیها و انبارها ساخته شده
و آنها را در محورها موجود است. و در ساحل شمال آن شهر (پور آنور) در
انبار است. جهت غرب بندر گاه با خط ششاد و فری که از روی آب آمده
است ماشین می باشد. يك شیبه این خط راه آهن بر سر این سنگ بستی که

دایر آمد او بندر گاه را احاطه کرده است دور میکند .

(تنگرس گاه غرب) بسیار وسعت ، قسم شرقی آن (۲ ، ۰۰۰) متر و طول ، و (۱۵۰۰) متر عرض دارد . قسم جنوبی آن زیاده از (۲۰۰۰) متر و طول ، و ۷۵۰ متر عرض و امالك است . این حسابها در زمان قدیم است ، اما در زمان جندرانصف آن خشکست .

در سال ۱۹۰۹ هـ کندن اینجابه آغاز کرده اقسام شرقی و و شمال (شبه جزیره بلنگ) را بمحالی که قبلی دسته کتبه های جنگی روس را استیفاء کرده بتواند آورده اند ، و کتبه های زرد پوش در همین جا باقی اند ز میباشند ، ولی باوجود آنهم اقصای که کندن ریاضت اند چون کتبه چا پیش ده دسته کتبه های جنگی هزاره از دوازدهویکی از نقضات و محذورات بزرگه قلعه (بود از نور) که شهرت بکلیت آن و لوله انداز آفانی است شعرده میشود .

در ساحل جنوب (بندر گاه غرب) چینیان پیش ازین برای طبع و پدید مایات حوض مخصوص ، و یک مگازه سوزنیل ساخته بودند . در این زمان دسته ۱۸۹۵ آنها را خراب کرده بودند . در دسته ۱۸۹۸ سران نواری تعمیر یافته اند . (تنگرس گاه خارجی) اگر چه برای تنگرس اندازی کتبه ها خیلی هستند زنفید است ولی چون به بادهای مدعی شرقی و جنوبی عرضی میباشد کتبه ها در آن آرام نمیشوند . در موسم تابستان چون بادها به بسیار شدت میوزد کتبه ها مجبور میشوند که آنگر بر داشته از بندر گاه خود ابد برای فرار بکشدند آنکه باد آنها را بسنگهای ساحل تازند .

در دسته ۱۸۹۸ در انصای بادیك و ایور جنگی بزرگ سوپ کش چین که درین بندر گاه بود با (۱۳۰) غایفه خود غریقی چله گر داب فنا گردیده است . و از هیچ طرف به انداز و مه فوتت او کسی رسیده نتوانسته است .

کدامک به مجر به ناپید شده است که در موسم زمستان نیز خشکه
خاکهای اینجاست آوردن نیز ممکن نیست و به همین سبب سالانگه قویه ای
جنگلی که درسی (بازار گاه خارجی) باشد در موجودات از حیاتی که به دریا های
فراخ باشد، فرق ندارد .

استحکک بازی ساحل، مغزی مگر قدرت و نه که از تیره غر لایه (پوز آو
توس) بر می آید که با قله و بار مگر در مجری سفرین است و در مغزی شده است .

تیره ~~تیره~~ در مجری ~~تیره~~ در مغزی (تیره) به بلندی (۱۵۰) متر است که در وجود
است و آن را (کوه بلنگ) می نامند و در این کوه چون نظر شود دانه
نظر بسیار وسعت پیدا میکند و چون مشرفی باشد از کوه شمالی آن (کوه طایه)
که به بلندی (۱۶۰) متر است از دوری تقریباً ۱۰۰ متر در این کوه می آید این کوه به
پراکنده گاهی پیدا شده است و بر این کوه مانده که در این کوه در جبهه
شرق کوه طایه است که در این کوه در این کوه در این کوه در این کوه
سایب (سپین) می خوانند .

این است که در این منطقه در این کوه در این کوه در این کوه در این کوه
بهر وقت (خانه کن) نام بر گوید یعنی شده در این کوه در این کوه در این کوه
استه کافران منطقه است که در این کوه در این کوه در این کوه در این کوه
بره بلنگی، و پنج عدد آرمه در شرقی (در سطح سنگر کان) پراکنده شده بود و
در آخر آرمه ها (۳۳) عدد جنوب خانه کنی است که کان دایمی خود را
بر وجه آنی توزیع و تقسیم کرده اند :

- در شبه جزیره بلنگ : (۱۰) خویله زان، (۵۷) جنوبی ؛
- (نمبر ۱) (۴) عدد جنوبی دورانه از صحرای کوی (۹) قویلی .
- (نمبر ۲) (۵) عدد قویلی (۱۵) سائیکه شویلی .
- (نمبر ۳) (۴) عدد قویلی (در اجه) (۹) قویلی .

(تیمبر ۴) (۱) عدد (مخبره) هاییم پران که آنرا (هاون) (میانمندی) (۲) عدد طوپهای (۵) سائیمترونی .

(تیمبر ۵) (۵) عدد طوپهای (۳۵) سائیمترونی، و (۲) عدد طوپ (۵۰۷) سائیمترونی .

تیمبر (۶) (۷۹۶) (۲) عدد طوپ هاون (۲۷۰۵) سائیمترونی ، و (۱) عدد هاون (۳۳۰۵) سائیمترونی .

تیمبر (۸) (۶) عدد هاون (۲۲۰۵) سائیمترونی و (۲) عدد طوپ (۵۰۷) سائیمترونی .

تیمبر (۹) (۵) عدد (۱۵) سائیمترونی طوپهای دراز (قانه) .
تیمبر (۱۰) (۳) طوپ (۵۰۷) سائیمترونی .

این طوپها همه ای استحکامات (شبه جزیره پلنگ) که تیمبر و از مذکور گردید باخوبی ای سنگین و میانجیب خود، منطقه بحرانی پیش روی خود را کلاً از سر زیر آتش میدارد . یکجندی ازین طوپها (خارج کبوتر) که بلند (۸) کیلومتر و سه دانه دارند آتش خود اجزای تاثیر میدهد . خوب های سنگین و بزرگ جانب مسافت بیسه را در زیر تاثیر میگرفت، و طوپهای خفیف بیسه جانب این استحکامات را هجومی نزدیک کشتی های دشمن یا بندامه ، و سواحل را محاصره میگرداند .

۵۵۱ در کوه طراز ۵۵۱-

(۷) طوپخانه چینه (۳۶) طوپ :

تیمبر (۱۱) (۱) عدد طوپ (۱۵) سائیمترونی .

این طوپخانه ، داخل بندرگاه را و همه بندرگاه شرب ، و خط دانامه بری در زیر آتش میگرفت .

تیمبر (۱۲) (۱) طوپچی شراست (۳۶) طوپ (۷) سائیمترونی .

نمبر (۱۳) (۶) عدد هاون ۵ + ۳۷ سائیمترونی ، و عدد طوب ۵۱۷ سائیمترونی .

نمبر (۱۴) عدد طوب ۵۱۷ - سائیمترونی .

نمبر ۱۵ + ۵ عدد طوب ۳۵ سائیمترونی .

نمبر ۱۶ + ۵ عدد ۱۵ سائیمترونی از طوب های (قانه)

نمبر (۱۷) - عدد ۵ + ۲۲ سائیمترونی ، و عدد ۵۱۷ سائیمترونی .

نمبر (۱۸) ۲ عدد (۹) قوطی .

این طوب خانه های استحكامات کو، طلا باخوبی های سنگین و وسع چاپه خود تمام منطقه دریایی را که در پیشگاه اوست و جبهه های شرق و شمال و شمال خشری را در زیر آتش گرفته و چو نیست .

(در جبل صلیب)

(۱) طوب خانه جفته ۳۷ طوب :

نمبر (۱۹) ۵ عدد ۱۵ سائیمترونی طوب های (قانه)

نمبر (۲۰) ۵ + ۳۷ سائیمترونی هاون و ۳۷ + ۵ سائیمترونی طوب .

نمبر (۲۱) ۵ + ۳۷ سائیمترونی هاون و ۳۷ + ۵ سائیمترونی طوب .

نمبر (۲۲) ۵ عدد ۳۷ سائیمترونی هاون و ۳۷ + ۵ سائیمترونی طوب .

این استحكامات خبیج (تاج) بصورت ده خانه در زیر آتش میگردانند و تصور انحراف و سیاهی در باب نشا کردن استحكامات دیشی (پور آرژون) بدینصورت بود که ، کور شد ، و این آتش آن بصرف کردن (۱۵) ، یعنی درجه که تخمیناً (۳۰) سائیمترونی برای عثمانی میشود در ظرف پنج سال بخوابد و برسد .

بدانکه آن تکلیفنامه (پور آرژون) در سنه ۱۸۹۳ میلادی در زنده شد است اما چون دولت روسیه مانع محصصه مذکور را رسانیده و توانست انشاء آن بصورت مکن بر سر زمین در وقتیکه اعزاز خوب میدهد احوال استحكامات

عات ساحل به اینصورت ذیل بود :

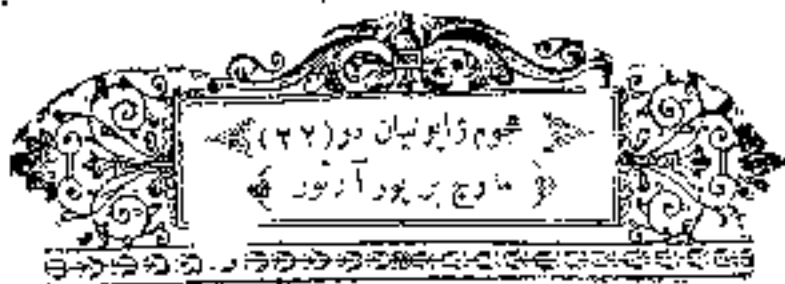
استحکامات نمره های [۶۰۲، ۷۰۷، ۹۰۷، ۱۳۰۹، ۱۵۰۱۹] ساخته و حاضر
و آماده بودند.

استحکامات نمره های [۱، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۱] بطرز
دوخت گذاشته اسباب ترمه آن بسبب فقدان مالی ممکن نشده بود.

استحکامات نمره های [۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲] هنوز هیچ به انشاء آن
آن آغاز نشده بود. (۱)

(۱) بسوی نقشه (پور آنور) حده مخالفه فرماید :





ایرانی (ماقروف) با وجودیکه میدانست ژاپو پاد سندر گاه داخلی
 خوریدل افشاندند اند بازم باغ زر هیوش، و ۳ کرووا زور، و یکجند مغرب
 طور رسیدو در ۱۳ مارچ سندر گاه داخلی در تارک کوده بندریا فرایح بر آمد،
 و یک «نوره» - یعنی قواحد بزرگ نظامی بحری اجرا نمود. و این حرکات بیرون
 بر آمدن و استکشافات روسها با فاصله یکجند روز در او انجام نمود. اما مقصد (ماقروف)
 تماس کردن با کشتیهای چینی نبود. بلکه از پنجره و استکشافی مراد این بود که
 کرووا زورهای ژاپو پاد یکقدری دور کنند و به اینصورت سوا تا اثرات
 و پیدا آئی که از سبب سکونت و عطاات بر افسران و مرئیات کشتیهای روس
 پیدا شده است تا یکجند رجه رفع و ازاله نماید.

ازین حرکات استکشافی روسها چندان معلوم شد که خود پهلای ژاپون شهادر
 مدخل و جوار آن آئی، بلکه سندر گاه خارجی را هم در تارک انداخته است. و از دست
 نگام براند (توشو) خبر داده است که او نامه انداخت، موس دسته کشتیهای جنگی
 روس را عبور کند که از سندر گاه داخلی بیرون بر آید، بعد از آن به انداخت
 مستقیم او را به منطقه که طوریدل افشاندند شده است جلب نماید.

در ۱۳ مارچ اگر چه در مابین کرووا زورهای ژاپون و دسته کشتی
 های جنگی روس بقدریست سی گه رد و بدل گردیده است اما با قسم کالی تماس
 پیدا نشده است. زیرا قسم کالی بعد از یومهار دمان (پور آنروز) برای اسکال قوا
 قس خود به (سانسوی) عودت کرد و نودند. در آن اثنا امیرال (قلمیوز) نیز از
 استکشافات بیفایده که بمقابل پشیدن گاه (ولادیمیر و شوق) اجرا نموده بود عودت

کرده به (ساحه بو) آمده بود .

در ۱۹ مارچ بوقت شام هر دو دسته کشتی های جنگی ژاپن ، با اتفاق هم دیگر برای اجرای بلایی که پیش ازین مذکور گردید بر بوز آر تور حرکت کردند . در ۲۲ مارچ بعد از نهم شب دو طور پیدوی ژاپون بر کشتی های دیده بان روسی که در بندر گاه خوسچی بودند به شب بخون بردن تشبیه کردند . ولی از طرف پروژده کتورهای الکتریک کشف گردیده و بزرگ آتش گرفته شده بر جهت کردن مجبور شدند صبح ساعت چهار از همین دو خور پیدویک طور پیدوی سومرا بخود هم را گرفته بگرایند که از رخاوت و سستی که از شیوم اول بر دشمن وارد آمده باشد استفاده کنند سر از ثوباز شیوم بردند ولی باز موفق نشده برگشتند .

بوقت سحر دسته کشتی های جنگی ژاپون که از ۱۰ زره پوش و یک کورواژور زره پوش ، و یک مخرب طور پیدوی مرکب بود بر سه فرقه منقسم ، از سه استقامت های مختلف یکی یکبار در پیشگاه بوز آر تور بدیدار گردید . ساعت ۱۰ بود که دسته کشتی های جنگی زره پوش و طور پیدوی در مابین (نیائوتیشانی) و (خلیج کیور) رسیدند . دسته کشتی های جنگی کورواژور ها در اول صبح خارج از بندر طوهای استحكامات ساحل بنو فرقه منقسم گردیدند یکی در جنوب مدخل و دیگری در جنوب شرقی آن اخذ موقع نمودند ، زره پوش های (فریجی) و (یاشیا) مانند بومباردمانه اولی از در بندر - ساحله جیال (نیائوتیشانی) در آماده به انداختن قوس از پشت کوه شهر ولنگر که از زیر آفتاب گرفت ، روسها چون در کشتی این حرکت (زده نوزان) و بعضی استحكامات ساحل که به استقامت کوه های (نیائوتیشانی) بود به ساز بومباردمان اولی و آمیختند انداختن مقوس را حاضر و آماده کرده بودند ، نه تنها در یلیار روسها نیز به انداختن مقوس اتمام کرده بودند .

گرووازورها، وزیرشهای روس بنا برین بومبارد مان بندرگاه دا
جلی را ترک داده، درحالیکه زرهپوش (استوالد) بیرق کوماندا ترا حامل
بود به پیش افتاده، از مدخل بیرون برآمدند، و از طرف گرووازورهای
ژاپون به آتش بسیار شدیدی استقبال شدند.

قبل الزوال ژاپونها آتش خودشانرا قطع کرده آهسته آهسته یکسر بسوی
جنوب شرق رجعت نمودند. مقصد اساسی ژاپونها که جلب نمودن دسته
گذرهای جنگی روس را بمنطقه طوریل بود حاصل نشد.

یکی از کپتانهای بخریه ژاپونی که (بروطانقا) نام دارد، و درین جنگ
در کشتی زرهپوش (فوجی) بوده است در ذیل مشهودات یومیه خود
تغییرات این بومبارد را چنین میگوید:

«توزیریه‌های ما که شب هجوم برده بودند رجعت کردند. از طرف
سینه امیرالیه اشارت شد که یکسر بسوی استثنا مت جزیره های (ایاتونو)
حرکت شود بعد از تفریح شدن این امر دسته کشتی های جنگی یکسر بسوی
رژل آتش حرکت آغاز نموده ما - یعنی (فوجی) و ما باشباه امر گرفته بودیم
که در پشت سینه کوه لیا تویشان رفته از آنجا بوشهر و بندرگاه که در نزدیکی
موس اجرا می نمودیم آبخازیه برای خود یک موقع مناسبی انتخاب کردیم
و بسبب نبود بودن مسافه بزرگترین و درازترین طوایف خود را تا که
تک بود سر را ترک کرده، آتش آغاز نمودیم. هر دو کشتی مابین آتش میدادند،
و به نوبت و بلان نظر دوخته همیست. یک یک منطقه معین شهر و بندرگاه را
در زیر آتش می گرفتیم.»

«این را می مشاهده کردیم که سفینه برنی یخچین انداخت. و در میان یخچین
مستقر است. چونکه در انداختن هر سری هر قسم این کشتیهای جسم
جدید اینرا بومبارد و در راهی در هنی از اعضای آن دیدیم.»

• بعد از انداختن شدن مرمی دوم تلگراف بی سیم این خبر را آورد :

• از کرووازور « آقشی » :

« مرمی دوم ۵۰۰ متریه پیش روی هدف افتاد ، استقامت پهلو
واست میباشد . »

« ما بران (توغو) سه قطعه کرووازور را به برابری مدخل مسافت ۹۳
کیلومتر و مسافت نمودن موقع راداده بود تا آنکه نقطه اصابت گلوله های ما را
پیدا بواسطه تلگراف بی سیم شناخیدند . »

• بعد از شناختن يك مرمی (یاشیا) تلگراف بی سیم از این خبر را آورد :

« گلوله بر شهر اصابت نمود ، بر همین نشان بر آتش دوام و وزیدند . »

« کشتی [یاشیا] را در انداخت تقلید کرده باخوبیهای سنگین و وسط
جانب خود به اجرای آتش سریع و شدیدی آغاز نمودیم . »

• سفینه میسرد ، و فریادهای برآورد ، صداهای مانسته ، و مانند یک
ماشین جاندار می همه مامتصل گوشش میوزیدیم که هت که از (پور آنور)
انداخته میشد چون یکی بر اصابت تیکر دار از و هرگز در وقت خبر میبوم که
با گمان یکی یکبار در هو اول يك صغیری ، و بعد از آن مددش رنگ صد مه
شاید شده بعد از آن يك دود رنگی رنگی مار آخطه ، و یک سنون چیم
عنوان بر آمد ، درین آن ندانسته ام که چه کرده ام ، و فتنه بخود آمدم
خود را در خسته خانه کشتی یافته ام که سرم در میان یخها گریخته پست شده
بوداد و کتور گشت یک مرمی جانب بزدگی در مابین سر کور ، و قلله زیر پوشش
سفینه اصابت کرده است ، من ز خمدار گله نبودم ، ولی بشا بر تضییق شدید
هوا بی اختیار بیوش شده به پشت افتادم ام و سرم به دیوار قله خورد ،
مجر بوج شده است .

• نخبیبانی که مرمی در سفینه اجرا کرده بود حقیقتاً خیلی مهم و

جندی بود : مرئی سطح کذائی رانکا فته ، و در طبقه دوم هر چه که به پیش
درویش آمده بسپیده برده است .

« سست های سطح واپورا کتکچ سج شده ، و بعضی به بیرون انداخته
شده بود در طبقه دوم دوازده نفر قسماً با چه پارچه شده ، و قسماً به صورت
بسیار سنگینی تیز و ج شده بود ، در دیوارهای سطح واپورا ، و طبقه زیرین
آن لکه های خن ، و ورزده های معتسر در هر جا هر جا دیده میشد ، بعضی
یا چه های سر می ماند کوزر طبقه دوم عم آنگز کرده ، و بنیوار هوستف ،
و سطح طبقه سوم نیز در هر مرس خنیده بود ، و سطح واپورا نیز یک رخنه
بجسامت غیر متناسب کشاده بود ، و قسم های بیرون آنرا آذر داده بودند
در (۲۶) مارچ رئیس امیرال (ما تروف) راهه دسته کتیبهای جنگی
دوس در بشگاه جزیره های « میاتو تو میت حرکت استکشافیه اجرا نمود ،
در اینجا کوز و زور (تروف) بایک شرب طوا پیدا بیک کشتی کبرچک را
یونی تسلیم نمودند این کشتی بانه حریر و این جزیره (حالانو) و بیعد
تلافی دسته کشتی های جنگی ژاپون است میبردند ، سینه های کوز را اولاً
پرسه های خود بستند ، و بعد از آن سر تبات آنرا کشیده سفینه را تفریق کردند .

شبث کردن ژاپونیان با دووم پرسه نمودن بکوه

مدخل بندر گاه پورا آتور

-- بنو تر ۲۷ مارچ بکوه --

این حرکت در لانه دسته کتیبهای جنگی روس را ، و مسئله غلبت
عسکریه ژاپونیان را چون امیرال (توشو) نیز بر نظر داشت در او روز به اندیشه افتاد
که حرکت دسته کتیبهای جنگی روس بخرکات فعلاً اندر روز سه خود بگراشد
مسئله اشراج نمودن عسکر ژاپون در هر سطحه نیز تهاکک عظیمی خواهد
بود ، لهذا امیرال ژاپونی بار در صدد آن افتاد با یکجند کشتی را در مدخل

بندرگاه «پور آرتور» غرق کرده دسته کشتیهای جنگی دشمن را در درون بندرگاه محض ویکارو بگنارد .

در چهار تا چهار گشتی دیگر تدارک کرده ایندفعه در درون آنها غیر از سنگ و مواد احتراقیه ، بسی نقبهای زیر دریایی نیز گذاشته بودند که در مدخل بندرگاه افشانه شود . و دیگر اسلحه درین بار در میان سفینه های متاگرد و طوپیهای متعدد سریع آتش ۲ ، ۳ - انیمترونی قوی برای مدافعه طوری پندوهای دشمن نهاده بود . و در پی هر دو دوقایم بزرگی برای رها کردن مغروقین بسته شده بود . و برای محافظت ، و حیات این کشتیهای دسته کشتیهای خود پیدوی بسیار قویسکی ترفیق شده بود . این دسته کشتیهای جنگی از (۶۰) قطعه مخرب طور پیدو ، و ۶ سفینه طور پیدو مرکب بود کشتیهای این باری نیز از اول بار زکته و نوز بودند .

در شب ۲۷ مه مارچ دو ساعت بعد از نصف شب - یعنی بعد از آنکه در غروب نمود ، و عالم را ظلمت تیره شب فرا گرفت این دسته کشتیهای جنگی بمرکت آغاز نهاد . و بعد از نیم ساعت به بندرگاه برونی واصل شده . طوری پیدو ها در پیش همه می رفتند تا آنکه کشتیهای غرق را در جاهاییکه غرق شدن شان لازمست برسانند .

دسته کشتیهای حریق غریق را از مسافت بسیار پیدوی قسم کلانی سفاین حریق تعقیب میکردند . استیادهای بر برای آن آمده اند که در آشی غریق کردن کشتیهای حریق بر اسلحهکامات آتش کند ، و انفاز دقت دشمن را بسوی خود جالب کرده ، عملیات حریق را آسان نماید .

لشکر و شیفته دیده بانی را کشتیهای حرقی طوب کبی [بوی] و د ادت و آشی هر سوی غروب داخل بندرگاه ایلامیکرده ، دسته کشتیهای جنگی حریق ژاپن را از مسافت ۱۰۰۰ متر و در تر از مدخل دیده عمل مشاهده آتش بسیار شدیدی

اجرا کردند. در پی آن استحكامات ساحل نیز به این آتش اشتراك ورزیدند. پیشروترین کشتیهای حریق از ساحل غربی (کومپلا) به ۱۰۰۰ متر و برهوشده است. کشتی دیگر که در پی آن بود از آنهم بیشتر زنده بود که يك طوور پیدوی ۵ زبانی، نام روسی بر وجه آورده آنرا در زمان (کومپلا) غرقه بحرق ساخت. سفینه سوم نیز در همان برابری از طرف سرحدات خود کشتی حریق گردید. کشتی آخرین در جهت شرق، بشماره ۱۰۰۰ برابری قوه الكتریک در جانبیک طرف سرش، يك کشتی دیگر که در نشیبت دفعه اول غرق شده بود، نگه یافت حریق گردید.

درین اثنا یک این کارها میشد. طوور پیدوی های ژاپون نیز بکار آمدند. هر ۶ و ۷ پوزیکار کتی بر طوور پیدوی (ژاپون) هجوم بردند. و بعد از آنکه مشور پیدوی مذکور، بکمال مهارت، و لاوژی تا خوب وقت مداومه و بحار به تیر ده آخر الامر همه سرحدات آن تانک و عداک گردیده، و يك الفس نیز تانک شده، و کوماندان او بصورت بسیار مهمانگی زخمی گردید، و او را پیش از کار افتاده و وجودش مانند غربی شکافی شکاف شده. در نزد ساحل شرقی در پیش دو سفینه حریق ژاپون حریق گردیده است.

سر کوماندان دسته کشتی های جنگی ژاپون و پس امیرال (نوغو) را بودنی که در باب این نشیبت مدد و بین تقسیم نموده، بر وجه آید است:

۵۵. روز ۲۶ مارچ دسته کشتیهای جنگی متحد ژاپون پسری روز آرد نور بکسر حرکت کرده روز دیگر بساعت سه و نیم به تطبیق و اجرایی یابی و نقشه خاصه روز آرد آغاز کرده است.

۵۶. برای خدمت کردن این مقصد چهار غنچه سفینه غنچه در زیر حمایت دسته کشتی های جنگی شوریه در پی با طرف ایران و در داخل بندر گاه و اوصاف نموده اند، و با وجود انعکاس شعلات شدید پروژکتورهای خصم و آتشیهای

خلوب با به نزدیک مدخل رسیدند. سفین تقویه مادر زیر آتش شدید و مهلك سفینه های قره غول، و اسلحه کات دشمن یگان یگان بسوی کانال مدخل پیش رفتند.

« زاده پدشتر سفینه تقویه (شی یومارو) میرفت، چون در ساحل فرسختی کوه (طایر رسید) نیم میل دورتر از خشک کنگر ادا حته از طرف خود مس تبات او آتش داده شده غرق گردانیده است.»

« (فوکو مارو) در دریای شی یومارو می رفت. از بغل کشتی مذکور گذشته و یکصدری پیشتر رفته در انشای که می باشد خود شکر ادا حته خود را غرق کند از طرف یک طرف دشمن را خود پس غرق گشته است و در همان وقت تنگه ضایفه های گذشته مذکور به ایازرین کشتی در آمده طور پس را آتش داده اند و کشتی را در محلی دریای آتشی آمیزین زود رسیده بود غرق کرده اند.»

« به ازین کشتایی (واهیگو مارو) پیش شده در دریای کشتی فوکو مارو بهمان صورت و همان وضعیت اشتغال و غرق شده است.»

« آخرترین عمه کشتی (پوره یامادارو) بود که استهم را اتفاقاً و بر اریکه به او امر شده بود حرکت نموده یکصدری پیشتر از کشتیهای فوکو مارو و شی یومارو از طرف طور پس دشمن غرق شده است.»

« ازین کشتی هائیکو بکمال سکونت و جسارت وظیفه های خود دشمن را بیجا نمودند زیاده ازین دیگر کار و خدمت که آرزو شود نبود. حرکات چه در آنجا این فداپناز از درجه نخستین و آفرین خیلی الوتر است؛ اما هر رانوس که مدخل بندرگاه بود هر که ساعت بختش بودسد و بلند نگردید، و بعضی راه هائیکو در حین حاجت سفین دشمن از آن گذر کرده توانستند باقی ماندند و واسه ترین این راهها در بین کشتی (واهیگو مارو) و کشتی (یونا یامادارو) میباشد.»

و اجرا کردن این وظیفه مهمه به افراد و افسران زبانی داوختی که در
 آشنایی مداوم مأمور بودند سپرده شده بوده. ضایعات مابین خود است:
 «کو، ندان (تاکو حیروزه) و کو، ندان (سوغینو) و یک افسر دیگر و
 یک نفر عسکر تاب شدند. یک سوبه در زخم‌های بسیار سنگین، و یک کپتان و
 شش نفر عسکر و یک ماکینیت زخم‌دار خفیف شده اند. دیگران از طرف
 دست‌کشی‌های جنگی طور پیدوی بارهایی داده شدند.»

«کواندان (هیروزه) و (سوغینو) در سفینه (فوکو سزو) بودند که
 هر دو ی شان بصورت بسیار فخرآمیزه ترک حین کرده اند. در آشنایی سنگر
 انداختن کشتی، (سوغینو) به آشنایی درین کشتی برای آتش دادن طور پید
 درآمده است، و همین جاتلف شده است. «هیروزه» طایفه‌های کشتی را
 بسوار شدن غایبها امر نموده، و خودش برای جستجوی (سوغینو) رفته
 است. اندرین شب یک بارچه‌ای بدمرض اصابت نموده حالاً هلاک شده است.
 «این کوماندان که برنی تمام عالم عسکری یک نمونه است می شده است
 بحرکت جسورانه خود یک تذکره بر گرفته شجاعت و اطاعت دیگر برای تمام
 رقتی عالم عسکری خویش بیاد نگار گذاشته رفته است.»

«دسته کشته‌های جنگی طور پیدو که تکلف بر روی دادن اثرات قدرانی
 کشتی‌های مذکور بودند چون اجرای این وظیفه خود را مجبوراً در زیر
 آتشی بسیار شدید دشمن بگرداند زار و هدف، مشکلی بر نگزاشده اند.
 «طور پیدو‌های (آتونا) و (تسویم) بقدر یک میل بدخل آتشی
 نزدیک شده بودند که با یکی از غریب طور پیدو‌های دشمن برار شده و با امان
 بران هجوم نموده اند و به آتش بسیار شدید مدت بسیار کمی کشتی دشمن
 را شکاف شکاف کرده و مانعش را مطلق کرده در دامنه کوه طراز غرق
 گردانیده است.»

• با وجودیکه مدت ماندنی دسته کشتیهای جنگی طور پیدوی، در زیر
آتش دشمن مانده است ولی هیچیک از آن دو چارخساز نشده است. •
سی و پنج دقیقه از ساعت پنج گذشته بود که در استحکامات ساحل (پور
آرتور) باز اسر تویک اثر تلاش و هیجان پیدا شد؛ چونکه باز در استقامت
جنوب طور پیدوهای متعده ژاپون نمایان گردید. مقصد ژاپونها از این هجومهای
کوچک کوچک بی هم آن بود که خصم مدفع خود را آزار بندند؛ و مانده
کنند. و پاناب و بیثوان سازد و بواقعیکه همچنین هم بود؛ زیرا امیجر دیکه یکدیگر
طور پیدوی ژاپون نمایان میگردد و در سه یا بگنای یکدیگر همه دسته کشتیهای
جنگی دشمن هجوم آورده است به آب و تلاش می افتند و همه فواید مانده
مسلح شده مجبور میشوند برینکه هرکس بسر و قلبه خود بدود.

استحکامات ساحل در محل بر طرف پیدوهای مانده کور آتش کردند اما
چون دیدند که آنها در منزل آتش نمینند دانستند که ژاپون، آیدان مسخر
و استهزا میکنند از زرد آتش خود را گسستند.

در ساعت ۶ که صبح دهبند، قسم کشتی دسته کشتیهای جنگی ژاپون
باز طرف افقی نمایان گردید. ابتدا ابرک (ماقاردف) نیز با دسته کشتیهای
جنگی خود از برابری کشتیهای مغربه دو گذشته به بندرگاه بیرونی برآمد،
و بهتر بیانات صفت آرائی شماره آغاز نهاد. چون ترتیبات ختام یافت در حالتیکه
گرد و زویرهای (نورین) و (ایان) و (آسفولک) در پیش روی همه بود
دسته کشتیهای جنگی بحرکت افتاد. و چون بمنزل آتش تقرب کردند
کشتیهای جنگی ژاپون عقبه تکرده یکسر بسوی جنوب دور شده برقتند،
در اثنای مد لنگر گاه (پور آرتور) فداکاری که قوای بحریه ژاپون
دشمنانده حقیقتاً که عافوق هرگز تا سماح و شنا بیابند. بسی بسی افسران
و غنائی بودند که در اینخصوص من مریز را بجان قبول کردند؛ و برای اکتساب

شان و شرف صفحه های تاریخ ژاپون، به مثالهای اینگونه، جلالت، و شجاعتها حیات خود را شکافتن دادند. هر یکی از آنها بشهر مابست و حورکا میکه بران اشبث کرده اند از جهتن مشکلترین و مانع، و مدعشترین شد. میست که طبیعت بشریه آنرا قبول کرده نپسوانند.

هر گاه زمانی ژاپون از بسبب نوبت کردن چنین نوازه ها که در راه حکم داری خود به استازجه حیت، و فداکاری نشانند ده اند بر تمام زمان اوردویا و امریکه اعلاشن رجحانیت و برتری میکنند هر اسر حقی بدست شانست.

امثالها میانکاران این دلاوران میکه صردن در راه شرف و شان ملت میکا دو بزرگترین شرافتها شمرده اند و در انرا همان باخته اند بکان بکان نوشته خراج دایره امکانت از انرا و بد که یکچندی از آنها اکتفا میورزمند نخستین ذکر این منافع برگزیده که بیاید با آب طایر صفحه بقا نوشته شونده نمکار منافع کوماندان (هر و زه) آغاز کردنش ادنی و مز است:

کوسین (هر و زه) بر اندر کینن سفینه زره پوش (اوشیا) است که پسین با نژده سالیگی میکتب شخر به در آمده است.

یکچند سال بعد از آنکه ازین مکتب شهادت نامه نگار شده بودند بدست و عمر حلی مشرف ژاپون در (توسه بورغ) (آند: دوال) - یعنی، افسر عمرتی سفارت تعیین شده بود، در انشای مدت نفیالی که درین مابوریت بود دظلم محبت و توجه فوق العاده راجل حکومت و افسران عسکرانی و سپاه گردیده بود، و به اینسبب بر بسیار تفصیلات، فیده و متعلق احوالات روسید کسب و حقوق نموده است زاپورهاییک در بنیاب حکومت خود فرستاده است هر یک از مجموعه بسیار قیمتتار معلومات و حوادث بود، و حاضر آنکه مدت مأموریتش بختم رسید از راه (سیدیریا) تسلیت خود عودت کرد، که در باب احوال اینجاها نیز خبری تحقیقات و تبعات نموده است.

در شب سناون (هیروزه) کپتان کشتی (هوقو قومازو) بود ۲ چون کشتی خود را به نزدیک مدخل رسانید چهار عدد پروژه کتودهای الکتریک ضیاعهای بسیار قوت داشتند سی بر او توجیه نمود، و از استحکامات مانند باران که ریختن آغاز نمود. اما با وجود آنهم این کوماندها چسور کشتی خود را تا محل مقصود رسانید و در اینجا بکمال سکونت و آرامی همطایفه ها را بقایقها سوار کرده کشتی را به آتش زدن امر داده است. خودش هم در اثنا بیک میخواست به قایق بنشیند، شمشیرش را که در غار و با خود مانده بود بخاطر آورده بکمال احتیاط در واپس بکشتی آمده است و شمشیر خود را گرفته به قایق انداخته است، و در حال حفظه کشتی آتش گرفته خرق شده است.

در بسیار (هیروزه) کپتان کشتی (توکی مارو) بود باز کشتی خود را با بدرون قاتل مدخل رسانده است، و در اثنا بیک میخواست لگن پندازد سینه بطور پهل دشمن اشتعال یافته است. هیروزه طایفه ها را بقایق سوار کرده، و خودش نیز خراسته است که در قایق بنشیند اما در وقت (سوغوشو) نام الفری بسیار چسور و قهرمان را که رفیق او بود در میان قایق نشاندن ندید بکمال جسارت حیات خود را به تهلک انداخته بار بکشتی نیز سوخته بر آمد و به بسیار آرامی در هر طرف کشتی رفیق شجاعت خیر در آجا تپجر کرده است اما چون از افق رفیق خود دور شد کشت از دو جهای آب نیز از سطح کشتی بالا بر آمد با با چوب و به خود را به قایق انداخت.

در اثنا بیک طایفه ها بکمال گرمی و غیرت به بر کشتی آغاز نهادند بیکار چه می آمده کاسه سر این کر تین شیور را از هم پاشانیده، و وجو دش را بدریا پراکنده است.

کوماندها (هیروزه) بسیار با وقار و جدی یک انگری بود، و وقتیکه هنوز بکتاب بود در میان رفقای خود بجمارت و جدیت ممتاز شده بود. به شعر و ادبیات

تیر شوق و هوس داشت. غزلهایی که در (سایه بو) گفته شده است. اکثر آن ترانه‌ها
 بلاغته اوست. از مکتوبیکه یکی از اسرای عسکریه ژاپون در یکی از سردمدارها
 نشر کرده است اینجند سطر آئی در نقل میکنیم :

د اول شناسائی من با (هیروزو) دو مکتوب بحریه (آیا پشما) در سنه
 ۱۸۸۹ آغاز نهاده است. در اوقت هموز (۲۰) ساله بود. (هرروزه) در کذاتی گیری
 ها و پهلو ایها لیکه با سول ژاپون اجرا میشد. فوق العاده آینه تخته بهارت کرده است.
 در سنه ۱۸۹۱ وقتیکه من از (ولادیمیر شوق) برگشته بودم او به تحصیل
 زبانی روسی آغاز نهاده. اگر چه من بسعی و شغرت خود که در باب تحصیل داشتم
 خیلی مفتخر و مغرور میبودم؛ ولی چون فعالیت (هرروزه) را در باب تحصیل
 عنوم وقتون در دنیا آنگشت بر دهان حیوان ماندم.

در سنه ۱۸۹۶ هنگامیکه من به هیئت سفارت ژاپون در پرت سبورغ بمأموریت
 (آندو ناوالی) تعبیر شدم. (هرروزه) نیز همین مأموریت با من مقرر شد. هر دوی
 ما در یک اوتانی میبودیم. و بسیار مداعله با او و قلمی خوشی با هم میگذاشتیم.
 اکثر در فن حرب و احوال کوه و درانهای مشهوره با حیات و منقشات دور و درازی
 میدیدیم. ولی چون دیدم که با اینصورت مانع تحصیل زبان و سنای نومیده دازانرو
 در نیم خطبه نماز سیکه دوران بودیم برنی اویک اوتانی مقرر کرده شهادت و قنهای
 طدام با هم بکجا میشدیم.

درین اشناخت و فانت. اور کلانش رسیده بدو جده آن عجله در امتناثر گردانید
 که بخنده روز مهتابه باه اشکری بیگذر لید. تا آنکه بدو چشم بسیار شدیدی
 گرفتار آمد. من بروی کفتری قهر کردم. و چون گفتم که اگر دیگر گریه کنی
 سفارتت را برای ما. جمله چشمه انت بمملکت خواران فرستاد. بمجرد شنیدن
 اینسخنی اختیار از جا برخاسته و اشکهای خود را پاند کرده و عده کرد که بعد
 ازین دوباره گریه نخواهد کرد. و بر حزن و کد خود غلبه کرده چشمانش

هم جور خورا حد شد .

صاحب خانه که در آن نشسته بودیم یکسب مارا میبانی کرد ، در آنانی طعام صاحب خانه از خاندان حکمذرتی ژاپون بحث کشاده بعضی کلمات - بک و تان و ناسی بر زبان راند . (مبروزه) که همیشه در مقابل خانم نوان خیل مشفقانه و متواضعانه خصلت را مالک بود از شنیدن این سخن شعله غضب در چشمانش بدر خشیاده و به نگاههای شدید خود بدرستی بقایه سخن بفرمایید که اگر دیگر یار چنین سخن نالایق بر زبان براند همان لحظه او را محو خواهد کرد . محبت میکاد و محبت و صداقت بسیار شدیدی میبروراند ، و همیشه در خیال آن بود که چندان در راه لوفدای جان بکند .

بعد از ذکر کردن این حرکت در جبهه انانیک کر تیل ، حرکت قهر مانانه پیک حواله داری را نیز ذکر کردن ، میخواهیم :

هنگامیکه برای غریق کردن کشتیهای آتش دلو ملینا را جمع میکردند و به آن دلو خطن (هایلی) نام یک حواله داری بود که از حواله این صائب دوم کشتی زو هپوش (مبق ز) بود .

این قدا فیروز جوش و خروش یک انگشت خود در آب بده بخون آن هر ارضه قبول شدن خود در انوشه است . حواله داری (هایلی) در اصل یک دهقان بوده است بر کترین آرزو هایش این بود که یک کتب بحریه در آید ، اما چون درجه تحصیلش بسیار هست بود در امتحان دخول مکتب کسب استحقاق نمود .

بیماره (هایلی) یکمذرتی جزوی پیسه که بدست داشت آرا همه گی کشایه خرید ، و شب و روز میباید در تحصیل کوشش نمود ، و زاه نجان داده بدر آمدن مکتب موفق گردید ، و در انجا نیز پس از و غیرت کرد و دو ساله بدر تبه حواله نارتی صنف سوم بیرون برآمد . پیش از نوبت سددوم این مکتب بر ابرای والده خود فرستاده بود :

در مکتوبی که پیش ازین برای شه افرستاده بودم نوشته بودم که در ۶
 قهوری بیلک مرگ بسیار زی شرف و شانی تامل و سزاوار خواهم شد. اما السقا
 که امیدم به بارفت + چو آنکه کشتی کهنه (فانتیه مارو) که در آن سوار بودیم
 با وجودیکه به گه های آتشهای دشمن و آنکرده برای رسانیدن خود را بعضی
 مقصود کوشش و وزید و فی هزار افسوس که پیش از رسیدن بعضی مقصود
 بیسگی بر خورده بازه پاوه شد .

«اینست که در بنبار باز خود را در سنگ او سلطان جان تازه بنویستم و کوشش
 میکنم که قبول شوم پس هر که موقوف شدیم این مکتوب من و دا عتامة
 آخرین خواهد بود . فقط »





دسته کشتیهای جنگی روس چون بدست امیرال (ماقاروف) درآمد، و فعالیتیکه او در نیاب اظهار نمود اینست: به غلبت عسکریه بحریه ژاپونرا بش چند وقت دوچار توقف نمود. از جمله اردوی دوم بری ژاپون که در زیر کماندائی جنرال (اوفو) بود در حالتیکه بش قسم بزرگ آن در سفینه های نقلیه سوار شده بودند باز هم بخشیکه بیرون برآورده نشدند، و در اکثر گاههای (سه، و لپو) و (شبنام، پو) بجزریان اجزای بحری انظر کرده حاضر باش و منتظر مانده بودند.

مجلس ارکان حربیه ژاپون چنان آرزو داشتند که هنوز این اردو را در ماه مارچ بساحل شبه جزیره (لیاوتونگ) بیرون برارند تا که هم سرور اردوی اول را از (یائو) بواسطه این اردو آسان نماید، و هم خط رجعت فرقه روس را که در ساحل (یائو) بود در زیر تهدید و تحویف بدارد. از دوی دوم چون بجایشیکه بر آوردن آنرا نقشه مجلس ارکان حربیه مقرر کرده بودند بر آورده نشد از آرو در حرکات سرور کردن از یائو بری اردوی اول نیز تاخیر و تعطیل رخ داد.

تا به این زمان نه کشتیهای حربی ژاپونها و نه سفاین نقلیه شان به بیج ضایعاتی دوچار نشده است. دسته کشتیهای جنگی روس چون بش اثر حیات و فعالیت جزوی که دریاب گه گاه بر آمدن و بعضی استکشافات اجرا کردن، و گاه آگاهی مانوره نمودن نشان داد سوقیات عسکریه ژاپون را در سواحل (لیاوتونگ) دوچار تعطیل گردانیده اینهم دلیل واضح و برهان روشنیست

برسنگ هبذت تالیه نسوئی ژاپون باوجود جرأت غوقی اعاده در آسپانت ،
و شدت و منانت خاروقی اعاده در اجرا آت بازم نتیجه درجه بصیرت و احتیاط
و ادراکات میبکند .

ایران (مافاروف) در روزهای اول ابرین نیز بر حرکات اسکشافیه
خود دوام ورزید و نیز تحركات خود را به وسیله مفرات و خطوی حاصل کرد ،
چونکه برای انفسون و اقرار انفسکریک دلبری و اعتقاد نامی بر نفس خود نشان ،
و ذکر ، بدین خود نشان بدین را گردید ، انفسون که پایه انفران از هر نوع تجاریر
و مانوره بحریم مانده بودند از نتیجه ادبالت که مانده ان خود به نوره کردن ،
و اصول بحاربات طو پچی را بخوبی آموختن آغاز نمودند ، مرتباً نیز در
خصوص فن انداخت ، و استعمال ماشین کم و بیش ممارسه و ملکه پیدا کردن
گرفتند که از بسبب خوف و اندیشه که سابق در دلهایشان جا گرفته بود رفته
رفته رایان شده میرفت ، و باختم در جمع و تهرمان خود مشت و گریز شدن
را آرزو مینمودند .

در همین اوایل ماه ابرین در ژاپون یک مجلس عالی بحریه انعقاد یافت ،
درین مجلس در باب ظاهر نشدن اثر فعالیت کشتیهای جنگی ژاپون از روز
(۲۸) مارچ تا به (۱۲) اپریل مذاکره و مباحثه نمودند ، در خشک یک
قدم به پیش انداختند ، و نیز بر فعالیت حرکات بحریه مینمودند . حال آنکه
بریه و بحریه روس روز بروز کسب قوت مینمودند . لهذا لازم و لابد بود
که این دسته کشتیهای جنگی روس را که از چند هفته پیش طرف برای ژاپونیا
دری مانع شده است بحالت عطلت و بیکاری مینامزدانند تا آنکه فارغ
البال بحالیات اخراج از روسی دوم ، و بدین زدن حرکات بحریه آغاز نمایند .
برای اینحرکات و اسباب لازم می آمدند بر کشتیهای جنگی ایران
(مافاروف) یک حرکت بحری بسیار شدیداً اجرا کرده شود ، اما پتیر

ملاحظه دیگر چنان لازم می آید که فاعله بصیرت و احتیاط را رعایت کرده شود .
 این ملاحظه این بود که امیرال (توغو) این مخاربه را که هنوز در آغاز
 کرده است از نظر احتمال بسیار دراز شدن ، و امتداد یافتن آن حساب و تخمین
 میکرد ، و بنا بر حساب مجبور بود باینکه آبشار کند کشتیهای جنگی خود را از
 خسار و زیان محافظه و وقایه نماید . زیرا هنوز در دست روسیه دو لنگرگاه
 محری بیزرنگ - و در هر لنگرگاه مکنی دسته کشتیهای جنگی قابل تحرک
 و مهمی موجود بود ، و علی الخصوص که در دریای (بالیک) اروپا نیز دسته کشتی
 های جنگی بسیار مکن و متاضمی که در هر زمان حاضر و مهباز حرکت بودند
 داشت . اما بحریه ژاپن در پی خود چون چنین یک قوه احتیاطیه را مالک
 نبود ، و همین قوه موجوده خود با تمام قوای بحریه روس بچونگ کردن
 مجبور بود نه تنها میباشد که آبشار کند کشتیهای خود را از ضایعات و خسارات
 محافظه نماید .

حالا که از طرف دیگر این هم خیلی زیاد و ضروری دیده میشد که زاپوتیا
 اخراج عسکر خود را بشکلیک آن بولای اغاواجرانیند ، تا آنکه پور آرتور را
 از طرف خشک نیز در زیر تضییق و فشار آورده سقوط آتراز و ترو آمانتر
 بعمل آرند ، زیرا پور آرتور همانقدر که چابکتر سقوط کننده کشتیهای
 جنگی که در آن متحصن است نیز ضایعات و ترو و چابکتر ضبط و محو میشوده
 حالا که مسئله اخراج عسکر را می محاصره برنی (پور آرتور) بازه و قوف پر
 محو کردن دسته کشتیهای جنگی دشمن بود .

امیرال (توغو) به حال و ابقای این وظیفه مشکلیک متناقض مهم آمیخته محض بسایه
 را کارد رایت مخصوصه خویش موفق و کامیاب آمده ، و دسته کشتیهای جنگی
 روس را معنای و مانده بهیسی خسارات عظیمه دوچار گردانیده بنگرید که چه
 نقشه و پلان برای استکار ، با بر کار ذهن پر کار خود بکشید :

پلان امیرک (توغو) این بود که بر خط سیری که دسته کشتیهای جنگی دشمن را بطوری تعارضی به گردن و بازگشتن ران حرکت میدهند و بطوری مدهش و مدهمدی بیفتانند، و بعد از آن یک حرکت نمایش کارانه نوعاً (الحرب خداع) را بکار آورده دسته کشتیهای جنگی دشمن را از بندرگاه بیرون براند، و بران طور پیلهای افتادگی خود برابر آورد، و بیضاصات عظیمه و خساران کاتبه گرفتار نماید این فکر و ترتیب را امیرک (ژاپونی) دو سه چیز تلقین نموده بود اولاً میدانست که نیرویان کره و ژورهای روس سفاین سریع‌السریر کثرت است، و غالباً کشتیهای در حال بندرگد نیز معلوم نبود، ثالثاً (ولادیر و ستارک) نیز خیلی دور بود که بدین سه سبب هرگاه دسته کشتیهای جنگی دشمن برای محاربه برآید مجبور است که بزرگ بندرگاه متودت کند، و چون خط سیر و حرکت این خروج و رجوع امیرک (توغو) را بخوبی معلوم بود نواز و پلان خود را موقع اجرا و تطبیق بنهاده ژاپونها در بندرگدیت حرب هیچ یک کشتنی (طوریل) را مانع نبودند لهذا برای برطرف کردن این نقصان (توزیومارو) نام یک واپور بزرگ تجاری را بحال کشتنی طوریل تحویل دادند و در بعضی محلهای طوریل نیز ترتیبات وضع نمودن طوریل را ساختند، بعد از آن امیرک (توغو) نظام حرب و ملرز آنفهمدسته کشتیهای جنگی خود را در بندرگد طوریل آرتور بنصورت ترتیب دادند

کشتیهای جنگی شماره (۱)	کشتیهای جنگی شماره (۲)	کشتیهای جنگی شماره (۳)
(ژوهیوشها)	کروواتیهای زرعیش	کروواتیهای محافظه شده
سرعت فی ساعت (۹۸)	سرعت فی ساعت (۳۰)	سرعت فی ساعت (۲۲)
میل	میل	میل
آسامی	آسامی	آسامی
مبارا	نیشین	چیتوزو
حانسوزو	فازونجا	خاگازاغو
شکی شبا	آساما	فازاکی
فوجی	طوکویوا	یوشینو سرعت
پاشیا		اقاشی ۴۹
		نی تاقا ۲۰

از دسته کشتیهای مخرب شور پیدو این
محرکات و قوه این سفاین شترانگ
کرده است

از فرقه (۱)	از فرقه (۷)	از فرقه (۵)	از فرقه (۵)
آسترو	اینا زومی	هورا قودو	ساج و زامه
فازومی	یانا جو ما	شیرا نومی	سایا فوری
آفازومی	اوی بودو	یوکبری	آسا کبری
	آقه یونو	قاشه وو	مور زامه

از سفینه های شور پیدو نیز اشیا بودند

از فرقه (۹) : - تیدوری ؛ یونا زورو ؛ قازازاکی ؛ علیا بو زا

از فرقه (۱۴) : - جوبانه ؛ حاتو ؛ قاری ؛ حاشی ؛ ناقا

این است که امیران (فوجو) ، این دسته کشتیهای جنگی که مذکور شد در شب (۱۱) اپریل (نور آرتور) توجه نمودند و مشاهده کردند که از هیچ یک بلندترین نوحه دنگه ساحل دیدار نشود نزدیک شد .

تیره کشی فلذت شب چون عالم را خوب فراموش گرفت ، امیرال خودش بالذات فرقه (۵) و فرقه (۷) مخربها ، و فرقه (۱۴) شور پیدوها را ، با کشتی طوریل (تور یونو) همراه گرفته به بندرگاه بیرونی رفت .

این دسته کشتیهای جنگی در نیم شب به آنجا واصل گردید ، هوا خیلی خراب بوده متصن بازان ، بد رو شدت باریدن باران ، مانع رؤیت میشد .

شور پیدو های ژاپون ازین شرایط هوا نیز استفاده کرده در مواقع حمله بندرگاه خارجی در هر جا بوضع کردن شوریل ، و فوج و کادیا ب آمدند . امیران و این کوشیم که چهار عدد پرورژه کنورهای ساحل نهادیا بر اشراف نشن

خیامین نمودند. و سفاین و سمن در روس نیز و تبلیغ کرده بآسی پیش روز اجراء بیکر دیده باوجود اینکه پیاده سازی و هوشیاری روسها، به این موفقیت خود، ژاپونها هم قادر که نتخار و میناهت کنند. روسها نیز باید هم قادر خجیل و شره ساز شوند. اسباب موجب این غنات روسها نیز بدینصورت ایضاح میشود:

عدد سفینه های دیده بان پیش رویی این بود که خیلی کم، واقفان آنها نیز بدقت و اهتمام قصصان داشتند. و دیگر آنکه باران خیلی شدت از آبرهای دمه آسای سطح بحر همبر سخت، و در چنین هوای بسیار خراب، جهت های دور دیگر گاه خارجی را بدین ممکن نمیشد. هر روزه کتو و های الکتریک نیز در اوقاتی که هوا بارانی و در طویت زیاد باشد اطراف را بخوبی روشن نمیکند.

و الحاصل از غنات و عظمت روسها، و اینکه ساعده و مند بگرفتی هوا، ژاپونها استفاده خوبی کرده، و بر اجرائی بلان وضع نمودن طور یلیم اندر دریا موافق و کامیاب آمده باز پس عودت، و به قسم کلی مباحثی شده اند.

همه طور پندها — یعنی نقلیهای بجزئی ژاپونها که در گذشته (فور یومارو) بر کرده بودند اثر اختراع یکی از معدومین دار الفنون (توکو) بود که با سرکبات پر شده بود. تا بگری که این سرکبات اجراء میدود چنان تخمین میشد که از همه طور پندهای که تا به اینزمان ساخته شده است بسیار فایز و برتر باشد. اینست که این آلات مدتها نازیه جدید الاختراع اول بار مقابل دسته کشتی های جنگی روس اجراء کرده میشد. به یقین که نتیجه آن چه میشود؟

وقایع ۱۲ اپریل

صبح روز ۱۲ اپریل هنگامی که خوردن شد معظم با کله احتشام و رافقی نور آرتور جلوه دیدار نمود، از طرف نور آرتور بیان دیده شد که در منتهای افق (۶) قطعه کرو وازورهای کوچک دسته کشتیهای جنگی سوم، و همه دسته کشتیهای جنگی دوم طور پندوهای ژاپونی خود را گردیده، این کشتیها

بسیاری که مسافت مابین مدخل و ایشان بسیار فاصله نبود و زیاد بخوبی دانسته شده که بر جانی خود ثابت. و بندر گاه و مدخل را در زیر ترصد و انحصار گرفته اند. در وقتی صبح دشتیار آروشن ساخته بود که موز پیدوهای روس از دیده بانی و پوره لیا تویشان ظارغ شده برای استراحت به بندر گاه بر میگشتند. اما سه قطعه ازین خود پیدوها بهسبب ظلمت طوفانی و شدت بوزان به تمام کالی رسیدند نتوانسته بودند. صبح ساعت (۶) دیده شد که طور پیدوهای مذکور تمام قوت خود را بمشین های خود داده در پیش و طور پیدوهای ژاپون بکمان سرعت و شدت در پی آنها افتادند.

دو طور پیدوی روس بهسبب سرعت بسیاری که داشتند اگر چه سائیه به بندر گاه رسیده توانستند، ولی طور پیدوهای ژاپون راه بر (ستراشی) نام واپور طور پیدوی روسی رسیده از مسافت بسیار کمی بر و همچنان شدت آتش کردند که در زمان بسیار کمی طور پیدوی روسی را بقعر بحر نایاب غریق کرد آب فنا گردانید.

گرو و ازود (ژاپن) روسی که در پیش مدخل بندر گاه در فراوانی و دیدیم باقی میبود چون طور پیدو را بحال نمی دید به آمدن آن دیدند، ولی تا او میرسد کار از کار گذشته بود. گرو و ازود (ژاپن) اگر چه بدی را اندن غریب های ژاپون موفق شد ولی کشتنی (ستراشی) خود را از هائی داده نتوانست. حتی کشتیه های ژاپون را از هائی دانه غرق شده کان (ستراشی) نیز بتوب منع نموده غیر از نجفقر که از طرف کشتنی (ژاپن) از هائی باقی دیگر جمله سربان (ستراشی) باخود بومئیس جا افتادند.

درین اثنا دسته کشتیه های جنگی سوم ژاپون رکشتنی (ژاپن) حرکت کرده کشتنی مذکور با این قوت متفوق مقابله کرده نتوانست، و بطوب های خود به آتش دشمن جواب داده، در رجعت نمود.

قسم کئی دسته کشتیهای جنگی روس، درین اثنا به ترنگ کردن بندرگاه داخلی، و بیرون برآمدن به بندرگاه خارجی مشغول بود. ویس امیرال (ماقاروف) دسته کشتیهای جنگی خود را امرداد که دسته کشتیهای جنگی ژاپون را ازین حوالی بدور براند:

کشتی (بلین) به پیش و در طرفین آن سفینه های طور پیدومیر فرستاد. در پی این ها (پتروپاولوفسک)، (پولانووا)، (دیانا) (آسقول)، (نویق) میرفتند. کشتیهای روس از بسیار مسافه دور به آتش ژاپونها جواب میدادند، و رفته رفته از (پور آرتور) دور میشدند.

قسم کئی دسته کشتیهای جنگی ژاپون درین اثنا تقریباً (۳۰) میل از (پور آرتور) بجهت جنوب غربی در پشت سر جزیره های (مایا نوئو) بنظام حاضر باش ایستاده بودند. ویس امیرال (توخو) از دسته کشتیهای جنگی فرقه سوم ژاپان که در پیش روی دسته کشتیهای جنگی روس به توپ اندازی میکرد، دست بجزر دیگهان تگراف بی سیم را گرفت:

[روسها ما را تعقیب کردند و در پی ما افتاده اند]
دسته کشتیهای جنگی (۱) و (۲) را امر حرکت داد.

امیرال (توخو) از مدتی که سطح دریا را فرا گرفته بود، استفاده کردن خواسته برای آنکه دفعه پر دسته کشتیهای جنگی روس را در پی دسته کشتیهای جنگی سوم افتاده محبوم نماید. پیشروان شتاب ورزید.

مقصد دسته کشتیهای جنگی سوم ژاپون چون دور کردن دسته کشتیهای جنگی روس را از بندرگاه و استحکامات ساحل بود. ژاپون بنظام از هم کننده و بر یشتان در پیش پیش دسته کشتیهای جنگی روس رجعت میکردند. از ساعت (۸) (۵۰) دقیقه گذشته بود که یک باد شدید برخواست. در یکی یکبار از مدته دهائی یافت، دسته کشتیهای جنگی روس که در پی دسته

کشتیهای جنگی سوم ژاپون : بقدر (۱۵) بین ازبوز آرتور دو شده بودند . بنا کهن دست کشتیهای جنگی ژاپون را که دو چند قوت او بود در مقابل خود بزدند . لهذا اول « مناروف » به سرعت تمام امر بازگشت را بداد . درین اثنا کشتیهای (پوپیه دا) و « بر سویت » و « سید استبول » روسی نیز بمسوک داخل ژاپون کرده به بیرون برآمده بودند .

امیرال (توغو) دسته کشتیهای جنگی روس را به تعقیب کردن آغاز نهاد . ژاپونها در وسط ، نظام مخابرات را اخذ کرده بودند ؛ خط اول مرکب از زرهپوشهای (میقاتا) ، « آساشی » ، « قوجی » ، « باشیا » ، « هاتسوزا » بود ، کروزرهای (یامین) و « قازوغا » نیز در جهت راست این خط میبودند ، خط دوم را چهار قطعه کروزرهای صنف دوم تشکیل میداد که در پیش روی آنها زرهپوش (شکیتسا) اخذ موضع نموده بود ، کروزرهای زورهای (آسما) و « نوکیوا » ی صنف اول ژاپونی بر محافظه جناح یسار دسته کشتیهای جنگی بمقابل هجوم طور پیدوهای روس مأمور بود .

دسته کشتیهای جنگی ژاپون به سرعت ۱۸ دبل فی - ا - افی دسته کشتیهای جنگی روس را تعقیب میکرد . نداشتند کشتیهای جنگی روس پیش از آنکه بمول آتش مؤثر دسته کشتیهای جنگی ژاپون در آید ؛ نتیجتاً درین بزرج حربه استحکامات ساحلی موفق و کامیاب آمد .

امیرال « مناروف » بگمان آنکه ژاپونها (چون آرتور) را نیز برپا میبازد مان خواهد گرفت از این رو برای آنکه با توپهای استحکامات ساحلی یک معاونت خوبی بمقابل دسته کشتیهای جنگی ژاپون برساند در جهت شرقی بندرگاه و نزدیک (کو ، طاب) به نظام واسع ، و کمانه دیگر فتن تر نیات مخابراتی امر نمود . رسانعت (۹) (۱۰) دقیقه گذشته بود که از طرف سر زرهپوش « پترو پاولوفسک » که کشتی سولوی خود امیرال روسی بود ، و « کراندوئیکسبریل » که

از شهزاده کان روسست نیز در آن بود يك ستون دود تیره بسیار بزرگي هوا
 بلند شد و در عین همان زمان دو عمود فواره شعله یاشی بطرف سما ترفع
 نمود و وقتی هم سه چار دغه صدا های مدعیش کفیدن نشسته اند بسیار عظیمی
 شنیده شد و از میان این دو دعاوشما ها دیده شد که طرف سر سفینه در زیر
 سطح آب شعله خورده و طرف دنباله آن در حالتیکه چرخ سکان آن هوا
 معلق مانده بود بلند شده بود و در آن لحظه که این وضعیت پدید آمده شد
 تمام یکطرف مبل که در دوزخ در میان موجها غرق و پدید گردید
 ز رهپوش (پترو پاولوفسک) يك طرف پستی تپاس کرده بود که یکشب
 پیش ازین زایوتیادر اینجا گذاشته بودند خود میرال (ماقاروف) و در پیش
 او کان حرب فوئر امیرال و وولاس و و قسم اعظم (۵۷۶) نفر مرگت
 آن در میان و وجه او شعله ها بحر و نابود گردید و تنها (۷) نفر افسرو (گرا
 تروک سیرین) و کپتان کشتی که بصورت وخیم زخمدار بود و (۷۳) نفر
 از مرگتت رهائی داده شده است که اینها نیز اکثر زخمی بوده اند .

این سفینه ز رهپوش غرق و يك قلب زمینی ده لك طلای انگلیزی بردوات
 روسیه تبار شده بود و تمام بندرگاه و پترو پاولوفسک و یاد شده بود ؛ حال آنکه
 قیمت خود امیرال خیلی بزرگتر ازین بود .

بعد از غرق شدن کشتی کوه اندان ، اسر و ازاره کردن دستة کشتیهای
 جنگی را امیرال پراس « او حتم مسکی » که بزرگترین و قدیمترین افسران
 دستة کشتیهای جنگی بود در عهد گرفته عودت نمودن کشتیها را بعد از اسر نمود
 این است که درین اثنا فلاکت بر فلاکت در کمر ضم و علاوه گوید یعنی
 کشتی ز رهپوش (پویه دا) نیز يك طرف زمینی مصادره نمود و بصورت بسیار
 مدعی رخنه دار گردید و اینهم شدت يك طرف ابل که و ولی چون
 پناهنش ضرر نرسیده بود کشتان کشتان خود را باید قتل بندرگاه

رسائیده توانست .

زرهپوش (پتروپاولوفسک) زخم مدعی طوریل را نام برجگرگاه خود خورده بود . در بالای همین نقطه جیخانه و مهمات تازی طوپها ، و سه مینا طوپیدوها موجود بود . عدد مریات - یعنی کارتوسهای طوپهای بزرگ بشمار (۴۰۰) دانه موجود بود ، اینست که خزینه و اندازیه بجزرد کفیدن طوریل اشتغال و رزیده و یک ماشین طرف سرکشی را از هم پاره پاره کرده است . و یک قسم بزرگ سفینه را خورده و خاش کرده و مانند سیلابها آب در درون کشتی هجوم نموده در حال غرقش کرده است . و این مسئله تحقیق نکرده و نخواهد کرد که آیا ایرال (ماکاروف) بجه صورت وجه کیفیت وفات کرده است ؟

کسانیکه در دالان طبقه زیرین بود هیچ یکی تخلص نفس نتوانست بودند . کشتیکه بر سطح واپور بودند یک قسم بسیار آنها سوخته ، و یک قسم در میان دود خفه شده ، و یک قسم بتاثیر صدمه که بوقوع آمد محو و تلف شده اند . شهزاده (کراتووک سیریل) از سطح واپور خود راه بحر انداخته و بمدازان که یک مدتی شناوری کرده از طرف کشتیهای دیگر رها نموده شده است . در آنتای اشتغال در نهایت یک جهت بل کوماتدان ایرال (ماکاروف) ، و در نهایت جهت دیگر (کراتووک سیریل) میباشد . مشارالیه وقتیکه روسیه عودت میکرد در (خاربین) بیک بخبر انگلیزی احتیاجات حال فلاکت خود را به اینصورت نقل و بیان کرده است :

«یکی یکبار چنان گمان کردم که زمین ، آسمان ، دریایم دیگر مصادف کرده دنیا هیچ و هیچ گردید . از پایین یک ستون دماغه عبور فشانی که چشمه پارامیدر خشا آمد بطرف بالا بلند گردید ؛ بعد از آن یکفندای مهیب چاخراشی شنیده شد ؛ در حال بگذرد خفه گفتا ؛ بسیار تیره و مضیق بنا را احاطه کرد . در روس سوخته ، و چشمه اش

سباحی کرده بود، در آن واحد مانند یوانه آن سرسام شده بودم، نهایت یک کبی عقل ب سرم آمده دیدم که جهت سر (پتروپاولوفسک) خرق شده می رود، و سطح و ایور لحظه بلا حفظ بر آب می شود، نه شها و جسد های پشمی که در هر هر طرف سطح و ایور افتاده بودند آب های دریا آنها را از وجود بدر می برد، در هر طرف آثار انقراض حیات و موت دیده میشد: یکی یکم از خواستم که از پای کور ماندن فرو آب، چون بنزدیک زین رسیدم یکدو بسیار گرم و چسبناکی بر من هجوم کرده این آرزوی مرا منع نمود، آرزوی یگانه ام این بود که خود را بدست کشتی برسانم، هزار مشکلات از زین فرو آمدم، در میان دودها، و شحه ها و خرمن اعضای بشریه پیشرفتم همه قوتم را جمع کرد، بر قنای خوب براندم و از آن جا خود را بدریا پر آب کردم، فکر کردم که بیاید بروی آب یک مدتی بسیار باند شناوری کنم، تا خود را از گرداب عظیم و تلاطمیکه در کشای خرق کشتی در دریا حصول آمده است و لرزانم، این فکر عظم را بدست می انداخت و تفسیق و فساد آب تا بوقتی که شقیقه هایم را درجه کفیدن رسانید، در زیر آب بودم بعد از آن بر روی آب برآمدم بچکریم هوای تازه داخل گردید، تا آنکه بختم باری کرده یک تخته پاره از انقراض کشتی برستم آمده برای دیدن کشتی (پتروپاولوفسک) به اطراف خود نظر انداختم تا آنکه نظرو داعیه آخرین باشد، اما بجز دریای ساکن و ملایم دیگر هیچ چیزی ندیدم، بی، بر روی دریا بجز یک چند پاره جوئی، و یک چند انسانی که برای تخلیص نفس خود کوشش میکردند، دیگر هیچ اثر و علامتی که دلالت برین فلاکت عظمی کند موجود نبود، و ندانم که ازین میان چقدر زمان گذشته بود بعد از آن آموخام که در این اثنا و خرق یک دقیقه و چهل ثانیه گذشته بود.

مأمور اشارت و مخبره است: زره برش (پتروپاولوفسک) (بوقحرف)

نام شخصی که از جمله رهائی یافته گشت نیز بدینصورت حکایت حال کرده است:

« بسوی بندر گاه بر میگشتم ، من در دائرۀ مسکن کشتی بودم و صحیفه های دفتر اشارت را ورق میدادم ، آخر ترین امر امیران (ماکاروف) ، این بود : (سفینه های طور پیدو به بندر گاه داخلی عودت کنند) ، سفینه زره پوش بسبب نبودن نظام خیلی آهسته آهسته حرکت میکرد ، یکی یکبار يك نرزه بسیار مدهشی بمحصول آمد ، بعد از آن صدای يك اشتعال و کفیدن مدهش و هول ناکی شنیدم ؛ در شی این اشتعال يك اشتعال مدهشتر و مخوفتر دیگر نیز بر آمد ، همان لحظه بطرف دروازه دویدم ، لاکن دروازه را باز کرده نتوانستم ، و خود را از پنجره بیرون انداختم ، دیدم که کشتی بيك بغل میل کرده پستی خرق شدن را دارد ، در يك جهت يك افسری را دیدم که بر و اتحادۀ بوده این افسر امیران « ماکاروف » بود ، از هر طرف پارچه های انقباض ، و اعضای بدن خود در خاش شده ، و آهن پاره ها و دیگر مواد مانند باران برینخت ؛ آه و این جزو حین و دیگر بسی صداهای دهشت قرین شنیده میشد ، و همه این مناظر الم انگیز را بگذرد بسیار کشیف و غلیظی ستر و پنهان میکرد ، موجهای آیسکه در کشتی هجوم نموده مسالز جاییکه بودم برداشته برد ، بعد از آن بيك چیزی که بر روی آب بود دست انداختم ، تا آنکه در کهای کشتی را بیاد دارم دیگر هیچ چیزی نمیدانم ! »

در میان تنگ شده گان یکی از رسانان و مصوران روس که (و ریجا کین) نام داشت و بتصویر کشتی و قایع حربیه شهرت شعار بود نیز موجود بود ، مومی نیه در جوانی بتکر آنکه بسلك بحریه در نیدیه مکاتب بحریه داخل گردید ، اما بعد از آن بر مسمی سلوک کرده در کشتیهای حربی در جاهای بسیار دور سیاحتها اجراء نموده قابلیت صنعتکارانه خود را وسعت داده است ، در دیدار به نیت آنکه وقایع محاربات اقتصادی شرقی را ثبت دفتر خاطرات نماید ، و در آینده نوحه های مصور رسا قیستاروی در عوارضات و موهنجهای روسیه

و ابعام اعلان کنند از ترسیورغ به اقصای شرق عزیمت کرده است .
 این حادثه نکند محترم بعد از چند روزی که برای مردن در مابین موجهای
 بحریه (پور آرتور) رسید ، بود اسن (۶۲) - انگلی غمرهٔ بحر فز گردید .
 یکت شخصی به این طایفه مشرف شدن زر عیوش (پروینا و لوفسک) را
 از (پور آرتور) مشاهده کرده بود دید تپهای سفید را بدینصورت حکایت
 و بیان میکند :

« سفید (پروینا و لوفسک) آهسته آهسته پیش میرفت ، به انتظار بحاریه
 که فرساید و قوع آن در مد نظر بود همهٔ ماسکات و مشرف سکون بودیم . در
 مشرف کشتی ایرک به برابری نشسته سنگ فلک الکتریک : میس بود ، طور
 پیدا و هائیز به بندر گم میگردانند . اینست که درین زمان از جهت راست سر
 (پروینا و لوفسک) یکدرد سفیدی بلند شد و دو بازی هم یکصدای مهبلی
 خفته شده بهم پرتیادهٔ سفید شد ، بعد از لحظهٔ همهٔ سفید را یکدرد نارنجی
 رنگی امانه نمود ، با زورین اینقدر دیده میشد که بسیار چیزهای متنوع بود
 بالاشبه بازیس و بیسخت و غوغا و شعله های کسرها بلند میشد ، کاشه بر
 جهای دیگر کم یازد باز گردید کما سیک در مشرف من بودند صدای ام
 انگیز ، [مشرف میشود مشرف میشود] را ظاهر میشوند ، بحقیقت
 که کشتی ایرک یکطرف کج شده از مشرف سر مشرف شده ، هر وقت ، تا آنکه
 دور کشته بودیم که تمام وجود کشتی از نظر زبان و بطرف قمر بحر پویان گردید ،
 بجای انتظار امید پرورانه که یک آن اول در دلها بود حالیک سکوت المم و مؤ
 بر قائم گردید ! »

این حادثه غیر مأسول در بیان دستم کشتهای چنگی روس ، قابل تعریف
 يك ، بشانی و سراسر کشتی : انگشت ، هر سفینه چنان گمان میکرد که نوبت
 فلاکت حالاً او تر حوائص رسید اسم اعظم الفسرن و کوشاندان کشتهای

از روس حیران بودند که چه کنند ، و نمیدانستند که چه امر بدهند .
 همه کشتیها چندان اعتقاد میکردند که بر یک ساحه بسیار کمی که همه آن با طور
 سیلهامستور است ، میباشدند . لهذا همه افواه تازیانه کوچک و بزرگ خود را
 بسوی دریا دور داده برای اشتعال دادن ملو در بسیاری که در زیر سطح بحرویر
 خط سیر کشتیها افرغش میکردند مانند باران که ریختن آفتاب نمیداند ، استحقا
 بات ساحل نیز بیک دشمن گمانی و خیالی متصل آتش میکردند . سفاین
 حربیه روس نظام مخاربه خود را فراموش کردند ، عاقبت هزاره شکلات
 یکی بی دیگری به بندر کانه داخلی درآمدند .

امپرال (توغو) بمبارا که این احوات ، بکله دسته کشتیهای جنگی روس
 را از دور بکمال سکوت نمکاشا کرد بمنزله زوال به دسته کشتی های جنگی خود
 امر عودت داد ، در اول امر بر ای سندان داشتی جهت حرکت خود به اینطرف
 و آنطرف دور و گردش کرده بمذاقین باز در جوار (پور آنور) اما از اثره
 رشیت دشمن بیرون بیک قطعه آمده در آنجا توقف نمود .

درین روز که برای بحریه روس سر از نوبت روزی تمام شده و میشود فدایمات
 دو سپاه روجه آهست :

از صنف درجه نخستین یک زیر عیوش ، و یک طوور پیدوی بزرگ (۶۰۰)
 سر آتسان غرق و پدید گردید . در میان اینها بیک کماندان هیت نشانی موجود
 بودند قطعه یگانگی امیر ، رسانند بیک کمانده جرمیم بشریت چون ، و بسیاری مذامان
 در ایت خودیش دسته کشتیهای جنگی (پور آنور) را که به جرم نخستین
 دشمن سراسر از حرکت محروم مانده بود در بیک زمان بسیار کمی حیات تازه
 بخشیده بود .

یک زیر عیوش دیگر نیز از صنف اول بمسورت بسیار و خیمه و چار خسارت شده بوده

سکه } ترجمه احوال امیرال مافاروف {

امیرال (مافاروف) در سنه (۱۸۴۸) در (۲۹) دسمبر بدنیار آمده نه ازین حساب در انشای وفات خود (۵۶) ساله بوده است .

موسی انبه حسبره ، مشین و درفن حرب ، بحری ، صاحب ید و اولاد ، انکه فکر محلی یک کوماندان بود . غیر ازین ، مهندس ، کیمیاگر ، و لقب علم احوالده میده ، و از ارباب اختراع بود . تالیفات او در نزد مشین فنون بحریه خیلی قیمندار است . بعضی از آنرا از زبان ما - (یعنی زبان ترکی شهابی) نیز ترجمه شده است .

اختراع نخستین امیرال (مافاروف) ساختن بعضی ترتیبات مخصوصه بود که برای منع کردن هجوم آب از رخته های که بگناه کشتی گشاده میشود خیلی مفید مینمود . این اختراع (مافاروف) بتروزرمان نتیجه های بسیار خوبی بر می بخشیده در دیگر مثلک بصورت خوبیتر تطبیق و امکان شده است .

در میان آنگار مهمه امیرال (مافاروف) (به رواق) نام سفینه ایخ ممکن شایان ذکر و تحسین است که با این کشتی خودش بقدرت در بحر «محمد شهابی» مبحر شده ، اجرا کرده بود .

امیرال (مافاروف) ذکاودر این ، یعنی خود را در درجه خدمت ماعوره خود آسکار و اظهار نموده است .

در وقتیکه (۲۹) ساله بود کپتان و کوماندار کشتی (کراندوک) خدمت مینمود . ششم بمقابل خدمت جرشکارانه و بلکه ناگزیر که در آن کشتی ایضا عبود ، غیر از او ، که بدو نشان تطیقت شده است یک قبضه شمشیر طلایم با او احسان شده بود . در سنه (۱۸۸۰) (مافاروف) با جنرال (سقویروف) به ترکستان رفته و در هجوم (کونگ تپه) که حاکیبیت روسیه را در آن جوانی همین هجوم برپا ساخت اشتراک ورزیده است . در سنه (۱۸۸۲) کپتانی سفینه (ویچی باز) کار کرده

واژه‌های منتخبین آن، دور بود در بحر محیط اجرا مینمود.

در سنه (۱۸۹۰) به رتبه فوئر امیرال ترفیع نمود بدقتش طی پیشی بحریه، و بعد از یکمدتی به فرماندهی تعلیم دسته کشتیهای جنگی بحر (بالیک) تعیین گردید. بعد از چهار سال کماندانی دسته کشتیهای جنگی بحر سفید روسیه شد. این دسته کشتیهای جنگی، و آخر آیه مناسبت حرب (چین - ژاپون) به اقصای شرق رفته بود. بنا علیه امیرال (ماقاروف) آهای اقصای شرق را بصورت بسیار ممکن پیشداخت.

در سنه (۱۸۹۹) امیرال کماندانی بندر گاه (فرو نشه) تعیین شد. هنگامیکه امیرال کماندانی دسته کشتیهای جنگی اقصای شرق تعیین میشد. در همین اوردیت بود.

در میانه در این دوره‌های که در وقت کماندانی های دسته کشتیهای جنگی بحر سفید و بحر بالیک اجرا کرده بود، بهارت و درایت خود را بر همه کن ظاهر کرد و آشکار ساخته بود. امیرال (ماقاروف) را خوب ساخته بودند، و از ضایع و اطوار و متانت، فکار او را لایق افسران انگلیزی گفته بودند. نه افسران روسی!

طایع شامت انگلیزی که (ژاپون) فبروری سنه (۱۹۰۴) لایق قطع عیب گیری کرده آمده است. اندامش امیرال (ماقاروف) را بالیک طور پرین حیند گزاره حربی نتیجه بخشید.

بازت که یکدهشت اولاد تا به جسدترین زره پوشه و مشیه روسی که ما ندانم را در مان واحد محو و قدامی سازد!

یک آن حرب کوچکی که عبارت از یک پیم خور پرال باشد به ثقات (۱۳) مایین کینو کرا بالیک کتا جسدیمه را در لاجه بصر محو نمود. پس بتگریده آنچه تاوست نهاد که انیک به لوحه های زره فولادی (۱۰) سانتیمتری کشتیهای

در پیش خود مبادعت میکنند درین عصر (۳۰) که تئو و صنایع و اصل مرتبه بالاشده خیلی عجب میباشد ۱

هر آن قدر که صنعت و معرفت ترقی میکند و اقطار مجزی به نیز آن نسبت تکمیل و افزونی میگیرد ، و انسان در همه این قوتهای مهمه را بساحت عادت و پدید آنکه صنعت بیرون بر آورده باز در پیش روی محصول فکر و اختراع خود تا جزو شریف میباشد ۱

انسان چه مخلوق غریبی است ؟ در حالتیکه کند و حقیقت انکار میکند اثر ، بلکه ماهیت حقیقی نیست ذره عالم را نیز نمیداند ، تا در آن استعدادهای متعدد خود از الکتریک ، و از خود فایده ترین قوای طبیعه استفاده میکند ، و در حالتیکه از دفع کردن و پدید آختن تأثیرات مخریبه قوه مذکور در سایر عاجز میباشد از استعمال بدشترین مواد نظریه از برای تلف ساختن هم نوع عجب و هیچ خود دداری نیاید ۱



این موقیعت و گامیانی عظیمه که برای دست کشیدیم ای جنگی ژاپون و تحت وزارتگان و بدون شایعات نژادان حاصل گردید ، در ژاپونیا باک سرور بزرگی حاصل کرد ، و اکثر نیرو به امپراتور (یا ارتش) به پانسیونت (یا انگلیسی) نمیکند به امپراتور (نوه) فرستاده است :

• در بنیاد هیچ شبهه نیست که این موقیعت شده تا بعضی از اثر فضایل عالی حضرت عیسا دوست ، و وجود آسمی حرکات ، انکارانه و سمیهای شجیعانه انسانی و مرتبانه که در زیر کوه انداختی شده بود از در مخصوص من داخل عظمی دارند ، و اختلال و حرکات انسانی و مرتبانه ، و در کوه اطراف که در آنجا هرگز نه سناش و آفرینست به شما و جمله انسانی و مرتبانه ، اما آنچه بکات صدمی خود را تقدیم میکنم و تا وقتیکه انقای این دخیفه بزرگ ۵- دعهده گرفته ایم در مد نظر ما باشد ، اما قطار که در هیچ یور شربت و وطن پر دانه

خود را از امیدوار می‌باشیم . هدف مقصد هنوز دورست ؛ لهذا برای ابقای کمال و نظیفه که بر دل لازمست میباید که هشتاد و سه میلیون از کوششهای خود را امتحان سازیم .
ژاپون با به وفات امیرال (ماکاروف) بسیار متاثر شدند . چنانکه عمومی آلیه در انشای قائمش در ژاپون با بسیاری از رجالی حکومت . هارقه پیدا کرده بود ؛ و هم رفیق تحصیل امیرال (توغو) بود .

در روزیکه امیران (ماکاروف) ضربه کرباب فنا گردید امیرال (توغو) برق (شمس طالع) کشتی (میقا زان) را که در آن سوار بود برای علامت ماتم تابد نصف فرو آورد . و در پیش روی همه اسرا و از کائنات حارب این تعلق علیجنا بنانه را بر خواند :

« رفیقان ؛ اسرو زینون یکی از رفقای تحصیل و دوستان صمیمی امیرال (ماکاروف) فدای شانست بیطایبی خود گردیده از آن سبب خینی . تا ترو دلخون حیب شم . آنچه چاره که و جدا نم سرا بر ترتیب دادن این خدشه حربه از بهر منافع دولت که از میباید در پیش من مقدس ترست مجبور نمود . درین دقیقه اگر چه از بس سبب که یک رفیق در اینجند خود را شوکرده ام خینی . تاأسف میباشد ، و لاکن دسته کشتیهایی جنگی را چون منظریت بحریه را بیکان شان و شرف حاصل نمود خینی مسرور و ممتون میباشد . »

در تمام ژاپون یعنی مخصوص در شهر (قوه) برای استراحت از واح روسها که در راه و نظیفه و خد مت محوشده اند با نوسمهای سفید یک مراسم تزییه اجرا شده است . در دست بسیار کسان برقههای بود که زبان این کلمات نوشته شده بود :

« وفات امیرال دلاور روس همه ژاپونیا تا نت میکنند ؛ »

درین مراسم روزیکه — یعنی با چه خانه های نظامی به نازش .

تیم ساز میباشند ؛

مقصد حقیقی ژاپو نه این بود که دسته کشتیهای جنگی روس را با مقدار
 طوری که اقتضا بودند - توقیف نماید . همه حرکات دسته کشتیهای جنگی
 ژاپون زمین قطعه نظریه سوق و ترتیب شده بود .
 ژاپوئیها در پهلوانی خود شائرا بر همین نقطه که دسته کشتیهای جنگی
 روس برای بمباران در انجا اختراع نمودند و غایت کرده بود افتاده بودند .
 ما وجود آنها هم ساخته اینقدر در این واقع را با او زمین حال نیک که خوردن
 محال میباشد .

متخصصین بحریه این فلاتک دسته کشتیهای جنگی روس را محضاً از
 آن تصادف و یک بدبختی حمل میکنند .
 در یک اثر نابینکه از طرف شعبه استخبارات نظارت بحریه ژاپانیا نشر
 شده است این سطرها را میخوانیم :

« هرگاه تفکر کنیم بخوبی ظاهر و آشکار میگردد ، که مؤکل حرب
 بسورت بسیار علانیه در یک غرق کشتی امیرالامیران ، ژاپوئیها را در زیر حمایت
 گرفته یاری و مددگری داده است . چونکه در شای یکی دتیکه عبارت از
 نیم یکساعتی بود در این بندرگاه خارجی بسیار واقع « بود آرزو ، ژاپوئیها
 آیا چقدر ضروری و وضع کرده توانسته باشند ، البته که نسبت به وقت ،
 یک مقدری جزوی اغشاء شده توانسته خواهند بود . از این مقدار کم یک
 طور خیلی بیاید ؛ و سبکی از رهپوشهای صنف اول ، که آنها هم زرعپوش موا
 ری امیرالامیران باشد اصابت کنند و کشتی ، و امیران ، و همه ارکان حربیه و جواهر
 مرتبات را در آن واحد غرق و نابود سازد آیا همچو یاری مؤکل حرب
 دیگر چه خواهد بود !؟ »

بعضی از باب فن حرب امیرالامیران « نوشو » را مواخذ و خرده گیری
 میکنند که چرا این پریشانی و اضطراب که در دسته کشتیهای جنگی روس

حاصل شد، بود. استفاده نکرده بر چنین سفاین حربیه که سرانگش کل آن تلف شده و دیگران سردشته مانوره واسر دادن کم شده يك مجرود مدعی نبوده و دسته گدشی های جنگی روس را يك مزیت کامله دوچار خود؟ این مو آخذه باجاست. چرا که امیران ژاپونی در بیاحتیاط و ابلهکار برده است. چه که از تهنکه بلور پیل خود او نیز میقتسیده دیگر آنکه دسته گدشیهای جنگی ژاپون همگه میخواست که کشتیهای روس را در زیر يك آتش مؤثری بگیرد مجبور بود که لااقل بقدر (۴) کیلومتر و تا نه نزدیک شود. حال آنکه کتبه ایستاد مسافه نزدیک میشد دو بار در ژاپون استحقاقات ساحل میدر آمد. که در الحول بهتاریه کردن با و دشمن مجبور میگردید. این دو فکتیت (۱۶) نیرال ژاپون برای افکار و نظریات معارضین سفاین جسمیه يك دلیل شاعری نوی بهطور آورده است چونکه استقامتگوبند:

«... اما یک يك زرپوش بسیار بزرگی که بعسرف شدن ملیونها وجود آمده است. يك سلاح تحت البحر بسیار ارزانی در طرف یکدو دقیقه محو و ببرد شده میتواند. پس دولتیهایی که اقتدار بهر سالیان دسته گدشیهای جنگی زرپوش بزرگ را نداشته باشند برای آنها طوری پیدا و هالوتیهایی تحت البحری سلاحهای مکمل مذاقه و تعرض شعرده میشود.»

اندک دیگر طرف اینرا از نظر دولت دورنمید داشت که استفاده کردن و به ذی آمدن زمین سلاحهای تحت البحر از طرفین مخصوصین ضعیفترین آنها فی بلکه قوتمندترین آنها میتواند کرد.

والطبع در (۱۳) سال این دسته گدشیهای جنگی ژاپون از نقطه اس الحری کات باره پستگاه (پور آن بود) عودت نمود. در خارج بندر گاه هیچ يك سینه دشمن پیدا نیشد.

در (۱۵) نیرال دولت صحیح در که های محروبا (۲) و (۴) و (۵) و نرفقه

طور پیدوی (۹) به بندر گاه خارجی آمده بجمعه بجوی طور پیل‌های که از جای خودشان خطا خودم بودند آغاز کردند، یکچند طور پیل و یافته بر هم اثر کردند. ساعت (۷) دسته کشتی‌های جنگی (۳) و (۱) و (۲) در پیش بندر گاه خارجی آمده در یک نقطه که مدخل را در زیر برصد داشته باشد اخذ موقع کردند. گروه از وره‌ی (یشین) و (قازون) بجز از ساحل غربی (لیانوتیشان) رفتند و از اینجا به بندر گاه داخلی به اجرائی آتش آغاز نهادند. طوبخانه های ساحل و کشتی‌هایی که در داخل بندر گاه لنگر انداز بودند به این آتش و آبروها مقابله ورزیدند.

بعد از ظهر دسته کشتی‌های جنگی ژاپون رجعت کرد. از این نوایر درمان که ژاپوها (۱۸۵) مرمی صرف کردند نتیجه بسیار جزئی حاصل گردید. اینست که حرکت شرفه که از سه روز دوام نمود و موجب نتایج و ضایعه روسیه گردیده اینصورت خانه پذیر شد.

در روز (۲۲) این روسها بیاتک، هسبیت دیگری از کشتی‌ها را که آتش پلکات علی بوده از وضع نمودن طور پیل در پیشگاه (پور آرتون) بوقوع آورد و موجب تلف شدن (۳۰) نفر و (۱) آفسر گردید.

بنابر خبر و احوال (ماقاروف) امیرال (لکس، پیل) از (موکین) به (پور آرتون) آمده و تا وقتیکه دیگر کوماندانان مقروضه کوماندانی دسته کشتی‌های جنگی بجز محبط کیودرس را در عهده گرفت. تا آنکه پیل (ماقاروف) امیرال (سکر بلوف) که کوماندان سابق دسته کشتی‌های جنگی بجز سباه بود تسخیر گردید.

در روسیه بعد از امیرال (ماقاروف) مشهورترین امیرالیا همین بود (سکر بلوف) حرکت خروج امیرال (ماقاروف) را نواب و جازیمبانت حقی این فکر خود را به یکی از جنرلهای چریک فرانسوی بیان کرده بود و این نیز بصورت محرمانه به مخبر مذکور راه پانیده بود. که سر افسر بزرگی آنست

دسته کشتیهای جنگی (بور آرتور) و (ولادیمیر و ستوق) را یکجا برهم نمیتواند و به این بهال بود که دسته کشتیهای جنگی را بحرکات بیرون برآمدن فی تیجه این تاپ و نواز نباید کرد . بلکه مانند یک فرصت قائمه مند گوییده به ظهور نمودن آن فرصت دسته کشتیهای جنگی را شدت استعمال باید کرد .

حرکات دسته کشتیهای جنگی ولادیمیر و ستوق

{ از ۲۳ اپریل تا ۲۷ آن }

کوماندان (رازمه لشتاین) که به کومانداقی دسته کشتیهای جنگی طور پیروی (بور آرتور) تعیین شده بود، بجای آن که تفریق (به معنی) مفروض گشته بود، انوار بازار کوماندان دسته کشتیهای جنگی کرد و از وزیر و سایر کادر (ولادیمیر و ستوق) بودند تمسین گردید .

قوت تفریق (معنی) که آمدن است باست بمقصدی که فکر نشیبت کارانه سرشیات کوریا بمحکوم عطاات نماند (۶۳) اپریل علی السباج : کروز و زوردهای زیر پوش (روسیا) و (غریب و ماری) و (بوغاتیر) (و روریق) و دو طور سیده از بندر گاه خروج نمود .

کروز و زور (و روریق) بمجر دیک از بندر گاه نماند، مابین آن یک خسارتی بوجود آمد . روز دیگر به بندر گاه برگشتن . دیگر کشتیها یکسر بسوی (زه نسان) توجیه حرکت کرده در (۶۵) اپریل پیش از ظهر به بندر گاه مذکور مواصالت کردند .

زیر آنکه یادآور پیش رو طور پیل و تقب دریا بی نشاندسته کشتیهای جنگی از بندر گاه (۵) پیل دورتر اخذ و وقع کرده سبها طور سید و با تقب استکانا از بیرون بندر گاه درآمدند . در بندر گاه کشتی خربی و کشتی تجاری موجود بود . سبها (قویوسازو) تاپیک ، مونا کوجکی موجود بود که آن هم از طرف طور پیروهای روس بعد از آنکه طایفه های آنرا بخند که بر آوردند غرق گردیده

است . اهالی ژاپون که در آنجا بودند فرار کردند ، قوه محافظه نیز استعمال کردن آتش جدارت شراستند ، چونکه اگر چنان میکردند بیم آن بود که دسته کشتیهای جنگی روس شهر را در زیر طوب بگيرند . چار ساعت بعد طود پیدوها باز به دسته کشتیهای جنگی خود التمهات کردند .

دسته کشتیهای جنگی (ولادیووستوک) بعد از استتک ناف (ژمانسان) باز بدریا برآمده در وقت شام بیک کشتی تجارائی ژاپونئی تصادف نمود که این کشتی از ذاق و ما کولات و دیگر نوازمات برای عسکر ژاپون بار کرده میباشد . کروز و ازود (فسو و بوی) بعد از آنکه مرتبات کشتی را که عبارت از (۱۲) نفر ژاپونئی و (۱۵) نفر کوریهائی بود چهره را در نزد خود بصفت اسیر حرب نگاه داشت کشتی مذکور که (قاممورا) نام داشت غرق نمود .

در ساعت (۱۱) شب دسته کشتیهای جنگی روس بیک کشتی نقلیه بزرگ ژاپونئی (کیشو و رو) نام داشت تصادف نمود ، این کشتی بحاج (۲۷) میلیمترو (۱۴) دانه طوب میزن بود — یعنی طوب آنقدر قشاز از سیستم (هوچکیس) تجهیز بود و برای دسته کشتیهای جنگی امیرال (قاممورا) که در ساحل شرقی (کوریه) گردش داشت زغن و جبهه خانه و از ذاق میبرد ، و غیر از این بیک بزرگ افراده ماونه که بفرقه (۴) پیاده منسوب بود بایک چند نفر مسافر رهرو درین سفینه موجود بود این باونکه بعد از آن که در حوائی قصبه (ایوهن) که در ساحل شرقی کوریه کائن است اجرائی استتک ناف نموده از راه بخریه (ژمانسان) عودت کردن میخواستند .

سفینه (کیشو) در انذب از سبب غلاظت و کثافت پلک دیده تیر . (۴) سفینه طور پیدورا که بر فاقه این کشتی ، آموز بودند گم کرده بوده کپتان کشتی نقلیه مذکور چون کروز و ازود های روس را از دور دیدند بگمان آنکه دسته کشتیهای جنگی امیرال (قاممورا) است به دسته کشتیهای جنگی مذکور اشارت

عادت که زغال آورده است، روسها اشارت را دانستند و توپهای ال (په‌سن) گرووا زود (روسها) را پرتو فرستاده خودشان با دیگر کشتیها ایکنیم کیاو مترود و در برآمدند. یاتکخبر چربنده ژاپن احوالی را که درین اثنا وقوع یافته است به اینوجه تصویر و حکایت میکنند:

«امکان فرار تصور نمیرد، کپتان کشتی (ویچرغوش) افسران بحریه را یزدخود جلب کرده برای مذاکره کردن با کومانندان دسته کشتیهای جنگی روس یکسختیهای روس رفتنشانرا تکلیف نمود و خود او نیز آنها یکجایه گرووا زور (روسها) عرضت کرده و سپاهمانها را محبوس کرده به (سیریا) فرستاده. افسران باقی مانده ما بین خود عقد مجلس کرده مذاکره و مشاوره آغاز نهادند. درین اثنا نقر افسر روسی به کشتیها شکستمران ژاپنی در آن آمده بود و اسوار شده به سفینه (کینور) آمده و تکلیف کردند که با همه افسران و سر ثبات تسلیم سلاح کرده عرض اشارت بکنند، و با آنکه سفینه را باید از یکجایه غرق خواهد کرد، و برای مشورت کردن یکساعت با ایشان مهلت داده باز پس گشتند.»

«نیمشب بود، همه که یکساعت پیشتر چهار افسر انگریزته بودند اسرار دفع در آن کشته کرده هر نواز تکلیف خود را بر سلاح دریای آینه، یک صبر و سخت با کپتان توئی مذاکره (شما) نهادن در نزد افسران آمده مگر و فوراً خود در به آنها تمییز نمودند که کشتی تقابله (کینور) یک سکوت عمیق حکم فرمایند، چنانچه افسران عسکر فر ژاپون در فکات، بیانه کشتی کشتی جمع آمده بودند، یک قسمی از دست بلا حرکت بر روی خود ایستاده بودن و دست قسم دیگر بر کمر کردن تفنگها را سوار کردن بر نیزه ها، خود شان مشغول بودند اسرار حواله دار توئی مخریطه ها را تقسیم ها و او را در رسیده سازه، آنچه جمع کردن آغاز نهاد. یکی از ساداته در آن دیگر همین چیزها را از زلف افسران جمع نمود، بعد از این همه این اوزاقی

را به آمدن واپورانداخته نحو وقتا نمودند .

« از بهر آنکه روس عجز بر احوال خود هیچ سر رشته ندهند بجز های
 غنم خود شازا که بر سر شان گبهایشان بود برکنده بدو نداداختند .
 در وقتیکه این کارها میشد از تپش بکساعت گذشته بود --- یعنی از زمان
 ،هایی که از طرف روسها داده شده بود گذشته بود . درین آن يك صور
 پیدوی روس با طرف سر کشی ژاپون آمده اند ووقع نمودا با زمین کپتان
 (شبا) بزرگ افراد نوی خود آمده به آنها قهپا نید که چاره سلامت
 و نجات نماید بعد ازین هر چه که آرزو دارند اجرا کنند و در حرکات خود
 مختار و آزاد هستند . افراد مذکور از شنیدن این کلام کپتان خود به
 دالان دیگر افسران خود آمدند . تا که بیسوزید که افسران شان چه خیال
 دارند و ایشان نیز آن ها را پیروی کنند . در واژه دالان بسته بود چون که
 افسران مذکور که بدانان بودند با خود چنین قرار داده بودند که کار اسارت
 را قبول نکنند و با کشی بکجا بجا و نایا بود شوند . لهذا همه شان در دالان در آمده
 در وارد را بر خود بسته بودند و بی شکی شدن کشی استغفار داشتند . افراد چون
 آمدند بعضی از افسران بر دستر زدند که چنان داشته باشد بارشمن بجه ژاپن
 و بعد از آن بپزند تا افسران را (ژاپن) نام سوچه در داده بود .

« کپتان (شبا) بکجا بدقیقه عند آرامی که افراد بر سر خود تزلزل کرده بود (قور
 زیزر) در (جور زفا) نام دو جبهه را دارا از اسیر افتادن بدست دشمن خود کشی کردن
 و امر هیچ شعر ندند و در پیش روی مدیا گرا ایستاده با تکیه بکجا بکجا که خود را در
 يك آن و بک ز این تلف نمودند بعضی از افراد بر آن ها را پیروی کردند و بعضی
 (واو ژاپو) شد بر خود را کشیده شکم خود را با آن پاره نمود .
 « کپتان (شبا) و حوا به دار (جا. نیوتو) با (۱۰) نفر دیگر از دادند
 که تا به نفس و اسپین بارشمن به سلاح مقبله کنند بار خود ان هم تپیه نمودند که تا

از طرف روسها آتش زدود زنها را استعماله سلاح نگذاشتند . زمان مهلت چون گذشت روس ها به آتش کردن آغاز نهادند . ژاپون ها نیز به آتش شدید جنگی به آن عادت یافته کردند . عاقبت حال نزدیکه شده بود يك طور بيل روس آمده در وسط کشتی (کینه دو) اصابت نمود و کشتی را دودخانه ساخت ؛ در صرف (۱۳) دقیقه کشتی غرق گردید و با تمام کشتی نشینان خود در میان موجها ناپدید گردید !!

نظامی های ژاپون تا صرف شدن آخرین کازتوسهای خود بمه ابل روس ها به اجرای آتش دوام ورزیده اند و در نهایت امر در حالیکه ندهای (زند ، باد ، یخکادو ؛) راه سواحل بلند میکردند در نقطه خونریز گرداب غرق گردیده اند . !!

این اثر مقاومت و سردانگمی که ازین يك مهلت عسکر ژاپون بقابل دسته کشته های جنگی روس بظهور آمد حقیقتاً چنان حرکت قهرمانانه ایست که در تاریخ جلالت عسکری بخط زرین نوشته باید شد . در میان مسافران دهر و ن کشتی (کینه شر) ده نفر ناجر بود که اینها در اول امر در فلی که ها سوار شده اگر محقق قرار داده بودند ، یکی از آنها در حق جریان وقعه این تفسیلان را میدهد :

« در کشتی غیر از کپتان کشتی يك مأمور محاسبه بحریه ؛ و (۲) افسر کوچک بحریه ، و (۱۰) نفر کتیبان و از عساکر : به (۶) افسر و (۷۳) نفر عسکر و (۷۷) نفر افراد معاونه و (۱۰) نفر مسافر رهرو و (۷) نفر طایفه که جملاً (۳۵۸) نفر شود موجود بود . ازین نفر پرسیدیم که آیا رفتن شما چه قرارداده اند بجواب گفت :

« این کشتی را که جان خود ما را به آن سپرده ایم هیچ یکی ما اسلارک نخواهیم کرد . پیش از آنکه از ژاپون بر آیم بچینونيك مسکي را از روسی

کردیم اما بر شاد دل ما خیلی میسوزد چرا که ناچار هستیم .
 ۵ من در کار خود منتهی بودم در بین افسران دیگر تا چرخ های زرد نردم آمده بعد
 از مشاوره و مذاکره در یک فلوک نشستیم بر فراز قرار داریم . از بهر آنکه
 از طرف گرووازور (روسیا) دیده نشویم (۷) نفر مادر فلوک دراز اندازیم
 و (۳) نفر دیگر بقوت تمام به پر کشیدن آغاز نهادیم . از خوبی خالص مافقر
 نیز درین شاندر زیر ابرها پنهان گردیدیم بقدر (۲۰۰) مترو دور شده
 بودیم که بکصدای طربی شنیدیم در شب این صدای ملوپ صداهای شلیکات
 تفنگی بگوش ما رسید . مادامی بر استقامت غریبی ، بیخیم بعد از (۲) ساعت
 یک ضامت دهه کشیف هر طرف مار استیلا کرده جهت استقامت خود را
 کم کردیم تا آنکه ساعت (۹) شد علت شمس خراف دار روشن ساخته
 باز را استقامتی که داشتیم به پر کشیدن دوام و در بیدم سردی ، گرسنگی ،
 تنه نسکی ، مانده گی ، وجود حله ، ترا بیتاب و توان کرده بود . نهایت بعد
 از زولک از دور یک جزیره کوچکی دیده به آن طرف توجه حرکت نمودیم .
 این جزیره جزیره (سین فو) بود که در ساحل شرقی (کوریه) موجود بود .
 با سفینه (کیشور مارو) (۷۳) نفر ژاپونی شرف شده ، و (۵) نفر دهانی یافته است .
 کپتان (شیما) چون بر عسکر خود تنبیه کرده بود که تا از طرف دشمن
 آتش نشود ایشان به آتش آغاز نکند از او تا او نشیکه از گرووازور (روسیا)
 آتش میشد در کنتی (کیشو) یک سکوت محبق یک انتظار الیم حکم فرماید!
 عدم مهارت و ممارسه روس ها را در نشان انداختن این واقعه کوچک
 نیز یک مثالی تشکیل کرده است . چونکه بر یک واپور تجارشی که از مذاقته
 نفس خود عاجز ، و در مسافه کتر از (۱۰۰) متر بود ، میبایست که اول طور پیل خود
 شتر! بر هدف اصبت میدادند ، حال آنکه طوری پیل سومین گذشتی
 (کیشور) را غرق نمود .

در (۲۷) اپریل بوقت شام دستة کشتی های جنگلی روس بسرعت تمام به (ولادیووستوق) بازدرآمد دستة کشتی های جنگلی (قامیمورا) تا به (۲۷) ماه در (ژوئسان) منتظر سفینه (کیشومارو) مانده ، بعد از آنکه برماجرا کسب اطلاع نمود در پی دستة کشتی های جنگلی روس افتاده اندسته کشتی های جنگلی روس چون شانزده شب به بندر گاه (ولادیووستوق) درآمد بود ازین نکتیه (قامیمورا) هیچ یکت فائده حاصل نشد .

(۴) خور پیدوی ژاپون در شب (۲۹) اپریل در خلیج (اوسوری) که در جهت جنوب شرقی (ولادیووستوق) کا ناست ظهور نمود . قسم کفی از بوقت صبح به پیشگاه جزیره (آسقولید) آمد . است . اما بعد از پیدایی دستة کشتی های جنگلی ژاپون باز بر اقیانوس جنوب واپس رفته است . ژاپون ها ازین حرکت خروج دستة کشتی های جنگلی روس بار به اندیشه افتادند و معلوم شد که مواصالت و نقلیات عساکری برین شان در محو های اقصای شرق عنود در زیر امنیت نموده شد .

اگر چه دو فکت کشتی های روس در اثنای این خروج خیلی جزوی و بی اهمیت بود ، و شایعات ژاپون بر کم دانستاری نداشت ، اما سفای روس این قضایا بیک اجبر نمود دستة کشتی های جنگلی ژاپون را و جاز انقباض کرد ، انفاز وقت شانرا از (پور آنور) به انطرف جلب نمود که این عم فائده بزرگی برای دستة کشتی های جنگلی روس رسانیده است . و سرگه از اول عمار به دستة کشتی های جنگلی (ولادیووستوق) و (پور آنور) نوحید حرکت کرده این مورد از طرف هر دو طرف شان مشترکاً بکاهش شدت و مهارت اجرا شد . نقلیات عساکری ژاپون بتأخرات و تعطیلات عظیمی گرفتار میشد . حال آنکه بعد از رانده خرق شدن (پتروپاولوفسک) این نشیانات و قوه محو تراپرتل (به سخن) بر جریان عمومی احوال حرب هیچ یک تأثیر مهمی

اجرا نمودار شده است .

در اینجا يك سوال وارد میشود که چرا ژاپونها دسته کشتی های جنگی (ولادپوستوق) را از صندلگر دندو گذاشتند که در بحر اجرای حرکات کنند . حال آنکه قسم کشتی دسته کشتی های جنگی ژاپون در بحر اصغر در پستگاه (پور آرتود) مشغول حرکات بود . و برای ترسیدن روسها (ولادپوستوق) دیگر قوه کافیه دامالک نبود . و يك چند کروز و ازور خفیف تر صد آن عظیم الامکان میشود . بناء علیه ژاپونيان درین مسئله حقیق داشتند برینکه در بحر آزاد انتظار فرصت نود و هر وقت که خبر دسته کشتی های جنگی (ولادپوستوق) را بگیرد با يك قوه غائق در جستجوی آن بر آید . و اینرا هم ژاپونيان در مد نظر داشتند که اگر يك پارادشمن تعاضف نماید حساب خود شان را به آنها یکبارگی تسویه و بکنار فرجه خواهد کرد . لهذا الاچر تا بظهور آن فرصت به چیزات و تصدیقات دسته کشتی های جنگی (ولادپوستوق) محض میکردند .





(۳ ماه می)

در نوبت ماه اریل هنگامیکه اردوی نخستین بر فی ژاپون برگزشتن شهر
 (یالو) نشبت وینمودن امیرال (توغو) نیز این وظیفه مهمه گذاشته شده بود که دسته
 کشتی های جنگائی پور آرتور و سیاه راندر بندر گاه حبس کند . بواسطت
 وزارت باطنت بحر یازدوی مذکورری که از ژاپونیا به (رفاحو) که از یالو (۲۱)
 مین مسافه دارا انگذارده دسته کشتیهای جنگائی روس تعرض و حمله آوری
 بتواند . بنام غلبه در (۲۸) اریل بسیاری از کشتی های جنگائی و طور پیرو
 های ژاپونی در پیش گاه (پور آرتور) عرض و چور کرده بکجه ساخت ها کشت
 و نگذار نمودند . لهذا دسته کشتی های جنگی روس در وقتیکه ژاپونها حرکت
 عسکر کنزائی خود از شهر یالومت غول بودند بر هیچ یک حرکت تعرضکارانه
 نشبت و اقدام نتوانستند و از انسیب هیچیک عساکر در میان دسته های کشتی های
 جنگی روس و ژاپون بوقوع نیانند .

ژاپون ها بعد از آنکه اردوی نخستین خود در اریل لوکنز انیرند خواستند
 که یک اردوی دیگر خود را در جهت شرقی نیم جزیره (ایواتانغ) درون
 بر آورند . برای این استخراج درجه از (په وو) یک جایی را انتخاب کردند که
 ازین جا به پور آرتور (۶۵) مین بعد مسافه دارد . پس اگر یکجندگرو وارو
 یا یکجندگرو پیروی دشمن بر کشتی های تقلیه بعضی اسرا که بر و منوار آدم
 و لوازمات هجوم و یا مشغول زندانها که عظیمی بر فی اردوی ژاپون میباشد .
 از سیب روس امیرال (توغو) بار سوم باز برسد کردن مدخل پور آرتور

تثبیت نمود. این تثبیت سوم چنان تثبیت جسو. انه و فدا کارانه ایست که در تواریخ محاربات بحریه نظیر و مثیل آن بسیار کم و نادر دیده میشود .
برای این تثبیت هر یک بحجم (۲۶۰۰۰) و (۳۰۰۰۰) (تون) دو اوزده عدد سفینه انتخاب شده بود که در میان آنها غیر از آنکه ، مانند کشتی های تثبیت های اول ، مواز تقبله و مستعمله پر شده بود ، هر یکی از آن ها باتوپ های مخفی نیز مجهز شده بودند .

برای این سباحت شهرستان مرکت و از بهر از این دلاوران ژاپونیان یکمان ذوق و شوق و مخاطب بر آمدند . و برای حاصل کردن این شرف و نشان خیلی فدا کارانه مسابقه ها کردند .

پهر سفینه سه سه افسر داده شده بود ، و کمانداتی همه این دسته کشتیهای جنگی به کپتان (میوزر هالندی) سپرده شده بود . با این دسته کشتی های جنگی برای مقابله طوری دو های روس (آفاکی) و دو چوقاکی نامید و با اورطوب کس و فرقه های (۲ - - - ۳ ، - - - ۴ ، - - - ۵) بخربیا ، و فرقه های (۹ ، - - - ۱۰ ، - - - ۱۴) طوری دو ها ز فاقث بیکر دند تا آنکه هم محافظه و مدافعه کشتی های آتش را بکنند ، و هم بعد از تمام شدن کار مریات را رهائی بدهند .

روز (۲) ماه این بوقت شام دسته کشتی های جنگی ژاپن جزیره (حایاتسو) را ترك کرده یکسر بسوی (بود آر تور) حرکت نمود ، و همه کتی مانند یک کتله جسامه ای بی بلکه از استقامت های مختلف حرکت کردند تا آنکه نظر روس ها را بخورد جلب نکنند . دسته کشتی های جنگی مذکور یکی از استقامت ساحل غربی ، و یکی از استقامت ساحل شرقی بود و فرقه تقسیم شده حرکت نمود یکسر بسوی مدخل حرکت نمودند .

اما بد بسیار شدیداً که درین شب بوزیدن آمده بود دریا را بسیار قهر آورد ساخته بود ، لهذا بعد از کمی نظام از سباط فرقه ها از هم گسسته

که ماندن دسته کشتی‌های جنگی امید نتیجه بخشیدن کار را ضعیف دیده امر بازگشتی را بگشتی ۵۸ داد، ولی این امر از طرف چهار کشتی فهمیده شده دیگر کشتی‌ها بر راعیه که داشتند دوام ورزیدند.

ساعت یک از شب گذشته بود که از یکطرف استحکامات ساحل واز دیگر طرف کشتی‌های (اوت و اشنی) و (کیلافی) و غیره به تدریج که کشتی‌های دیده بان بودند طور پدیدهای ژاپون را دیده شدت تمام آتش کشادند. وانی عمومی امیرن (انگلیس) در اینجای مخاربه به سفینه (اوتوا شنی) درآمده حرکات دفع هجوم را از اوقات اداره نمود.

سفینای کشتی‌های ژاپون بسبب خرابی هوا و طوفانی بودن دریا فاصله نیم ساعت در پی کشتی (پورتور) ظهور مینمودند و بسوی مدخل می‌رفتند. این کشتی‌های ژاپونیا امر را دفعه دوم بهار اینبار آسان نموده کشتی‌های حریق از طرف روسها بیک آتش بسیار مؤثر و شدید استقامت شدند و چونکه در پرتو این طوفان و دودهای دشمن شدند نتواند کشتی‌های پندارند و مدخل مرفق شدند و در اینجا از طرف مرتبات آن شرف گردیده اند. بعضی از کشتی‌های حریق به طور بی‌امانی که در طرف روسها افتاده شده بود تصادف نموده بر مواضع اند. مابقی آنها نیز با آتشهای شوهری استحکامات و طور پدیدهای روس در نقطه‌های مختلف پندار که خارجی غرق گردیده اند.

آتش طوفان روس تا ساعت ۷ و ۵ صبح دوام ورزیده است، و چیه خانه بسیاری صرف کرده است. تنها از کشتی‌ها و طولی‌ها، ۵ (۲۵۰۰) مری انداخته اند.

این حرکت قهرمانانه ژاپونها در امری نتیجه نمانده بود، چونکه بواسطه سفالان مغرور و مدخل برای کشتی‌های بزرگ شده بود و برای کشتی‌های

خورد دیو سم (۱۰۰) مترو پک خط سپر مانده بود. اما زره پوشه و کروزه زورهای زره پوش در (پور آرتور) پیک مدتی محبوس ماندند و با دزیا زره ثبات شان منقطع گردید. با وجودیکه خور پید و های ژاپون فعالیت و ماسخی فداکارانه تبلیغ نمودند اما با وجود آنها تخطی منسوبات کنتیه ای حریفی خیلی مشکل شده بود. چونکه آنها کتشی دشمنی بلکه طوفان دریا نیز موانع عزمیه پیش می آورد. بنا علیه آنها (۸) انفور و (۳۶) نفر عسکرهایی داده شده توانستند، ضایعات عمومی ژاپون را درین سبب (۶۰) انفور و (۱۴۰) نفر با نفع شده است و بعضی طوف پیدو ها نیز به خسارات جدید گرفتار آمده است.

یکی از محرین روس که بصفت بخار جریده در (پور آرتور) میبود و (دانش نفور) نام داشت، محضه میدانگاه بخار به اوشبه را از زره کوه (ضابطه) تا شا کرده و مشهودات خود را بر وجه آتی حکایه کرده است:

« ساعت یک شب یک یکنار حدای طوب طین تدا شد و ار کوه طاز راه بسیار دورها پیک خط برقی بدر خشید. ا به ضیای زره کتورهای الکتریک دور پیک کشتی؟ آنم ز پونی دیده شد. کوه طاز با صدا های مهیب طوب ها بلرزه در آمد. اقرایر بصورت بسیار خیره و تیره بشر ضیا میبود. همه نهاد نفور را استیلا کرده بود، و از میان این همه تیره پیک خط خبرا دار — یعنی ساعت الکتریک نفور می نمود. اگر چه دسته کشتی های جنگلی دشمن در میان تاریکی دیده نمیشد ولی کروزه و زورهای دشمن که کشتی های آتش و طور پیدو های خود را همراهی و محافظه میکرد دسته های شعاع الکتریک خود را متصل بر اسوق می نمود. تمام قاعه (پور آرتور) در حال فعالیت بود هر طرف آتش می افتادند. در هر طرف و لونه ها نشسته میبود. کشتی های آتش دشمن همه این طوفان آتش را بر نظر بسیار حقارت

دیسه برك جسامت قهوه سائانه پیش می‌شدند ، سه طور پیلوی دشمن که به پیش روی دیگر کشتی ها بود و بشتر (۷) کینو، ترو دور بود یکی از آنها بصورت بسیار خوبی دوچار خسار شده بودند آن واپس گشتند ، سه بقیه کشتی های آتش مستقیمانه وی پروانه به پیش می آمدند .

« ساعت یک و نیم بود که کشتی یاشروترین آتش دشمن تان گریه کرد . این کشتی خیلی بزرگ و بسیار سفید بلك کشتی بود ، دره بان ضرایب الکتریك و امواج دریا سرعت یاشرو می آمد به اندازه این بلك کشتی دیگر نیز که ازین کشتی بزرگتر بود درین ارضی در میان موجها توجو دار گردید ، مرصی های مادر اطراف آنها می بارید ، اما سکونت و اعتدال دشمن جدا صحبت نداشت بود ا کشتی که در پیش رو بود غرق گردید . کشتی نشیدان آن در حال تیکه صند های زنده داد (بیکانه) را بلك برداشتند در میان موجها غائب گردیدند ، این کشتی را یک کشتی دیگر که با کله های طوب ما شکاف شکافی شده بود تعقیب نمود .

« کشتی های مذکور داد و کشتی دیگر نیز از عقب پیروی داشت ، ما پیش از آنکه بقدر خط رسید از طرف طرف های استمک . ان غرق گردیدند . زبون ، در انشای غرق تیر هو در می دادند تا آنکه کذبیت شرف خود را بر دیگر دفاعی خود احبار گذارد .

« کشتی شده من نیز در جنوب غرق گردید ، در ان اثنا کشتی ها تمامه بین که از همه بزرگتر و شکل آن دایره رفته رفته بعضی های الکتریك پان «نظاره خرف ایکی پیدا بیکر در میان آتش های خوب دلی ، بکین سرعت و جسامت پیش می آمد ، و آتش طوب های ما را با طوب های میله لپوز خود داشت ، جواب میدادند ، نهایت بعد از یک گمی ترو در سر راست بمداخل در مده در آنجا خود را خود غرق گردانید ، و چون دانسته شد که کشتی نشیدان این

کشتی خیلی آبدان شجره به کار و ماهر میباشد از اسبب زده گذاشتن آن ها
 جائز دیده نمی شد . لهذا در آشنایی که فلوک ها سوار میشوند
 فلوک های آن ها را در زیر باران آنگاه گرفته اند . اگر راست بگویم در نفس
 خود بقیه این آرد ما نیکه که با سرک است و اگر پزان شده اند یک حصص عمیق
 حیرت و احتیاط محصول آوردیم . آتش چون خیلی بریز ها شدت میکند
 پرهارا از دست میگذرانند تا آنکه بگمان طو بچیان ما بیاید که همه وفات
 کردند . و چون بجز در یک خوب های ما است که میدند از زمین سکوت آبی
 طوب های ما استفاده کرده بگمان سرعت بر پیمان میگویند اما در نهایت
 هر دقیقه عدد بگمان کم شده . و رفت تا آنکه فلوک که با نفس سردگان فلوک گردید .
 و زایونها را یعنی دادن از طرف مراضی نمیشدند . و به فلوک ها و طور
 پرازیهای تخلیه صبه متفرک نمیکردند ! کشتی را آن ژنرال روز بر کله های ماترک
 حیات میکردند ولی هیچ يك فلوک شان شارت قبول کردن اسارت را بر نمی
 کشیدند . در يك فلوک که (۱۵) نفر زخمی و (۲۳) نفر سالم بود بستگی
 های ما حد بر خورده باره باره شد و کشتی نشینان آن بخشک افتادند ولی
 از برای آنکه اسیر نشوند بگمان بگمان خود را بدو انداختند و الحاصل (۸)
 نفر را که بر سر يك دیرک کشتی غرق شده خود را گرفته بودند هزار
 زور و زحمت رهایی داده توانستیم . يك قایق ما که برای رهایی دهن مس
 نسبت يك کشتی غرق شده رفته بودند کشتی غرق شد کوا بر قایق ما باضوب
 و ترا یوز به آتش کردن آغاز نهادند . طرف صبح سکونت حاصل شد .
 افتاض کشتی های بخورد و خاش شده برای میدان چهاره يك علامت حزن
 و الم تشکیل میداد + + +

در آشنای این تثبیت سوم برسد کردن مدخل (بود آرتور) شیجاعت
 و فدای کاری که ژنرال بکار بردند در تاریخ جلالت و شیجاعت و المی شان يك

صفحه درخشان دیگر علاوه کرده است .

ژاپون ها در حق قهرمانی قاعده و مسلکی که دارند این ست که انسان عالمی آنست که در این مقصد عالی تسبیحیات خود را به تهاکه انداختن کفایت نمیکند بلکه وفات کردنی در آراء لازم و زیاد باشد بود .

ژاپون ها اعتقاد شان این است که روح ابدی میباشد و حیاتی که بعد از مردن میباشد نتیجه اعمال و حرکات سابقه شان خواهد بود لهذا کسیکه در راه حکممدار خود بصمیمیت و صداقت ترک جان کند روح او به جسد بیک طفلی که در بیان یک عائله مسعود و سرافراز خلق نوبت یافته باشد تعلق میگیرد . و یا آنکه در عالم ارواح بیک حیات مایه‌دانی مظاهر شده بشکرت مکان و وطن خود معاوات خیریه میسازند و با نیک و مصلحت که در آن زنده گنی داشته اند نیاید و مذا سبت ابدی پیدا شده باشد .

این است که این حیات روحانی ثانی در نظر یک ژاپونی، از حیات مادیه اولیه شان خینی قیمت دار ترست . یک ژاپونی مردن را در مقابل دشمن خیالی شرف ناک بیک چیزی میبهارند .

قهرمانانیکه که در راه (مپکادو) بسداقت وفات کنند شرف و شرف که حاصل میکنند تنها به عائله ها و اولاد و احفاد شان انتقال کرده و در نزد انسال مستقیمه برای خودشان یک حرمت شصت و صد حاصل میشود بلکه آن شرف و شان شان به آباء و اجداد شان نیز شامل میشود .

روز (۳) ماه می پیش از ظهر نسیم کاشی دسته کشتی های جنگی ژاپون در پیش گاه (پور آتوود) ظهور نمود تا بشام به عملیات تحلیفیه نظری های معروفه خود پرداخت و یک چند کشتی ترصد را در انجا گذاشته و باز پس به اس الحركات خود شان که جز ایر (آلیوت) است عودت کردند .

روز (۴) می دسته کشتی های جنگی ژاپون در پیش گاه (ساقوشان)

ظهور نمود، مقصد این بود که روس‌ها را به این ذهاب باطل بیندازند که گویا ژاپون‌ها در آن جا عسکر دبیوارند. حال آنکه در حقیقت حال در (۵) می‌عسکر خورد و در قریب (پنجه سو) به یرون برود. دن آغاز نهادند.

اس‌الحرکات دسته‌کشی‌های جنگی ژاپون

برای حرکات دسته‌کشی‌های جنگی ژاپون در بحر صفر نخستین بار خابج (آران) که (۳۰) میل در جنوب (شاه مولایو) واقع است و نقطهٔ اس‌الحرکات را دیده بود، و بیرون‌شها باز شد در موقع (خابجو) که (۴۵) میل در شرق غربی (شاه مولایو) واقع است یک اس‌الحرکات نوی تأسیس داده شد، و بزرگ (خابجو) با وجودیکه غیر محقق نشود و بسببی که در پیش روی آن جزیره‌های کوچک و سنگلاخ‌های بجزری موجود می‌باشد برای سیر شناختن غیر مساعد بود. ولی چون حرکات دسته‌کشی‌های جنگی را این اجبال از انظار دشمن پنهان نداشت برای اس‌الحرکات مزید و کار آمدنی بود، و غیر ازین از (سسه بو) تابه جزیره (شو شاپو) یک تلگراف تحت البحر تمهید شده بود و از (خابجو) تابه جزائر مختلفه (سیر چایس هان) یک استیشن تلگراف بی سیم نیز تأسیس و لایحه شده بود. بعد از آن که در اوایل ماه مارچ ژاپون در جزیره‌های (آبوت) و (یو نواده) را ضبط نمودند مقصد آنکه به [یوز آونور] نزدیک تر یک اس‌الحرکات تدارک کنند در جزیره‌های [آبوت] در آب‌های [طون نوز] برای دسته‌کشی‌های جنگی خود یک استیشن که درین بوجود آورده شد در یک ماه می از روی اول بری ژاپون نور [بانو] را کاشتن بود، تابه آن تاریخ ضایع‌ترین در دسته‌کشی‌های جنگی روس، خوانه در شماره و خوانه رسیدند که وارد آمده ازین قمر است:

نامها	اجزای کشتی	عدد
	زره پوش	۱۰
	کرو و قزور	۲۲
	طوب کس	۲۵
	مخرب طور پیدو «وه نوچینائی» [سئزء غوجی] «متراشنی»	۳۰
	کشتی طور پیل	۱۰

و شیرازین ها دیگر بعضی کشتی هاییکه بخسارات و خبیثه دریا شده اند بسبب عدم کفایت وسایط لازمه و مو جوده بودن اسباب کامله تعمیرات از حد [پور آرتور] خبثی به سنگینی و آرامی اجرا میسند .
دسته کشتی های جنگی ژاپون در همه این وقایع مختلفه که نابه این زمان گذران یافته است اگر چه کاملاً از خسار و زیان مصون نمانده ولی تا بحال هنوز هیچ یک سفینه جسیمه حربه خود را ضایع نکرده بود . دیگر این که تعمیرات کشتیهای ژاپون در بندر گاههای که با هم نوع اسباب و لوازمات مجهز و مستعد در سواحل ژاپون موجود است بکمال سرعت و سهولت اجرا میگردد .

نسبت برتری دسته کشتیهای جنگی ژاپون در دسته کشتی های جنگی روس بعد ازین حرب (۳) ماهه زیاده تر افزونی گرفته بود . شمار دیگر جهت تشبثاتی که برای جیس کردن دسته کشتی های جنگی روس در (پور آرتور) اجرا شده بود هنوز نتیجه فطنی و مکملی حاصل نتوانسته بود . یعنی مدخل بندر که هنوز بدزستی سر اسر سد و بند نشده بود .

بنابراین ژاپون تا اواخر ماهی مطابق برج جوز سنه (۱۹۰۴) حاکمیت بحر به طاقه را هنوز بسست نیاورده بود . و دسته کشتیهای جنگی روس با وجودیکه دو چار ضحک و مکتومی بود با هم که گاه بحر کات تعرض کارانه

خود ژاپونها را به اندیشه و اضطراب می آندا ختنند .
 بهر حال تعرض محتمل این دسته کشتی های جنگی روس بمقابل قوت
 و بیداری دسته کشتی های جنگی ژاپون که اس الحركات خود را بجزیره
 های (آلبورت) امتداد داده است ، موجب هیچ تهدید جدی و حقیقی دیده
 نمیشود . لهذا قرار گاه عالی عسکرئ ژاپون در سواحل (لباتو تونغ)
 بکشیدن و سوقی کردن عسکر هیچ مانع و مخذوری ندید .

کیفیت

۱۰۰ بر آوردن عسکر بخشکه ، و نقایات بحریه

این را تاریخ عسکری اثبات میکند که اگر نقیسات جدی -- یعنی
 قصد و عزم تمام در باب عسکر بخشکه اجرا شود ، از طرف مقابل --
 یعنی از طرف قوه عسکریه که خشک را مدافعه و محافظه میکنند منع کردن
 آن خیلی دشوار است . چونکه مدافعه کننده گین مجبور اند که یا قطعات
 عسکریه خود را بدرازی تمام ساحل تقسیم بیاورند ، و یا آنکه يك نقطه
 معين ساحل را با تمام قوت های که دارند بپوشانند . حالآنکه هجوم کنند
 کان نقطه را که برای عسکر در مقابل انتخاب میکنند بسبب سرعت حرکات
 قافله های آنان بسیار وقت ظاهر و بیدار نمیشوند ، و بسایه حایه طوبی
 های دسته کشتی ها ، در نقطه که هجوم بران بخواهد بشود ، زیاد از مدافعی
 ساحل ، قوه عسکریه بخشکه بر آورده نمیتوانند .

هر گاه دشمن مالك قوت های انزونی باشد ، در انوقت برای مهاجمین
 در يك آن به نقطه های مختلف عسکر بر آوردن تهدید نکند . اگر چه از نقطه نظر
 سوق الجیش مفرزه هواپازچه های متفرق عسکریه را برای يك هدف معين در
 نقطه های متعدد بخشکه بر آوردن چندان خطای عظیمی شمرده نمیشود ، اما مقدمات

قوهٔ لشکر به یک بخش که اخراج می‌شود در همان یک نقطه که هدف انتخاب شده است،
عسکر آوردن بهر است. از اینکه بر چند نقطه های مختلف ساحل بر آورده شود،
غیر ازین یک سبب دیگری هم هست که اگر در نقاط مختلفه بخوانند عسکر
بر آورند، در اوقات مهاجمین را کشتیهای جنگی می‌دهد، بکار است تا هر نقطه
را که عسکر می‌باید جدا جدا حمایت کنند، و تقویت بدهند، دیگر اینکه
مفرزه های، انفرفی که در جدا جدا جاها بیرون بر آید در خصوص کشف
و تصرف از ارضی دشمن بخوبی مشکلات بر می‌خورند، و احتیاج بسیار قوی
دارد که هر مفرزه جدا جدا بقوتش از خود افزونتر دشمن پیش آمده
جدا جدا بخورد و بریان گردند، و همه پیش از آنکه هر یک از این جدا جدا
مفرزه ها بساحل ریخته شود بعد از آنکه بساحل بر آید از همه دیگر جدا و
متفرق باشد، و حرکات عسکر به نزد دست بت لمر و یک جونی بیرون بر
آید، در خصوص سرق و زاریه مشکلات عظیمه پیش می‌آید.

باز این، فن سرق الجیش، سوقیات بر آوردن عسکر را همیشه بر یک نقطه می
و تیرا می‌کند، و تا که ممکن باشد تقرب کردن کتا بهی قلاب های عسکر را
بساحل توسعه می‌نمایند.

برای عسکر ریختن در ساحل دشمن، تری نقطه عالی است یعنی — بندر گنها
است که بر دیگر نقطه ها منجین ویر تر است، بعد از آن خطیج های کوچک
و پنهان محفظه امنیت ندارد. آخر ترین همه ساحل های بار سف می آید.
اگر چه اینچنین ساحل های باز برای عسکر ریختن هیچ مساعد و موافق نیست.
اما بمان این بعضی قائده های نزداد که از آنجا به داخیم از طرف مدافعین
که تیرا و تیرا می‌نمایند، و چون ساحل از هر طرف باز و گشاده است
کشتیهای هجوم کتا کتا بکار، سرعت بهر طرفی که عالی باشد نزد یک توده
عسکر می‌زنند.

هرگاه نقطه که عسکر در آن بر آورده میشود در نزد یک کتی بندرگاه و یا
 خلیج انتخاب شود در انوقت وظیفه یگانه قطعات عسکرانی که اول بار میرایند
 همانست که بر بندرگاه مذکور هجوم برده بندرگاه را ضعیف کنند تا آنکه قسم کشتی
 سفاین نقلیه و آنچه های عسکر را به آسانی و سهولت بر آورند و برای بر آوردن
 دن اوراق و مهمات و طریقه خانه و حیوانات نیز آسانی و سهولت پیش شود.
 اینچنین یک بندرگاه و یا یک خلیجی را بدست آوردن برای حرکات عسکری
 قواست سرعت و انتظام عظیمی را موجب میشود و اگر چنین نباشد میباشد
 که عسکر را در فایدهها و کشتیهای کوچک پر کرده بساحل بر آورند لهذا
 میباشد که سفاین نقلیه با اینچنین آلات نقلیه سفیره بدرجه کفایت مجهز باشند.
 یکی از شرطهای اساسیه عسکر ریختن خشک اینست که نقطه که در آن عسکر
 ریخته میشود تا که ممکن باشد میباشد به چنانکه حرکات عسکر به پیخواهد در اینجا
 اجرا بشود نزدیک باشد و زیرا با اینصورت از رفاهای ابتدائی بیازوم فارغ
 شده بر دشمن بناگهانی یک هجوم و شیخونی بختیاره برده از راه بحاریه نقلی
 مجبور کرده میتوانند و غیرترین در مابین هدف و نقطه که عسکر در اینجا
 ریخته میشود یک ارتباط خوبی پیدا میشود و دیگر شرط اینست که میباشد یک
 قسم دهنی از ساحلی که نقطه عسکر بر آوردن است و از ارضائی عجز ار آن دور
 زیر آتش دشمن کشتیهای جنگی عسکر بر آورند ممکن باشد و تعرضی نداشته اند
 که ترافع کند شرط شود میباشد که سیر و حرکت در دریای که عسکر بساحل آن
 استخراج میشود سهولت و آسانی کاملی داشته باشد شرط چهارم میباشد که آبهای
 ساحلی که نقطه بر آوردن عسکر است عمیق و محفوظ بود شرط پنجم میباشد که
 از طرف دریا و خشک امر مدافعه نقطه عسکر درین آسانی بشود.

در داخل دایره تأثیر و نفوذ استحکامات جسمیه دشمن عسکر ریختن
 بساحل ممکن نمیشود و اینجمله را مانورده های بحری مدعادی که پیش

ازین جنگ در وسهادر پیشگاه (پور آو تور) اجرا کرده بودند ثابت کرده است. اما اینهم شریخت که این گونه استحصکات ساحل باز آنوقت مفید و اهمیت است که با قطعات جیبیه عسکری محفوظ باشد و عملاً از دیگر طرفهای نزدیک خود قطعه عسکر ریز نداشته باشد. چونکه اگرها همین در خارج دارم تاثیر و نفوذ استحصکات عسکر برآورده بتوانند در آنوقت هیچ حیثیت و اهمیت آن ها باقی نمانند.

در خصوص عسکر ریختن بخشک بهترین فاعده ها و اصولها هستند که بخبر و کمانی در یک قطعه عسکر بر آورده شود و نداشتن خبر کرد هجوم برود هم شود بخبر این ساحل را که عسکر در آن ریختن میخورند، بپایند که پیشتر آن آکتیف و ترصد کرده باشند؛ اما در وقت جنگ کشف و ترصد آنجا خدای نظمی ضروری می شود. چونکه کشتههای که برای کشف و ترصد در اینجا بردند نظار دشمن را بخود جلب کرده دشمن را بر آوردن عسکر آنگاه میسازد. عملیات عسکر بر آورنی خشک میسازد که بد امر و بوئی یک کومانفسر سوق و اوار شود. و اینست را بواسطه نانوین که از کشتیم. با بخشک شده شده باشد و دیگر بعضی اشارات اجرا بپایند. برای هر فرقه مغایبی که عسکر نقل میدهند بقدر و کجا و مژ و ساحل یکجایی مقرر باید کنند. زیرا کشتهها از هم دیگر فاصله نکر انداز میشوند. صف ها و نظامهای که در وقت عسکر را بخشک کدین استعمال شود باید که مانند صف و نظامی که در نظامی میروند سفر گرفته شده بود اجرا گردد. و اینست را در وقت که میوز در راه باشد به کشتههای کشتهها و فسرانی کند که با او عتد هاراید که فهمانیده شود. بر آوردن عسکر را بخشک بصورت عمومی به اینصورت بوقوع میآید: قدمه اول را کشتههای قرابون و پیشدار میبرد. این قافله پیشدار که بروقت چند عتد سفینه های جنگی میباشند بصورتی که ممکن باشد خود را

بمساحل ویرسانند ، و اگر ممکن باشد در شب عسکر خود را بخشکه میریزند .
 همین جا شیکه قافله پیشدار عسکر خود را بیرون بر آورده اگر قابل اخراج قسم
 کالی باشد در حال آن نغمه را با استحکامات پادری محکم کرده آهسته آهسته آن
 استحکامات را تقویت و ثبات میدهند .

بعد از آنکه قافله قراول و پیشدار بیرون بر آورده شد ، عسکر سواری
 یعنی - - رساله بیرون میبراند ، و در حال این رساله برای کشف احوال دشمن
 و از اخصی به پیش رانده میشود ، درین اثنا قافله ، قافله قسم کالی میریزد ، و بعد
 از آن قافله های گام و مهمات حریبه بر آورده میشود .

اینست که به این صورت قافله قریه عسکر به عنوان در اول بر آمدن انجمن بر سه
 قسم جدا میشود . اما بهتر آنست که دو سه ساعت پیش از آمدن قسم کالی
 قافله پیشدار با همه مهمات و لوازمات حریبه خود یکجا بخشکه بر آمده در اینجا
 جایگزین شوند ، و بعد از آن قسم کالی بر آید ، با وجود اینهم این قسم حرکت در
 وقتی قابل اجرا میشود که در جهت خشکه ، طرف دشمن نهد که و جی نباشد ، اما
 اگر جی و نهنگ باشد ، لوازمات حریبه قافله پیشدار بعد از قسم کالی بخشکه
 بیرون کشیده میشود .

بهترین وقتها برای رسیدن به نقطه که عسکر در اینجا میریزند از شفق تا کمی
 پیشتر است . چونکه به این سبب قافله شبخیزند بیرون بر دشمن هم حاصل میشود ،
 و هم در باقی روز فرصت درازی برای بر آوردن عسکر بدست میآید ، و اگر بوقت
 شفق اخراج عسکر ممکن نباشد بواسطه بروزه کشور های اکثر یک در شب اجرا
 کردن آن لازم میآید ، و درین اثنا بواسطه با توجه جهت خشکه و در باره از روی
 هوا در زیر تر صد دیده باقی بماندند .

سوق و نقل قطعات چسبیده عسکر به راهه قطار های قافله های لوازمات
 و مهمات حریبه شان ، از راه بحر بسوی خشکه آتقدر مشک و زحمت ناکه یک

کار است که بجز عالم عسکری قدر این مشکلات و سختیها را دیگر عوام نمیدانند.
 بنابراین پیش از آنکه حکایت سوق الجیشیه، و جمع آوردنی سفر حریمی
 آورد و معنی زبان را بیان کنیم، درین باب که آیا سو فیات بحر و چنان میشود؟
 آیا عسکر را چنان سوار میکنند؟ و چگونگی آن چنانکه بپرازد؟ و میشود یا خیم
 که بر دقتی عسکری خود بعضی معلومات مفیده عرض نمایم:

برای تشریح کردن قواعد عمومی مسئله مذکور، چون بهتر از کلمات تاریخیه
 دلایل قوی پیدا نمیشود، لهذا اینصورت را از صفحه های تاریخ حرب چند
 سال پیش ازین که نگارنده آنرا از جزیره ایچین اجرا کرده اند بیان میکنیم.
 در آلمان سفر (بوتر) از اوکتوبر بر مسافت برج عسکر سنه ۱۸۹۹ تا به
 اوکتوبر ۱۹۰۰ حکومت انگلستان به یازده گانه های افریقای جنوبی
 (۴۰۰۰۰) عسکر، و زمانه چون مسافت برج سر طاق سنه (۱۸۹۹)
 تا به ماه فوروری حرات سنه (۱۹۰۶) (۱۰۰۶۲۰۰۰) تون مهمات خربیه
 بیرون بر آورده است و بر برای این نقلیات (۷۷) قلمه کشی استعمال کرده است.
 (حکومت آلمان) یعنی - جرمن در آلمان - قدر بین برای سیر
 قیات عسکر به خود در آون امر (۳۰) قطعه کشتنی بزرگت جدا کرده
 و این کشتیه (۹۳۷) افسرو (۶۶۳۰۰) نفر و (۶۳۳) عسکران
 و (۶۷) قلمه شوی، و (۳۰۰۰۰۰) نفر مکعب از اذمان و مهمات خربیه
 سوق کرده بود.

غیر ازین از (۳) ماه در هر برج میزان سنه مذکورده تا به (۵) - صد
 (۲۶) سفینه دیگر ترتیب داده و از دست شتندو فریسی - ریل - خانه
 های چوبی، اسب ها، قله، حیوانات جاندار و عقدا را بسیار زغال سنگ
 به بندر (تلقو) می چین سوقی کرده است. حرکات بیرون بر آمدن همه
 این عیاش سنیه با جمله لوازم خربیه آن بعد از رسیدن کشتنی آخرین به

هفت روز به انجام رسیده است . ولی همه سوابقات عسکر به ابداً ماه هنوز
سراسر تمام نشده بود .

جهاشیک در يك كشتی برای حمل و باربرداری مساعد و موافق است .
بنابر ملاحظیات صحیحه در صدی (۶۰) آن را بی نسیمن و در صدی (۴۰) آن
برای ماشینها ، و زغال سنگ ، و مرمتات كشتی مخصوص میشود .

سوار کردن عسکر را در کشتیها نیز بدینصورت اجرا میشود :
طوب ها ، و تخمهای ماشین دار ، و مانند آن دیگر اسلحه میباشد که
پس از حلق در سطح و انور باشد ، يك كشتی تخته کازمه و اسطه های مدافعه
کردن نفس خود محروم و طا جز است ، این تدبیری از واجب و لازم می
باشد تا آنکه تا یکدرجه دناك مدافعه کردن نفس خود شود . اگر چه طوب
ها را در وقت لزوم ناگهانی نرود و چابکی سوار و نیاز کردن موجب خجلی
مشکلات است ولی بوجود آیم از همین تدبیری که گفته شد اجتناب نباید کرد
یعنی همه اینگونه مشکلات را بنظر گرفته طوب ها و دیگر انواع تاربه
را نامرئوانند بر سطح و انور بکنجاندند .

موتن صحیحه ، و لوازمات خسته خنرا اسپید که برعه کشتی و نه زیاد
تقسیم نمایند تا که عرکتی مساوی و برابر دناك دو کتور و می گرد و سابط لارمه
صحیحه و طبیع باشند .

در هنگام نبرد ، این قدمات جسمیه عسکرى (جز وهای تهنیه) همه کس
یکجه میباشد بود ، و تا به توتند از باره بازه کردن و متفرقی - اخنق آنها اجتناب
ورزند . و برای آنکه هر آن و هر زمان و محله به کردن حاضر و مهیا باشند سنگین
بار که نظاماً با خود میبرند باید که از خود جدا نکنند . دیگر مهیات حربیه
را از مسگیر های شاز اینر و خفیهتر های شاز ابر بکنند زنده . اما همان چیزهایی
که پس از ضروری باشد و از دیگر چیز های خفیف هم بیشتر بکار شود باز هم نباید

که در زیر گذاشته شوند و در وقت بیرون بر آوردن یکی این ترتیب گذاشته میشوند .

جنس و طبیعت اسباب مانده بیکه در گذشته با یاد میشود نظیر بچشم و شکر ، و سنگینی آن عاقد امر حمل و نقل تأثیرات گوناگون اجراء میکنند . بزرگی و جسامت مانده حربه میباشد که اثر یک جسم بی تجاوز و انزوئی نکند . زیرا آگهی های بزرگ بکسر بسوی ساحل نزدیکند و عمده انداز آنرا و اینگونه اشیا نظایرها بنا بر ضرورت به کانتینرها و کشتیهای کوچک باز کرد ، بدانسورت بساحت اجراء کردن لازم میباشد ، اینست که اینستند اینها را در زیر نظر وقت و تأمین باید داشت .

خلاصه کلام هرگاه آرزو شود که عملیات عسکر سوار کردن و عسکر بر آوردن بدون توقف دوام کند ، و حرکات حاضرین سفر حرب بیک انتظام نام جریان نیابد ، میباشد که هر چیز از امور مهم گرفته تا بقرع کت که چک از اول حاضر شده و داشته و خیلی خوب است این فکر و اندیشه شده باشد .

در همچنین سفر مانده گشتی که زاول ترین در زمانه باشد ، و خوبی حاضر شده باشد ، هنگامیکه نقایات عسکریه آغاز کرد همه دسته کشتیهای جنگی علیه برای سوری و نقل بکن اردوی بزرگ در برای هر نوع احوال و انتقال آنها میباشد که حاضر شوند . و باید که با همه ترتیب و لوازمی که برای سرعت و سهولت باز کردن و قرار آوردن لازم و بکار است بجهت باشند و به اینصورت در بیشتر کاهها بیکه از انجاها حمل و نقل اجراء میدود اشیا وجود کرده به وظیفه خود آغاز میکنند در بیشتر کاهها باید که باهوشی و عاقد سردستی و وسایل های پخته کاری ساخته و مریبا شده باشد . اینست که باز کردن کشتیها میباشد که لزومی باین و نقلیه بسیار مکنی اجراء شده ، و در زیر اداره ما و در های نظارت های حربه و بجزیره ، و انسران ارکان حربه بوقوع آید .

بعد از آنکه در اول امر مدمات و مالزمت حربه بار شد، به سوار شدن عسکر امر داده میشود. و قناعات عسکره که در اردوگاه گشته اند، و قرائح، و یا چوبه های چوبی سرد سائل میباشد. بیک انتظام قومی برآمده در دسته کتیبهای جنگی تنه به تریبی که نقشه شده باشد سوار میشوند، و تمام شدن امر سوارتی عسکران، و حرکت کردن دسته کتیبهای جنگی از میان آنها بنا بر تجربه هندی که حاصل شده، برای سوار شدن عسکر از سدهای بخند پذیرها بکتابها ایتقدر وقت و مدت لازم است:

برای سدفقر عسکر	۱۰	دقیقه
برای يك اسب	۱	دقیقه
برای يك خوب	۱۰	دقیقه

نظام در انسانی ستر چین يك كندك عسکر را باجهت سنگین باز آید در شرف یک نیم ساعت از سرف سنگین است کتار در راه و او را سوار کرده است، روس ها (۸۰۰) نفر عسکر را باجهت اسب آید در شرف (۸) ساعت از سرف سنگین است کند در راه و او را سوار کرده توانسته است.

و بالعکس، اگر او را در پاش سده سنگین بست آمده نباشد، و مسافت ۴۰ دقیقه راه دور تر بود در وقت در (۴) ساعت (۳) کندك، و در (۸) ساعت (۲) بزرگ عسکر سوار می، و در (۱۵) ساعت (۲) بطریقه یعنی -- (۲) خوب خانه سوار کرده، میتواند.

انگلیسها (۲۲۰) اسب را در (۷) ساعت در (۳) ربع ۴ روسها (۶۲۰۰) پیاده را در ۳ ساعت یکمقی مشاهده اند، در مسافت هائی که گردینک باشد برای آنکه بجز در رسیدن به بندر گاهی که احتیاج در آن میشود هماندم به اخراجهات آغاز کرده شود به همراه سنان نظیر، مذکور در معرته ها، و قایقها، و کتیبهای کوچک همراه میشود.

عملیات، اخراج ... یعنی عسکر بر آوردن ، از عملیات ارتکاب - یعنی عسکر سوار کردن خیلی مشکلتر است . درین عملیات چنان بعضی موانعائی نظیر می کنند که هر چه یکی از مدبرترین بصیرتکاران نیز ترسیده باشند ، علی الخصوص در کشیدن آسیائی که بسر چرخ دریا گرفته اند باشد ، آشدن مشکلاتی دیده میشود که تصور و آفرینش آن بگفتن ممکن نیست . در سدهای سنگی است بخت کاری که کشتیها به آن نزدیک شوند . خیلی کم بدست هجوم کنندگان می افتد ، و در آنجا بواسطه معونه ها ، و کشتیهای صغیره حمله سفایز نقایه را بساحل نقل میدهند . در عملیات فر و آوردن اسب ها و قاطر ها را به دور نه ها و قایقها که مشکلترین عملیات اخراج است هر گاه دریا پردهج وهو اطوفاتی باشد بندر که های بسی عظیمی پیش می آورد ، و چونکه صندلها و معونه ها شیک در پیش و آور هر ای گویان حمله نزدیک میشوند از شدت هر او موج در هر آن و زمان به ناله که ، صداد ، و کردن باو آورد ، و زخم پارچه پارچه شدن معروف میباشند .

داد و پانزدهن تا کماهی که فله ، رکند ضایعات اخراجیه را تا بکشد تی سورا سر معطل و عظیم الاجر اینکندارد ، که به اینصورت در آبهای بسیار قیه بنداری ضایع میشود ، و غیر ازین هر گاه به زمان جدر تصادف شود معونه ها و صندا لها بساحل نزدیک شده عینواستند ، به این سبب برای بلند شدن آنها انتظار کشیدن لازم میآید .

علی الخصوص در بندر که (شه مولیو) این حادثه جدر و مد بسیار ناخیر ها و سکنه های بدی راسبب میشود ، چونکه کمی و بیشی آبهای این ساحل بقدر (۷) متر و از هم غرق میکند .

گاهی صنداها و معونه ها در رگهای نزدیک ساحل می نشیند که تا زمان در انتظار کشیدن و جواب قطعی بگیرد ، در سفر چین بسیاری از معونه

حای المان همچنین به رنگ نشسته بسیار روزها در میان دریای آند، و بعد از این هزار صفت زهائی داد، توانسته آند، آن و خورا که رسانیدن برای اینگونه رنگ نشیدان از هزار گونه، بحث و وصفت دارد که عسکر تا یک چند روز حیات بسیار محرومانه بسر می آوردند.

پیش از آنکه آلات حربیه بخشک بر آورده شود حرکات اخراج افراد عسکر را کامل بیان کرد، چو آنکه در آن زمان در سفینه هائیم مردم فربه و کار گذار می، بیایند، و در باب عملیات اخراج لوازمات حربیه آسانی پیش می شود، عسکری که بخشک، بر آیند، بیدار که تا ممکن باشد بجایکی آماده حرکت بشوند و همراه هائیکه برای آسانی فرو آوردن، در آوردن از هم باز شده آند بجایکی تمام پس اقسام، نفر قذآ آند توکیب، و سوار کرده برای حاضر کردن جای برای دیگر قطعات هائیم بر قضا آغاز میکنند، در بندر گاهائیکه در آن اخراج بوقوع می آید چنان لازم است که از یک بر دیگر ریختن حیوانات، و عسکر، و لوازمات دیگر خیلی احتراز باید شود، چو آنکه اینچنین چیزها از رفتارهای بسیار مسافه ای درازی بیشتر عسکر را مانده و ناتوان میسازد.

عسکر که یکبار بخشک بر آورده شود، و باز پس ترضیق و هجوم سخت دشمن را پس بگشای، بر آید، من شان لازم آید، خیلی تهلکه تا کیمت از آنکه تفرقه چیز در وقت تقاضای جان در نزد بسی تفرقات و ضایعات عظیمی را بچشم گرفته اینگونه عملیات دشوار تهلکه دارد این بر رسانیدن ممکنست، عسکر یک بخشک بر آورده، میشود، فربه قدمه حساب میشود، قدمه اول سفائن تنگه چون بوجه مطلوب عسکر خود را فربه لوازمش بیرون بر آید و در دو پس عادت میکنند، و قدمه دوم عسکر را از ساحل مملکت خود بر داشته به هدف اخراج نقل مینهدند، هیچ شبهه نیست که دیگر قدمه هائیمت به قدمه اول بر مملکت کتمی تصادف کنند، و سرعت و انتظام خوبتر اجرای

میر و سفر بشوایند .

حال چون تا یکروزه از سو قیاب بحریه معلومات گرفتیم باید که بسوی نقلیات بحریه ژاپان توجه شویم : در وقت شام روز پنجم ماه فروری قدمه اول نقلیه بندر گاه (سانده یو) را ترک کردیم بود ، این قدمه نخستین از قطعات فنی عسکری مرکب بود ، چونکه این قدمه برای قطعات عظیمه دیگر و مسایط و نوا بر لازمه سهولت و سرعت اخراج آنها از در بندر گاهم اندازک و آماده میگرددند .

ژاپونما در باب بر آوردن اردو منی خودشانرا بخوبی که سرعت و انتظام را مزج و بنگاه ساخته ، در هر کاره ای ، مشکل این مسئله ، بکن خوبی و درستی خودشانرا نداده اند .

چون مسئله اخراج عسکر در خاک کوریا ، بعد میآید لهذا لازمست که اول از اتفاق ژاپانها با کوریا بحث را بچیم .

اتفاق با کوریا

محبوس ماندن کشتی های جنگی روس در (پور آرتور) در همه الحراف و همه عالم اقصای شرق بسی تأثیرات معنوی و حرکات باشی اجرائ نمود که نتیجه نخستین این محبوسیت اتفاقنامه ایست که در ۲۳ ماه فروری با (کوریا) منعقد شده است .

این اتفاق نامه ، (کوریا) را سراسر بر زیر حمایت ژاپان در آورد ، و خیالات و تصور اینکه از زمانهای دراز ژاپانها در حق مملکت مذکور هیچ پوردا نیندند بیکباره گنی بمیدان علانیت بیرون بر آورد ، + معاهده نامه مذکور مرکب ازین چند فقرات بود :

۱ - کوریا ، بر عهده و زمه خود میگردد که همیشه با ژاپان بنا سببات

دوستانه ، و خوش روشی رفتار و حرکت نماید ، و در خصوص صلح و آسایش اقصای شرق عمده پیروی و نصیحت ژاپن را وعده میکند .

۲ - دولت ژاپن ، راحت و امنیت حکمدار (کوریا) را در عهدنامه بپذیرد ،

۳ - دولت ژاپن استقلالیت ، و تمامیت مملکت کوریای را بصورت قطعی

محافظه میکند .

۴ - هر گاه يك دولت سوم ، در اختلال و انسداد داخلی كه حقوق

حکمرانی امپراطوری کوریای را ، و یا استقلالیت ، و تمامیت مملکت کوریای را در

زیر تهدید واضطراب و بیج درآورد ، در باب بر طرف کردن اینگونه نا کورائی

ها ، حکومت ژاپن هر گونه تدابیر لازمه توسل مینماید . و درین مخصوص

حکومت کوریایه ، و مددکاری و پشتیبانی مینماید . بنا بر این بدست آمدن این

مقتضای ژاپن بعضی جاهای که از نقطه نظر سوق الجیش مالك اهمیت و اعتبار

باشد در وقت لزوم آنها را در زیر اشغال عسکری گرفته میتواند .

۵ - هر دو حکومت برین يك عهد میکنند که بدولت سوم هیچگونه برخلاف

این تقاضای دیگر معاهده عقد کرده نیشوندند .

این است پنج فقره عهدنامه که در مابین حکومتین منعقد گردیده و بران

اتفاق کرده اند . اگر چه حکومت (کوریا) این معاهده نامه را از سرنگی و

فشار اجزای بیچیز و بی ثبات نموده است ولی از بهر طرفی بی فایده تمام شرفی که داشت

و راهی یافته به حالت متفق دولت داخلی عمده خود داخل گردید .

برخی ژاپنها ، اینجاده نامه اهمیت و فواید عوایدی را مالك بود : اولاً

بر مملکت کوریا يك نفوذ و حاکمیت حقیقی بدست آورد ، بعد از آن بخرکات و ممانعت

ممانعت خویش همه روایتی را که در بهره افکار امتیلاجویانه ، و جریس و طمع

غصب کارانه اودر طم نشر و شهرت یافته دعای رد و نگذیب نمود . چو نکند دولت

ژاپن محافظه تمامیت مملکت کوریا و آنچه حق حقوقی حکمرانی امپراطوری

(کوریہ) را در زیر کفالت و ضمانتی خود گرفته در نظر تمام امیات کرد که مقصد او ازین اتفاق وسعت در ملک گیری نیست ، بلکه برای مدافعت حقوق مشروع خود به این حرب درآمده است و آرزوی یگانگی و عبارات از مسلک علیجانانہ متابع تجاریہ ، و اقتصادی میباشد .

این عهد و پیمان اگر چه از جهت تسکین از (کوریہ) به زبان هیچ فائده و منفعتی نرسانید ، زیرا اردوی کوریہ با یک اردوی حربی وقت حاضر شمرده نیست ، اما برای عساکر اردوهای زبان فواید کئی حاصل نمود ، چونکه این دو حکومت متفق شدند ، و محذکت این دوست ، متفق برای اخراجات و تقاضات عسکر به زبان همه وسایط و اسباب مدرسانی خود کشاده و آماده گردید ، از نتیجه حسنه این اتفاق برای خالی کردن کشتیهای نقلیه ، و رسانیدن غله و ارزاق عسکر به ، و هموار کردن راهها ، و خدمات منزل عمه و من دور کاران بسیاری از مردم خود مملکت ، متفق خود بدست آورد ، و ایامها برای محکم کردن و پادار ساختن این دوستی و اتفاق ، و دل بدست آوری مردم مملکت متفق خود درست معاهده کئی رایج کرده و وجه قیمت هر چیز را که بگریفتند پیشه کئی و نفع بدادند ، و بقرض هیچ داد و ستد نمیکردند .

برای ثبوت دادن این معاهده نامه که در ۲۳ ماه فیبروری مطابق حوت سنه ۱۹۰۰ در مابین زبان و کوریہ امضا گردید دولت زبان (ماوکی ایتر) را که از سرافرازان سیاسیون زبان بود بصفت سفیر مرخص فوق العاده به کوریہ فرستاد . مشار لیه با جبهه همراهان خود در ۱۳ ماه مارچ از (توکیو) بفرقت کردن به جاییکه آنرا (کوبه) میگویند واصل شدند ، و بشمارخ ۱۷ مارچ هیچ محل سلالا به (شیمولپو) مواسلت نمودند .

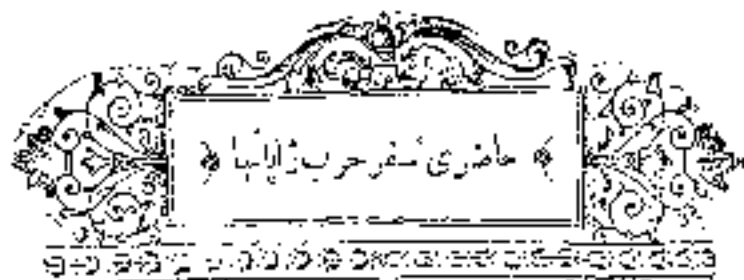
در اینجا از طرف هیئت استقبالیه حکومت (کوریہ) بکمال عزت و احترام استقبال گردیده بعد از زوال باقطار مخصوص راه آهن به (سهول) یا تخت

حکومت کوریا رسیدند .

در ۱۸ ماه در سرای امپراطور از طرف شیوایمپراطور و پسرش مناسب شرف و شان (مارکی ایسو) پست و رسم قبول و بسیار لذتگویی اجرا کردند . درین مراسم مارکی (ایسو) نعمت‌نامه خود در این امپراطور تقرب نمود . در ۲۱ ماه با امپراتور ملاقات خصوصی و موقع آمدن در ۲۵ ماه برای وداع یک ملاقاتی نیز دست داده در ملاقات اول به مارکی (ایسو) یک رتبه بزرگی داده شد ، پسر اهان او نیز اشانهای بزرگ بزرگی عطا گردید . در ملاقات دوم مارکی (ایسو) و همراهانش با حضرت امپراطور و پسر او یکجا طعام خوردند ، و بقدر دو ساعت مصاحبه و مکالمه کردند . امپراطور کوریا این اول باز دست که با مردم دولت غیر در یک سفره طعام خورده است ، و وقتیکه رخصت می شدند امپراطور تا بیرون مهتابان خود را می‌آیدت نمود . در ۲۵ ماه مارکی (ایسو) و همراهانش در (نوکیو) واصل شدند .

اینست که آمدن و بازگشتن مارکی (ایسو) که مرد سبانهی بزرگ و ایانست با اینصورت به انجام رسید . مشارالیه اول کرده که در (کوریا) اجرا نمود این بود که بقدر یکچند ماهی (یان) قرص گرفت تا آنکه تبه‌های جدیدی حکومت (کوریا) را خوب محکم کند ، و حکومت کوریا را بخوبی خود ربط نماید . تا آنجا باز مادران امور حکومت و زبان ملاقات های دور و درازی کرده به آنها بدرستی فهمانید که برای رسیدن بترتیب تصدیر قوی ، میباید که در راه امنیت قدم بقدم زایا بشود و بر روی نیاید ، و در هر خصوص به وصایا و نصایح حکومت زبانی تا بهت کرده حرکت کند ، و اگر آنچه نیز نکند تا بهت ملکیه ، و استقلالیت مملکت شان در چهار تها که خبر اعدا شد ، و اگر نصیحت زبان را بشود ظاهر آنرا با زبان به کوریا معذرت و مدد می‌رساند .

و الحاصل این اتفاق است که در ۲۷ قمری سنه ۱۶۰۶ مابین کوریا و ژاپان منعقد گردید طالع و اقبال کوریا با تاریخ ژاپان مزج و یکدیگر می‌بخشد .



درین حرب اقصای شرقی، از دوهای طرفین مانند سفر حرب سنه (۱۸۷۰) یکی بیکار بحال سفر حرب حاضر نشده اند. بلکه هر دو دولت عداوت و قوه عسکریه خود را از اندر بخاوری عهد بگریه سفر حرب حاضر کرده توانسته اند. و سبب یگانگی این ازان پیش آمده بود که مرکز های عسکریه هر دو صرف از کمانک (کوریا) و (مانچوری) که منازع فیه میباشد متبلی دور افتاده بود، و بواسطه تقابله یعنی — اسباب نقل دادن عسکر و سپاهیان و لوازمات آن نیز خیلی کم و محدود بود.

با وجود اینهم درین خصوص ژاپن نظر به خصم خود بیکو ضمیمت و مساعدت از راه و استریدید، چونکه او از اردو های ژاپن برای داخل شدن به (مانچوری) بیخ بیست مسافتی که از دوهای روس قطع بکنند می پیورند و نه نیایسته های کشتی تجاری و بحریه ژاپن در بیکار و بیکر مان یکجا اندر قوه عسکریه راه بیکر کی سوئی و نقل مینو است کرد.

اما اینقدر بود که راه های داخل (کوریا) خیلی بدو تنهه از بود که ازین سبب حرکات پیش رفتن راه مشکلات می انداخت ایندرا برای آنکه در بندرها و لنگر گاهها یک عسکر آورد و بیدار لشکر و عهد بگریه از اسبب لازم بود که که عسکر آورد شود.

اینست که بنا برین سبب در روز پنجم فبروری تنه یک اردو یعنی — فرقه های دوم و دوازده هم در ساحل (کوریا) بحالت حاضر نش سفر حرب وضع شده توانسته است :

در (۶) مارچ، برج جون نیم از روی اول بخشکه برآمده است و در (۱۸) ماه اپریل برج نور فرقه های (c) و (۱۱) امر حاضریشین سفر حرب را گرفته است.

در باب بر آوردن عسکر بخشکه از بیم دسته کشتی های جنگی (ولادیو و ستوک) از روس ژاپانها به احتیاط تمام مجبور میبودند. در روزهای اول سوویت بیرون بر آوردن عسکر یک مانع بگفته که در باب حرکات دسته کشتی های جنگی (ولادیو و ستوک) شده بود، این بود که لنگرگاه (ولادیو و ستوک) در آن روزها بابت طیف خفیف بیج مسدود شده بود و بعد از آنکه و پس از آن (گاه بعد) باز بسته کشتیهای جنگی خود برای محافظت و امنیت دریای ژاپن مأووز گردیدیم. هم دسته کشتیهای (ولادیو و ستوک) برای سوویت بحریه ژاپن بلکه عظیمی تشکیل داده بود.

مدت حاضرئی سفر حرب برای قطعات بحاره (۸) روز، برای قطعات نقاب عبرت از (۱۰) روز دوام و زاید است. هر قایقه نقلیه دریکی مان زمین در بندرهای متعدد به سقائ نقلیه سوار کرده شده است.

از روی اول در (۱۵) فروری یعنی در طرف (۱۰) روز کاملاً بحرکت حاضر و همها برنده در جنگهای ژاپن حاضر حرکات حاضرئی سفر حرب هر گاه بکمان انتظام اجرا شود برای مظهریات رسانده قایقه کال و غیر نکوئی مائی شماره میشود.

ژاپن چون هر چیزی را از اول حاضر و آماده کرده بودند از آن و خود را در خصوص حرکات حاضرئی سفر حرب، و خواه در باب کارهای تقیبات یک انتظام تا به که شایان حیرت است نداده اند.

هنوز در ماه جنوری که صادف برج دلواست اقدامات حاضرئی سفر حرب حاضر و آماده شده بود، و همان قطعات عسکر به که از همه اولتر سوق و

فرستاده می‌شده، بندرها و ایگرگ‌های که از انجمن در کشتی‌های نقلیه سوار شدنشان لازم بود رسماً تیرده و حاضر شده بودند. و برای استکار اول قطعات عسکر به دور دست‌انگشت را انتخاب کردند. مگر اول از قطعات عسکر به سواحل شرقی که به چوین مسافت بسیاری مجبور بودند به سواحل عسکری افغان نهادند. این تدابیر و حرکات مجنون آلمانی و انتظام اجرا شده است که در بیرون هیچ کسی از آن خبر ندارد. تلگراف نامه‌های روزی در بین خصوص قبون و استقامت شده. و تلگراف نامه‌های بی‌زمان هم در خصوص نقلیات عسکر به هیچ معنومات و اخباری درج نکرده‌اند. اخبارها و مطبوعات داخلی از این رفتار هیچ بحث و بیان ننموده‌اند. اخبارهای روزانه دولت‌های بیگانه که در ژاپان طبع و نشر می‌تواند بسیار از هیچ چیز خردار نباشند از آن و هیچ چیزی نمی‌تواند. قوم ژاپان که در نا و طبه آخوشی گرفتن و اسرار نگهداری و از صحبت و اختلاط بیگانگان کناره گیر می‌باشند درین اوقات بیشتر خموشی و آرامی را بر خود لازم گرفته بودند.

بجز در یک امر حاضر فی سفر حرب اعلان کرد در در یک خطه همه قشده‌ها و چوین‌های عساکر نقلیه به خالی کردند. برای آنکه جای خردشان را به قطعات عسکر احتیاطاً و آهسته قطعات نظامیه یکچندی در خانه‌ها جایگیر شدند. یک صباح چوین‌ها یکی ازین خانه‌ها را دیده بودند پیش قذاعتکاری و ساده گمبی نغری‌های عسکری ژاپان حیران مانده می‌گوید: که افراد مذکور به برکنه‌های خشک، پخیز می‌شدند. و از خانه‌ها بیرون بر زمین و طایفه صاحبان خانه به آن‌ها می‌دیدند استقامت و کناره‌چینی می‌کرده‌اند.

صبح لائمی مذکور از نغری‌های نظامی ژاپان چوین پرسیده است: که (چرا الحاقی در این استقامت نمی‌کنید؟) آنها بجاواب گفته‌اند: (خواب راحت بعد از این بر ما حرام است.)

درین مشاهده اعانتی ژاپان تا به قدرترین آنها نسبت بقوت و قدرت خود
 معاونت حکومت شتابان شده اند . يك اخبار ژاپان چنین يك فقره درج
 کرده بود : (برای مایان بعد ازین مالک بودن بريك ساعت قاب طالع عیب
 بزرگی شعرده میشود ، ما میباید که ساعت‌های طلالی خود را در راه زینت شرف
 و شان ناموس ملای خود صرف کرده بموض آن ساعت‌های کم قیمت وقت
 نما استهال کنیم) (۱۰۰) مليون (یه ن) در ظرف چند روز در داخل
 مملکت برای قرض دادن بدولت زیاده از پنج بلا حاضر و مهیا گردید ، تنها
 توانگران و سرمایه دارانی ، بلکه مزدور کاران ، و خدمتگاران برای
 اثبات کردن صداقت و محبت به حکمدار محبوب القلوب خود از نفقه و روزانه
 خود یکچند (بن) داده به استقر آهن عمومی اشتراک میورزیدند .

غیر ازین ، گروه فقرا نیز در هر محله دفترهای اعانه باز کرده بجمع آوری
 پسه در میان خود شان آغاز نمادند . و پسه که جمع آوری کرده اند آنرا بخانه
 مدعی کسیا بگذار الحرب رفته اند بخشش و عطا کرده اند ، بعضی ازین دفترهای
 اعانه بقدر چهار پنج هزار (بن) جمع آورده است .

در يك ژاپانی بسیار حقیر نیز از غیرت و همت بسیار بزرگی مشاهده شده
 است . مثلاً يك یوه زنی به یکی از مراکزهای پولیس رفته بنام حکومت (۶۰۰)
 (بن) اعانه داده گفته است که : این وجه را برای همیشه زمان پیری خود
 پس انداز کرده نگاهداشته بودم ، و چون درینوقت حیات دوات خود دراز
 حیات ذاتی خود قدستر و الزم تر میشدم از آن و ترک کردن این مبلغ جزوی
 را به اعانه دوات و نلیغه مقدس و مهم خود میدانم)

دایره وزارت حربیه دوات ژاپان مجبور گردید که يك دفتر مخصوصی
 برای قبول کردن هدیهها و اعانه‌های مرده باز نماید ، در ظرف چند روز
 از (۲) مليون (یه ن) زیاده درین دفتر وزارت حربیه جمع گرد آمد که يك

قسم مهمی ازین مبلغ از طرف قمرای اهالی آورده شده بود، گمانیکه هیچ
پسه نداشتند بفر از بک لحاف و تپالین که برای خود می گذاشتند؛ بگر همه سامان
خانه خود را ترا به عسکر میدادند، بعضی کسان نیز بدقا و فعلاً اجرای
معاونت میکردند، حتی مزدور کاران بک کارخانه نیز کشتی در روز یکساعت
ازون و مرد از حد معین خود زیاده نرکاو کرده حاصلات همین بک ساعت
زیادی خود شان را بحکومت نرک کرده بودند.

توانگران و بزرگان ژاپان قیمت دارترین جواهر و نعلس های خود
شان را در بانکها خوابانیده منافع آن ها را به اعانه عسکری صرف کرده اند.
زن های ژاپان نیز در خصوص ۳۰۰ بیست و صدت از مردان پاکه آورده اند.
برای پرستاری بجزوسان و نعلانی بجزان، و معاونت کردن به خانه های
کشته شده گان عیالها و یتیمهای متعدد و مختلفی از حایفه ژاپان کرهت و
غیرت و میان بستند، برگریده ترین، و سر فراترین این جمعیتهار ازوجه
محرمة مز شال (اولیاد) که از دوهای ژاپانرا به علم و فضل علم پسندان خود
سوق و ادراه کرده، یعنی -- سر افسرکن دولت ژاپان بودریاست بمنموده.
درین حاضرئی سفر حرب سبعیه ای دزبانه، و کوششهای مردان که
از صنف حلس و علم ژاپانیا، مغرور نظر حیرت طالبان گردیده است. حقیقتاً
مثالهای نادرا لامشایست که هر یک از آنها آثار بزرگوار شیری ملی را تشکیل میدهند.
درینجی، بعضی از این افعال ببتکارانه و غیرت وطن پرورانه آن ها را ذکر میکنیم:
در شهر (کوبه) یک نفر فرزندش بود که در دبه شیر را بر شانه گرفته بخانه
خود میبرد و هنوز از حاضرئی سفر حرب آگاه نبود، در ششیراد خبر جمع
آوری عسکر برای سفر حرب شنید، چون از او نظرهای عسکر
بود بجز دشیدن این خبر همان دبه را بر زمین گذاشته بی آنکه بخانه خود برود
بکریسوی دایر حریبه دو بند را آغز نهاد، و در انجایان بود که من از صنف

افراد عسکر احتیاط، پیداشم، و برای آن آمده‌ام که مراد از اطرب پفر متقید،
 درین اشارت پس بنده شهر مذکور از راه، بیگناشت دید که دونه شهر در
 راه افتاده است، و از سر دین حجیر فرود مید که این دبه‌های شیراز کیست؟ آنها
 کبشیت را بیان کردند.

بشترین رئیس بلده که یک جنظین بسیار زیاده خوش لباسی بود همان
 با آنکلی دونه شهر را بر شانه خود گرفته بخانه صاحب آن پرده و بزوجه او
 تسلیم نمود.

اینواقه یک لوحه نقیسه عبرتست که از یکطرف حسیت حرب جویان
 یک نفر عسکر بر الشان میدهد که چون فدا کردن را در راه دیوات و دیات خود
 از بزرگترین لذتهای حیات بیشتر دارد، و از دیگر طرف حیثیت و فداکاری یک
 رئیس بلده را بخود باز میبندد که برای محافظه ناموس ملی خود بدرجة جمالی
 تزلزل و فروغنی میکنند.

یک مفسر نو جوان بسیار دلاور درین انشای مفر حرب برای زوجه
 عزیزه خود چنین نوشته است:

« دولت ما بشما با دشمن اعلان حرب نمود، و عوایت اعلان حرب
 بگوش ما زده، این هرگونه ساز و موسیقی لطیفتر، و شیرینتر میباشد، از شاپدن
 این شیر مسرت از فروخت و سرور بی اندیشه که برای من خاصه شده، بپردازم که
 به کدام زبان قی متوجهی نامم.»

« خودت میدانی که من بغیر از تو هیچ کسی ندارم، و ترا از جان خود زیاده تر
 دوست دارم، بسپری که بیکس زودتک شده، همه محبت و دوستی که در حق
 این من دردم تجلی نموده همه را برای تو وقف و حصر نموده ام.»

« حالاً از تو چنانسانم لازم آمده است، چونکه در حال آسایش و صحرای
 مانجوری قوم زانان که من نیز یکی از اجزای فریده آن میباشم، بادشمن خود

دست و گریبان میشود! بلی، من یکی از اجزای فردیه جسم مائنی ژاپنم که در فلأ هر حال نسبت به این جسم مقدس بدرجه (هیج) میایم. ولی در حقیقت حال آنچنان يك جزء فردی ام که به الطاف بالائمه بادشاه محبوب القلوب خود پرورده کمال و عرفان گردیده يك عالم کبرای معنوی شده ام!

«دل يك عسکری که بجوش و خروش آمده باشد، مانند بحر است که بر موج شده باشد؛ پس چنانچه موجها با ساحل تصادمه کرده، و بهم خورده خورده سکونت پذیر میشود، همچنان دل پر جوش و خروش يك عسکر نیز بچنگ کردن، و خون ریختن دشمن آرام و قرار میگردد! اینست که میروم و چنان میروم که دیگر واپس نیایم! لهذا بچرديكه ایام به آنطرف ساحل برسد نمیخواهم که فکر و خیال بغير از دشمن بادیگر چیزی مشغول و مشغول گردد؛ عظم، فکر و حواس همه که به آن منحصر یابد شود. آز روی بگفته ام همینست که تاثر يك با نام قوت خود بخاربه کنیم. پس برای اینکار لازم آمد که بصورت ابدی از نو جدا شوم، و فکر و خیال خود را یککفی از تو بردارم. زیرا اگر تو در ذر رشک من باشی ممکن نیست که به تمام آز روی دل خود همه فکر و حواس خود را بچنگ و قتال منحصر بنوائم، و بوجه دلخواه خود به باد شاه و مملکت خود خدمت بنوائم، لابد يك يك گوشه دل و يك قسم حواسم با تو که قتل خوارند بود. حالآنکه در گذشته شريك گنجایش قبول ندارد!»

«پس بگو، توجه میکنی ای محبوبه خوش روی من!»

زن جوان، و خوش روی و عسکر، و دلآورد؛ این سخنان بر تپش شوه خود را بیکال صبر و منان شنیده اینچنین جواب نوشت:

«در راه نام و شان بادشاه محبوب القلوب، و وطن، و ممت مانند تویك شیرین دل خود را خندان خندان فدا میکنم؛ و این ایام وصال ما که مانند يك خواب بسیار لطیف و شیرینی بسیار کم مدت دوام نمود به ایام فراق که نابد

دوام خواهد ورزید بکمال جسارت فدا میسازم و حتی و نیاز مندی حاصل شدن موقت و کامیابی آرزوهای دل تو تسلی یاب میسوم .»

فداکاری و جان سپاری يك والدة را نیز تحسین روایت میکنند :

بوسه روز بعد از حملان حاضری سفر حرب يك نوجوان ژاپانی بدائرة عسکریه که مامور جمع آوری عسکر بود مراجعت کرده قبول شدن خود را در ملك عسکری از افسر بزرگك آن دائرة رجا و احترام میکنند ، ولی واسفاهه رجا و احترام قبول نمیشود . چونکه وائده نوره نیز او دیگر معین وحامی نیست . قانون عسکری ژاپان شخصی را که وائده ، پادشاه مجز او دیگر کسی نداشته باشد به عسکری قبول نمیکند بنابراین نوجوان مذکور مجزون و دلخون خانه خود میآید . وائده اش سبب حزن و غمگینیش را از و میپرسد ، او نیز کیفیت راپا و میفهماند .

وائده دلاورها در از شنیدن این سخن برخوانسته بدرون او تاق میدر آید ، و يك خنجر دست آورده بچتر خود فرو میبرد و يك فریاد جانناخراشی میبازد . پسر ، سرا سیمه به او تاق میدر آید . وائده میگوید :

ما اینست اولاد من حق وجود را که ترا از شرف خدمت کردن محروم کرده بود چیست ! حال او را به آن افسر بگو که وائده ام مرد ، او نیز ترا بچنی که آرزو داری می فرستد . تو نیز خود را در آید شاه و وطن ما نند من فرامب سازی . ای ترا گفته . و بوسه و داغ آخرین را از جبین پسر خود گرفته عازم دار بقه میشود .»

اینست که اینهم يك منظره عبرت آور است که بسببیک هر طرف آن خود آلود است در نظر اول بچشم انسان مگر و بر میخورده ولی در حقیقت حال این تماشای الم انگیز مقاس بسیار بزرگك ، و دلیل بسیار روشنست که در ج فدا کاری مات واپا ترا میدان علانیه ظاهر و آشکار میسازد .

فصلیات عالیہ جنگ پر در افتادہ ملک و بلاد بہادر دیگر و این چنین حکایت میکنند:
 « قوم نویدار اکی، نامیک جو لہ داری بود کہ نو صنف عسکری احتیاط تہیت
 و قبند شدہ بود، چون پیش از وقوع سفر حرب از بصرہ دست دہ افروشی بولای شہای
 بسیار دور زانین دفتہ بود؛ و اللہ اش چیزی دیگن و کادہ کہ دامت ہمہ را
 فر وختہ برای جستجوی ہسر خود سفیر اختیار نمود، ہسر کو بیگ دیگرش
 نیز برای جستجوی ہرادر خود دیگر طرف روانہ شد، لہ جستجوی واللہ
 بیچارہ بریو نہ ہست، تا آنکہ در بکشتہ پاسہ اش نیز تمام شد، باوجود
 انہم واللہ بیچارہ از جستجو فارغ نشد بقراریک لہ عسکر سرعورت اورا
 بکشد دیگر ہمہ پاسہای خود را فروختہ از سرانہ اندد، پالہ و بالہ و آخر
 کار ہسر خود را زربک نہ بسیار دور است ولایت «شیدا» پیدا نمودہ با خود
 بہ ترکوب آوردند مدارک عسکر بہ اش تسلیم نمود.

ہندیہ و محظفہ آخرین این واللہ عسکر بہ ہسرش این بود کہ یکدستہ از
 موی سر خود، و یک کتب خوبی در قلم «سوفی الجیش» بہ او عطا نمودہ
 ہدیہ حربیہ یک بیوہ زنی نیز زانین تفکرات است: در ماہ فہم وری یک
 زرد زنی مدایرہ حکومت شہر «کوبہ» برای دادن اجازت حربیہ آمادہ بود،
 مہالبیکہ پیشوا است اجازتہ بکند عبارت آردہ ہزارہ بن «بود».

شوعہ برن در وقت زندہ گی خود پادشہان عبدالعزیز «مشہور» (استعماری)
 بود، این مبلغ ۱۰ ہزارین از زمانہا تدارک و جمع شدہ بود، مرد و ہنگام
 یکا ہریش «بوت گرفتار آمدہ بود برن خورد و سبت کرد کہ ہر وقت فرست
 ظہور کند دون تائی و درنگ ہزدادہ بجا آوردن و بیغہ خد مت ہد نام و
 وطن ہمیں مبلغ جمع آمدہ را صرف کند، لہذا برن، این مجازہ زانین و
 روس را برئی بجا آوردن و سبت زوج خود فرصت خوبی اتخاذ کردہ بدون
 تائی مبلغ مذکور ہر وقتی خود را آورد، بہ صندوق اجازتہ عربی تسلیم

کرده است .

و طبروزنی يك مرد محکومی — یعنی يك جنایتکاری که از طرف قانون
بقتل محکوم شده است نیز شایان تذکار است :

یکی از اصناف بزرگتر آن چیز آسرافت و فتن کردن از طرف حکومت به
قتل محکوم گردیده بود ؛ و در حبسخانه (ایستگاه) در (توکیو) محبوس بوده
هنگامیکه ساعت هفتم شب محکوم مذکور رسید مأمور حبسخانه برای خریدار
کردن او آمد و دید که دست خود محکوم را گرفته است . مأمور
حبسخانه محکوم را بگوید تکلیف نمود که به این دو (بن) هر چه زیاده است بجز آن
خریده بخور و خوردنی آخر بند شود و بی شکم بچاره بکشان آشکر و تراکت
این تکلیف مأمور را زدند و به بهار چالونیا عرض کردند که : (همین وجه
محقره بقدر هستی موجود است بسندوق امانه حریبه تسلیم شود تا آنکه در
آخر این زندگانی هائی يك عمل خوبی از من سر زده باشد . و موجب تخفیف
گناهان من بشود) .

مأمور چون بداندست که امانه جنایتکاران قبول نمیشود اینسخن
محکوم بخورد زارد نمود . محکوم بزرجا کرد که : (اگر به حسابوق امانه
حریبه قبول نشود بیک طالب که مردشان بجز به رفتن شد بدهد و وجد
اورا نیز بدست رفتن یکی از کتاب دلیله بدهد تا شاگردان خود مشق عملیات
جراحیه خود بسازند) .

مأمور وعده کرد که این رجائی او قبول میشود محکوم ازین وعده او
خوبی نمون شده بکیال خوشی و سرور بسوی قاتلگرد و انهد شد و این حرکت
آخرین خود را يك نیکی و فضیلتی دانسته و همان فکر تسلیمی باب شده
تسلیم جان نمود .

بالبجانبی يك در در اولی را ایندگر کنیم : در شهر هاو زافاهه در يك مهبانی

بزرگ، یکی از کیسه بران ژاپانی در جیب یکی از بزرگان ساعت بسیار اعلای طازنی را دیده بیک حیاة ساعت مذکور را میدزدد. صاحب ساعت چون فراد میدیند که ساعتش ضایع شده است در یکی از اخبارها اینچنین يك اعلانی میدهد : « در شب در يك راهاتی بودم، ساعتی که در جیب داشتم ضایع گردیده است. ولی من از دزدی که آن ساعت را از من دزدیده شاکی نی، بلکه شاگردم را (پرا آن ساعت بر من آنقدر گران دستگیر بود که از برداشتن آن عاجز و برزحمت بودم. و این سنگینی آن از آن بود که ساعت مذکور را در برترسبورگ پیش از چند سال یکی از بزرگان روس بن تحفه کرده بود. و چون در سوخت پروی دولت متبوعه من شمشیر کشیده جنگی میکنند از از او هدیه و تحفه اینچنین يك قوم دشمن در فقر من از هر گونه شرف و قیمت بیست افتاده است)

کیسه بری که ساعت را دزدیده بود چون روز دیگر با فقره زیاد اخبار بنویسند، و بسوی انسان و نمبر ساعت دید فهمید که ساعت بحقیقت تحفه رو سبت. لهذا ساعت را در يك قطعی مری گذاشته بخانه صاحب ساعت فرستاد، و آنچه سحر را نیز بیک کاغذی نوشته در يك گوشه قطعی بگنجانید :

« هتک، بیک ساعت شمار این گزقم چندان گمان میکردم که مان يك موخشی عزیز خود را این گزقم را می چون داشتم که مال دشمن است اگر این ساعت از يك باره ناس باشد باز هم در پیش من قیمت پشیزی را ندارد :

۱۴۴۰ حاضری سفر حرب روسها

حرکات حاضرین سفر حرب اردوی روس حقیقتاً به بسیار مشکلات، و خیلی تاخیرات و تعطیلات بوقوع آمد. اسباب این تعطیلات را نیز بیک بیان نقل و حکایه میکنیم :

اولاً : حاضرین سفر حرب اردوی روس به اینستکه بسیار مربوطمانده بود که منطقه تجمع اقصای شرق، با از و پهای روسی میباشد که خوب

انصال داشته باشد، و خط راه آهنی که منطقه مذکور را با او روبا متصل داشته بود، آبرای نقل عسکرو مهملات جنگ تا چه درجه قابلیت و استعداد را مالک بود؟ تا شایع خط راه آهنی که از داخل اوزوبای روسی یکسره انصای شرقی ورود شده بود یک خطه بود یعنی -- يك قطار ریل بر آن رفت و آمد میتوانست که مسافت این خط تا به (زلاديو و ستوتك) مقدار (۷۸۰۰) ، و ... نفع آن تا به (پور آنور) مقدار (۸۰۰۰) کیلومتر بود، و غیر از این خط بکاره، یعنی از اوزوبای روسی تا به انجوری یکسره و یکدم متصل هم نبود، چنانکه در مابین تالاب عظیم (بايگانك) واقع شده بود. بر روی این تالاب انقلابات بواسطه آبورها اجرا میشد، در زمانهاییکه طبقه سطح ذرات با آمدن آبورها و نظایف سطح شکلی را نیز بجای آوردند، و چون در زمستانها که طبقه سطح ستبری و کفنی بد آید، سوختات عسکر به از روی سطح پیاده یا اجرا میگردد، پس ستارین سنهاییکه میان گردید زمین سیریلادراستادی، و، فبروری برج حوت سنه ۱۹۰۴ در روزی بیشتر از دو قطار ریل آورده نمیتوانست. از این سبب هیئت امر یعنی -- افسر روس لزوم قطعی دیدند که تا ممکن باشد قابلیت خط مذکور را برای انقلابات زیادی و افزونی دهند.

در (۶) فبروری برای حاضرری سفر حرب (از دوی منطقه حرموی انصای شرقی) اسرا داده شد. در (۱۰) فبروری برای (دایرة عسکرئی سیریا) اسرا حاضرری سفر حرب عملا گردیده مجموع قطعات مذکوره عبارت بود از: (۳۰۰) گندك پیاده، و (۱۷۸) طرب رساله، و (۶۸) طوپخانه، و (۵۴) توپ عسکرئی، و (۱۷) غنند طوپ پهنی قلمه، و (۳) توپ قندك ماشین دار.

حرکات حاضرری سفر حرب قطعات عسکرئی (مانجوری) بسرعت و انتظام اجرا شده است، زیرا وجود حاضر آن، از موجود حاضرری سفر

حرب آن کفرق داشت و از انسیب بزودی و درستی بدرجه مقدار حاضرئی
سفر حرب خود رسیده .

و بعکس آن ، حاضرئی سفر حربئی قطعات عسکریه سبیه یا مشکلات بسیاری
اجرا کرده است . حاضرئی سفر حرب (قزاقی) های صنف دوم و سوم
بیش مشکلات و قوعبافته است .

حاضرئی سفر حرب غندهای پیاده سیریا از ۱۹ تا ۴۱ روز ،
و از غندهای (قزاقی) از ۸ تا ۳۴ روز ، و از طو پخانه ها از ۱۵ تا ۱۸
روز دوام نموده است .

و الحاصل در نهایت ماه اپریل همه قوای عسکریه روس در اقصای شرق
باین صورت بود :

(۱) اردوی (مانچوری) : ۸ فرقه پیاده و نشان انداز که هر فرقه
عبارت از دو غنده است . ۳ لوائ مستقل پیاده او روپایی که هر لوا عبارت
از دو غنده میباشد ، اردوی (۳۱۳ ، ۱) سیریا که یکندیم فرقه آن عبارت
از قزاقها بوده است .

(ب) قوه عسکریه منطقه (اوسوری) : که مرکب از دو فرقه نشان
انداز بود .

(ج) قطعات محافظ حدود (ماورای آمور) : که مرکب از ۵۵ تولی
پسند ، ۵۵ طرب سواری ، و ۶۶ شوب خانه جبل بود . این قطعات عسکرئی
بر توله عسکرهئی محافظ حدود اور ویا تشکیل یافته بود که هم برای محافظه
خطهای راه آهن ، و هم برای اجرایی حرکات با اردوی سوار استحضام و
استه مال کرده میتوانستند شد .

در (۱۰) ماه فروری اردوی (مانچوری) چون تشکیل یافت بر سه
فرق دو انشام شده بود ، (قول اردو) عبارت از یک قطعه عسکرئی میباشد

که از يك اردو كتر است .

حالا لکه در انضای حرکات عسکریه به اینصورت تقسیم ، و نظام حرب شان امریت و اعتدال شده از انرو (قول اردوها) پارچه پارچه شده است یعنی هنگامیکه قوای عسکریه بدار الحرب رسیدند به ترتیب و اصول منتظم جزو نام قول اردوها را بنظر اعتبار نگرفتند بصورت درهم و برهم بر بعضی اردوها تفریق و تقسیم کرده و مجاهداتی که لازم بود فرستاده شده است . و سبب اینهم جریان احوال و وقایع شده بود ، چونکه به عسکر احتیاج کلی دست داده بودند از همان عسکر موجوده دار الحرب بفائده برداشتن مسارعت و زواید شده است و به اینصورت از اصل نظام حرب اردو سراسر بدیگر گونه يك نظام حربی تشکیل کرده است .

در ۶ فیروزی يك امرنامه امپراطوری امیرال (الکسیه ف) را بر حومه قوای بریه و بحریه اقصای شرق سراسر کل تعیین و مقرر نموده بود . سر افسری اردوی « مانچوری » را پیش از امیرال « الکسیه ف » جنرال (لینه و یچ » که افسر قطعه عسکریه (آمور) بود ابلاغ و اجرا می نمود .

در (۲۰) فیروزی جنرال « کرویا تکین » که از یاوران امپراطوری و ناظر حربیه بود بسر افسری اردوی (مانچوری) تعیین و مقرر گردید . جنرال (لینه و یچ) به افسری اردوی (اوسوری) باقی ماند .



در باب کیفیت هیئت افسری ، و صنوف مختلفه عسکریه ، و جزوهای تم سوق الجیش ، و نظام حرب ، و وضع الجیش ، و صورت تجمع و دیگر غرضات اردوی روس که برای محاربه اردوی ژاپان در اقصای شرق حاضر شده بود بعضی تفصیلات زیاده تر از لازم دانستیم :

امر حاضری سفر حرب در ۶ فیروزی ۱۹۰۴ داده شد . در آن هنگام

قطعات عسکریه که در منطقه عسکریه (مانچوری) و «آمور» موجود بود
ازینقرار است :

۱. قول اردوی اول سیریا : مرکب بود از توأهای (۶ ، ۳ ، ۶) که هرلوا
از چهار چهار غند و هر غند از دودو کندک تشکیل یافته بودند .

۲. یک طریب سواری - یعنی رسانه قطعه (او سواری) که مرکب از سه
غند شش شش طریب بود ، یک غند جلو پچی سیریا شرقی که مرکب از
(۸) شوپخانه که ۶ شوپخانه محرا و ۲ شوپخانه کوهی بود ، و یک کندک
سفره بنای اول سیریا شرقی که مرکب از ۴ تولی بود .

۳. قول اردوی دوم سیریا : پنجمین غند گردیدل نشان انداز سیریا
شرقی که مرکب از « ۴ » غند دودو کندکی بود : نخستین غند قازاق (ماورای
درای بایکال) ، ۵ مرکب از (۶) تولی بود . غند قازاق (آمور) ، که مرکب
از (۶) تولی بود ، هرزه مستقل قازاق (آمور) که مرکب از « ۳ » تولی
بود ، دو بین کندک طوپچی سیریا شرقی که مرکب از (۴) غندک بود ،
کندک طوپچی (ماورای بایکال) که مرکب از (۲) غند بود ، دو بین
طوپخانه قازاق ، اورای بایکال .

۴. قول اردوی سوم - سیریا : غند های سوم و چهارم گردیدل نشان انداز
سیریا شرقی ، که مرکب از (۶) کندک و یک تولی تفنگ ماشین از
بود ، غند قازاق ، اورای بایکال ، که مرکب از دودو غند شش شش تولی بود .
کندک طوپچی سیریا شرقی ، که مرکب از (۳) طوپخانه بود ، طوپخانه قازاق
ماورای بایکال ، برای این اردو نیز ازین جنوهای تومی که مذکور گردید ، همین
غند سیریا شرقی و سه بین کندک سفره بنا از اورای آورد ، شده است .
خارج جزو آنها : غند دو بین فرانسوی و یکم ، که مرکب از دو غند

چار چار کندی بود ، در بین کندیك طو پچی توی سی و یکم ، مرکب از (۳) تو پخانه ، توی دوم فرقه پرايه سی و یکم ، مرکب از (۳) غنند چار سپار کندی . کندیك دوز طو پچی توی سی و یکم ، مرکب از (۳) طو پخانه . فرقه نخستین سیریا ، مرکب از چار غنند چار کندیك ، فرقه قزاقی ، اورای باقال ، مرکب از چار غنند شش شش تویایی ، دیگر يك غنند ، اورای باقال ، مرکب از (۳) توی ، ششمین طو پخانه قزاقی ، اورای باقال ، مرکب از (۴) طو پخانه ، کندیك سفر مینای دوم سیریا ، شرقی ، مرکب از (۲) غنند ، توی ششمین و هفتمین — زبال (اوسزری) ، مرکب از (۸) توی ، غنند (اورای آمور) ، مرکب از (۱۶) توی . کندیكهای سفر میدو با قطعاً شیکا پسان از نورویا آورده شد به شش شش غنند — آن ، شده است ، و توی ششمین فرقه اورای آمور به ۲۴ توی واسن گردیده است .

ملاحظه های نامه در (اور آرتور) : هفتمین توی گردید ، نشان است و سیریا شرقی ، مرکب از چار غنند ، ساسه کندیك ، دو کندیك طو پچی قلعه ، مرکب از (۱) غنند ، و توی سفر مینای (قوه اتوق) ، دو (ولاد پو و کندیك) ، و توی هشتمین سیریا شرقی ، مرکب از چار غنند دور کندیك ، دو کندیك ، و پچی قزاق : ، مرکب از (۸) غنند و شش توی — فرقه سی و یکم ، و پچی توی قبضه ، در (کندیك) ، زباله پرايه ، مرکب از (۳) کندیك ، و پچی توی قلعه ، و یک توی قزاقی ، در (پووک) ، کندیك ، و یک توی قزاقی و یک توی قبضه ، و یک توی کندیك ، دیگرین (۲) کندیك ، و نباتات محاطه ، حدود اورای آمور : ۱۳ کندیك پیاده و ۵۵۵ طرب سوارای ، و ۳۶۳ طو پخانه . اینست که در ۶ ماه فروردی مر حاضر یاشی سفر حرب ابتداء لشکر بکه مذکور گردید برای جنگی و قتل بمخار به حاضر و مهیا گردیده بود ، جمع در این حاضرینی سفر حرب در ۶ فروردی تقریباً (۱۵۴،۰۰۰) هزار لشکر بود .

قطعات منطقهٔ عسکریهٔ سیبری که در ۱۰ فبروری امرسفر حرب به آنها داده شده ۱ فرقه‌های زیادۀ دومین، و سومین سیبری که مرکب از چار چار خند چار کنندگی بود، یکم، دوم، سوم، چارم کنندگهای مستقل طویختی سیبری که جمعاً از ۸ طویختانه مرکب بود، و غیر از آن ۷۷ طوپ قدیم نیز مجهز بود. کنندگ گردیل شکاری سیبری شرقی.

فرقهٔ قازاق سیبری، مرکب از دو دو خند شش شش نوپنی، سوپن، ششمین، نهمین خند. های قازاق سیبری، مرکب از شش شش نوپنی کنندگ قازاق مستقل سه نوپنی، یک خند، غیر میدی سیبری شرقی و قطعات دیگرین، مرکب از ۸ کنندگ جمع همهٔ این امرسفر حرب - ۱۰ فبروری تقریباً ۵۰۰۰ نفر عسکر بوده. قطعات عسکریهٔ قازاق و اروپائی آخر ماه اپریل رخ نورسند ۱۹۰۰ بار الحرب فرستاده شده است:

فرقهٔ نهمین گردیل شکاری سیبری شرقی، مرکب از چار خند سه کنندگی، کنندگهای سوم فرقهٔ های یکم، ششم، هفتم گردیل سیبری شرقی، مرکب از ۳۸ کنندگ.

۳۳ طویختانه لازماتی، قوت فرقه‌های سیاه و سفید سیبری شرقی را کامل کند. همهٔ جمع طویختانه ۳۰۰ طویختانه، ۳ طویختانه شوپنی (قازاق) که از خندگ طویختانه هاز، اور، با گرفته شده است. ۲ خند تفتنگ ماشین دار یک کنندگ سفر میانی و کابل آسیاب. مرکب از ۲ خند، کنندگ چار، بین سفر میدی سیبری شرقی، مرکب از سه خند، ۲ خند سفر میدی، و اروپائی کنندگ پارساز سیبری شرقی. یک خند (بالوختی) سیبری شرقی.

جمع همهٔ عسکرهٔ کازاق و اروپائی امرسفر حرب، ۱۰۰ هزار نفر فرستاده شده است ۲۴ هزار نفر است، غیر از پنجاه در ۷ اپریل یک طرف سوارانی قافله‌اش در حواله ایرتیشکین باقی فرستاده شده است. و در ۲۰ اپریل یک فرقه قازاقی (نوزده نیرو

رگت) و یک تولى قازاقى (اورال) نیز بر سفر حرب بمخاض پاشى اس گرفته است.

— مناسبات و مشامهاى ککه در مابین این سفر حرب —

سفر حرب چین، و ژاپان موجود است

درین سفر حرب حرکات عسکرى ژاپنها در باب بیرون بر آوردن عسکر بخوشک، و دیگر حرکات اولی، سفر حرب بیشتر شان که با چینیها اجرا نموده بودند چنین مشابعت بهم میرساند. لهذا قارئین گرام، کتر بطرز ذیل مختصر احوال و وقایع چند سال پیشتر ازین دایمان برآوردند پس برده و بجزوم نخبه اند بود.

در تابستان سنه ۱۹۹۴ عساگر بریه چین، یک قشش در (کوروی) شمالی موجود بود، و یک قشش در جهت های (مانچوری جنوبی) و طرفهای ژاپان شور (یونی) جمع آید. دسته کتیبهای جنگی چین نسبت به دسته کتیبهای جنگی ژاپان اگر چه بر تیره دو تیره و تری می نمود، ولی بازم در (پور آرتور)، و «واپهای وای» موقع گرفته برای سوئیات، و عسکر بر توری ژاپان خوب يك تپلکه تشکیل کرده بود.

حرکات استیلا کادی قوای عسکر به اردوی اول ژاپان در مانه چون برج جورا اول از ضیف و استیلا کردن (مورد مغر) و عسکر را آوردن به جوار (شه مونیو)، و «زه تسان» آغاز کرده است. قدهه آخرین این در دوره از آنکه يك دسته کتیبهای جنگی چین بخو گردید به (شینامپو) برآورده شده است.

این اردوی نخستین ژاپان، عساگر چین را که در مقابل شان بود بلا درنگ بپناج کرده به (یونی) واصل شدند. و بعد از آنکه همه دسته های کشتی چینی چین را دسته های کشتی جنگی ژاپان سران بر محور پرسیان گردانید اردوی دوم ژاپان در آخر ماه نوکمبر به (پچو وو) بیرون برآورده شده

یکسوز (پور آنور) حرکت ، و در نهایت ماه نوامبر برج عقرب پور آنور را ضبط و استیلا کرده است .

در نهایت سنه ۱۸۹۶ ژاپان در منطقه عسلی (فو نغ هو انچین) و (ها یچو نغ) و دیو پور آنور و اردو کاه زمستانی خود را وضع و نصب کرده بودند . در ماه فبروری ۱۸۹۵ در نزدیکی (ها یچو نغ) به کجاوز چینیان دوچار شد . در حال بقدرض آنها ده دشمن خود را یکسوز بسری شیل فلود و تیرید نمودند . و در ماه مارچ برج عقرب (نیو چو نغ) و حوالی آنرا ضبط و استیلا کردند .

بعد ازین مظفریت مدارک ، و آن در آنکه در اندیشه مسلحیه تعقیب نموده است . ازین اجیل بسط فوسیده ، بیشتر و که ژاپان همان حرکات عسکریه مظفر آنکه در سنه ۱۸۹۴ و ۹۵ بر چینیه استعمال کرده بودند در یانسفر حرب سنه ۱۹۰۵ و ۹۱ برای روسیه فون گرفته شد ، و بر اطراف ژنوب ، و اجرایی حرکات ایسفر ، علم به ژنوب و اجرایی حرکات شبانه اولی سفر حرب سنه ۱۹۰۴ توسط شاه و مطاق است .

حرکت مذکور با سرت تانجا کرده ، پیروان شد . و از ضبط و استیلا کردن ، ما را بر سفلای اخیر در اعتبار نیاند ، در حرکت تیر انداز که ریز است آورد ، بر به پتند ، و تیر اندازان حاکمیت بحریه حرکات شبانه تعریف شده ، و در کمتی جنگی خود آنها نهاد . تنیاً ، بیرون از این قطعات عسکریه که از همه بیشتر طائفری مشهور حرب شانی اجرا شده بود ، ساحل کوریا ، و حرکات عسکریه و یکسوز بسوی قسم یادانی تیر به بالوه اجرا نمودند ، و در انجا بخونی جایگزین شدند . و پس از آنکه حاکمیت بحریه را خود نمودار کشیدند ، تقاضای عسکر بیرون آوردند ، بسوی ضرب ، یعنی بسواحل جمهوری نقل دادند .

بالأ، اردوی دوم را بساحل شرقی (مانچوری) بر آوردن، و بر (پوز آرتود) حرکت کردن، و یک قول مهمی را از (فوق) و افع (چین) برآ، سلسله جیان بر «ژائو یانغ» حرکت دادن، و دیگر یک قول را برآه (مانچوری) بداخل «سی» (مانچوری) سوق نمودن همه این حرکات از واجباتی بود که ژاپانها بر اجرای آن مجبور بودند.

پس از این ملاحظات ژاپانها ذی حق شمرده، پیشوند که نقطه منطقه اخراج عسکری خود را در ساحل (بخر اصفیر) انتخاب کرده اند. حرب، چون در نوایل ماه فروری آغاز کرده است از اثر و کیفیت هوا شیء بزرگ خصوص نقطه انتخاب ساحل بخر اصفیر از تأثیر خالی نمانده است. اولاً لنگر که های غرب (کوریا) از جنوب گرفته تا به شه مولیو در مرز و سم است از بیخ عالی و تاریست. حالاً لنگر لنگر کاههای شمالی از دسمیر تا براه مارچ ایجاد میکنند یعنی شیء میمانند و ساحل شبه جزیره (ژائو یانغ) از «بیچ» و «و» با طرف از بیخ خالیست اما در ابتدای حرب چون آنجا ادر زیر تبارند، و بیرون دسته های گذشته جنگی بود آرتود بود. از نقطه انتخاب عسکر بر آوردن تا اشته و در از آنجا تا «و» پس بجهتی معلوم بود و در که برای برآون را در آن لنگر، بر گرفته ترین لنگر کاههای بخر اصفیر شما باشند (شه مولیو) بود.

بمعنی کسان بر ژاپانها خود ده گیری کرده گفته اند که بسبب بحر و بودن ژاپانها از کجا ایجاد و اختراع میسازند یعنی نقشه جنگی سفر چین خودشان را در انتخاب گیری کرده اند. حالاً آنکه این سوره گیری بر ژاپانها میماند، ای روسها و سبب عیب و خدشات میسازد. بر آرتود سبب تلوزیون که ژاپن نقشه جنگی قدم بر ژاپانها بر خوار آمدند. لا این یک را اثبات کردند که از تاریخ حرب بهره و آگاهی نداشتند. تا اینکه اسباب مغایرت و انهنرا چندان به آن باندن ژاپان امر ظاهر و آشکاری

بود که روسها از آن هیچ عبرت نگرفتند، و بمقابل آن پلان ظاهر و پدیداریک پلان و نقشه بهتری برای کارزار بنام پیشیدنند، و از چینیان بار بار بتروپرفلاکت تر معلوم و منهزم گردیدند.

تداییر روسها

این احتمال که از طرف ژاپانها به (کوریای) عسکر بر آورده شود هنوز در اول ماه دسمبر سنه ۱۹۰۳ در محفلهای عالی روس بنظر دقت و مطالعه گرفته شده بود.

امیرال (الکسیهف) در راپورتیکه از تاریخ ۲۶ دسمبر به امپراطور روس در باب مطالبات و خواهشات ژاپان تقدیم کرده بود نوشته بود که: اگر ژاپانها (کوریای) را بی آنکه موافقت و رضای روس را حاصل کرده در زیر اشغال و ضبط خود درآوردند برای روسها خوبتر و بهتر خواهد بود. و امیرال (آبازا) که رئیس مجلس خصوصشی که در پتربورگ در باب مذاکرات مسائل اقصای شرق بحضور خود امپراطور انعقاد یافته بود به این کلمات آنرا چنین شرح و تفسیر نمود:

«اگر ژاپانها (کوریای) را در زیر اشغال عسکرئی خود درآرند. بسپی که در نوقت یکسر و یکدم همسایه منبیا شوند از اثر و بلائید و شرط پیر آرزو و اراده متابع میشوند. زیرا با قوتهای خود ایشانرا از سه طرف احاطه میکنیم، و از هر طرف تضییق و فشار میدهم. بنابراین مذاکرات را قطع کرده بگذاریم که ژاپانها کوریای را در زیر اشغال عسکرئی خود درآرند.»

ولی باوجود این رأی امیرال (آبازا) بازم مذاکرات سیاسیه را روسها قطع نکرده بمباحثات و مناقشات قلمیه دوام ورزیده شده است.

در ۶ جنوری سنه ۱۹۰۴ امیرال (الکسیهف) برخلاف نوشته که در

۳۶ دسمبر داده بود چنین نوشت که : « اگر قوت‌های بسیار خفیف و کم‌کافی ژاپن به خاک (کوریا) بیرون برآید و ضمیمت سوق الجیشیه از دوی اقصای شرق روس را خیلی مغران خواهد رسانید ، و در سر اینهم تکلیف میکند : « که قوای عسکریه اقصای شرق در حال بحال سفر حرب حاضر شده حوضه نهر (یالور) را در زیر اشغال درآورد . »

امپراطور روس در ۸ جنوری اجرا شدن سفر حرب را اگر چه امر نموده است اما در باب منع نهر (یالورا) در زیر اشغال درآوردن موافقت و رضا نداده است . مگر که یک تروم بسیار مجبوری پیش آید .

تابه تهايت ماه جنوری از طرف امیرال (آبازا) و خود امپراطور بسی تلگراف‌های دیگر ایژه امیران (الکسیه ف) رسیده است که در هر یک از این تلگرافنامه‌ها جدا جدا جاهنرا در (کوریا) برای اشغال کردن ژاپنها اشغال داده شده است . تا آنکه در ۸ ماه فبروری یعنی دو روز بعد از انقطاع مناسبات دیپلوماتیکه برای امیرال (الکسیه ف) بطرز (اواسر صومیه) این تعلیقات فرستاده شده است .

« ما آرزو داریم که حرکات خصم‌بانه از طرف مای ، بلکه از طرف ژاپنها آغاز کند . در باب داخل شدن ژاپنها در سواحل شرق . و جنوب (کوریا) عذمت نکنید . ولی اگر دسته‌های کشتی جنگی ژاپن از دایره عرض (۳۸) بر تجاوز کردن جرأت کند شما را امر است که بگه انداختن آنها را میدان نداده بعدت تمام بران ها هجوم نیايد . خاطر جمعی و اعتراف بر شما کاملست . جناب حق مددگار شما باشد . »

این تلگراف نامه را امیرال الکسیه ف در وقتی گرفت که دسته کشتیهای جنگی ژاپن بر کشتی‌های جنگی روس هجوم برده به بد صورت آنها را دو جا خندان نموده بود . بنا برین امیرال الکسیه ف در آن هنگام بچنان حالتی

تبود که امر جناب امپراطوری را در باب تعرض و هجوم شنیده بر دستم کشتی های جنگی ژاپن اجرا و بجا بیارد .

الکسیه ف چون از اجرای این امر امپراطوری بسبب خسارت زده گئی کشتیهای جنگی زره پوش خود محروم ماند در حال جنرال (قائد انسکی) در بلوای سوم نشان انداز سپری شرقی از (پوز آرتور) و بلوای قازان را به انسری جنرال (میچه نگو) از (ماچوری) به استقامت (آنتونچ) بر « بانو » بمحرکت کردن امر نمود .

لرای گردیدن نشان انداز عبوت از (۸) کندک پیاده : (۵) غنمشکار انداز ، (۶) طوپخانه صحرای . (۱) طوپخانه کوهی : و (۱) غنمشکار ماشین دار بود . تولى قازان نیز عبارت از (۱۸) ضرب رساله و یک طوپخانه سوزی سر کب بود . این نواد چوار (آنتونچ) توقف کرده اخذ موقع نمود ، جنرال (میچه نگو) در ۱۷ ماه فبروری بوقت صبح از حد (رنجو) شهر منچمد (بالو) راه گذشتن بنابر مقصد استنگدانى از راه کورستان (زو نشون) ، یکس بسوی (آنتور) پیش رفت . ولی بسبب خرابی راهها طوپ سنا ، سوارتی نمود ، سوز بز نشون از سیده به ریس گردانیدن مجبور گردید ، در ۱۰ مه میرزى قولهای کشف جنرال (میچه نگو) به (قازان) پایه رفیع واصل شده بودند .

پروژ بر آمدن اردوی نخستین ژاپن به خشکه

توزیرت « ماچوری » یعنی — پیش از انقطاع بافتن مناسبات سیاسی از سر ، نخستین ژاپن امر حاضر سلسله حرب دادند . بود ، در فقه ۱۷ با نقطه است ، فتای خود یکجا از (رنجو) به (در زامبو) و (فوژان) سوق و ارسال شده بر انجا بسا خلق استحکامات مخاکی آغاز نهاده بودند .

این است حکامها هم لشکر کاهای (موزامبور) و (فوزان) را که دو بروی جزیره مصای ژاپن واقع شده است دوزیر امن و امان مینر آوردند و هم لشکرها را (چوشیا) و (ساحه بو) که آبهای (کودریا) را بصورت نافس و نا تمام سد کرده بودند کابل و نا تمام مینمودند.

یازده نفره دیگر که مرکب از ۴ کماندار پیاده و ۱۳ نفره ۱۳ بود یادست گشتی جنگی امپراتور (اودیو) در ۶ فبروری از لشکرگاه (ساحه بو) حرکت کرده و بعد از آنکه در ۹ فبروری کشتیهای جنگی (وارایو) و (قوریه نس) دوسی را محصور و بنا بر ساختن به (شه موپو) را آمده است. یک قسمی از این مقرزم پنجصد نفر آمدن خشک، بساختن یک پل بر روی عسکر گذر آمدن آغاز کرده اند. قسم کلنی از در ۱۰ فبروری (سه نول) را در زیر اشغال عسکری در آورده اند. و اینست که در ۹ فبروری یک مقرز این فرقه (زوه انسان) را نیز اشغال کرده اند و طبقه یگانه این مقرزم آن بود که موقع مذکور را از زیر اشغال جهت خشکی و در پاشی دشمن محافظه نمایند و هم جناح راست اردوی نخستین راستوردان دارند. ایست که چون به اینصورت مهمترین لشکرگاههای خالی از هیچ (کودریا) بدست ژاپاندارند. در ۱۴ فبروری قسم کلنی فرقه ۶۳ از (موزی) به شه موپو به غلبت آثار کردند.

حرکات عسکر بیرون را آوردن حقیقتاً بتکالیف بی اندازه بوقوع آمد. چونکه در بندرگاه داخلی یعنی - لشکرگاه درونی تنها پنج کشتی لشکر انداز میتوانست شد. بندرگاه خارجی یعنی - لشکرگاه بیرونی اگر چه وسیع و فراخ بود ولی در زمان چندین قسم بزرگی آن خشک شده حالت خندقی پر گل و لای را در بر میگرفت. ازین سبب کشتیهای بزرگ بقدر دو کیلومتر دور از ساحل لشکر انداخته عساکر بواسطه کشتیهای کوچکتر غایب و دیگر اسباب خرد در دریا ساحل را آورده میشدند و با وجود آنهم از سنگ و دریا و

چوب و سیم و غیره ساختن پله‌های زردبان دار و اسکله‌ها نیز برای برآوردن عساکر و قطوب و وسواری و دیگر مهیات ضروری و مجبوری بود.

این عملیات به‌عنوان وسیعی مشترک اهالی بسیار ژاپونی که در (شه واپو) سکونت داشتند سرانجام پذیرفت باوجود آنهم بیرون راندن فرقه تابه پانچ روز دوام ورزید و برآوردن همه مهیات عسکر به تابه دوم مارچ بطول کشید.

بک فرقه در حال براسفاسات (پانچ پانچ) فرستاده شد، خود فرقه نیز بعد از آنکه همه گئی در (سه تون) گردو جمع آمدند سر راست بسوی (پانچ پانچ) حرکت افتاد و در اواسط مارچ یعنی — عمل موقع ماندگور رسیدند از قرار حساب: این فرقه ایستادگی (سه تون) — پانچ پانچ (۱۰۰) کیلومتر و دست در ظرف ۲۴ روز قطع نموده اند تا در هر روز گویا (۱۰) کیلومتر راه پیچیده اند. عساکر سواری یعنی — رساله که بفرقه اول مامور شده بود سرعت و چالاکی تمامی حرکت کرده در ۲۷ ماه فیروزی برج حوت در جوار (پانچ پانچ) باقر لیبای کشتن قزاقی روسی مصادمه نمودند.

دفعه ۱۲ فرقه ۱۲ که به (زه انسان) برآورد شده بودند این یکسر بسوی (پانچ پانچ) حرکت کرده در نصف اخبار مارچ بافرقه ماندگور ملحق گردید. در بین آنها سواحن قسم شمالی (شه واپو) نیز و انسرده گئی باز شده پسواحل ماندگور نیز برآوردن عسکر ممکن شده بود. قبلا — یعنی در سه گدائی جنگلی روس که در (پور آرتور) بود بسبب یک فوراً خبریه خبر در این نواحی شایع کرده بود. ویرال (تو غور) بدخل بندر گاه (پور آرتور) را بصورت موفق برای برآوردن زره پوشهائی بزرگ بسد کردن موفق شده بود از آن و حرکت بیرون برآوردن عسکر از لنگر گاه (شه واپو) تعطیل داده به لنگر گاه خلیج (تا توغ) آغاز نهادند. و قسم کشتی از روی نخستین یونی — تمامی فرقه خاصه، و فرقه (۲) به خلیج (تا توغ) برآورده

شدند که به اینصورت نسبت به (شه موپو) ، (۲۳۰) کیلومتر در پیشقدمی و منفعت بدست آورده شد .

در (۱۰) مارچ ۱۹۰۴ میلادی که امیرال (توغو) داخل بندر گاه خارجی رابنزیستر از بول بکفندی بند کرده توانست برای بر آوردن عسکر به بیشتر زباده و خاطر جمعی حاصل شده ، یک فرقه دیگر به اینگر گاه (شینامو) به بیرون کشیدن آغاز شده است .

حرکات بیرون بر آوردن عسکر به (شینامو) عیناً مشکلات و زحمتها که به (شه موپو) پیش آمده بود و خوردده است ، بسته های گن و ریگی که در زمان چند بساحل پیدا میشد برای غایبها و کشتیهای کوچکی که عسکر را از او بوردها بساحل می آوردند مانع میشد . بنابراین این فرقه در (۱۸) مارچ به خشکه بر آمد ، نسبت که در آنوقت فرقه (۱۲) به ینخ یا نغ رسیده بودند .

.....

تقلیدات بحریه ژاپان

ملاحظه کردن ، و حبابه نمودن یک فیلو نقلیه - یعنی یک دسته کشتی عسکر بار شده - را در بحر از تمرین و حمله کشتیهای جنگی دشمن خیالی اسباب صدم و دشواری است ، و نبود حاشیه که برای نقل عسکر استعمال میشود از هرگونه وسایط ، در افق بحر و مینباشند ، یعنی - نه مذوب کشتی شکاف دار توده زره ، و اشیدخانه و چرخهای آنها نیز از سطح آب بالاتر است که به این سبب یک کله طوب کشتی جنگی در لحظه واحد یک کشتی بزرگ نقلیه را غرق و نابود میتواند و هم سرعت سیر و شناورثی سفین نقلیه نسبت به سفین حربی کمتر است .

حال آنصورت شود که یک دسته کشتیهای جنگی بیست سی عدد سفین نقلیه را که مانور و حرکت دادن آنها خیلی بیستی و آرمی اجرا میشود در زیر جناح حبابه خرد گرفته از کله های دسته کشتیهای جنگی دشمن محافظه کردن چقدر

امر مهم و جسان و وظیفه دشوار و مشکلیست .

بست من عده کشتیه ای بخارانی چسبم نقلیه در روی دریایک میدان بسیار
و انسی را اشغال و فرامیگرد که این سفین را از هر طرف مانند یک دیوار قلعه
آهنین احاطه کردن به دسته کشتیه های جنگی بسیار بزرگی محتاجست .

بنا برین برای دسته کشتیه های جنگی که به تخفیفه گنجائی دسته کشتیه های جنگی
سفین نقلیه مکتف است موافقترین تدابیر اهمیتست که دایه در جهتیکه زیاد ترسیم
و خوف از انجهت منحرف باشند بکمال بیداری و حاضر باشی به آن طرف فکران
باشد و بمجرد دیدن کشتیه های جنگی دشمن بنام شدت و سرعت بر آنها هجوم
و یورش برده آنکند که سفین نقلیه نزدیک شود .

اما دشمن اگر صاحب مهارت باشد با کشتیه های جنگی محافظه دسته کشتی
های جنگی نقلیه بخاریه منظم بحری نماید بلکه بواسطه طود پیدوها و
گرو و ازورهای کوچک خود از هر طرف بصورت آمانی بر سفینه های نقلیه
هجوم و یورش مبرد که در انحال برای دسته کشتیه های جنگی محافظه کار خیلی
دشوار میشود .

در وقت شب امر هزینه و محافظه کردن سفین نقلیه از بسیاری دشواری
سراسر مرفوعست ، درین حال بجز اینکه در انجوش غلامت التجارده شود
دیگر هیچ چیزی باقی نمماند . و الحاصل این طرز هزینه و محافظه هم خیلی مشکلی
و هم اندیت و خاطر جهی دران نیست لهذا بهترین تدابیر و معقه ازین چاره ها
همینست که دسته های کشتیه های جنگی دشمن را در آنرا که یک اس الحركات شانتست
محاصره کرده آنکند که از انجا بیرون برآید ، و ازین بود که امیرال (توشو)
همیشه همین اصول حرکت را تعقیب و پیروی کرده است ، حتی مدخل سدر
که در آن نیز چند بار سدر بند کردن مشبث نموده است ، و هر وقتیکه یک دسته کشتی
جنگی نقلیه ژاپن از لشکر کاههای ژاپن بسوی (کوریاء) حرکت کرده است

هماندم دسته های کشتنی جنگلی امیران (توغز) درائق (پور از نور)
 پدیدار گردیده در مقابل شهر مذکور ، دسته های کشتنی جنگلی ، و من نایبها
 و تهدید ها اجرا فرود است ، اما با وجود آنهم از بیم آنکه مبادا یکجند کشتی
 کوچک بسپار سریع السیر دشمن خط محاصره در این پهنائی تجاوز کرده سفا
 بین غلبه را ضرر برسانند دایم دسته های کشتی سفین نقلابه را یک دسته کشتی
 کوچک جنگلی برای همایه و محافظه همراه بوده است .





دار الحرب، یعنی — ژوبدها و مملکت‌های که در اقصای شرق جنگ و جدان و حرب و فتن در مابین روس و ژاپان در آن برپا شده عبارت ازین چند مملکت است :

اولاً قطعه (مانچوری) که (۳۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت سطحیه؛ و (۱۶) میلیون اهالی را مالکیت — کلیاً قطعه (کوری) که (۲۲۳۰۵۲۵) کیلومتر مربع و (۱۰) میلیون نفوس دارد؛ ثالثاً ولایت (اوسوری) که (۱۷۹۰۹۱) کیلومتر مربع ارضی و (۲۰۰۰۰۰) نفوس دارد و را با جزیره (خالین) است. این قطعه و سیمه وسعت و جسامت ربع اوزونای روسی را است. اما منطقه که من چریان حرکات حریره — یعنی (دار الحرب کت) است عبارت از نسیم شمالی (کوری) و شرقی‌های جنوب (مانچوری) میباشد که وسعت همین دار الحرب حریره که پهن‌بند است متحد بدگورده باز هم برابر مساحت مملکت (اناطولی) عثمانیه میباشد.

جغرافیای مانچوری

قطعه (مانچوری) در این (۳۸ درجه و ۴ دقیقه) و (۵۳ درجه و ۳۰ دقیقه) عرض شمالی از (۱۱۴ درجه و ۳۰ دقیقه) و (۱۳۲ درجه و ۳۰ دقیقه) طول شرقی واقع شده است. جهت شرقی این قطعه ممالک (کوری) و (ایالت ساحلیه)؛ جهت شمالی آن ولایت (آمور) و (سیرین)؛ جهت غربی آن ایالت (انورای نیکال) و (موشو استان)؛ و جهت جنوبی آن باخلیج (پسینی)

مردود و محاط میباشد .

بخیر از وادی فرخ و منبئی که نهر (لیاوی) آنرا آبیاری میکند ، دیگر همه
اراضی (مانجوری) کوهستان ، در کوهستانی و بلند است ، ولی کوهها اکثر
ارتفاع و سطحی دارند ، میباشند ؛ یعنی بلندی آن ها از (۱۵۰۰) متر
بجاور نمی کنند .

از حد بلندی نهرهای (آوری) و (اوسوری) تابه مانهای جنوبی شبه
جزیره (قزاقستان) تمام قطعه مانجوری نایک سلسله عظیم جبال سرترس
محاط میباشد که طول کامل این سلسله بقدر (۱۰۰۰) کیلومتر است ، و در
هر جا نامهای مختلف بگیرد . (جبال بیض) یا آنکه (شان یای شان) نام اصل
سلسله از خارج (کوزین) آغاز کرده باز روی های مرتفع و پر برف خود در
سواحل دریای زاپان دراز شده میرود . مرتفعترین ذروه این سلسله
(۲۶۰۰) متر ارتفاع دارند است که (پدینان) نام دارد و عمده کوههای
دارالحرب کات حربه را تشکیل میدهد .

سلسله (شان یای شان) یکسر بسوی جنوب غربی دراز شده سلسله
(ابرخ خون) و کوههای (کوه تونگ) که منبجوری را از دست های و
غولستان جدا میکند موجود می آید . این سلسله آخرین را سلسله
وزلیا (تونگ) نام میکنند ، که شبه جزیره (لیا تونگ) را پر کرده ، و یکسر
بسوی جنوب امتداد یافته نیم جزیره (قزاقستان) را تشکیل میدهد .
سلسله (لیا تونگ) بلندیهای خندک و برهنه خود از دیگر کوهها تفرد
و تمیز میکند . ارتفاع این سلسله در طرف های شمالی (۱۰۰۰) متر
است در نزدیکی برزخ (کاپور) ارتفاع اراضی (۶۲۴) متر و پیرامون
کوههای که در گوشه جنوب شبه جزیره واقع شده است از سطح دریا (۶۳۳)
متر ارتفاع دارد . کوههاییکه (بور آرتور) را احاطه کرده است از (۳۰۰ تا ۳۰۰)

متر بلندی دارد ، در جنگلهای نیکو این کوهها را دستور داشته بیناعده و بی اصول گذرن و بر بدن اجرا میشود اما وجود آنها بسیار جنگلهای موجود است که هنوز هیچ دست نخورده است .

کوریای شمالی و مانچوری جنوبی بصورت عمومی بر آب و با آنها آمیخته شده ، در هر طرف بحد و پستهای جنوبی آنها است ، بزرگترین نهر های مانچوری نهر (چونقاری) است که از توابع نهر (آمور) است ، این نهر با (۱۵۰۰) کیلومتر برای سیر و سفر کشتیها مساعد و واقفست ، در بعضی جاها عرض آن خیلی کم و دست و پند است .

بعد از (چونقاری) بهترین نهر های « مانچوری » نهر (لیا تون) میباشد ، این نهر از کوه « چینی » که در جهت شرقی (پکن) با نخت چین و با قسمت بسیار بزرگ و به خلیج (لیا تون) میریزد ، طول آن (۹۰۰) کیلومتر است ، نهر مذکور در سال سه ماه انجماد میکند ، و در اواسط ماه مارچ بخرها آب میشود .

قلیم مانچوری و کوریای شمالی سرد است ، از اواسط ماه نوامبر مطابق برج عقرب تا به نهایت ماه مارچ برج حمل يك سردی بسیار خشک و قوی حکمفرما میباشد .

صخره ها ، و جزایر های مانچوری لطیف است ، و جنگلهای و سرطاهای خیلی مظلوم و غلظتی دارد ، در مانچوری سیب زمینی ، رتوتون ، و کتور خیلی فراوان میباشد ، زغال سنگ ، گاز ، آهن نیز بکثرت دارد ، در جنگلهای پلنگ ، و کرگدن و غیر هم موجود است .

مانچوری بر سه ولایت منقسمست : در جنوب ، ولایت : (وکدن) در وسط ، ولایت (کیرین) در شمال ، ولایت (آمور) ، وجود میباشد . حوالی جنوبی مانچوری — یعنی شبه جزیره (لیا تون) و علی الخصوص

طرفهای (پایتوا) خبلی معتدل، و شبه حیر، و پر مریم: و توانگر سر زمینهاست. اما حوالی مانجوری شهابی غیر مثبت و خشک و غیر مسکو است. در جهت غربی مقدسات هورای (غوبی) دیده میشود. این هورا وحدت انگیز ترین و خشک ترین: و بی عاقبت ترین هورای است.

طرز حیات و معیشت قوم مانجوری نسبت به چینیان خبلی پاست تر و فرومایه تر است. در اول امر یک مرد مانجوری از یک مرد چینی و حسی تر است. دیگر آنکه کار و مشغولیت مانجوریان عبارت از خبلی کارهای عادی و فرومایه میباشد. مذهب قریب (فولوقیوس) در مردم مانجوری خبلی اجرای نفوذ کرده است. اگر چه بعضی اقسام اراضی مانجوری بسبب معدن حتی معدن زغال سنگ خبلی توانگر دیده میشود، لکن هنوز آن معدن حادث نشده است آنها معدنهای زغال سنگ (به تنای) در کار است که در آنها از آن خبلی فایده برداشته بودند.

خط: راه اکتیک و وسپاد، مانجوری کشیده اند هیچ حیات تازه به استقامت نه محسوسه است. چنان گمان میشود که افسرهای روس نقشه و بلاد که برای انخط تنظیم کرده اند شش همین یکمقدار راه را فاش نمودند که شهرهای (پور آنو) و «ولادیوو-ستوک» را از راه استراتیو کبیر سیریزنک، و الصاق بیستادان امانی از یک نقطه دیگر نقطه تحولات جسیبه عسکریه را موق و نقل: اند. و استو غیر از این دیگر هیچ مقصد برای منفعت اصلی و اراضی در مد نظر نگرفته اند.

در حدود اینهم استقامت مانجوری در نظر چینیان خبلی یک پارچه نیستند. وی شده و میشود. زیرا اصلی مانجوری برای عسکری خبلی فایده مند مردم هستند. در اگر اینکه خاندان حکمداران چین که در بنوقت حاضر در تحت حکومت نشسته اند از قطعه مانجوری نشأت و ظهور کرده اند در سنه

(۱۶۴۴) میلادی (۴۰۰۰ ق.م) نام حکم‌دار بزرگ مانچوری بعد از محاربه های بسیاری که با چینیان نمود بکمال ظفر و اقبال به چین که پانزدهمین است داخل شد بودند. از آن تاریخ قطعه مانچوری منشأ مخالفان حکم‌داران چین گردیده عساکر چوار و صداقت شمار چین از همین قطعه بعین آمده است. امپراتورهای چین نیز تا بحال به این مملکت اسمانی خود در آن راهلی صادق آن از اظهار محبت و توجه صدیقی خود داری نموده اند.

اینست که قطعه مانچوری بسببکه منشاء ظهور امپراتوران چین است در نزدشان خیلی مقدس شمرده میشود. زبان مانچوری نیز از زبانهای معتبر و رسمی است. امپراتوری چین معاد است حتی کسانی که به ما آورنده او خدمت‌های دولتی مستخدم میشوند زبان مذکور متکلم بودن شان شرط عبور است و از اینست که جمله آثار مهمه از بیات چین زبان مانچوری نقل و ترجمه شده است. بنابراین قطعه مانچوری از روی اهمیت سیاسی عنصری و یاد آورنی شرف و نامساعد عاقبت حکم‌داری در نظر عموم چینیان خیلی مقبول و معتبر گرفته میشود.

برای دانستن احوال ما ضمیمه قطعه مانچوری صحیفه بسیار در خشان تاریخ آن شهر (موکده ن) است:

مقر اداره تمام مانچوری و مرکز ولایت (لیائو تولنج) شهر (موکده ن) میباشد که از پکن عملاً (۶۵۰) کیلومتر دور واقع شده است. این شهر در (۴۸) درجه و (۵۰) دقیقه و (۳۰) ثانیه عرض شمالی، و (۱۲۱) درجه و (۱۷) دقیقه و (۳۰) ثانیه طول شرقی در یک ولایت بسیار ممتد و محصور داری برکنار نهر (خون) که از توابع نهر (لیائو) است بنا شده است.

شهر (موکده ن) از جهت باکی و انضمام کوهها و نوارها از نظر ارتفاع و تراکم اهالی، و احتیاج و ماطافات سرایا و معبد ها از اکثر شهرهای چین یک فوق معلو مداری نشان میدهد. شهر یاد و جاده بسیار وسیع و بزرگی طولاً و عرضاً سراسر

تاسر همدا بگرد اقطع نموده است. و از چهار طرف آنرا دو جاده بسی جاده های دیگر نیز هر طرف امتداد یافته است. در نقطه تلاقی دو جاده بزرگی -- یعنی در مرکز شهر یک قلعه بسید و بزرگ و مصنوعی دیده میشود که بر سر این قلعه -- یا تار -- بسیار یک طبق و سر نای و بزرگی موجود است که طلوع شمس و باطله و ربك تهنكته می باشد سو خنق و شیر همرا حیر میدهد. چینه های عمود خانه ها -- خیمه های عرض و نورگهای آنها سهوی -- با توجیه میباشد و به بسی اشکال غریبه و نقوش بدید و عزیز است. شهر (موکده) را در قلعه شین و بزرگی که از نقطه نظر عسکری از این حاضر هیچ اهمیت و اعتباری ندارد محسوس است. یکی از این دو سوز و تمام محله های شهر محیطی دره امتداد (۱۸) کیلومتر دست سود دیگر به به آری است که محتوی بر دو بار حکومتی میباشد.

-- رایج و عمارت های حکومتی شهر (موکده) از بهترین سرامیکی مالک و سبب چین معهود است. از شهر (موکده) نخود بیاد ده کیلومتر و بسوی شهر لاهوری قبرستان مشهور (چال لیق) که مخصوص چند خانده کن حکم درونی خلائی چین است موجود میباشد. قبل ازین به این. قنر هیچ یک اجنبی نزدیکه نماید و است. اجنبیانی که به آن مقامها از زبان میباشند به جز از قتل و اعدام محکوم میشوند. اینها در از اشغال عسکری روس این اعتقاد از این جزوها خیلی مسفی و سخت پیدا کرد. جاده بزرگی که از شهر موکده در خلاصه به این قبرستان منتهی میشود از جاده های بسیار عزیز و رنگینایی میباشد. طرف این جاده با همبکنه های حیوانات مختلفه از سنگ تراشیده بسیار منتهی زیفت یافته است. باهاشکه درین جاده موجود است از سنگ مسر بکمان صنعت و سبک ساخته شده است. درین جاده باطابق نظری نیز از سنگ مسر با یافته که بسبب زیفت و جسامتی که در آن از انفس آرزو معباری شمرده میشود. در فترقه این جاده همبند مسگری برسد که این معبد خواه از جهت صنعت و خواه از جهت غنایات آثار هرگاه یک نمونه

پنایع و غرائب شده ده شود سزاست ، و الحاصل شهر و کدن به اینجهای
تاریخیه و موقعه در نزد تمام اهالی چین خیلی شهر مقدس و قدیم و شهر
تشریحی میباشد .

✪ کوره ✪

این جزیره (کوریا) در مابین چین و ژاپن يك سد متینی تشکیل میدهد .
مساحت سطح آن (۲۴۰۰۰۰) کیلومتر مربعست که تقریباً بر
مساحت سطح شبه جزیره (ایشیا) می آید . نصف جنوبی این شبه
جزیره مدخن (بحر صفر) و خلیج (بچیلی) و اطراف و جنوب آن را
مدفعه میکند . تنگت (کوریا) از جهت خشکه یا ایالتهای (لئونونگ)
(کورین) محدود است . نهر های (یالو) و (نومن) در میان فصل
مشترک تشکیل میدهند . همه این حوالی در جهت مفتح این دو دریا کش
و اسی کوههای بلندی که از عقده جیان (به ایشان) ذکر آن پیشترین
در گذشت آمدند بوده تشکیل یافته است .

تنگت (کوریا) از وسلسله جیان بسیار جنسی می قطعوست . اسل
ماده که از کوه (به ایشان) به استقامت جنوب جدا شده است در بر آری
« نام چنغ » در ساحل دریای ژاپن بقدر (۴۰) کیلومتر نزدیک میشود
و در بر آری « ژه ایشان » بقدر (۱۰) کیلومتر نزدیکتر (بود لاراره ف)
نام نجران — یعنی بنادر کاهی که بهترین بندر کاههای ساحل مذکور در بعد
آورده است در میان يك منحرف بسیار عمیق اعطه میکند و بکسر سوی
جنوب بشکل مربع دراز شده مبرود . بزرگترین کوههای این سلسله از
ارتفاع وسطی تجاوز میکنند . کوه هاییکه ازین دو سلسله آندک کرده اند
زی نهر (نومن) امتداد می یابند (به ۱۵۰) متر و بلندی میگیرند و این
کوهها با جنگلهای بسیار کثیف و غلظتی محیط میدهند .

حوالی غربی ممالک (کوریا) نیز گوهستانست. بلندیهای این کوهها اگر چه ارتفاع زیادی ندارد اما بسبب عارضه نلک بودن شان حرکات عمکریه را خیلی بصعوبت و مشکلات می اندازد. و الخاضع هذ مملکت نایک شبکه جهان و تلال مستور است که اگر گفته شود که در نالک کوریا هیچ صحرا نیست چنانند.

ساحل شرقی (کوزیا) یکبار زویدکنسوق دیده میشود. اما سواحل جنوبیه آن که بطرف دریای ژاپان افتاده است، و سواحل غربی آن که بطرف چین متوجه است یابسی جزیره ها، محاط، و خیلی عارضه ناکست، مهمترین این جزیره ها جزیره (چوشیا) است. جزیره (کلپارت) که متنابه دیده بان آبها، بحر ژاپان، و بحر صفر، و بحر چین است نیز خیلی جزیره مهم است. دیگر یک مجموعه جزایر است که شکر گاه مشهور (ه، مینتون) در آنست. قبل از این مجموعه جزایر را انگلیسها میخوانستند بگرندها آنجارا (چین طارقی) الفصای شرقی بسازند.

بجراهای نهرهایی که در (کوریا) وجود است همگی کوتاه و خیلی عارضه ناکست. مهمترین این نهرها نهر (یالو) است. نهر یالو از دامنه جنوب شرقی کوه (ه، پشان) بنهان میکنند، و بنخلیج کوریا میریزد. طول این نهر بقدر (۵۲۰) کیلو متروی آید، و عرض آن شصت متر است. این نهر خیلی عمیق و سریع الجریانست، و تا به (مانوه، رسن) باقی بقها و کشیهایی که زیر شان هموار باشد میرو سفر میشود. در سواحل نهر (یالو) انجینان جنگلهای جسم و فراخی موجود است که در هیچ طرف دنیا مثل آن دیده نمیشود. در نزدیکی (ویجو) نهر مذکور بقدرش هفت کیلو. و وسعت پیدا میکند. در طرف با بان (ویجو) نهر به دو قون جدا شده به فراخی ۵۰۰ کیلومتر و دریا منتهی میشود.

جنگگاهانیک در ساحل (کوریا) و آبرزش نهر مذکور وجود است از طرف يك كیفی روس به اجاره گرفته شده کار در آن انداخته شد ، و به پمانه محافظه ان عساگره ساحه در اشغال محل کرده اند که ایستاد موجب غضب ژاپن است که دیده بدترین اسباب ظهور حرب در آنجا گمان کرده است . نهر (یانو) از او اسطوره نهر نابه قدرت ۱۰۰۰ مترج - یعنی از بیج عقرب تا به آخر حمل پنج می باشد ، و در موسم باران تا به (۱۳۰) متر زیاد می شود .

نهر (نومن) که آسمان رسیده جهال (به پمان) می پیوندد ، و بعد از آنکه به قدر (۶۰۰) کیلومتر و گردش میکند از خلیج (پوسیه) بجهل کیلومتر بسوی جنوب بندر بی (ژاپان) میریزد . نهر (نومن) جزو ادالت ساحلیه روس را با کوریا تشکیل میدهد ، و يك قسم آن در مابین (کوریو) و (مانچوری) حد فاصل می شود .

مرکز اداره - یعنی پایتخت (کوریو) شهر (سه نول) میباشد ، تقریباً (۱۹۵۰۰) نفوس را مالک میباشد . این شهر از هر طرف با جنگگاهها و تپه ها محاط است ، و در آنجا (۳۳) کلبه و یک سوئی دور دور شهر را نیز گرفته است که بعضی جاهای آن خانه های محکومات خاکی محکم بندی شده است داخل شهر بگو چه جای بسیار شگفت و تزیینات و مرتازاری که دارد . بنظر می آید این جبل منظره قابل و غایبی نزدیک میدان ... بغیر از سرای امیر اسوری ، و خانه های مشرف ، و يك دو سه کلبه های بزرگشاه و بانی دیگر همه خانه های شهر از جهت توکل ساخته شده خرابی مسکنهای حاکم و سفیلی میباشد . این خانه ها بنظر کویچه نه اورسی دارد ، رنگه بچهره - و از همه بدتر که خانه ها در کس خانه در رفت آبی چتر و مسطحه انداز مالک نیست ، و از آن حیب در دهه او آبی چتر از در و تاره های خانه ها میم آید و به کویچه انتشار میکند ، عجیب است که سرای امپراطوری و بعضی خانه های الکتریک شویزیان ، و يك شهناو فر - یعنی ریل الکتریکی از (سه نول) تا به (شاهو) (پون)

گشوده شده که بن برنج اختراعات، مذابت و صنایع، آن آثار وحشت و خرابیت
 هیچ مناسبت و قرابت بهم نمیگردد بلکه يك مذابت بسیار غریبی تشکیل میکنند.
 بندر دریایی (توان) لشکرگاه (۵۰ و ۵۰) است که در ساحل غربی شبه جزیره
 (کوریای واقع، و از (سئونگ) بقدر (۳۶) کیلومتر دور است. تخمیناً (۶۰) هزار
 نفر اهالی دارد. جبل ازینا چینی، و از انهم بسیار تر و بزرگتری میباشد. قسم
 اعظم تجارت این بندر است و ایالت و یک چند تجارت خانه تکلیسی نیز وجود
 میباشد. ادخالات تجزیه عبارتست از قاشمهای نجی و مصنوعات اعلیٰ. اخراجات
 آن نیز پوست، مبرزه باب خشک، و برنج، و غیره میباشد.

(۵۰ سوپو) در حقیقت حالتی میشود و صنعتها محروم و در ایام بلوغ تمام
 لذت آن مستوکونیک لشکرگاهی میباشد. لکن این لشکرگاه بزوفراخ چون
 برعکس است (سئونگ) واقع شده از ان بزرگ است. اهمیت خصوصیتی را حائز است
 که این بندر (هانگ یانگ) میباشد. در میان این بندر از (سئونگ) نام (سئونگ)
 کتای چای کوچک رفت و آمد میتواند. این وضعیت مهمه آن در سنه (۱۸۶۵)
 میباشی از طرف افسران فرانسوی قدرشناسی شده و در سنه (۱۸۸۶) از
 از طرف پرسیه های انگلیس برای اخراج اشبای تجاریه را بد (سئونگ)
 انتخاب گردید. بد از یکسان این لشکرگاه برای تجارت اچیه آزاد گذاشته شد.
 ازین زمان روز روز ارتقای گردانست.

سواحل مالک (کوریای معتدل) و مالک داخلی آن سرد است. در موسم
 بهار بذانهای سبزی استمصال میآورد. زمینها خیلی فیض آور و برکت دار است.
 برنج، حبوبات، مرکبات، توان، لعل، پنبه، ریخته، پنبه، یعنی ساختههای
 که در بعضی درختان میبرد بزرگت بهم میرسد. لکن در (کوریای) چای و شکر
 هیچ پیدا نمیشود.

این مملکت جنگلهای بسیار جمیع را مالک است. درین جنگلهای درختان

ارچه، و اخلامور، و سنوبر، و غیره موجود میباشد. (کین سانغ) نام يك درخت نیز موجود است که خلاصهٔ بیخ آن خیلی مغذی يك خاصه را مالک میباشد. حیوانات اهلیه در (کوريا) از اوروا آورده شده است، از چین بز و گوسفندی آورند، اهالی (کوريا) بز دانت خیلی ذوق و اشتهاء دارند، يك نهنگان کوریه هم با محتاج خرد را خودش میسازد. یعنی بساختن خانه، و لباس و آلات و ادوات خود بدگری، محتاج نیست.

صنایع (کوريا) در ایام سابق خیلی ترقی و درخشان بود. اما امروزه روزی نرنگه هیچ منزل کرده است. تنها از لیف يك نوع درخت توت که آنرا (روسونه نیا) میگویند خیلی نازک و از حرکت گذشته مینو و محکم کاغذ میسازند. زانها پاش ازین حرب اخیر به بسیار وقتها يك کارخانه کاغذ سازی که به بحال حرکت میکرد ساخته بودند و برای شالی کوری متعدد ماشینها بوجود آورده اند. و در هر طرف فعالیت و کار کفایه های بزگی اظهار کرده اند. علم و ادب و کوریا و زبان چینی تکلم میکنند، و به قواعد و احکام مذهب و قوانین و رسوم و رعایت میکنند. مذهب مردم عوام عبارت است از بعضی اشیا و حرکاتیکه با اعتقادات باطله هستند میباشد. در (کوريا) از مذهب (بودا) کسی خوشنود نیست. انصری نیز گشت، در تمام کوریا به قدر (۶۵۰۰۰) که توانیک و بکچند صد (پورولستان) موجود است. اخرا جان نجاری، کوریا و برنج، ماهی، پوست و غیره هم میباشد. تجارت داخلی شان خیلی جزو نیست.

احوال تاریخیه کوریا

مبدأ احوال حکومت کوریا به تابه امروزه روز مجهول و در زیر پردهٔ سراسر مستور است. برای کرفتن و منومات در حق این مملکت، بیداید که از میلاد عیسی به دوازده عصر پیشتر و جوح ششم در آن زمان صحیحیم که از

سلاطین (شاہنخ) که در آن زمان در چین اجرایی حکومت میکردند (کی چه) نام یک شهزاده در (کوریا) بسر خود یک حکومتی تشکیل داده اعلان استقلال کرده است. (۱۱۶۶) سال بعد از میلاد عیسی مملکت (کوریا) بر سه حکومت انقسام کرده بود که آن حکومتهای (قاعولی) «په چی» و (زین و) نام داشتند. زانها از آن دوریا «کوریا» به تقدیر وابط و دنیا سبب آغاز کرده بودند. در عصر سوم میلادی از امپراطور ییچه های ژاپان (زیئو قو شو) نام زنی تول با این مملکت را فتح و تسخیر نمود. بعد از آن بهصیابها و حرکات متعدده بی هم کوره نیان خود شانرا از تعدیات ژاپانیان رهایی داده اعلان استقلالیت کرده اند. در نهایت عصر یازدهم قرال «قاعو لی» دو حکومت دیگر را در زین ضبط و تسخیر آورده مملکت (کوریا) را یک حکومت متحد گردانیده است.

هنگامیکه خاندان (مینغ) در چین حکومت رسیده (تاریخ) نام یک شخصی بمادرت و در کوریا این خاندان خروج نموده حکومت کوریا را غصب نمود. و در سنه ۱۳۹۲ میلادی خاندان (چی زین) را تاسیس داد است. اخلاف این خاندان با ایالتها مجاربه های بسیاری اجرا کرده است. تا آنکه در سنه (۱۵۹۲) (جایقوسا) نام امپراطور ژاپان یک اردوی دهشتی به (کوریا) فرستاده مملکت را ضبط و تسخیر و پادشاه (کوریا) را به تسلیق کردن حاکمیت ژاپان مجبور گردانید. در سنه (۱۶۱۵) بموجب محاسله فاعو گردید حکومت ژاپان لنگرگاه (غوزن) را استیلا نمود. و حکومت (کوریا) را امر سال بدادن «الی» معین مملکت ساخت.

دراسبات سمبلیه که در مابین حکومت چین و (کودین) موجود بود از وقتیکه حکومت چین بقبضه حاکمیت تازوهای (منچور) در مدتها وک پذیر گردید. در عصر شانزدهم میلادی روسای (منچور) لشکر به (کوریا) فرستاده (سه تول) را

ضبط و کوره شیائو استخراج داین تکلف ساخت . به اینصورت (کوریای) هم به ژاپان زهم بچین باج گذار شده بود .

اینست که رای جستجوی اسباب معارفه که در سنه (۱۸۹۴) در مابین چین و ژاپان وقوع آمده بود به بقدر دوزخ منتهی نظر گردن لازمست . چونکه دولت ژاپان سراسر آزادی کوریای را آرزو مینمود ، و دولت چین میخواست که آزاد بر حمایت خود درآرد ، تا آنکه در ۲۹ مه آگست سنه ۱۸۹۴ کوریای ژاپان بک معاهده نایه عقد کرد که مقصدش از معاهده نامه این بود که استقلالیت خود را محکم و مؤید نماید ، و عسکر چین را از آنک خود بیرون برآرد ، اینست که بنسبب در مابین چین و ژاپان جنگ و قتال ظهور نمود ، بوجب معاهده (سیمونوواکی) که به اینجمله ژاپان و چین حاکمه دادد است . پادشاه کوریای در هر خصوص مستقل شناخته شده بود . و یک شوروی دولت ، و یک شوروی خصوصی تشکیل داده بود .

راههای داخلی دارالحرکات ؛

راههای موجوده اقصای شرق خیلی کم و بسیار خراب است . غیر از یک سرک بزرگ که از (پکن) تا به (موکدن) برفته است دیگر هیچ سرکی وجود نیست . حرکات عسکر بهرا چیزیکه زیادتر مشکلات می سازد همانا وجود نبودن راهها و علی الخصوص مقفودیت راههاست . اکثر راهها و جویها را از گذر خاکدشتان لازم میآید که در موسمهای باران و سیلاب آن بربحال میشود . و ازینست که از دری ژاپان در اول امر پیش از حرکات عسکر به بساختن راهها ، بچین آوردیده اندی بعد از آن بحرکات نفسیه آغاز نموده اند .

یک نرسائی که در اقصای شرق سیاحت کرده است در خصوص راههای مانتچوری و کوریا ، معلومست و تفصیلات بسیار کاملی بیان میکند که مابین دو نوا عیناً آنرا نقل میکنیم :

در مملکت کوریا که هر طرف آن کوههاست همه را هیچ کسی نمیشناسد .

که چیست . سیاحت را با اسکره ها و کبوت ها میگردانند . اشیاء و اسباب
 هارا با حیوانات بارکش علی الخصوص با اسبانی که مخصوص گوزیا میباشد و آنرا
 (پونی) مینامند نقل میدهند . اینرا نیز بگوئیم که این حیوان نه علف ، و نه
 چوب ، و نه گاه میخوردند . بلکه هر روز یک طعم گومی که از جواری و غصو
 لیه میزند آنرا میخورند . این حیوانات در مدت عمر خود آب سرد ننوشیده
 اند . چون من در جوار (سه نول) با این حیوانات یکجفت جولانی نمودم
 بودم از آنرو درین سیاحت با این اسبان خوب گشت و گذار تو نستم .

در ۱۹ . جون سنه ۱۹۰۴ از (نیوچوانغ) تابه (قای پینگ) يك
 سیاحتی اجراء نمودم ، در خریطه — یعنی نقشه که بدست داشتم يك جاده
 بزرگی نشان داده شده بود که از (نیوچوانغ) تابه « قای پینگ » محدود شده
 بود . از روی نقشه چنان گمان میکردم که برین سرک هیچ مشکلات و زحمتی
 نخواهم دید . لکن از يك راه بلند چینی باخورد گرفتم . برآه افتادم . از کوجه های
 کج و پیچ سنگ شبرنا به دروازه (قای پینگ) رسیدم ، از دست يك پسر در
 روسی که بر دروازه بود به بسیار زحمت خود در راهی داده بر جاده براندم .
 اما چه جاده ! که تنها بر روی خریطه جاده گفته ، بشود . دو طرفه این راه
 بالای زارهای گسترده های برنج محاط شده بود . بعد از آنکه ششصد کیلو
 متر برین راه را مورد قطع مسافه نمودم میگفتم که در خریطه نام آن
 نوشته نشده بود . در جاده منقطع شده در میان کلبه ها و خانه ها بعضی
 کوره راهها پیدا شد . و بعد از آنکه از ده براندم راه سراسر در میان گستره
 های شالی کاری غایب گردید . بنابراین بر استقامت شرقی بر کمانداریك خندق
 مد هندی بر يك راه پارسی روان شدم . چند دفعه نهله که در یکی غمراق شدن
 را گذرانیده بوقت ظهر بر يك قریه رسیدم که نه کیلومتر از نیوچوانغ دور بود .
 از اینجا چنان تخمین میکردم که تابه شام به نیوچوانغ نخواهم رسید

ولی از هر کس شنیدیم که در موسم تابستان برین راه مسرور و عبور غیر قابلست
 زیرا راه گویا هیچ چیزی نیست : همه راهها در زیر آب و گل ولای پنهانست .
 پس ایست احوال راههای (ماسچودی) که حال جاها کیر آن این
 بود که بیان شده دیگر راهها بر این قیاس باید کرد . در چین مملکت برای حصر
 کات عسکره پک اردوی تعرض که قوای جسیعه و قطارها و قافله ها اسوق
 نماید این پک امر شبیه و آشکاراست که بجه گونه موانع و مشکلات عقلمه
 پر خورده میشود .

راههای آهن کوریا

راههای آهن کوریا از هر ژاپان اعربت عظیمه را داراست . ازین سبب
 رجال حکومت ژاپان ظمور پک حرب ناگهان شی را با روس در بر نظر رفت
 گرفته ساختن شدن راه آهن ، بد کور را با سرعت و زودی تمام از کارهای اهم
 و ضروری خود میشردند . لهذا اولن خط (سدنول - شه موایو) را
 آغاز بساختن نهادند . هنوز آن خط کامل نشده بود که یک کمپنی دیگر ژا
 پانی امتیاز خط ساحل جنوبی را گرفته بکشد . آن خط بت اعمودند ،
 بعد از یکیم سال از خط شه موایو بسوی قصبه : بویغ نونج یو) بسا
 ختن شعبه خط راه آهن دیگر غیر مباشرت و در زبده شده در سنه ۱۹۰۳ برای
 آنکه امر انقادات پک آن اولتر رسیده حد ختم کرده دولت ژاپان هزاران
 عماله و مزدور کار تراشید و در روز یکبار و کوشش انداخته است .

دولت ژاپان برای این خط ۲۵ میلیون (یه ن) یکبار و باز ۲ میلیون
 یه ن در سنه ۱۹۰۴ مخصوص و مقرر نمود . تا آنکه خط مذکور به اتمبار رسیده
 در گذر راه این خط - یعنی از سنه اول تا به فوزان اعمالات مساعیه خیلی
 بسیار است . از جمله ۲۴ عدد (تون) - یعنی سوراخهای زیر کوهی و وجود

است که مسافت مجموع همه این تونلها ۴ کیلومتر می آید . ۴۳۹ عدد پل درین خط موجود است . (۲۸) لوقوموشیف ، (۵۸) وانغون در هروان (۲۳۰) وانغون اشپارای این خط ، قرار است . در روز دوزخ — یعنی قطار در آمد و شد است . (۵۳) استانیون — یعنی ایستگاه برین خط ساخته شده است . تونلها این خط را که بطول (۳۵۰) کیلومتر طول دارد در ۱۵ ساعت قطع مینماید .

بمنازاعلان حرب و حکومت ژاپان تابه (و پچو) بزرگ شعبه ازین خط جدا کرده بواسطه مهندسان عسکری محدود نمودند . پلهایشکه درین قسم موجود است اکثر چوبی و (رای) های آن نیز از ماده خفیفه انتخاب شده است و این از آنست که خط چوبی تمام شود ، و حرکات عسکری بیش رود . از دیگر طرف مهندسان ژاپانی بکشیدن یک خط دیگر در مابین (آنطونغ) و (لیاوینغ) و سه تونل ، و سه تونل ، و نیز استداوم باشرت ورزیدند . خط (سه تونل — ژم لسان) از عرض شبه جزیره (کوریا) را قطع کرده بحر ژاپان و بحر منچور را با یکدیگر ربط داده است . و الحاصل را پانچانچه در همه کار ندارند در ساختن شمس . و قرین خلی آتار فعالیت وسیع و همت نشان داده اند که به این سبب در مدت بسیار کمی خطهای (فوزان — یالو) و (آنطونغ — لیاوینغ) ژاپانیا را یکسری آوردند و با هم مواصلت و مناسبت میدهد .

جزیره ساخالین

جزیره (ساخالین) نیز در داخل دارالحرکات است . ژاپان تابه اینجزیره اهمیت بسیار بزرگی عطا مینماید . بنابراین نزدایت حرب باز بدست آور دن جزیره راهی اندیشیدند . و یکی از شرایط اساسیه صلح اینخطاربه را نیز عبارت از همین مسئله مینمادند .

ایچنین يك جزیره كه از روی سیاست و معرفت حائز اهمیت عظیمه
 میباشد در باب احوال تاریخی و جغرافیه آن که سراسر در پرده مجهولیت
 استوراست بعضی معلومات دادن از شرایط تحریریه و ترتیبه این اثر است.

— احوال جغرافیه —

جزیره ساخالین يك بارجه است از جزایر محقده ژاپان که بکسر بسوی
 شمال در زشده رفته است. علوم جغرافیه و تاریخ و علم انسال بشر حقوق صریحه
 ژاپانها را درین جزیره اثبات میکند.

اینجزیره که از جزیره های بزرگ دشیامدوداست بدارترین جاهای آن
 (۱۵۰) و سنگترین آن (۳۰) کیلومتر میباشد. طول آن از (۴۶) تا (۵۴) درجه
 است که تخمیناً (۱۳۰۰) کیلومتر میباشد. نقطه تنهای شمالی آن دماغه (سن
 الیزابت) است که این دماغه بحر (وقتیضا) می دراید. طرف جنوب این جزیره
 بشکل اعطست. در مابین جزیره (پهروز) و جزیره (ساخالین) آبسای (لاپهروز)
 واقع شده است. و از فضا (سیریا) یا آبسای (تاتار) جدا شده است. بسپری که این
 آبسای یعنی — گنگوگه در اوسه های زیستان بخ میزند دانش ساخالین بواسطه
 قازاقهای یعنی — همراه های بخ مانی که باسکها آنرا می کشند نقل میشود. جزیره
 منحصر نشین است که يك نوعی از لاشینی میباشد. مرکز اداره جزیره (شهر
 (انکسندر و فسات) است.

جزیره ساخالین بسببیکه بجزایرهای بادهای بسیار سرد شبلی معروفست اقلیم
 آن خیلی سرد و اطب میباشد. باوجودیکه مشهای شمالی آن برض (براین) یا تحت
 دولت المان بر این است باز هم بگهای مخصوصه مالکتهای در انجا خیلی پیدا میشود.
 جزیره بزراعت خیلی مساعد نیست. لگر گاههای کار آن بزرگتر سواحل آن
 وجود نیست. بنامین نزدیکترین کشتی باسواحل اینجزیره مشکلات و صعوبات
 بسیاری دارد که سواحل اینجزیره باسنگلاخهای بسیار بلند و سر نیزی بواسطت

که از اروپای کشتیهایک مایا و ماوای امیتی رمالک بست. هنگامیکه بادهای
شمالی بوزیدن مآید کشتیهاییک در پیشگاه شهر (الکساندر و فسک) لنگر انداخته
میداشند بزودی دک لنگر نموده بدریاچه (کاستری) که بساحل آسیا میباشد
بالنگر بردن شتابان میشوند .

در شخزیره دو جوی مشهور موجود است که نام یکی (تیم) و از دیگری
(پودوای) است . اما از جوی کرده اگر بجزای سیل بگویند هم تو موافقت
خواهد بود . زیرا پسپی بجزای مایی که آنها دارند آنها مانند سیل خروشان به
بسیار سرعت روان گشته میروند .

احوال اهالی

اهالی ساخالین نیز مانند طبیعت از ارضی آن بهارات و اخلاق مختلفند .
(طریقوز) هائیک در دامنه های کوه اقامتگزینند مانند برادران سیبریایی خود
بخیمه نشینی و کوچی گیری امر از حیات مینمایند . قبیله هائیک آنرا (اورچومو)
مینامند در جنگلهای (تایغا) به صید و شکار گذران میکنند . افراد بتقیله نیم
عبسوی میباشدند . حالآنکه قبیله های (آینوسها) و (زیلیانها) که در سواحل
اقامت دارند و بصید ماهی مشغولند هیچ مذاهب تابع نیستند .

در ساکنان جزیره (زیلیان) و اخیلی جالب دقت یک قبیله میباشد ساکنان
جزیره ساخالین عالی الاکتربصید ماهی و صید و شکار بری تعیش میکنند . در
تزدک های بجزرهای نهرها و کنارهای جنگلهای اقامت میکنند و در اثر و
نواکرتی بکانه شان عبارت از سگهاست . هرکس که بسیار سگ داشته باشند آنها تقدر
بیشتر شکار میکنند . و به قزاقها بسته بواسطه آن مزد دوری و تجارت مینمایند و
وقتی که از کار باز میمانند آنها کشته گوشت شانرا میخورند ، و از پوست آن
لباس میسازند .

خانه هائیک در آن اقامت میکنند عبارت از بعضی کلبه هائیتست که خیلی تنگی و تاریک میباشد. در بعضی کلبه ها که گنجایش چار نفر را دارد دو یا توده نفر در آن جمع می آیند. مسئله ملکیت در میان شان مشترکتست. در خصوص ازدواج مراسم مخصوصه ندارند.

قدیمه آتس من بنام (جشن خرس) يك جشن مخصوص غریبی دارند، چند نوجو يك خرس بزرگی را که بصورت مخصوصه آزار پرورانیده اند با بی سازه ها و جبهه ها و دیوید هتور و ز مخصوص آن در يك میدان مخصوصی می وزند، و بعضی مراسم و آیینها اجرا کرده آزار به قتل می رسانند. در این قتل خرس را گو یا سنگون ایستکه در موسم بهار خرس بسیار شکار کنند، و در موسم زمستان شکار ماهی بسیار کنند قاتل خیر می شمارند. این طادت خود شآر به بسیار انداز تعصب در هر سال پنوم مخصوص آن اجرا می نمایند.

جزیره ساخالین از معادن و کانیهای خیلی توانگر است. غیر از مین زغال سنگی که هیچ تپسی ندارد و در ساحل بحر (او قو چقا) کشف شده است معدنهای پترویل — یعنی تیل خاک بسیار توانگری نیز پیدا شده است. در این مانیهای آتس من بهند سیکه این طبقات پترو و لرا کشف نموده چنین بیان کرده است که این منابع بر منبع امریکو و قفقازیه خیلی غایقتر و بسیار توانگر تر است. از قرن هفدهم مذکور هفت تالاب بسیار بزرگی که هر يك بقدر پنجاه شصت هزار متر مربع وسعت دارد در جزیره ساخالین در زیر زمین موجود است که همه از پترویل پر است. غیر از این معدنهای نفت و طلا نیز در جزیره موجود میباشد.

دیگر منبع ثروتی که در جزیره ساخالین موجود است اینست که ژاپانها در ساحل جزیره شکار گاههای بسیاری برای صیاد ماهی (ریشنا) وضع و تربیب کرده اند که با بصورت بکثرت و وفور قی که شایان حیرتست ماهی مذکور

در احوال صید و شکار پیشود . ازین ماهی يك نوع روغنی استخراج میشود که در عالم تجارت برای چرم و صابون فوائد عظیمی حاصل میشود . جزیره در اصل از نخی ژاپانست . اجداد ژاپان این از نخی را بنام (قارانو) نام میکردند . جزیره ساخالین که البته در منابع طبیعی ثروت را جامع میدانند از وقتیکه بدست روسها درآمد — یعنی از سنه ۱۸۷۵ بجای اینکه خزاین ثروتمندی را که در سینه اسرار خود پنهان داشته میدان برارده مع التأسف برای احوال شقاوت و ارباب جنایت که از مالک روسیه نخی و استخراج میشدند يك قرار که ابدی تشکیل داده است . اما حال برای جزیره مذکور يك دوره عمران و آبادی جدیدی کشف شده است .

احوال تاریخی

از اوایل جزیره (یه دو) يك سرزمینی سردارنی مستقل بود . و حدود شمالی آن سراسر بجهت شرق غیره بین میبود . در نصف آخر عصر هشتاد هم کشتی های روسی بی هم در سواحل شمال این جزیره پدیدار میشدند . حکومت ژاپان که در آنوقت موجود بود در سنه ۱۷۸۰ بخار دقت خود را بطرف شمال توجیه داده در باب کشفیات و تحقیقات جزیره های آنطرف دوما ، و رکاشیم بعضی کشتیها ارسال نمود . در سنه ۱۷۹۹ جزیره (یه دو) و قسم اعظم جزیره (ساخالین) در زیر نفوذ حاکمیت حکومت مرکزیه ژاپان درآمد . از آن وقت در سواحل جزیره (ساخالین) از طرف حکومت ژاپان بعضی غریبه های کلبه های نا هیگیران تأسیس یافت . در سنه ۱۸۰۴ در زیر اداره ژنرال زانوف نام سردار روسی يك هیئت سفره به (ناگازاکی) آمدند . رئیس هیئت سفره مذکور نامه ای بر اطوار روس را با هدایایی که از طرف حکومت متبوعه خود آورده بود به (میکادو) تقدیم کرده عقد کردن يك معاهده نامه تجارتی را در مابین حکومت روس و ژاپان طلب نمود ، اما حکومت

ژاپن این مطالب اینچنین روس را تعارف نکرده و در مورد آنها هیچ سفته‌ریزی در روس طرف مشاهده نمی‌گردد. جزیره ساخالین و اوستوروب (در بغیا و نارایج کرد) در سنه ۱۸۰۸ (در نیجی) تمام یک سیاحت جسیور ژاپنی تمام ساحل غربی جزیره ساخالین را کشف و دور کرده در بعضی نقاط مسکنی ساختند و قسم نشاندند که ساخالین تمام جزیره کی با یک جزیره است و بدین ترتیب دور دور به هیچ یک کشتی روسی در آنجا فرستاده نشد. حکومت ژاپن نیز دید که مسئله اظهار نظرهای شمالی و جنوبی در آنجا عیان می‌شود و منافع آن هیچ تصاریفات آن مقایسه نمی‌کند بلکه آنجا آهسته آهسته عساکر خود را واپس کشیده در سنه ۱۸۲۹ جزیره را سرسرخلی نمود.

در سنه ۱۸۵۹ یکی از رؤسای روس (نویسنده نوی) بنا بر تشریح (فوت دورا و...) سردار مشهور روسی در جزیره ساخالین هجوم برده در ساحل غربی جزیره و در جزیره (دوی) نامی یک لجهان — یعنی نگر گاهی کسیر داده است در سنه ۱۸۵۸ ایران (پوتیانین) با تله اندرا طو (نیکولای) می‌نخستین با ژاپنی آمده این در وقت سر و مطالب خود را بیکر بسکه حمله و شایعه در این روس و ژاپن تحریک یافت و دیگر اینکه یک معاهده ناما تجارت در مابین دولین عقد شود.

بعد از آنکه گریوت در رود لای که در مابین بندر دولت و دریناب جریان یافت نخستین بار یک معاهده تجارتی در میان دولت روس و ژاپن امضا گردید و در حدود نیز به صورت تجاری شد که آبائی (فیوریل) در مابین دولین حد فاصل باشد. اما در این جزیره ساخالین هیچ یک تجاری قطعی فرا داده نشد. احوال حاضره آنجا جزیره که مرکب از روس و ژاپن بود از هر دو طرف محافظت باشد و روسها از مسئله استفاده کرده بکشف کردن داخلای جزیره را می‌کنند و بکجهت دادن ژاپن را می‌نمودند.

در سنه ۱۸۵۴ دولت روس در خصوص توسیع مالکیت بر ایشو در آینه بحر محیط سر از نوبه فعالیت و کارکناری آغاز نهاد. در سنه ۱۸۵۹ قوات و ر اویه ف معاهده نامه (آیفون) را که در سنه ۱۸۵۸ حکومت چین عقد نموده بود پناه و سر داشته اتخاذ کرده بیک آنتنی جنگلی به دریایچه (یه دو) آنته بر حکومت ژاپنیا تکلیف نمود که همه چیز را با ساحلین رامل و اراضی روس اشتانند. و آسانی (په دو) در مابین دولت روس و ژاپن خط حدود تعیین شود. زیرا حکومت چین بموجب معاهده (آیفون) که با دولت روس عقد کرده تمام الکه (آورد) را با نقطه اراضی و ساحل بندوات روسی ترک نموده است که جزیره ساخته این نیز از جمله این قطعات اراضیست. اما در حال دیبا و مابهای ژاپن نیز بر مقاومت و پاناری قرار داده. اما اصرارها و تکلیفها و قوات و ر اویه ف را رد نمودند. و قوات مشا ایه بی این معصوم بر اهلیک آورده بود بر مکتب.

در سنه ۱۸۶۱ روسها باز از دستگیر کیه. جنگ و وضعیت احوال استغفار کرده. و شهر (الکندروفسک) را ستا کرده سرکار اداره جزیره. ساحلین قرار دهند و دایره نفوذ خود شامل تجهیزات مختلفه جزیره نشر و وسعت دهند. حتی تا بحوالی جنوب که قریه های مانیکرین ژاپنی بود نیز توسیع دایره استیلا نمودند.

بعد ازیکه دنی ژاپن چون شنید که دولت روس (الامتا) را بر حکومت معطفه امریکان و تحت مالکیتار جیه ژاپن تیر تحیک قلده برداشتن استاده اقسام جنوبی جزیره ساحلین را که در زیر نفوذ و مالکیت ژاپن بود خواست که بمبلغ نیم میلیون پوند و روسها بفروشد. اما دولت روس به این تکلیف دولت ژاپن راضی نشده و رد نمود.

در سنه ۱۸۷۳ دولت امریکان خواست که همه حقوق و مدعیانیکه ژاپن در حق ساحلین دارد بنام روس اشترا نماید. حالا آنکه در هاتوقت دولت ژاپن

بنا بر وحدانی که مقتضی فرستاده گشتی او در باب جزیره ساخالین بدو ات. مشاورانها
 نموده بود برین يك غرأ راند، بود که همه جزیره را بدولت روس ترك نماید.
 در سنه های مابعد آن بعد از مذاکرات و مفاوضات بسیار، که درین باب
 و بوداد نهایت الامر در سنه ۱۸۶۵ در مابین هر دو حکومت يك معاهده نامه
 عقد گردید که بموجب این معاهده نامه همه جزایر (فوزال) مال ژاپن و جزیره
 ساخالین مان روس میشد.





بعد از آنکه اردوی نخستین ژاپان در (یانو) مظفر گردید، و مدخل (پور آرتور) برای مردود عبور کشتیهای بزرگ جنگی روس ناپدید چه مسدود شد برای بر آوردن قطعات عسکریه ژاپان در سواحل نیم جزیره (لیتو طبقه) محذور و مافی باقی نماند.

تا بحال که این شبست عسکر بر آوردن از طرف ژاپنها تأخیر یافته بود ازین بود که اولاً سواحل مذکور به نایب مسدود بود، و دیگر اینکه نیم بر آمدن دسته کشتیهای جنگی روس از مدخل پور آرتور و کشتیهای نقلیه ژاپن را دوچار تهاکه ساختن در مظفر بود، حالاً آنکه در سیرت یخها آب گردید، و مدخل لنگر گاه پور آرتور نیز یسعی و همت جسد بر انشاء میرال (توغو) ناپدید چه مسدود شد، از چند هفته بایستغرف در میان مردمان ساحل نشین شایع شده بود که یک دسته کشتیهای جنگی نقلیه ژاپنی در حوالشی (خاقوشان) در کشت و گذار است، لهذا، و سها چندان گمان میبردند که ژاپنها اول در موقع مذکور عسکر حوا هتند بر آورد، حالاً آنکه دقیقه عساکر ژاپن در (چچه وو) بخشک بیرون آمده این خبر بکمال دهشت در قلعه (پور آرتور) طنین اندازیم و رعب قلوب قلعه بندان گردید.

در ششم ماه می مطابق برج جدوا در پیشگاه (چچه وو) بقدر (۶۰) قطعه کشتی نقلیه ژاپنی که حامل قطعات اردوی دوم بود عرض وجود نموده بود، اینخرکات خراج عساکر ژاپنی در زیر حمایت دسته کشتیهای جنگی تیکه در زیر

کو، انداختی امیرال (حوزو ژاپن) یوزاجرا میگردید، و غیر از این ۱۲ قطعه کشتی جنگی دیگر که از دسته کشتیهای جنگی امیران (توغو) جدا شده بود نیز این دسته کشتی های جنگائی نقلیه را معاونت و حمایت مینمود. این دوازده قطعه کشتائی جنگی از (لیائویشان) گرفته تمام اطراف و جوانب پور آر نور را در زیر تصرف دیده بانی میداشت که به اینصورت خروج و حمله آوری طور پدید و های روس را عدم امکان نموده بود.

ساحل شرقی نیم جزیره (لیائو طوانغ) عیناً بر ساحل شرقی (کو دو با) مشابهت دارد. یعنی درین سواحل نیز بیرون بر آوردن عسکر و مهمات حربیه خیلی صعوبت و دشواری دارد. در نیم ماه می بوقت صبح دو قطعه سفینه نقلیه ژاپنی در حالیکه کشتی (طور پیدوی)ی (نمبر ۳۰) بر قاف آنها بود در پیشگاه ساحل نمودار گردید. عسکر روس که در شبانه سرتبه دیده بانی میکردند با کله های طوپ های طور پیدوی (نمبر ۳۰) تاز و ساز گردیدند. بسبب جند و کم آبی ساحل کشتیهای نقلیه با طبع بقدر هزاره مرد و در توقف نمودند. افرای عسکر با افسران خود تفککهای خود را زیر سر خود بالا گرفته خودشانرا در آب انداختند، و در حالتیکه نایبانه های شان در آب بودند عز از مژ و ساقه واقطع نموده بساحل برآمدند. بر آمدن اینها بساحل همان بود و پدید از کشتی قسم کلئی سفاین نقلیه عسکری باز دسته کشتیهای جنگائی حاملی آنها در کنار افق همان.

افراد عسکر یکی اول بر آمده بودند برای علامت استیلا، و ورود قسم کلئی بیرق ژاپنی را بر سر بلک تپه کنار ساحل بر افراشتند و داهای (ژنده باد میکادو) را بر کشیدند. سه دسته عسکر کشف روسی که در انجوائی برای محافظه و دیده بانی بودند بر عسکر بیرون بر آمده ژاپنی آتش کشیدند و بی آتش طوپ های سه کشتی طوپ کشی ژاپنی آنها را این نداده در آن واحد تار و مار نمود.

بسیاعت هشت روز، قسم کلئی زدیکشد. و بحرکات بیرون بر آوردن آغاز

نهاد. این حرکات از طرف دشمن به آن ناسکته و تعرضی نیز دوچار نگردیدند.
بکمال خاطر جوی اجرا گردید.

اردوی دوم در اینجا بیرون بر آورده شد. اردوی دوم ژاپن است که در زیر
گومانداچی و انسرچی جنرال (اوتو) میباشد، و اساساً از فرقه های اول،
و سوم، و چهارم پیاده، و طرب نخستین سواری، و غنمک دومین توپچی
سرمکب است.

امس حاضر فی سفر این اردو در پنجم ماه مارچ داده شده بود. در (۱۵) ماه
مذکور برای سوار شدن در کشتیها در لنگرگاههای (کوبه) و (اوچیما) به غایبات
عسکره آغاز شده بود.

این سوغیات بحریه ژاپن که در روز عینی اول ماه پریس — برج ثور —
نصوب بود بنا بر تاثیر حرکات استکشافیه امیرال (مافاروف) چندناجه پیش از این
مذکور شده بود به تأخیر و تعطیل افتاده بود.

وقه هفت پانزدهمین چنانچه تفصیل آن پیش ازین مبحث نموده بودیم ژاپنها را
آزادی بخشیدند. روز دیگر نخستین واپور نقلیه بدریابادبا تکسای صریحت گردید.
واپور نقلیه مذکور به (شینا پو) آمده، و در اینجا همه دسته کشتیهای جنگی
نقلیه به آن التحاق نموده منتظر مسرور نمودن اردوی نخستین از نهر (یالو)
به اندک. و چون اردوی نخستین مظهر آنه از نهر (یالو) در گذشتند اینست که
این اردوی دومین نیز در ساحل (پچی وو) بحرکات بیرون برآمدن آغاز نمادند.
در اینجا می بینیم که قوه بحریه و بریه ژاپن با هم دیگر دست داده و اتفاق بر نقشه
ویلاچی که از طرف هبشت ارکان حریه عمومی به کشیده شده چنین مدبرانه و
صیرت کارانه حرکت کرده اند.

بمجردیکه حرکات بیرون بر آوردن عسکر آغاز نهاد جنرال (اوتو)
بسوی جنوب، و غرب قولهای کدنگ خود را بشکن و صورت باندرن سوغیات

و ارسال نمود. و در طولی پراده (انزبوی (پولا تیه ن) فرستاد.
 روسها از تقرب دسته کشتیهای جنگی تفلده ژاپان در دروم مای می خبر
 دار شده بودند. از نزدیک شش روز بعدند که مقرزه های کو جنگ کشفیه خود
 را با دشمن تماس بدهند. یکی ازین مقرزه ها بر جاره (پولا تیه ن) نایک قطعه
 مسکریه ژاپان برابو آمده بعد از یک محاربه مختصری عقب کشیدند.

دسته های دیده بان پیش ژاپانی در روز دیگری (پولا تیه ن) در آمده
 بر یک قطار راه آهنی که بکراسه ای (پور آنور) در یک واز بود ازش به دور
 ده لجر نمودند. و قطار هیچ طرزی رسد ننمید. نتوانستند.

روسها (پولا تیه ن) زانی هیچ مدافعه و مقابله ترک کرده بودند.
 ژاپانها در هر روز اگر چه خف راه آهن را خراب کردند ولی این تخز بیست
 چند نچه شاید واید مهم فشه بود. چونکه جنرت (قو. و باتکین) برای
 امپراطور تلگرافی کشیده در آن ذکر کرده بود که: «گر چه ژاپانها خط راه
 آهن را خراب کردند ولی بجایکی تمام راه را تعمیر نموده میرانی (سیریدو
 توف) یک قطاری که از لازمه حربه پر بود به (کهنچو) رسد نمید. و بعد
 از آن (توفو موتس) - یعنی انجن راسلایه با اثباتخ پس بیارده.»

بواقعه که همین هم بود. حتی درین قطار غیر از لازمه حربه برای
 تعمیر و ترمیم کشتیهای جنگی خسار زده روس از بسی آلات و ادوات لازمی
 موجود بود که اگر این آلات و ادوات به (پور آنور) برسد تعمیر و ترمیم
 سطحی و ساده کشتیهای خسار زده روس ممکن میشدی.

نهایت الامر در ۱۴ مه خط راه آهن را بشدر (۲۰) کیلومتر و مسافه
 خراب نمودند و راه آمد و شد قطارهای راه آهن روس را سراسر مسدود
 ساختند. در آخرین قطار راه آهن که پیش از خراب شدن راه ازین آنور
 حرکت نمود نائب امپراطوری (الکسیه ف) و و پرفس پوریس به نشسته

بودند که امیرال (الکمیة ف) پور آرتور را شکست داده به (موکده ن) میرفتند.
 بنا برین گوماندا نی — یعنی سراقسری فینو — یعنی دسته کشتیهای
 جنگی (پور آرتور) به امیرال (ویت هفت) محول گردید. چنانکه (شتر
 سل) نیز دانست که برای قلعه پور آرتور یک دوره خطرناکی آغاز شد.
 چونکه بر او بحر آفر زیر محاصر، بنامد، و خود مواسله آن نیز منقطع گردید.
 امیرال (ویت هفت) بنجر دیکه امر و کوماندا نی بحریه را بدست گرفت
 فوق العاده اظهار فعالیت و کار کند لری نمود. اول کاری که کرد این بود که کشتیهای
 آتش را که امیرال (توغو) در مدخل بندر گام غربی کرده راه را مسدود
 نموده بود بر هوا کردن گرفت.

درین آستانه يك دسته کشتی جنگی ژاپنی دریاچه (کینچو) و سواحل
 غربی را متوجه آنه کشف و تدقیق مینمود. همین قریب — یعنی دسته کشتی
 های جنگی در ۱۷ ماه پن راه آهن نهر (کینچو) را که در زیر محاطه و نگهبانی
 يك فرزند عسا کر روس بود در زیر آتش طوب گرنه پن را خراب و عسا
 کر روس را تار و مار گردانید. و منطقه اراضی شمالی (کینچو) را برای حر
 کات عسا کر ژاپن پاک و بی خطر ساخت.

امیرال (توغو) برای آنکه وظایف جدید را که سر از نو برای دسته
 کشتیهای جنگی ژاپن آغاز نموده است بخوبی اجرا نماید دسته کشتیهای جنگی
 خود را بر قسمهای متعددی جدا نمود. از (تفوشان) تا بند آبرزش نهر
 (شاهان) که در جنوب (بیجوهو) واقعست در زیر افسری (حوروزیا) يك دسته
 کشتی جنگی راه ترصد و دیده بانی مقرر نمود. منطقه چاور را نیز در زیر کو
 ماندا نی امیرال (قاتعموما) يك دسته کشتی جنگی به ترصد مامور نمود. امیرال
 (اودیو) را نیز به قسم کلی دسته کشتیهای جنگی در زیر یک کشتی (پور آرتور) در دریا
 چاه (بجینی) به ترصد مقرر ساخت. ساحل غربی نیم جزیره دان نیز خود

بالذات ترصد می نمود که تا اثر و حرکت دسته کشتیهای جنگی خود او تابه (ایتقو) نمادی مینمود .

این دسته کشتیهای جنگی که مذکور گردید غیر از ترصد دیده باقی مس محاصر و بوظیفه پاک کردن و زرع نمودن صور پهلبا — یعنی تفریهای دریایی که از طرف روسها در آن مواجله افشا نده شده بود نیز مأمور و مکلف بودند .

ضایعات دسته کشتیهای جنگی ژاپان

دریاچه (که در) که خیالی عمیق و محفوظات دریاچه ایست بسبب طور پرل هاربر که روسها در آن افتانده بودند خیلی تزلزل و امیران (قاعوما) کشتیهای خود پدید آوردند که در حین او بودند و زرع کردن این واد مهلاکه مأمور ساخته بسیاری از آنهارا بر هوا کرده بودند . ولی واسفانکه کشتیهای طور پیدوی نموده و غیر بدع در نشانی که یک طور پیرین را میدخوا استناد بره و امکان طور پیرین مذکور پیش از آنکه کشتی طور پیدوی نموده بدرجه کافی از دور شود آتش گرفته کشتی طور پیدوی مذکور را از میان بدوایم ساخت و حالا ضریق گردید .

در (۱۶) مه (می یاقو) نام کشتی خوب کشتی ژاپنی از امین همین مصیبت گرفتار آمد . و از کشتی آشیناشی (۸) نفر رهائی یافت . حال آنکه پسید شد در مصیبت اکتفا نشد ، روز دیگر بسبب ضایعات این کشتی (گرو و ازور (یوشیورا) و زره پوش های (اوجی) و (هاتسوزو) حقیقتاً برای زایاها یک بوم فلاکت عظیمی شده است کیفیت تخریق این سه کشتی برنگ را بپندار آن چنین حکایت میکند :

در روز ۱۵ ماه می برج جوزا — از سر زکوه طان (زکوه) (لبانوتیشان) دیده شد که یک دسته کشتیهای جنگی ژاپنی که سر کب از سر زره پوش اوسه کرو و ا

زور بود. جهت جنوب شرقی یکسری بسوی (پور آنور) می آیند. گروهی از روز
هادریش روز، هبوش را در عقب آنها رفتار داشتند، کشتیهای جنگلی ژاپنی این
یک ساعت کرد. بودند که هر روز یک چند کشتی برپور آنور پیندارند، هر وسها
اسرور بار از دیدن کشتیها، مناظر آتش طوپ شده بمقابله حاضر میشدند.

دسته کشتیهای جنگلی ژاپنی چون بجای مقرری خود نزدیک شدند در
اشتباه حاضر می طوپ اندازی را میخواستند به پیشند لغت زره پوش (فوجی)
که سه کشتی بود بیک طوپ پیل تهاش نموده طور پیل مذکور در زیر پینتی کشتی
از هم یکفرد کشتی توقف نمود؛ و بطرف راست و به پیش شدت، پیل نمود.
یک دو بسیار کشتی مانند دوستون، مدتها از دو کشتیهای آن پهلوانند شد،
از این یک معلوم کردیم که، ماشین رینی — آنتیخانه کشتی مذکور نیز دو چار
خسار گردید، حالاً دو کشتی گروهی از زور به امداد زره پوش مذکور شتافت
بود از لاف (پور آنور) بیرون کشته شدند.

زره پوش (فوجی) پیش از آنکه یک ملجای بیاید در اثنای راه غرق
گردید، بعد از غرق شدن (فوجی) بیک چند دقیقه زره پوش (ها-آوزو) نیز
بیک طوپ پیل و خورده در ظرف یک دقیقه آن کشتی محترماً به غرق ماندنهای
نامدار و سی و سه نفر و سی صد نفر مرگت خود خرقه گرداب فنا گردید.
تنها امیرال (تاشی) و (۳۰) نفر سرباز زره پوش یافتند.

در اثنای که دیگر کشتیهای ژاپنی برای امداد قضا در کان کشتیهای مغر و غه
از لراف و حوانب، بدو بدند امیرال روس ازین سر اسبه کشتی دسته کشتیهای
جنگی ژاپنی استفاده کردن خواسته ۶ قطعه شور پیل و را با گروهی از زور
ویق) برای حمله آوری سوق نمود، ولی دوسه گروهی از زور ژاپنی بمقابل
آنها شتافته به آتش شدید، طوپ آنها را به برگشتن مجبور گردانید.

حالاً از کیفیت غرق گروهی از زور محفوظه دار (پوشینو) بیان کنیم؛ گروهی از زور

مذکور را که وازوزر هبوش (قازوغا) و چند عدد طور میدو و طوپ کفن در جوار جزیره (میاعتو) به ترصدما، و در بودند. امروز در اطراف چنان همه کتیف و غلیغی حکم فرما بود که در و ز روشن چراشهای الکتریکی کشتیها از صدمه زو به آن طرف را روشن نمیتوانست. کشتیها هیچیک دیگر خود را نمیتوانستند ببینند. درین اثنا کشتی (یوشینو) دفعته در پیش روی خود بینای کشتی گروانوزر هبوش (قازوغا) را مشاهده کرد. نامیخواست که خود را کناره کند مهمبزرگترینی (قازوغا) به بغل چپ (یوشینو) پشتت بر خورده تبه دایره ما کینه آن نفوذ نمود.

از شدت این ضربه ماکینه کشتی و آلات الکتریک نور ات داخلی آن زیر و زبر دیده داخل کشتی را یک ظلمت تیره درونی استیلا نمود با وجود آنهم کشتان سفینه همه وسایط ممکنه را استمهان کرده به تأخیر کردن ضریق شدن کشتی همیکوشید. لکن همه سی و غیرت او بی نتیجه باند چونکه رخنه که به یز مدهن (قازوغا) در جسم او کنده بود خیلی بزرگ بود، و آب مانند سینی خروشان بداخل کشتی میریخت.

کوماندان کشتی چون دید که همه سفینهای او محو گردید فرو آوردن فلوکه های طرف راست کشتی را امر آورد. باه این زمان همه سرنبات کشتی سکوت و اعتدال دم خود را محافظه کرده بودند، و امرهای کوماندانرا یگان یگان بجا می آوردند.

رخنه سفینه چون بمطرف چپ از صدمه بود و کشتی بکسر با آن طرف میل کرده بود از اثر و فلوکه های دست راست را فرو آوردن لازم میآمد و ازین بود که کوماندان نیز همچنین امر نمود.

فلوکه هابندیا فرو آورده شد سرنبات به تخلیص جان خود شان به امر کوماندان شتابه در فلوکه ها نشستند، و کسانی هنوز می نشستند که دفعا

بجای قاعده سفینه (پوشینو) بطرف راست بر سر فلو که هائی که پرا از قضا زده کن بود، و هنوز از (پوشینو) دور نشده بودند بدست هر چه نما، تر بغلطید و عهه فلو که هارا از هم پاره پاره کرده با خود زهر نایاب بحر شوطه خوار گرداب مات گردا سید، کینان سفینه در پی رهائی خود بپنداده و در چیزی خود در آمده با سفینه خود یکجا در جای بحر عدم گردید.

(اشترانک و وزیدن کشتیه‌های جنگشی ژاپان بمحاره به کینچو)

جنرال (اورو) از خط (پولا تین -- و بیچ و و) آمده آهسته آهسته بسوی جنوب بروقتل به حرکت آغاز نماید. یک قون خط راه آهن و یک قون راه سرک را تعقیب مینمورد.

جنرال (متوماس) به این یک بیچ راضی نبود که اردوی ژاپانی آنکه به بیچگونه دشمنوت تصادف نماید. و در مقابل خود کسی را به بند خراش آن خرابان نامه پستگاه استحقکات (پور آتور) نباید بدهد. خواست که تا بکن مرتبه اردوی ژاپانرا بضرر دست و مشکلات دوچار نماید، و تا نه نزدیک قاعه برسد در خارج بالو خوب بیچ مینمورد. از آنرو بقدر ۷ کیلومتر بسوی جنوب قصبه (کینچو) بر تبه های بلند و محکم آن بنا وضع مینمورد. مستحقکی تأسیس کرده بود که هر دو جناح این موضع دریا مستند بود، دو طرف جناح چپ آن رزخ فراخ و کم آب (کینچو)؛ و در طرف شرق آن یک دریاچه عمیق و تنگی که با محیط شمشاد و فردرون زفته و آنرا دریاچه (هانگ) مینامند و موجود است. این تبه ها و کوه پشته ها خیلی عارضه ناکه و صعب اثر و ربو. بنا علیه بمقابل اردو بیچ بر (پور آتور) پیش آید یک سد طبیعی تشکیل مینموردند.

محاره به (کینچو) را در بحث مخصوص محاربات بر به انشاء الله بیان خواهیم

کرد ، در نجاتها از مناسبات حرکات بحریه که به این مخازنه تعلق دارد بیان و بنماییم :

در روز (۶) ماه مه پنج جواز اعتماد میگردد شقی سرزد طور بچئی ژاپان آتش بسیار شدید کرده در زیر حمایت آن فیلدات برادر پیش شدند سرگوزرا فرقه نخستین ، جناح شمال را فرقه سومین ، جناح یمن را فرقه چهارمین تشکیل میداد .

برای آید و استاده هجوم عساکر ژاپان ، و بلرزه آوردن جناح شمال و وضع روس دست کشتیهای جنگلی امیرال (خودروزی) را امیرال (نوشو) به دریاچه (کینچو) فرستاده بود .

این دسته کشتیهای مرکب از (۲) قذوه طروب کش ، و (۴) قطعه طور پیرود بود ، و بجز در یک عساکر پیدم و پیش رفتن آغاز کردند دسته کشتیهای جنگلی این بر جناح شمال روسها آتش گذاشتند اما بسیار یک مدت کمی دسته کشتیهای جنگلی آتش خود را بریده بدو با تکلیف شدند ، و اینها که در جناح به نصایعات عظیمه و مشکلات جسمیه گرفتار آمدند محض ایست که کشتیهای ژاپانی آتش طروب خود را قطع نمودند ، و سبب این انقطاع آتش کشتیها ازین پیش آمده بود که در صبح همان روز یک دهه بسیار کثیف و غابظی دریا و خشکی را احاطه کرده بود ، و طوفان بسیار شدیدی در شب پیش آمده بود که بسبب آن طوفان دریا خیلی آلوده بود ، و چون آب دریاچه (کینچو) از خیلی کم و تنگ است و این عوارض هم با آن غم و علاوه گردیده بود از آن رو کشتیهای طروب کشی بساحل تبهزل انداخته مؤثر نزدیک شده نمیتوانستند ، لهذا آتش خود شانرا بر بذر بندهای بزرگ خود را گذاشتند حال آنکه یک کشتی طروب کش روسی با دو غروب خورید و تابه آخر دریاچه (هانگ) بسخو گرفته بر جناح یمن اردوی ژاپان از کله بزی خود داری نمیکردند چنانچه (اوقو)

به تنگ آمده بمسكرو پياده خود اس هجوم و يورش را بداد و روسها بريك مشتات و اعتدال و انضباط بسيار بلخي كه شايدان تحسین و انگرينست مدافعه و مقابله ميكردهند بحار به بلافاصله بكمال شدت نابوقه عصر دوام نمود و جناح چپ ژاپنها خيلي زحمت و مشكلات كشيده و براي شان يكقسم پشرفتن ميسر نشده بود .

آتش كشيهاي روس خيلي تاثيرناك بود در بين انسابه جنرال (اوکو) خيز مرهش تمام شدن جيبه خانه تيز و اصل شده جنرال در يند تيقه هول ناك پر خطر تزيير مأيوسانه آخرين هجوم بردن را انديشیده بوقت شام بازي تمام خطت حرب عسکر خود اس هجوم و يورش پر شدت را عطا نموده عساكر ژاپان سر از نوشدت و مشتات ديرانه هزيرانه اظهار کرده و مسرکه را بنظر حقاوت و استغذاني دیده هجوم بردند ولي با وجود آنهم مسافه بسياري را قطع کرده نتوانستند و مشتات و شايعات بسياري دادند چنانچه از لحظه باحفظه رويه تايي مينهاد .

جنرال (اوکو) كلرا خيلي دشوار و مهلك دیده ميخواست كه امر رجعت را بدهد كه بناكهان از سرف جفاح رامت خطت حرب دستة كشي هاي جنگي خوب كشي ژاپني ظهور نموده بانك آتش بسيار شديد و مؤثري پيدان حرب داخل گرديده فرقه چارم ژاپني كه در بين جناح بود بدل برئي آتش طوب دستة كشي هاي جنگي بر جناح چپ روس كه از تاثير آتش دستة كشي هاي جنگي زده و ميده شده بود بانك هجوم شديدانه و معاندانه اجرا نمود . جناح چپ روس به اين هجوم شديد عساكر ديار ژاپان و آتش مؤثر دستة كشيهاي جنگي تب آور و مقاومت نكرند و سراسر شكست فاحش خورده اند و موقع خود را ترك کرده رويش از نهادند و اين موفقيت و كاميابي فرقه چارم نتيجه محاربه را تعيين نمود . يعني - معتقدت را بر اين از روي ژاپان و مشغوليت

را بر ای اردوی روس نتیجه بخشد .

مخاربه (کینچو) یک نمونه شایسته‌ترین برای نشان دادن دستة کشتیهای جنگی بحری به اردوی بری و حسن تأثیر آن بدان داد . اگر در مختاربه معاونت حریبه دستة کشتیهای جنگی بحری نبود نسبت اردوی بری عقیم میماند . بلکه آنها هم نیز محقق بیده میشد . اما با وجود اینهم ، شرط اساسی این معاونت بحری ذاتاً در کیفیت کشتیهای جنگی ژاپنی بود . چونکه ژاپن با کسب مالک ساکتیت بحریه نسبتاً کشتیهای جنگی ژاپنی بود و این خود را هر وقت که آنها با جنگی قدرت تانک روسی از (پرو آنرور) برآمده در دریایچه (کینچو) اخذ موقع میدوید ، و رابع آنرا نسبتاً کشتیهای جنگی ژاپن با اردوی بری شان نگردیده همین کار را که در سابق دستة کشتیهای جنگی ژاپن در حق اردوی روس اجرا نموده در آن وقت نسبتاً کشتیهای جنگی روس آن را بر اردوی ژاپن بروی کار برد . حالاً نکه امیرال (توشو) با تمام دستة کشتیهای جنگی خود (پرو آنرور) را از ساحل طرف محاصره نموده برای مانع کردن ایشان یک آشپز روسها در هر دقیقه حاضر و آماده بود .

در ۳۴ ماه می مغر (عسکر روس که در (دائی) بودند زیاد بر آن اتفاق دادند و اینها نیز در عقبه و مذکور شد که در (دائی) بودند این مغر را به الزامه شه اندوز یعنی ... رین و اینها میاتو بندری را محصور برخواستند . بعد از محاصره کینچو فردی آن ایران (توشو) را ملاقات نمود که عمده شیخ جزیره (فد نطق) در زیر محاصره بحری گرفته شده است .

.....

(حرکت دستة کشتیهای جنگی و لادیه و ستوق روس تا به نهایت)

.....

(در لادیه و ستوق) پس چونکه نه تنها محاصره قلب و الفوج نمی شود لهذا

نسبت به (پور آرتور) بیم و اندیشه ناکی کافر جگمه فریاد . تنها بزرده دانشی که موجود بود اندیشه ظهور کردن ناگهانی دسته کشتی های جنگی زبان در دلمایک و سوسه ای انداخت .

(بوغایتر) نام کروزار و روسی که برای مقصد استکشاف به دریایچه (اوسوری) رفته بود بسبب کثرت دمه اسبگ بر خورده دو چارخسدار شده بود . این حادثه برای دسته کشتیهای جنگی ولادیووستوق که در اصل خیلی ضعیف بود ضیاع بسیار سهمی شمرده میشد . طوب ها و طور پیاها و دیگر مازله کشتی مذکور را بیرون کشیده به تدابیر شناور ساختن آن توسل نمودند .

در (۲۵) ماهی امیران (سفر پدوف) به ولادیووستوق آمد که و پس امیران (زورازوف) قبلاً او موجود بود . امیران (سفر پدوف) برای آنکه آمدن خود را اعلام کند به (ولادیووستوق) نسبت نماید امیران (به زورازوف) امر نمود که یک جولانی نمود و سفاین نظایه زاباز انعجیز و زحمت رساند . بنا برین در ۱۲ ماه جون برج سرخان امیران مذکور با گروهی از راهای (خرومبوی) و (زوریق) و (روسیا) به دریا بیرون بر آمد .

تا به ۱۵ ماه جون بقدر (۱۰۰) میل قطع کرده تا به آبشای (شیمونوزنی) نزدیک گردید . در اینجا رفته رفته ای افق دو کشتی دیدند . روسها به تعقیب آن شناختند . اندکسبب دوری مسافت به آن نزدیک شدند . بعد از کمی یک کشتی دیگر ی نیز دیدند . کشتی (خرومبوی) در پی آن افتاد . این کشتی فلبه ژاپانی بود که نامش (ایجومی) بود که بنا بر الحرب عسکر و اراق برده حالاً واپس گردیده بود . (ایجومی) (خرومبوی) را یک کشتی ژاپانی گمان کرده بود . اما چون یکی بیکار یک گمانه آمده در پیش روی (ایجومی) افتاد و در پی آن دیگر که ها نیز آمدن گرفت (ایجومی) دانست که خطا خورده دشمن را دوست گمان کرده است . لهذا

همان لحظه کپتان کشتی دیدیگر مرتباً بداخل کشتی درآمده و اوراق مهمه را محو کرد و رسید و بعد تران خود شاعرانه را ادا نمود .

پس از آنکه (نیجومی) را غرق کرده (شرومووی) دو کشتی دیگر نیز دید و در پیش آنها شناور شد تا یکی از این کشتیها (عیتاشی) بود که در میان آن هزار نفر عسکر و یکصد زولوازم حربیه ، و چندتر آن سبب موجود بود ، (عیتاشی) بفرار آتش زد و زینب به اشرفیت روس جواب داد . آخرین که در هوا زوریه طرب اندازی آغاز نمود . پس از آنکه آتش طرب بگرفت ، بی دوا و وزید حیوانی غرق شد ، و در دو صد نفر عسکر به آتش طرب تلف شدند ، و یک قسبی خود را خود کشتند ، و یک قسبی اندر زند خود در غرق کرد و در زمان آخر نفس درآید بین بندگانهای (زنده باد میگوید) دوم ، بیوز زبند .

کشتی دیگر که (حادو) نام داشت ، بازره اسباب ساختن داشت آهن ، اینج (سه فول) و (زنجیر) را حامل بود و یک بولک عسکرین را از باز در آن موجود بود ، کوریل (دو شینو) که آسرا کشتی بود همه مرتباً و تفرقی کشتی را جمع کرده خود کشتی را آسراست از بندر محو ، گفت : که (مراد شری) از اقراره گفت و محب و رانند . بنگه نامه نفس آخرین خود در راه دولت خود کوشی و زبند ، و به تیغ با کلاه شدن بمراد شری از اقراره است . خود کشتی منع بینجام . مگر در وقتیکه خانی که اسیر میشود .

دو سه سایر کشتی (حادو) شور پیلوهای و نامه انداختند ، اما این طور بیله با اکثر دوزخ خط آبی است ، بلکه بود ، و چون این کشتی بیله ، از بی محسوس ساخته شده بود ، نفوذ آن را نتوانید ، بگرد ، و به سرعت غرقی نشد ، و روس ها در ازیم رسیدن دست کشتی ، یعنی جنگی در این يك آن اولیا رفیق را آرزو میکردند ، از این رو که بی (حادو) را به آن خود ترك داده برافتنه ، کشتی حادو با بیسرور شانه زده (سارووا) بر زمین و زمین گردیده است ، از کشتی

(خادو) (۱۵۳) نفر، و زکشتی (هیتاشی) (۵۹۱) نفر به بندرهای ژاپن آمده توانسته است.

این هر دو کشتی اساساً در روس بوده است، در لوانیال حرب از طرف ژاپنها اعطای شده، و نامهای آنها را تبدیل داده و خدمت نقلیه استخراجه کرده شده است. غیر از این دو کشتی در حوالی مذکور (۱۶۰) قطعه کشتی دیگر ژاپنی، که همه آنها که مهبت حربیه مخلو بودند نیز، موجود بود، ولی از طرف روسها کشف نشده به این مانده اند.

امیرال (فایمورا) برای عقب گیری دسته کشتی‌های جنگی روس در (۱۵) جولای (نور آرتو) را ترک کرده بود، لیکن رسیده نشد است. امیرال (بودویا) که در (طاقا شیسکی) پیروز بزرگ دسته کشتی‌های جنگی لوانیال و در عقب کشتی‌های روس فرستاده بود ولی بسبب باران و دمه به هیچ چیزی نگاهبان نشد.

روسها در وقت برگشتن امیرال غریبی ژاپنی‌ها را گرفتند در (۱۷) ماه می آنکه بهیچگونه خدایمانی دوچار شدند به (ولادبووستوفی) رسیدند. در اثنای راه گرووزورهای روس بزرگ کشتی انگلیزی که (آلا سوز) نام داشت و زنگ سنگی از کوره خود را خورده آنرا لبر کرده و با خود به (ولادبووستوفی) آوردند. بزرگ کشتی دیگر انگلیزی که بر اثر مانده است و خط راه آهن بود در لوانیال حرب از طرف ژاپنها خریداری شده بود و بدست روسها افتاده به (ولادبووستوفی) آورده شد.

امیرال (فایمورا) در (۱۹) ماه جون باز بطرف آبهای (کوریا) برگشت. عدم موفقیت و کابینگی مومی آیه درین بار نیز در ژاپن، و وجب بسی شکایات و اتیادت کردید. امیرال (فایمورا) در (نویبر) هجوم برده ناپسند اجرا کردند، حکومت اقامتگاه او را در زیر سایه پوئیس گرفت.

سختران او که بکتاب امپراتور ژاپان در (توکيو) دوام میورزیدند از شنیدن
بسیاری طعنه و توهین که چر ابدرت باحال خود را گذشته به توند کردن مکتب
مذکور عبور کردند.

امیرال (سفریند لوف) در نظر انعامه رسمانی خود که به (پتوسپورت)
کشیده میگوید:

« فرقه طاریدونی که در ۱۵ ماه سال بسواحل ژاپان فرستاده بودیم بعد
از اجرای حرکت در اطراف امر و زوایس به (ولادیوستوق) رسیدند.
فرقه مذکور در ساحل جزیره (حایقیدا) به انگرگه (جاشی) نزدیک شدند.
لکن اسبب ذمه به داخل انگرگه در آمده نتوانستند در اثنای راه بسی کشتی
های بادی و مونه های ژاپانی را که از اوراق و کدام بار بودند ضبط کرده اند.
در بنوقت سفین حربیه که دسته کشتیهای جنگی (ولادیوستوق) را ترکیب
دهه رای آنکه برای استقبال دسته کشتیهای جنگی بحر « بالینگ » حاضر باشند
در بندرگه « ولادیوستوق » اسزاحت شان اقتضا میکند با وجود آنهم
باز دسته کشتیهای جنگی مذکور در « ۳۰ » ماه جون بوقت شفق در پستگاه
« ژه اسان » دیده شدند و در داخل انگرگه مذکور تکمیل کشتنی بادباندار
و مونه هزارا خرقه و چوئی مسکونی زایانرا بزیر آتش ملوب گرفته
بسوزانیدند.»

در روز اول ماه جولایی بوقت شام کرووازورهای روس در جوار آبهای
(چوشیا) ظهور کرده بعضی تپایش اجرا کردند ولی بسبب تاریکی شب
باز در بنابر نیاز پتجه امیرال (قلمبورا) دهایی یافتند که امیرال (سفریند لوف)
در «پورت رسمی» خود این تصادف خود را با امیرال (قلمبورا) یا بنحو
وت حکایت میکند:

«قونترامیرال (به زورازوف) با کرووازورهای خود در شام دوز

اولاً ما، چه لایمی آبنای کور یازادر گذشته بود که به (۷) قطعه کشتیهای جنگی زبان بر خورده بازگشت و دشمن کشتیهای ما را تعقیب نموده از مسافت بعدی آنسوی تازی بر ما اجرائتیه + کشتیهای ما جواب ندادند . در ساعت ۸ شب (۱۱) قطعه طویله‌سوزی دشمن که در پشت جزیره (چوشما) بسته کرده بودند بر ما هجوم نمود . ولی هجوم نشان ندادند و روز دیگر در داخل آبی از دشمن هیچ اثری دیده نشده هیچ خسارت و ضایعات نداریم . با وجودیکه این نشیلات و حرکات هیچ اهمیتی ندارد ، باز هم امیرال (سقریدلوف) در (ولادپورستوفی) به آندرجا ، مطهر محبت و توجه نامه گردید که در (ولادپورستوفی) دستور شدن واپور (پوفایز) عساکر بریه زبان به مائمه (ولادپورستوفی) «هورراه» ها کشیده عرابه امیرال را بتابه های حو کشیدند . حالاً نکه در حقیقت حال و وفقت و کامیابی بزرگ امیرال (سقریدلوف) همین بوده از دست کشتیهای جنگی امیرال (سقریدلوف) را) آجاب کرده توانسته است .

بعد از آنکه گرو و نازورهای روس دانستند که امیرال (قامیسوز) برای محافظت سفین نقاباً زبان تدابیر مکملی اتخاذ نموده ، و دیگر هیچ کاری از دست شن بر نمی آید به شکار کردن واپور ، انکلبر ، و المان ، و امریکا که مانع ساختن راه آهن راه اجرت نقل میدانند آفتابند . امیرال (سقریدلوف) در ریورنی که به جانب نوشته چنین میگوید :

« در ۲۳ ماه جولایی ۱۹۰۰ میلین دور تر از (پوفاها اما) (آدایا) نام واپور لذی که مائمه ریل ، و آرد بسیاری باز کرده بود امیرال گرفته شده به (ولادپورستوفی) فرستاده شد ، در ۲۳ ماه مائمه کوریک کشتی دیگری دید شد ، توقیف نموده شد ، بعد از آنکه اوراق رسیده کشتی معاینه گردیده معلوم شد که این کشتی (کتی قوماندان) نام واپور انکلبر است که مائمه اسباب راه آهن راهبه

(ژاپونیا) بپرد، لهذا صیقل و مهارت آن لازم آمد، ولی چون آنقدر زغال نداشت که بآبه (ولادیمیرسوتسکی) برسد از راه وطایف و خاندان واپور، مذکور در بیرون بر آورده خود واپور را بخود نمودیم .

در ۲۴ ماه مذکور کوریا واپور نامی دیگر دیده شد، چون از شایم، شروع بود ضبط گردید و بی چون رسانیدن آن را یکی زبند گاهه ای روسی امکان نداشت غریق نموده شد .

در ۳۰ ماه مذکور کوریا واپورهای با طرف آسیای (چو غاروا) حرکت کرده در ساعت ۳ در نزدیکی ساحل شاهانی یک قطعه کوریا واپور ژاپنی با یک قطعه ضربه پذیر و در بی آن یک زره پوش با یک قطعه فلز سپید و دیده شده بعد از یکی یک کشتی محاط ساحل نیز ضربه خورد ولی سرعت کوریا واپورهای ما آنها را خیلی عقب انداخت .

مقدم و تشبیه نخستین دسته کشتیهای جنگی بود آن نور

در پیرونی بر آمدن خرابی

امیرال (دویم هفت) برای دهانی دادن دسته کشتیهای جنگی خود در از قید نماند و محسوریت بر زمین زد که (پور آن نور) را از آن کرده و در پیرونی آمد .
 دهی از چنان گوناگون بود که در پیرونی آمد و در پیرونی آمد و در پیرونی آمد .
 خود آمدند . (و چون در یک در (پور آن نور) در ساطق آمد به خیلی ناقص بود .
 با هم کشتیهای خسار زده روس تا یکسره بجز محسوریت نمانده بود که به اینصورت بسبب ضایع شدن زره پوشهای (هانس و زاه) و (فوجی) دسته کشتیهای جنگی روس از روی عده در هوش در دسته کشتیهای جنگی ژاپون تقویت و برتری عم داشت .

امیرال (دویم هفت) مانور در ژاپن بر آمدن خود را در ۲۳ ماه چون

خود است که از قوه فعل بر آید. لیکن این تصور امیرال بخلایف آرزوی او پنهانی
نیامد. هر سوختیکه بود زاپانها خبردار گردیده هنوز در ۲۳ ماه مذکور وقت
ششم کشتیهای سوپر پیروی ژاپنی برای امضا شدن خود بیرون — یعنی
تجهیزی دریایی در گذرگاه، دسته کشتیهای جنگی روس در بندرگاه خارجی
بندبار گردیدند.

از کجا که وولزور، های روسی بر این کشتیهای سوپر پیروی ژاپنی
حمله کرده، آنهارا دفع نموده، و با برن قناعت حاصل نکرده اند که آیا آنها را
از ایضای وطیفه شان و عدالت از نقیض است آید منع کرده توانسته اند یا نه؟
پس است که این اندیشه حرکت بیرون بر آمدن را در روز موعود خایی بنأخیر
و شکایت انداختند.

هر سه روزت در ساعت ۸ صبح ۲۳ چون امیرال (و است. حقت) با نوره
آغاز نمود. یعنی حرکت و تهدید است قیامت. بیرون بر آمدن را اجرا نمود،
بر اساس ساعت همه دسته کشتیهای جنگی بیرون بر آمدند. در بندرگاه خارجی
اخذ، ووقع نمودند.

ملا پیش از آنکه بدریاد فراع بخیر حرکت آغاز کنند، لای بود که خط
سفر خود را بطور پهنهائی افشانه شده دست زاپانها ناله نمایند، برای
استکار پنهان لازم بود که حرکت رفتار دسته کشتیهای جنگی جنگی
را در پانتهیلا نموده آنرا اقدام بقدم چه صجور تجری نمایند. این عملیات
چون یک ساعت و زمان درازی میخواستند لهذا دسته کشتیهای جنگی در بندرگاه
خارجی بازنگرند از عظمت گردیدند.

طوور پیروهای روس برای جستجو مقرر بودند پس برای از نقیضهای دریایی
است و سبب میباید کرده از ارفع نمودند. آنکه بعد از ظهر کشتی روس دیگر
راندسته بدریاد فراع و آنروز همبار عزیمت شدند. زو هپوشها بنظام یک تازی

یعنی - یکی در میان دیگر حرکت میکردند. در پیش روی همه زرعبه شیشه‌ای بایر ق
 ایندو بر آن اثر افتاده شده بود. وقت آمدن و طرقتاً زره‌پوشها و پیش در روس
 پشت آنها کشتی‌های خود را دیدند و گریه و آزارها را رفتار داشتند.

دسته کشتی‌های جنگی روس که به این نظام و انتظام حیرت‌انگیز حرکت
 میکرد، امیران (رئیس‌هفت) را نیز از آن‌ها جدا کرده بدوون مجازیه و مزاحم کشتی‌های
 جنگی خود را بر جان‌شان بخوارند سرفق خوانند. توانستند. انکن و ا
 است. و بعد از مدت کمی که دسته کشتی‌های جنگی بسرعث اعظم خود را قدر خود
 همه این‌ها می‌دیدند و در حال گردیدند.

کرو و از زره‌های دیده‌بان ژاپنی که با این بیست‌گونی‌ها که در جایی (پوش) از خود
 زره‌های پاره‌های دیگر در بیخ‌های که حاضر می‌شدند و ج روسها را این‌ها در
 سال بواسطه ناگرفتنی سیم‌های آن (توغو) از آن‌ها ساختند.

ژاپنی‌های اینگونه احوال هر چیزی از اول حاضر و آماده کرده بودند.
 چیزی که جنگی که در جوار (پوش) بود. و بعد از آن انتخاب شده بود.
 و همه کشتی‌ها از مدیگر بمسافه‌های معینی که در این بواسطه اشرف با هم دیگر آن‌ها
 این‌ها مجازیه بنواهند. موجود بودند. لهذا در میان این اجزای دسته کشتی‌های
 جنگی ژاپن بسرعثی که شایان حیرت است بود و آه.

سپس (رئیس‌هفت) از همه با شجره‌های خوب، بره و فقیهت پانز و نود و نه
 تعبیر نموده اختیار آور بود. متصل قطع مسافه بین نمود. چون دسته کشتی‌های
 جنگی روس از ساحل خوب دور شد و در سوی جنوب شرقی توجیه استقامت
 نمود. امیرال (توغو) بناگهان از پشت چیزی که نه نجسنگه او بود برآمده
 در پیش روی دسته کشتی‌های جنگی روس با وضعت عمودی حرکت، و اخذ
 استقامت نمود. و برای بدین خط رجعت دسته کشتی‌های جنگی روس
 با آن فرقه دسته کشتی‌های جنگی خود را در زبر حایه چند گرو

واژور خلیف در مابین دسته کشتیهای جنگی روس و مدخل پوز آرتور برای
افتادن طوری بل روانه نمود .

امیرال (ویت هفت) در این حالت چنان لازم بود که سرفه چو بی
نیکرد و بضایهات خود نظر نگردد بیک امر ض شدید و حانه عقیدتی تا بدست
که ممکن میبود دشمن خود را دوچار خسار میدمود . هرگاه امیرال روسی
انجمن حرکت میکرد خیلی بهر وقت و فائده مندتر بود از اینکه کشتیهای خود را
برای تاقبت نقیمه که وقوع آن محقق نمیدود در قید محصوریت بندر گاه پوز
آرتور نگاهدارد .

لکن امیرال (ویت هفت) از ضرورت ناگپاشی دسته کشتیهای جنگی ژاپن
مخوف و رعب افتاده بسرعت عظیمه بسوی (پوز آرتور) عودت نمود . امیرال
(توغو) چون دید که دشمن رجعت نمود خواست که اگر هیچ نباشد بقدر
ممکن او را در زیر آتش طوب کرفته هر ضارتش را پلرز در آرد . لهذا در بی اش
شتابان گردید و بی سبب فرو آورخته شدن رده ظلمت شب برین تشبیه خود
کامیاب نیامد . بسبب زمان چند دریا دسته کشتیهای جنگی روس به بندر گاه
داخلی درآمد . مستو استه بالجور به در بندر گاه خارجی ننگر انداز اقامت کردید .
بسیبیکه امشب مهتاب خیلی در خشان بود . و دسته کشتیهای جنگی هم
در زیر حماوه استحکامات درآمد . بود از هجوم طوری پیدوهای دشمن چندان
خوف و باکی نداشت . اما باوجود آنهم طوری پیدوهای دلاور ژاپن از ساعت
۱۰ شب تا صبح به اندک اندک فاصله از اجرای هجوم و عسوات فارغ نه نشستند .
ولی مجز از کشتی جنگی (سبواستول) روسی دیگر کشتیهای دوجار خسار
نمواندند . امیرال (توغو) در باب این هجوم طوری پیدوهای خود در پورت خود
چنین مینویسد :

« باران گاه که در اطراف طوری پیدوهای ما میر بخت یک گریه طوفان

عساکر زارتین بحرکات پیشروی آغاز کرده بموقع (سن شیدو) که نقطه اتلاقی خطوط شمدو فرانس موصلات ، و تابه اواسط ماه جون در انجا اقامت کردند. درین اثنا اردوی جنرال (اوقو) بالوردوی جنرال (نوژی) میادیه کرده شد. و غیر این دریاچه (تلیه ن) از قله های دریایی پاک کرده بندر که (دانی) برای بیرون بر آوردن عسکر و بیرون بر آوردن طوپی های بزرگ محاصره حاضر و آماده کردید .

بعد از اواسط جون اردوی جنرال (نوژی) که اردوی محاصره گفته می شد به بحرکت پیشروی آغاز نماید بقدر ۶۷ کیلومتر و بسوی شرق پور آنور بسخن شهر (لونغ وانغ) می آمد که آن طرف شهر بدست رسیده بود .

محاصرین که از طرف بحر قلعه را محصور داشتند به ایغی ایچید و خنایف و یطلب و مکنت می آمدند .

۱ - طوب ، و عسکر و مائمه حریره که برای اردوی محاصره پوری فرستاده شود آنها را محافظه کرد و بکمال ایستادگی که بر آوردند .

۲ - چند جهاز اردوی محاصره را که تابه دریایند شده حایه کردن .

۳ - بقصد محصوره داخل شدن ذخیره و دیگر لوازمات را آنگذاشتن .

۴ - از قاعده محصوره خروج دست کشیده های جنگی در مسدود نمودن .

این فتره آخرین ناسن مشخص نشکس دیده بود و چون که مقصد کلی همین بود که پیش از رسیدن دست کشیده های جنگی بحر (باتیک) دوسو دست کشیده های جنگی (پور آنور) بخود فتا کرد . فتح شدن قلعه پور آنور نیز از نقطه های نظر سیاسی و ملی برون شیدو پنده بیشتر .

مداخل (پور آنور) در روزها مکرر و اوژرها و در شب با خود پیاده و هو ترصد و در زیر نفاذت گرفته میشد ، برای تعیین وقت دادن قلعه را از جهت دریا غایب مقرر شده ای کوچک مسکب از طوب کشید و طوپی پدید می آمد خای

فرستاده می‌شده و طبقه این مغزها کشف کردن مداخل و جوار آن بود ،
 و در جاهای مناسب که احتیاج بر آمدن کشتیهای روس را نجاها می‌بود طوریستل
 و تقب افشاندن ، و آتشها بیرون بر آمدن کشتیهای روس را عقیم گذاشتن
 نیز از وظایف این مغزها بود .

روسها نیز در شبها مداخل را با اسلحههای متحرک می‌پاشند ، و این سندها را
 با آتش طوب کشتیهای طوب کس ، و طوب خانه‌های استحکامات خفیه — چرا
 که خوب خانه های ثقیه را در درون قلعه برای مدافعه محصوره به برده
 بودند — مدافعه می‌کردند .

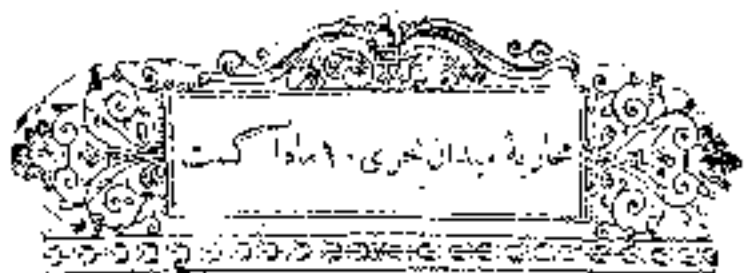
در مخاربه بری ۳۰ و ۴ ماه جولائی روسها تیریه‌های دست چپ نهر (لوانغ و
 لغ) را که ژاپونها ضبط کرده بودند و پس ستانده بودند ، بنا برین کوماندها
 اردوی مختصر ژاپان به استعمال یک قسمی از خوب‌های بزرگ محاصر و خود
 احتیاج دیده بود ، آوردن این طوپها ، و بجای مناسب سوار کردن آنها در تمام
 مدت ماه جولائی دوام در زیند تا آنکه در ۲۶ ماه جولائی یک کله ریزی بسیار
 مدتش و شدت داشت که اجرا او به جرم و پرورش عمومی آغاز نهادند ، به این هجوم
 و کله اندازی کشتیهای جنگائی ژابان از طرف بحر نیز اشتراک ورزیدند .

روسها نیز از وضعی خود در اخیری خوب محکم بینی کرده مقاومت و مدافعه
 بسیار عنودانه نمودند ، کشتیهای جنگائی روس نیز با کشتیهای جنگی
 ژابان بیرون بر آمده بودند ، این کشتیها در زیر حربه طوب خانه‌های استحکامات
 ساحل شرقی در آمدند بر کشتیهای ژابان آتش کشیدند ، یک کله (۲۹) سالتیمتر و
 کشتی (ایلان) روسی بسیر روزه کشتی (ژوشیای) ژابانی برخورد خبی خرابی
 بعمل آورده لهذا کشتیهای ژابانی آتش خود را قطع نموده رجعت کردند .
 در آتشی رجعت کشتی (چیبودای) ژابانی بیک طوریستل برخورد طرف سن
 آن در آب فرو رفت ، و نیز از مشت خود را باه آنرا گاد (دالتی) رسانیده توانست .

محاصره سه روز متبادلاً دوام ورزید. ولی ژاپانی‌ها موفق و کامیاب نشدند. بنا بر طلب و اصرار جنرال (اشنوسل) امیران (رابجین شنان)، کشتی‌های جنگی (بازان) و رده تویران، و پالاداه و آسفولند، و طویوکنه‌های (اوتواشی) و غیره، باجی و کلبان) برکنارکنار ساحل رفته چنانچه چپ اردوی بری ژاپانی‌ها را بمدلای پیشین نابساعت سه در زیر آتش شدید خطوبه بگرداند. کرو و ازورد (نویوق) با (۱۲) طویوید و از جهت دریا تعرضات محتمله امیران (توتو) را استر و محافظه میگرداند. دسته کشتی‌های جنگی ژاپان از بیم تهنکه طویوید، و قوه بحریه قوتمند روس که بسبب التحاق کشتی (ره تویران) (زاده تر کسب قوت کرده بودند) بسبب زخمی شدن کشتی (زوشیا) قوت خودشان کمتر شده بود بر محاربه کردن حسارت تمیور زبند.

در آشنای عودت دسته کشتی‌های جنگی روس به (یور آر نور) کشتی (بازان) به یک خطوبیل مصادمه نموده دو چیز خسار گردید. در ۲۸ ماه جولای جنرال (اشنوسل) اعازن کرد که جمله هجوم متراضین را زد کردیم. دور و ز اینها با تهاجم با همه قوهای بری و بحرئی خود هجوم و بوزش سختی بر قلمه بردند. در (۶) ماه آگست برج سنبله بر شهر و بندرگاه (یور آر نور) نگاه ریزئی دسته کشتی های جنگی ژاپان بوقوع آمد.





امپراتور (ویرتخت) بعد از خروج (۲۳) ماه جون باز به بندرگاه آرتور (آرتور) خزیده، در آن آرامگاه قدیم خود از انوار بین اندیشه و سکون نشسته بوده که درین نشانی رفته (ولاد بود ستونی) از طرف جناب امپراتور یک امر فغانی به او رسید.

بر آمدن دسته کشی های جنگی دوس از (پور آرتور) به اینجند سبب خوبی لازم و ضروری مینمود:

اولاً اینکه تبه ها که دستچکان دوس بر آن مبنی بود تا هنگامیکه بدست دشمن نیفتاد، بود قلمه بود (آرتور) برای دسته کشی های جنگی دوس یک ایجاب و بناگاه امن و محفوظ بود و بی چنین بعد از (۳۰) ماه جون از آنجا از طرف اردوی بری ژاپن منبسط و امتیاز کرده و در شب های قلمه کرب عناصر خورد شایان را بر آن تبه ها که مهاجران کرده از هفتاد اول ماه آگوست بگردد بدین قلمه آثار نهادند از آنرو بر آمدن دسته کشی های جنگی دوس از (پور آرتور) واجب و ضروری گردید.

ثانیاً چون اردو دسته کشی های جنگی دوس بگردد و از آنجا به ساحل بحر منفر شده نیت شده بودند آن عدد (پور آرتور) سر اسر بیلر و با یکا مشترک شده مینمود.

ثالثاً رسانیدن بهات حرمیه، و از آنجا و ذخیره، و از آنجا سنگ نیز برای دسته کشی های جنگی دوس و کسب مشکلات مینمود.

دریما چون زمان سقوط (پور آنور) روزی روز تقرب میفرمود. لاجرم از سکه آن کشتیهای نارنجی را که بصرف شدن ملبوسها و طلا موجود آمده است روسها بدست خود آنرا محرومانی گرفتند. بهتر آنست که نایب و نایبک طبرستان نکات برای آن چندینجو کسب و نازین مجلس عقوبت معظم پستتر از آنکه برای نینفادان بدست دشمن به استجاریعی - خود کشتی میبود شوند. پیران بر آمده یک چاره نجاتی برای خود مجویید .

پلی عقل سلیم همچوین امر میباید ، زیرا ابرق روسی که از خیلی زمانها بر برج و باره قلعه (پور آنور) نمرجهای مهابت و سلطوت بود ، به باد خوفان نهاد پس از تنبیه از طرف جزیره (پپون) بوزیدن بر خواسته بود به ترلزک سقوط ، ولوزه هبوط آغاز نهاده بود ، و چنان دیدم میشد که این است حکام آمدین که حاکمه دریایی فلسطای شرق شمرده میشود ، در بمایل هجومهای دیرینه چپ و راست اولاد های شمس ضلع باینداری و استواری نتواند . لیدنا کشتیهای نازین دلبین روسی را لازم نیست که در چنین چاهی خطر ناک توقف نمایند .

حرکت خروج ، دایم خیلی خورترین و شرف ، نگر وقوع می آید . چونکه تلفات آن محاصر در زمان ، و زنجیر آهنین خط محاصره را بریدن ، و خود در به آسوانداختن ز خطوط ناندازینهای مشکازین و الحیات شعرده میشود . خروج وجه اشبه ، مانند خروج (عثمان) پانها شد که با یکمشت عسکر حلقه آهنین دهشت آور محیط خود را از عم درنده به آنسور بجهت در تاریخ بشر خرابی نادر تصادف میکند .

حالا بیستیم که دست کشتیهای جنگی روس ، محیط سیار و آنتیپنی را که از ماهد او را در بر گرفته است چسان میشکافند و آن زنجیر استارت و تضییق را چگونه پاره کرده یا آنسور بجهت ؟

حاضری حرکت خروج در (۵) ماه آگست اجرا گردیده امیرال
(ویت هفت) برین يك فرار داد که کشتی خسار زده (بلان) رها شده
طوری بودی زد، و زخمی، و کشتیهای خوب کشت در (پور آرتور) بگذا
ده . بعد از آن امیرالطوری را که برای رفتن (ولادیو وستوق) وارد
شده بود تمام کوماندها را ممانعت خود تبلیغ نمود .

سخن تمام شد ، دسته کشتیهای جنگی (پور آرتور) در هر صده شطرنج
حرب چال آخرین خود را می بازده ، ناپذیده شود که امپ تازی ظفر که ام
دسته کشتیهای جنگی را رخ میدهد .

بسیاعت (۵) صبح کشتیهای که خط آب شان کمتر بود آمده آهسته
از بندر گاه به بر آمدن آغاز نهادند . بسیاعت هشت و نیم تمام دسته کشتیهای
جنگی بیرون بر آمده ، و به ترتیبی که بیان میشود براد افتادند :

- سه زارویچ [برف خود ویس امیرال (ویت هفت)
- بران افراشته شده بود]
- ده نوزان ؛
- یوپیه دا ؛
- به ده سویت [برفی قوتز امیرال (او خذومسکی)
- برین افراشته شده بود]
- پولتاوا ؛
- سیواسپون ؛
- آستولدا [برفی قوتز امیرال (رایت زد فشتساین)
- بران افراشته شده بود]
- والادا ؛
- دیانا ؛

زرهیوشها
گر ووازورها

این زرهیوشها ، و گر ووازورها اصل دسته کشتیهای جنگی را تشکیل

داده بود. دیگر سفاین صغیره و کشتی (نورینی) با چند قطعه طوپ کدی، در زیر حمایت خود بیدوها در پیش میرفتند، و برای دسته کشتیهای جنگی راه میبخت بودند.

از منطقه هاککا که شور بیل در آن افتاده شده بود در طرف دو ساعت بیرون برآمده، ساعت (۱۰) طوپ کشتی ۱۸، و یک قسمی از بلور بیدوها با سفاین راه باز کن به (پور آرتور) برگشتند، دسته کشتیهای جنگی پاده قطعه شور بیدوی بحری، بر فاقه سفینه (نورینی) به استقامت جنوب شرقی توجیه چرخ حرکت، و ندر بجا در ساعتی (۱۳) دین نزدیک سرعت نمود.

هنوز آفتاب برآمده بود، و دسته کشتیهای جنگی روس از بندرگاه بیرون نشده بود که کشتیهای دیده بان ژاپنی بواسطه تلگراف فی سیم به امیرال (توغو) از حرکات حاضر فی بر آمدن دسته کشتیهای جنگی روس خبر ساریده بودند. ابتدا امیرال ژاپنی یکساعت اول از حرکت دسته کشتیهای جنگی روس از جزیرههای (تولیت) با دسته کشتیهای جنگی نخستین، از زرهید شاهی (دوقاز) که حامل برق نمود امیرال بوده و (آسهی) و (فوجی) و (شیکی شیا) و (کرو و نوزورهای (فازو) و (یشین) بمس کب بودند، امیرال (توغو) دسته کشتیهای جنگی خود در ابرچینان کشتیهای حرکت میداد که در وقت ظهور از طرف بغل راست خود در تمام کشتیهای دشمن را تفریق و متعین میدوید.

یعنی — از طرف پیش بغل چپ دسته کشتیهای جنگی امیرال (ویت همت) بقدر هشت نه کیلومتر و دور (۶) فاصله سفینه امیرال (توغو) بوجه دور که ادوی نخستین اصلی (ایان) تلگراف میداد، در شب آنگاه بر زیر ساختن فقه و بلان روسها همین اردو و همین فوت شده است، و خرف بنان است از در مسافت بسیار دوری دسته کشتیهای جنگی دو بین ژاپن موجود بود که سر کب از

کو و او در زرد پوش (یا قهوه) و گرد و او درهای محافظه دار (قازاکی) و پاغازاشوه و شیطانوزه) بودند. این قرقه نجر به اغلب احوال از جزیره (میانو) می آمدند. دسته کشتیهای جنگی کوچک کوچکی که از ۱۰ قطعه طور پیدوها مرکب بودند برای داخل شدن بخط حرکت دسته کشتیهای جنگی در امتحانهای افقی به نوزده ایاتی — قواعد و آدابیم مشغول دیده میشدند.

دسته کشتیهای جنگی پنجم و ششم ژاپانی که از سه این قدیمه و پیشین کهنه مرکب بودند در نیمه جاره اشتراک نتوانسته اند.

امیرال (دور خدمت) در بنبار بزرگ خطای عظیمی کرده و از فرصت استفاده نتوانسته از هجوم بردن بدسته کشتیهای نخستین ژاپانی که بقوت با اومسایوی بلکه فایق هم بود پیش از آنکه دسته کشتیهای جنگی درم به او برسد در گردان شده بجزیره دیدن دسته کشتیهای جنگی دشمن را خود را بسوی شمال استقامت داده میدان کار را بر سر اسره به امیرال (توغو) ترک نمود.

امیرال ژاپانی چون دیده امیرال روسی بسوی شمال چرخ خورد و اول حرکتی که کرده همین بود که ناممکن مرتبه خود را از نظر دشمن پنهان نماید. لهذا دسته کشتیهای جنگی خود را در هشت یک ربع دایره بطرف چپ تبدیل استقامت داد. بعد از آن بطرف راست بعینه بهمین طور حرکت باز بر امیرال خود برگشت.

از ظهر ۴ دقیقه گذشته بود که درین اثنا دسته کشتیهای جنگی روسیه اینکه تجاربه کردن از روی آرزو نشان بدعد متصل به استقامت شمال شرقی بدور شدن نظر دوخته بود. پس اگر امیرال (توغو) نیز بر همان استقامتی که داشت بقرار خود دوام میورزید هیچ شبهه نبود که بعد از مدت کمی دسته کشتیهای جنگی دشمن را سر امر از نظر غایب میکرد.

پس ازین امیرال ژاپانی یکی بیکبار بمرکت شازده یک یک ربع دایره تبدیل

استقامت نموده در عکس جهت نظامی که قول در آمده و بر راهی که موازی محظ
الحركات دشمن گفته عبادت بحرکت آقا نهاد .

بعد از ظهر یکسانت از مسافت (۱۱۰۰۰۰) متر و نخستین بار صدای طوب اما
چون از بقدر مسافت تأثیر انداخت هیچیک منافعت کاملی حاصل نمیکند از آنرو
بعد از چند انداخت هر دو طرف آتش خود در ابریده سکوت کردند .

در ساعت یکنیم امیر آل (توغو) برای آنکه دسته کشتیهای دوم خود را
از نظر غالب نگیند بطرف راست رخ گردانید . امیر آل (ویت هفت) نیز ازین
حرکت دسته کشتیهای جنگی ژاپن استفاده کرده بر قنار مقابل تابه استقامت
جنوب شرقی بطرف راست پیش آمد .

دسته کشتیهای جنگی ژاپن بقدر نیم ساعت به استقامت جنوب غربی
رفراز نمود . اما ساعت ۴ بر قنار مقابل بر استقامت شرقی تبدیل جبهه عنایت
کرد . و به اینصورت دسته کشتیهای جنگی هر دو دشمن رفته رفته یکدیگر
بیکر تقرب نمودند .

ساعت دو نیم باز آتش خوب آغاز نهاد . و این آتش از مسافت (۸۰۰۰) متر و
تا ساعت سه و نیم دوام ورزید . اما روسها برای نژد بکنندن بژاپنها یکسره استقامت
شرقی آمده بودند . در اثنای این مجادله کشتی گروزر و زرهیون (آسولند)
روسی دوچار خسار بسیار مهمی گردید . چون یک کله (۳۰۰۵) لیم تروبی از
کشتی زرهپوش (شکستهای ژاپنی آمده برین طرف راست کشتی برخورد .
و بعد از آنکه افسری را که در الحاحین مسافه مینمود بقتل رسانید . و بیل را خراب
کرد و دو کشتی پیش روز هم بکفید . و دیگر بخار نخستین را پار پار و موقع اشا
رات ضیائی را نیز خراب کرده خرابی و خسارت (آسولند) پهنانده در بند . یک
کله دیگر نیز از همان چاپ آمده بقدر یکنیم متر و بالا را از خط آب کشتی برخورد .
و بعد از آنکه بدنه کشتی را شکافت در داخل حجره جبهه مطلوب های (۵۷)

میل متری در آمده اشتعل نمود .

بنابرین کشتی (آسفوند) سراسر بیکار شده از خط حرب بیرون آمد . امیرال (ویت همت) کشتی زده و زخمی (آسفوند) را با دایگرو و واروکه که او را بی روی داشتند بطرف چپ خود گرفت . و بیون کشتیهای طه رسیدوی روسی نیز از اطرف رفتار داشت از آن دو دسته کشتیهای جنگی . و من تنها بزره پوش و بنگه های دشمن بوزن دانه بر سه قول بر قدر داشت که اینهمه یک غلط حربی امیرال روسی در ر جنگی مشاهده میسود ، چونکه اینصورت هم گرو و واروکه های خود را از آتش کردن ، دشمن محروم ساخت ، و هم دوزیر بنگه های دشمن که از رهوش ها سر کنند بضرر سخت .

درین اثنا امیرال (توغو) برای رسانیدن دسته کشتیهای جنگی دوم و سرعت بیستابین خود را که نموده از آن دو ساعت سه و نیم ، ساخته در میان دودمان بیتر شده آتش ، انفجعی کردید .

دقتا که دسته کشتیهای جنگی ، در به دسته کشتیهای محسین ملاقی شد ، و قوا ناممکن کردید برای بنده است آوردن دشمن امیرال (توغو) سرعت اعظم به پیش رفتن آغاز نموده ، سابقا و با دفاع کرده بود بطرف دو ساعت باز بدست آوردن دو ساعت پنج و نیمه وقت ، برای مردود امیرال امیرال (توغو) قبایل گردید . و در این لحظه زمانه (۷:۰۰) بود و باز به آتش کردن آغاز نموده و وضعیت در بنواقت سراسر بعکس افتاد ، یعنی متوقف ، برتری که تا بحال بر طرف روسی بود . اما بحیثیت ژانابا میسود ، اگر چه این تفاوت از روی شده کشتی قبلی ، بهم نبود ، ولی از جهت اعلام حربی که امیرال (ویت همت) گرفته بود ، آتش چها گرفتار از در خود را پیشانده گذاشته بود ، خیلی مهم مشاهده میسود . حالا نوبت هجوم بسیار شدیده امیرال (توغو) رسیده بود . حالا آنکه امیرال ، در اینه باز هم از شرایط احتیاط خود دور نمیکشست ، و در چنین فرصت

به این حزم و احتیاط، منتهای هیچ ضرورت نبود، چونکه به سبب این احتیاط
بیخی — چنانچه بعد ازین دیده خواهد شد — دشمن را بسوی (دور آرتور)
باز فرصت فرار داد.

ساعت ۶ بود که آتش حرب و جدال بکمال شدت راهپور گردید. در پیشاز
اول روسها به آتش ابتدا کردند. روسها همه آتش طوپ های خود را
برسینه امیرال که روح قوت و روان سلطنت دسته کشتیهای جنگی ژاپن
بود جمع و توجید نمودند. کتله های هیبت انضامی روس در طرف و جوانب
زرهپوش (مبقازا) که سواری امیرال بود مانند تکرک های پخت. و کتله
باد عظیم آبی را با آتش خود غیر آسمانی پخت. با وجود این طوفان آتش
امیرال (توغو) و ارکان حربیه، مبت ای بکمال سادت و اعتماد محاربه را
سوی واداره رسانیدند. و او نیزی دعوت انضامی این کتله های صدمتی بگوش
این بیسگان آتش خود مانند تلهای بشارت می آمد درین اثنا به قلعه زره دار
کشتی (مبقازا) ی امیرال یک کتله عظیم (۳۵۰) چای بر خورد. و کتله مذکور
بر روی زره کشیده بداخل کشتی فرو افتاد. ولی قلعه مذکور، ا خراب و
در پس (فوشیمی) نام کوسانان قرار. اج پشته دار ساخت. در پی این کتله ای
دیگری نیز رسید. که مانند بود که این کتله موجب فنا کت عظیم همه شد. کتله های
جنگی ژاپن به توده کتله مذکور در پیش روی بل کتله ان کل یک کتله. و بکمال
شدت دانه های خود را در هر طرف امیرال (توغو) و روس ارکان حرب و پنج
افسر بزرگ دیگر که در بل مذکور بودند میباشید. نام و اشارت و پنج نفر رفقای
لوجانه حیات را نیز دید. کشتیان کشتی میقازا و روس ارکان حرب و چار
اندر دیگر زخم دار گردید. ولی به وجود دایره تلهای ضروری نرسید.

در ساعت شش و نیم عیناً همین بلای کشتی امیرال روسی پدید آمد که نتیجه
ان خرابی و شتم گردید: یکی از کتله های فولاد شکاف کشتی های ژاپن بر کشتی

(سه زارویچ) که سوارائی امیرال (ویت هفت) بود اصابت نموده و کت بزرگی
آتش افکند. بعد از آن شجره که ماندان نفوذ کرده در آنجا بیک طرفه
هولناکی از هم کشید. و امیرال (ویت هفت) و یاور حرب او را با چند
افسر و نفر دیگر قتل رسانید.

پانزدهمین کشتی (سه زارویچ) هائیم پرتی علامت ماتم را بر فراشته کشیده
شدن امیرال و عمر و ماندان سرانسرئی خود را از بودن سفینه امیرالی
پندگرفتی خود دانست کرد.

ساز همین وقت سوق و اندازه دسته کشتی های جنگی روس از قرقا قاعده
به امیرال (اوختمسکی) که امیرال بود، و در کشتی زره پوش (پاره) سوار
بود عاشق و جمع گردید. ولی امیرال مذکور چندان کین میبود که خیلی سرا
سیمه و متحیر و متزدد شده بود که به اشارت (سه زارویچ) هیچیک جواب
مقابل داده نتوانست. لهذا (سه زارویچ) چون از هیچیک طرف هیچیک اسری
نگرفت هیچچنان بر پیش روی دسته کشتی های جنگی بحال خود ماند و رفتار خود
دوام ورزید.

این وضعیت ضربه دسته کشتی های جنگی پسر و اسر هسوز خیلی وقت
بر حین حال زمین هواک دوام کرده بیفت. ولی واسه که یک کت دیگر
۳۰۰ دله نزدی آمده بر یکی از (نوقه اوز) های کشتی مذکور اصابت نمود
بکمال شدت بگذید. (سه زارویچ) ازین صدمه خراب اندر خراب
گشته و در سدره سفین بخود بیک خط غیر معین بر رفتار نکان لنگان آغاز
شده از صفت نظام حرب بر روی بر آمدن زره پوش (ده تورائی) نیز از برای مدد
گزی و حیاة اوز صفت بر آمده بی آنکه بدان بکجا رود و اورا بر وی نمود.
در کشتی های باقی مانده دسته کشتی های جنگی یک بر آکنده کمی و سراسیمه
تقریباً عظیمی حکمفرما گردید. هر کشتی پسر خود سر سرایه و پسر شاه

بیک حالت غیر منتظم و پریشان دو جا شدند .

بعد از خراب بصره امیران (اوختومسکی) تلاش پسرش آمده که ماندانی و آسری دست کشتیهای جنگی را از عهده گرفت . و کشتیهای خود را که حقیقتاً پریشان و سرگردان مانده بودند برای زیروی کردن در پی خود متباد یا اشارت کردن گرفت . امیران (اوختومسکی) راه (ولادیووستوک) را گذاشته و پس بسوی (پور آنور) در سپار دریاوردی گردیده و دست کشتیهای جنگی را به اشارتهای بی هم در پی خود دعوت و خطاب مینمود . دست کشتیهای جنگی از هم جدا گشته ، کشتیهای (سه زار و پنج) زخمی و (دو نوزان) رند زیر تأثیر آتش دشمن تزلزل کرده بیک حالت درهم و پاره پاره رختی رفته اند .

امیران (ویت هفت) در وقت نفس و آبین خود به دست کشتی ها و جنگی روس این امر را تبیین نمود که :

« در چهارین بک را هیچگاه از مخاطراتین بیرون نکشید که حضرت امیران باو پس کشتی دست کشتیهای جنگی را به پور آنور قطعیاً منع نموده است . حال آنکه کشتیهاییک بسوی (پور آنور) فرار کردند همه آنها را دوام کردن بجایه مقتدر بودند . پس امیران (اوختومسکی) که فرار را با فرار اختیار نمود آیا چه فکر و کدام دلیل مدعی بود ؟

امیران روسی البته در ابوری که نوشته در خصوص رجعت خود به (پور آنور) هیچ بک بسوی که خود را معذور یانی حتی نشان بدعای بیان نکرده است . چونکه او آنها چنین ساده و بیسبب بک را بسوی نوشته است :

« بسببیک مکان کشتی (سه زار و پنج) خراب گردید خط حارب را ترک کرد . و این اشارت را بر افراشت که : « سفینه امیران امر و افسر دست

کشتیهای جنگی را بدیگری میسپارد و نهایتاً بسببیکه کشتیهای کشتی (بزرگ سویت) که سواری خود نهست بخسار زده شده بود از آن رو بدیگر وسایط عذیبه بخساره کردن قابل نمیشد. لهذا خود در تمام کشتی برآمده امر کردم که: (در پیش من بیایید). ادامه کشتیهای این اشارت مرا ندیدند. چون ضایعات و مجروحین را میبار بود؛ و نتیجه زلزله و وسایط انکترونیکه خیلی دوچار خسار شده بودند به یک کشتی (پورا نور) فرزدند. کشتی های (زره پوش) در بویه ها و پوشتاوا و سر و آتیول و زره تو زبان و وسه زار اوچ و با کر و وازور (پانادا) مرا ملاقات میکردند.

دسه زار اوچ و چون خیلی زخمی شده بود از همه بدتر شده بود. بسرعت وسطی رفتند اشتم. اما بسبب تازیکه شب و هجوم متمادی خود پیدا و عادی دشمن کشتیهای ما را خرابتر برآکنده و بریشان شده از نظام و قواعد بیرون برآمدند. در وقت سحر کشتیهای ما در تو زبان و سیواستپون و پره سویت و بویه ها و پواناوا و پلادا را رانسه خراب پیدا و در پور آن نور باقیم. تعمیرات با وسایطی که در کشتیها بود در بندر گامه و جوداست اجرا کرده میشود. از دیدن اینچه در به باز با شصت مظفر است گذشت و ژاپن و ژاپن آنرا دیدند. بحث و طالع بازیست که دسته مظفر است گامه را بسوی (توغو) پنداخت و این اوچرفتن آن تزلزل نمود. چونکه هنگامیکه سادته (سه زار اوچ) بوتوع آمد و پیشانی و سر اسیره گئی در ده کشتیهای جنگی روس پیش شد. هرگاه غرض آنها از این توغور بود؛ چپ تپه بل استقامت مینمودند. قوای حریبه خود را برده کشتیهای زره پوش سه زار اوچ و در تو زبان که از نسیم گئی در ده کشتیهای جنگی جدا شده بودند سوئی میشد است که در آنوقت این در سفینه زودبا از دست روسها میسر آمد و ضایعات کلی در منته کشتیهای جنگی روس پیدا میشد.

والخاصین پیش از آنکه تیره کشتی شب چهارم را فرما کرده میدان محاربه را بخین
یکم: نظره را نشان میداد :

که دسته کشتی های جنگی روس بصورت نیم منظم بربك خط جهتی
بسوی (بوز آرنور) خود را همی کشید ، و گاه گاه از بسیار نزدیک با کشتیهای
دشمن بکچند گاه طوپ زد و بدل کرده پرواه خود دوام میورزید . کشتی
(ره تویران) بسرعت انضام خود از بی دسته کشتی های جنگی روان : و کم مانده
بود که بقسم کلی رسیده از بی آن از مسافه بسیار دوری یعنی -- از چارینج میل
دورتر کشتی زده و زخمی (سه زارویچ) بیکال زحمت و شفقت دسته کشتیهای
جنگی راتعقیب و پیروی مینمود .

تقیب جهانباب ؛ درین اثنا شعاعات زرین کلر آخرین خود را برین
دو دسته کشتیهای جنگی که از چند ساعت یا بنظر طرف بخو نر برتی همداگر
کوشش میورزیدند بصورت بسیار جزین آلودی انعکاس داده در پرده آبی ببحر
محیط کبیر پنهان گردید .

کوماندان فرقه گرووازورهای روسی بک حرکت و از گونه بسیار خفیه
اجرا نمود . چونکه کشتیهای سمیت خود را اشارت کرد که ، (مراتعقیب و
پیروی نماید) . و سرعتی که ممکن بود از دسته کشتی های جنگی روس دوری
نمود . در مابین بیات قول دسته کشتیهای جنگی دوم زبان ، و سر قول
دسته کشتیهای جنگی پنجم زبان یک مسافه وسیع و غرائض پدیدار بود . و
ماندان گرووازورهای روسی با سفینه های گرووازور (آسفولد ؛ نوویق ؛
یا لادا ؛ دینا) خود را در همین گذر مذکور انداختند .

گرووازورهای (آسفولد) و (نوویق) از دو گرووازورهای دیگر بیشتر
بودند . هنگامیکه در گذر مذکور برجهیدند و انحرکت ضریب ناشایسته را اجرا
کردند از طرف محافظهای ساحل دسته کشتیهای جنگی پنجم ، و گرووازور

های دسته کشتیهای جنگی و مژگانی به آتش شلوپ شنیدنی گرفتار آمدند. کشتی (آسفولد) ۵ از اول هم زخمدار شده بود و نیز از طرف کرو وازون های ژاپنی بمبارات متعددی دوچار گردید، ولی هیچیک از اقسام اساسی آن جرحه دار نگردید. این سفینه در ساعتی ۴۳ مین سرعت و اماک بود ۵ بسایه این سرعت خود از کشتیهای دشمن از مسافت (۳۰۸۰) متر دور گذشته آنها را در عقب گذاشت. برین کرو وازون روسی ۱۳ کلاهان است نموده بود. دود کس، ماشین آخرین آن بدرجه رخنه دار گردید که دفعته سرعتش به ۲۰ مین فرو آمد. کرو وازون های ژاپن نیز از عقب گیری و ایستادند. چونکه کشتی (آسما) در سوختن بود.

بعد از رسیدن کلاه دهم بر کشتی (آسفولد) رخنه زدگی در آن پناز شده سرعت سیر آن به ۱۴ فرسخ فرو آمد. بعد از آنکه کشتیهای روس برین یک امین شدند که خود را از نظر دشمن پنهان کرده توانسته اند که مانند کروزور هاییر (دایت شتابین) که در (آسفولد) بود کروزور (نویقی) را که به همراه او بود در مانور و حرکاتش آزاد گذاشته، خود واز مسافتی که مساوی به سلاح کروزور چین بود، بر قنار آغاز نهاد. در راهی (غریزویی) نیز مخرب طوری پیدوی روسی تصادف کرده در (۱۳) راه بالیور پیدوی مذکور یکجا به (شانهایی) واصل شدند که در اینجا بر قواعد بیطرفی نتیجه زات و مساحت آنها را ضبط و رفع کرده، آیه انجام حرب بصورت نظریات منتظر ماندند.

این بود انجام کار کشتی (آسفولد) حالاً بیایم بر کشتی (دیانا):

کشتی (دیانا) که از دور آسفولد را تعقیب مینمود و بسبب تیره گئی شب او را از لغو غایب کرد. بر تقاضای جناب شرقی بر فایز خود دوام ورزید. در راه اگر چه به هجوم کشتی شور پیدوی ژاپنی مروض گردید ولی هیچیک هجوم آنها بر توانایی ننجید.

چون روز شد در هر طرف افق هیچ يك اثری از کشتی آمر خود پیدا نکرد. لهذا از شرایط مجبوریت عسکر به پامده. بن یک قرار داد که نمیتواند کشتی خود در آن دارا الحرب بحری دوری برده. تا آنکه در (۲۴) ماه در لنگرگاه (سایفون) رسید. در اینجا بنا بر قواعد احکام بیطرفی اسلحه و تجهیزاتش رفع وضابط گردیده نظر بند ماند.

حالا بیایم بر کشتی (نوریک) این کشتی ساعت پنج شب (۱۱) ماه آگست به لنگرگاه (چنیغ تانگ) واصل شده بود. در اینجا نیز یک کشتی نظریه انگلیزی که برای زغال رسانیدن به دست کشتیهای جنگی روسیه اجراء گرفته شده بود بر خورده هاتجمله از آن بزغال گرفتن آغاز نمود و بعد زنان یکسری بکلب (ولادیمیر ستوف) تخریب چرخ همزمت نمود.

در ۱۳ ماه سفینه مذکوره از طرف (فالیق) تان واپور داک در جنوب (کیوشیو) دیده شده بود. در (۱۹) ماه از مابین جزیره (کوسامینی) و (به تودب) گذشته بود که با تصور از آسانی (پاروز) گذشته رفیق آن به (ولادیمیر ستوف) خیلی ظالم و آشکار بینمود.

برای نرسد و توقیف کردن گردو و زورهای روس که از میدان بحری (۱۰) آگست کریخته بودند، ژاپنها (شیطوره) و (چوشیا) نام دو کشتی جنگی خود را به این حوالی فرستاد. بودند (شیطوره) در جوار دماغه (صویا) و (چوشیا) در ایچو (قورچاقوف) را کشف و تهمیری میکردند.

و اپور (چوشیا) در ساعت چار شب گرد و او زور (نوریک) را مشاهده کرده بود. (نوریک) نیز دشمن خود را بوقت صبح دیده به استقبال آن شناخت. بعد از کمی در مابین شان محاربه آغاز نمود. بعد از آنکه بقدر یک ساعت بر هم دیگر کتک بار نیدند هر دو دشمن از میدان جدا شدند و برای تعمیر خسارات خود هر یک بیکطرفی خود را کشیدند.

کشنی (چوشیما) در زیر خط آب خود در خنه دار گردیده آب زیادی در آن
داخل میشد. کشنی (نویتی) ساکنان خود را ضایع کرده بیکار و بی حرکت افتاده
مستقیم (شیطوزده) که بواسطه تلگراف بی سیم ازین واقعه خبردار گردیده بود
در نار بکشی شب بجزوار دریانجه (فورچاقوف) مواصلت کرده بود. اما بسبب
تاز بکشی شب بداخل شدن بندر که که کشنی (نویتی) در آن داخل شده بود
جسارت نورزید *

کومانندان کرووازور روس هر آنقدر سعی و کوشش نموده تا بمیر کشنی خود
موفق نشد. و هم چون دید که يك کشنی تازه دم دیگر دشمن راه را بر گرفته و
خود را تیر، مقدار بر تیر به رفت آنها چهار ساله است را مقهور دیاخته کشنی خود را
بدست خود غرق نمود *

کشنی (شیطوزده) چون بوقت صبح داخل بندر گاه گردید کشنی (نو
ویتی) را دید که يك بغل بر سر زمین غلطیده، و مسرت آن باغلو که هابسا
حل میبرآمدند *

کشنی بطور پیدوی (بوربوتی) روسی که از دست کشنیهای جنگی جدا
افتاده بود، در جزایر دماغه (سانطونج) بسنگ برخورد. کپتان آن چون
دید که چاره حرکت دادن آن مفقود است بدست خود آترابر وانمود. هیئت
انصران و مسرت آن بساحل برآمده پیاده تابه (وای هایوای) پیامندند.
این حرکت کومانندان دسته کشنیهای جنگی کرووازور و مها که از دست
کشنیهای جنگی جدا شده، و بیروی ایران جاید برنس (اوختومسکی)
را ننموده، و در جب فلاکت دسته کشنیهای جنگی گردیده خیلی شایان تو
بیخ و سر زنش يك حرکت است. چونکه اینگونه حرکت از دو حال خالی
نیست: یا عدم اطاعت، و یا انکه يك اثر بزرگ جهان است. که هر دو حال
خطا و غلط عظیمی شمرده میشود *

بعد از گرو و ازوره انوبت به طور پیدوها آمد ، طی پیدوها از تلبید گرو
 و ازوره ها انموده در انما تیک کشتیهای جنگی به هجومهای مکرر دشمن معروض
 ماند بود آتومارا فرصت فرار را انتخاب کرده از هزار امبر جوییدند ،
 انحرکت نیز خیدی شایان حیرت يك حر کتیت ، آیا چیر امیر آسر خود
 را قبول نکرده کتقی های جنگی را بی روی نکرده ، این غرایب اسوان و حر
 کات انبات میکنند که از روی بحری در روس در امور تعیینه الجیش ، و سوفی الجیش
 بحری سرانسیگانة هنر و معرفت میباشد .

خود پیدوها به ایغشی و نفاظی که به زرعیوشهای خود در ان مجبور و تکلف
 بودند از اداس تن آزار که کردند ، آنکه بیاست بر سفاین زرعیوش دشمن
 هجوم برتند ، و انرا یدر یستند که مساح شدق آتیا بطور پس محض از برای
 همبکار است ، لکن عیبات ؛ که این فکر و اندیشه بخندان و خاطر آنها نگذشته بود ؛
 پنج قطعه زرعیوش روس که در زیر ان سری و کوماندۀ امیر الیاجنیدر اس
 (اوخته مسکی) بود ، بسرعت و سفی بکسر بسوی (پور آرتور) یشتافتند ،
 طوری پیدوهی زابان که از غروب آفتاب آنها را در نظر دوخته بود ندانند ، سون
 ملایع بر آنها هجوم بردند ، سنازین حر سیه روس غم شد ، متاد با یاسی مار هجوم
 خود بر او حاد عرض نمایند ، انگر چه سنازین مذکوره از این هجوم بطور پیدو ها
 ییک ضرر در زبان کنی و بهی دوچار نشدند و فی ایقتدر شد که این هجومهای
 طوری پیدو آنها را از هم دیگر جدا کرده ، و خط نظام آنها را بر هم زده از هم دیگر
 جدا کرده شدند .

اما با وجود آنها در روز (۶) ماه هنگامیکه شمس تابان یستگاه قلعه
 (پور آرتور) را حرقه غیای بر نوبه خود نمود همه کشتیهای زرعیوش غیر از
 زرعیوش (سه زارویج) ، که گرو و ازور (بالادا) و سه غریب طوری پیدو بر
 آنها همراه بوده بود آرتور آمده انگر انداختند .

اینست که به اینصورت دسته کشیهای جنگی روس در حالیکه زبر و زبر
وزده و زخنی گردیده، و بعضی متشوعی، هم آن بریده شده و هیچ تاجیه
مشموری ارتش بیرون بر آمدن خود نکرده باز به آرامگاه قبر خود یعنی —
حبسخانه (بود آتور) عودت نمود.

در هوش (سه زارویچ) یکسری سوسی (شاملوئوئوئو) توجه استقامت
کرده بود، و کتان در آن که بجز او دیگر افسر زدگی در کشتی نمانده بود، فین
(ولادیموستوی) را تقاضا در ذهن خود قرار داده بود، اما چون طور رسیدی
های ژاپن در عقب او افتاده بودند سفینه مذکور به نه هجوم می هم آنها دو
چار گردید بود. و ژاپن تسبیح اینست که با وجودیکه زبر و زبر مذکور
برای جلب نکردن نظر دشمن هیچگونه مقابله در ساقه به پرداخت باز هم
هیچیک از نوعی سپاهی دشمن بر او کار نمیکناد.

کتان (ایوانوف) چون ازین هجومهای طور رسیدی خود را در هانید
با وجود زده و زخنی خود بر این مشکلات بقطع مراحل آغاز نهاد، چون آنکه
قطب غایبی که راه آن تیرین نماید نیز بیع شده از او و هزار هفت خود را
مدریجه (کاتوچر) رسانیده توانست: و در (پنج تاثر) انگار از اوقات گردیده
۱۹۰۴ء (به زبویادی) (به ستراشنی) آمد و محراب خود رسید و ز روسی

زبره آنچه او اندک سبب آمدن زین دو شغری تابه آشوبی دور هیچ دانسته نماند
زبر و زبر (سه زارویچ) و محرابهای طور رسیدی مذکور به زبر توانست بطرفی
از طرفی حکومت آشغال همه اندامه و تجهیزات حثت زبر همد گردیده تا روز
آخرین ختام مجاز به در اینجا نظر بند ماندند، و حوادث بر به و بحر آشغال بود
از دور، دست بسته نماند کرد.

حالا در خصوص این مجاز به، با آنکه یک قدری مجاز که در ملاحظه
کردن لازم است، نه آبان روز زبان مادی و معنوی طرفین تاجیه درجه است،
و حقاقت تصویر می آن همدار کدام نقطه، پدیدار است؟

از به قطع سقیفه حریبه روس که بمخاربه ۱۰ آگست استراک ورزیده آمد شهاب کرووازور (نویسنده) بتأثیر بخار به نحو وقتنامه درده پیشرد . باقی دیگر باک ز رهوش بزرگ . و در کرووازور بزرگ . و پلر قنعه طودر بندر که به بندر کاشای بیطرف : شته ترک سلاح کرده اند به آنده چه خسارتی که موجب این بهری باشد گرفته اند . و همچنان اقسام مثنای بی دسته کفنی های جنگلی که به (پور آرتور) عودت و اشجا کر : و اند نیز بداندر چه خسارتی که عذرشانرا معذول و ذی حقی بدارد در چارنگشته اند .

در میان تمام کشتیهای روس همه بیشتر کشتی (سه زارویچ) زحمت و خسارت را منظر و شدت بود . علاوه آنکه خسارت و قذاکت اونیز بدرجه در روس ها آنرا بزرگ شده اند . و در آنجا بود . اگر چه کشتیهای بزرگ دشمن با دربار بران رسیدند . و در جایی خا سیه برور سائیدار است : ولی با وجود اینکه خسارت بهم او خسارتها با هم بدرجه که از استرال ما قلی شود . و به آنایم سلاح عبود کرده تا جزو ضعیف شده بود : غایبات نفوس آن با عبارت از (۸) مقبول که یکی از آنها امیرال (ویت سفن) است . و (۲۲) بحری روح بود .

در میان زره پوشها (بعد از سه زارویچ) کشتی (زهره نوزان) به آتش دشمن زدند . و در آنجا عده ای شده بود . برین سقیفه (۱۱) زخم دیده بود . این هیچ یکی درجه غرق شده و باک کفنه نرسید . زره پوش (برد سویت) یک طرف بزرگ آن با زنیات الکترونیک آن ضایع شده بود .

در کرووازور کشتی که بسیار زحمت و خسارت دیدند همانا کشتی (اسفولد) است . زین کشتی دود و دکن بزرگ او بتأثیر کله دشمن غاطسید . و یکدیگر یکی از این سرور کارداخته است . دیگر دود کلهای آن نیز سوراخ سوراخ میکنند است و یک طرف بزرگ آن نیز کور شده است . غایبات نفوس آن نیز عبارت از (۱۱) مقبول ، و (۱۵) بحری روح بوده است . با وجود اینکه به از هم کشته

نمیشود که این کشتی سر امریکاز و معطل شده باشد .
 کرووازو: (یازدا) (۱۲) رخنه یافته بود . وید کرووازو (دیانا) تنها
 یک کوه رسیده بود . دیگر کشتیهای متباعدی غراری و تسلیم شده راهیج ضرر و
 زیانی نرسیده بود .

حالا اینرا نیز باید دید که کشتیهای روس فیلیک کشتیهای ژاپن
 نیز خسارت زده و زین دیده شده بودند . اگر چه ژاپنها در پنجشنبه به خسارتهای
 خود شازار ایک دقت مخصوصه پنهان کرده اند ، و ضایعات خود را خیلی
 کم نشان داده اند — برخلاف روسها که حبه خود را فیه ساخته اند — ولی
 بنا بر قواعد عمومی بحاره که بر زده خورد ، مستند است از ضرر و زیان خالی
 نمانده است . علی الخصوص کشتی (میقازا) که حامل برقی خود امیرال
 (نوشتر) بود ، بقدر کشتی (سه زارویچ) که برقی امیرال (ویت هنت) بران
 افراشته شده بود و چهار خسارت گردیده است .

کرووازو ریشین (ژاپنی) نیز بدرجه کرووازو (آستون) روسی
 خسارت زده شده است . در کرووازو (آسانا) نیز حریق منجور مانده بود .
 اما زره پوش (میقازا) در کرووازو (تدین) با وجود خسارات و ضایعاتی
 که بدان زود چار شده بودند باز هم بر روی دریا بکار و بار خود دوام ورزیده
 اند . نه همچون کشتی های روس که به ستارگهای بطرف فرشته اختیار
 استراحت و عیانت میکنند .

صاف است ، و نشان غلبت که در فتره اخیره نوسران و مرتبات ژاپنی موجود بود ،
 خسارات و ضایعات مادی شایع در نظر شان خیلی بی اهمیت است ، و بی مرتب در آورده
 از تنه گئی که بجز و خونریزی دشمن داشتند سیراب و روگردان نشدند .
 حال آنکه روسها پیش از آنکه بحاره دست و کربان شوند بجهت ریشخونی فوج
 و عنبره که داشتند زخمها را که از کله های دشمن گرفتند تا که میتوانستند

آترا بزرگ کرده ، و آن را برای خود وسیله و جهازه ساخته قطعاً میدان
مخاربه را ترک کردند .

اینرا هیچگاه بخاطر نیاید آورده ، ظنرات را تفرق داد و کشتیها بوجود
آورد ذرا تفرق داد که به اینطرف و کاه به آنطرف بود ، نیقی از ایلیها
بسیار صاحب حسن اخلاق بودن خودشان غالب آمده اند

براستی که امیران (نوغوی) کارهای بسیار بزرگی اجرا نمود . شبخونی
که در اول مخاربه در ۸ قیروزی برج حوت برداشتن در (پور آرتود) بود ،
و توجیهات و حرکات سوق انجلیتیه که در خصوص محاصره (پور آرتود) بر روی
کار آورد از چنان حرکات عسکر به اینست که شایان هزاران محسین و افریاست ،
درین خصوص هیچ گفتگو نداریم ، و با آنکه احتیاطات و توجیهات فوق
العاده خود را چنانچه به بزرگترین امیرالیهای بجزیه دنیا عرض و تقدیم
نمائیم بجزایب مشارالیه نیز انضای آترا بر خورد و واجب میشد تا درم و ولی بوجود
آئیم بنام غنی حارب اینقدر بزرگوشیم که امیران (نوغوی) درین محاربه (۱۰)
آگست از قوه بی بدن عسکر فی خود در فتنه آسینه انجلیتیه بدرجه مطلوب
استفاده نموده است ، و بدرجه که در فتنه حرقی انجلیتیه داشت در انظار تاثیر
تسمیه حرکات آزادانه و غیر آنکه انانرا انورد است .

بجقیقت که انرا در بحر ایلیان ، و امیران بحر ایلیان ، و امیرالیهای بجزیه
ایلیان بجهت تمام غیورانه منامت حرب کاشته و اقص و آشنا بودند اندک تا در ربط
عسکری با همه مدانی خود درین قوه ممتازه حکمفرما بود ، و ادا با وجود اینهمه
امیران (نوغوی) در محاربه (۱۰) آگست بحر کاشی کافی الحاق محویانالی و دشمنرا
تلاجه نهادن نسبت نموده است .

اگر چه پریشانی و خدایات کالی در پنج مخابره مذکور ، برای دستنه کشتیهای
جنگی و وسایطش آمده ، اما مطلوب کنی ماین بود که زره پوشهای دشمن تمیایند

از مخاطبه به جان سلامت پرورد .

مغلوبیت روسها از اسباب و منابع بسیار عمیق دیگری بظهور آمده است :
 گو ماندن و افسری که دسته کشتیهای جنگی را محسن دورت سوزق و تاره
 کند موجود نیو دارکان و امرای بحر به سنا . بعضی بحال تبارک اصامت حرب
 هیچ بنامی ندارد انتخاب شده بودند . حتی به این سبب بعضی افسران و گو ماندن
 نهای فرقه ها ، و جزوهای نام که یکن حرب بحوری سراسر بیگانه و با آشنا بودند .
 بهای : پنهانی بزرگ نصب و تعیین شده بود . نام آن کو چیت ما فوقهای خود
 شان هیچ حرمت و امنیت نداشتند ، و عینت یک کجور و بسیار تحقیر آید آنه از نام
 بخت میر اندند ، و در زیر حکم و اناره آنها بر فوق نقاب آتش دشمن خرابی مشغول
 و بختب میسوزند .

از افراد شرقی گرفته تا بهای تیره هر کس چنان جنس میکردند که بقابل
 یک فلاکت و مصیبت مغلوبیت همبروند ، اما چه چاره ناپدید گردند ؟
 سبب مغلوبیت ژاپانها ، و مغلوبیت روسها از شماریدن درد ملوچانو
 در عهد شوا ، و گرو و ایزون ، و خود پیر و و های شان عبث و بیفایده است .
 چه آنکه اینها بدوم درجه تأثیر انجرا کرده ، بقدر انتمه انداصل بنیجه از اعضا
 ده ، و مخاطبه اختلافی فاسده ، و فاضله بظهور بجاییده است .

بات دختریک در کشتی هسته خانه (دو نفوسه) نام وی سی در ایبو آر
 نور (بر سناریه ان بود انور نورج و مخاطبه (۱۰) آگست و ناز انور و
 تصویر و بگردد .

« دسته کشتیهای جنگی ، با پنهان بر مقصد یکجا شدن دسته کشتیهای
 جنگی (ولادیو وستوف) ، و بعد از ان به اتفاق هم دیگر بر رخ « کینچو »
 ایبو ملوچ کرده برای رهایی دادن (بود آر نور) بخترال « قور و پاتکین »
 در سالیندن آخر الامرداد (۱۰) آگست بنا بر امر ایطوری از بندرگاه

بیرون برآمد.

• شکر خدارا که برای دسته کشتیهای جنگی ما بم و اندوخته است. زیرا اخبار (بوی قرای) در نسخه اسوزیته خود با متره داده به قسم اعظم دسته کشتیهای جنگی دشمن به صورت پیاپی آمده، کرده غرق شده است. پس ما که مالک ۶ کشتی زرهبوش — یعنی ۶ قایق آهنین شناور میباشیم از دسته کشتیهای جنگی نقصان یافته دشمن چه بیم و اندیشه کنیم؟

• آنشب همه شب تقوای برینیم، چون آنکه بزیمتی خیرالایات و اندیشه های مظلوم بر ما اجرایی تأثیر پذیرد. از بیم در مسافت ۵۰۰ مایل دریای خرابین دروینا داشتند غریب و عزیز که از غم و بیخوشی جوهر انگوش رسیده اند. بشد و این صدا شرخونی میزنند که در شرایط بحالته آخری و قطعی بوقوع آمده باشد.

• صبح وقت، نام براندم، از دور دیدم که چند کشتی در پی هم آمده است به بشیرگاه تقرب مییابد. آری این دسته کشتیها، جنگی است و آری به فتن (ولاد بورستوق) که پادشاه است.

• چون بیلتانظر کردم، دیدم که کشتیهای مذکور که به بشیرگاه میروند، بشدت با ارتاز و جوش میزند. دره تویان و بره سرب و سیواسیونان و گری و زورهای «بولتوا» و «پینه» و «دی» و «سورخ آمان» یک خانچه مدهه در جبهه دراز، تازان نمود. بعد آنکه دیدیم که همه این کشتیها خسارت پذیر بودند و یکی بدنه آن سوراخ سوراخ شده، دیگری دود کثیفی از آن ظاهر شده، دیگری تکه های آن بار دیاره شده است، این منظره ای که جگرهای ما را از بار دیاره نمود. اما چون کشتیهای مذکور به بشیرگاه ننگر تاز شدند دیده شد که کشتیهای سه زارویج، و دبانا و واسقوان، و نوروزی موجود نیستند، آیا آنها چه شدند؟ زمین شایک غرض بحری آمده بشارت داد که دسته کشتیهای جنگی ژاپن سراسر محو گردید، و کشتیهای سه زارویج، و دبانا، و واسقوان، و

تویوق و دسته کندی های جنگی ولادیووستوک به یکجا شدن کامیاب گردیدند و
و این کشتیهای ما که به بندر گاه آمده اند تسبیحات خود را اجرا کرده و این
میروند. چرا که دریا از دسته کشتیهای جنگی دشمن پناک گردید. و اینرا نیز
علاوه کرده که از سه پندتر کشتی در تویران، مادر پنجاه به کار کرده است. و چون که
بعد از آنکه چند کشتی دشمن در غرق کرده بندر گاه (دالی) را نیز در زیر آتش
شوپ گرفته است.

• از شنیدن این اخبارت خیلی ممنون شدیم برای مرده دادن به میانان غرو
آمده. عمده تران از بخور خسود شده. گفتند که : ازین يك همه ما امین
بودیم که ژاپنهای حریف کار را آخر يك خرابه قطعی خواهد زدیم.

• و آنست که این خسودی و شطارت عمومی بسیار در ام نورید. در
ساعت سه بود که بسیاری از بخور و حین کشتیهای ما که در نخست خانه ما آمده
به بعکس این زده خبر دادند. امیرال (ویت هفت) بقتل رسیده. سه زار و پنج
مخونه : بسیاری از طو و ریدوها غرق گشته. کشتیهای که بر آن گردیده اند
همه کی بی نام و نشان شده!

• نظر بگفته خیم، در دریا خود به بسیار شده. و ما همی بوقوع آمده انسان
سنود در بخار بیانی پاک در دریای آتش گین مکرده است!

• اخبار (زری قرای) بنای زری داده بود که قسم اعظم کشتیهای ژاپن
با طوریان می شده است. حالا که یکدانه آنها نیز کشته شده بود. ژاپنهای کشتی
یازان بسیار ما غری هستند که چهرت افز اما نور ما اجرام میکنند. حالا که در
طرف ما بخور را سبه کی رانازش کسری ذکر هیچ چیزی دیده نمیشود.

• مشاهده دسته کشتیهای جنگی مصیبت زده انسان را خیلی متألم مینمورد
چون که (دسته کشتیهای جنگی) و (انزیم) حکم يك لفظ مترادفی را در بر
گرفته بود. بخور به های کشتیهای فلا کرده به بر آمدن شهر جسارت ورزیده
نمیشود. چرا که رفقای بری شان آنها را سنگ باران میکردند.



سنگ (۱۴) ماه آگست ۱۳۰۳

هنگامیکه امیران (نوغو) خبر خروج دسته کشتیهای جنگی (پودار تود) روسی را در (۱۰) ماه آگست گرفته بود، هماندم برای امیران (قامیمورا) خبر فرستاد که بیدار و هشیار باشند. امیران (قامیمورا) هماندم از آبزی (کوریا) گذشته برای جلوگیری سفاین حریت روس و اگر برافق [ولایت و ستوق] نسبت و در زند تدایر لازم و اجرا نمود.

خود امیران (قامیمورا) با دسته کشتیهای جنگی سرور و مرکب از کشتیهای گروز از روز هفتمین (ابواته ایچومو و آچوما و توکیو) بود، در شمال غربی جزیره (چوشیا) جایگیر گردید. و امیران (ازدیو) با دسته کشتیهای جنگی بسیار که مرکب از گروز و اوروز و (تایو) انفا شیوه و فی بانقا (چوشیا) اشیر هیا بود. در پایین ساحل (کوریا) جزیره (چوشیا) و ساحل (ژاپن) با ترسناک و دیده بانی مأمور گردید.

دو ماه بسیار کشید و غایبی که از چند روز دو جو از آبزی (چوشیا) حکم فرمود در ۱۴ ماه آگست زاپر و بر طرف گردید. نظر به این ترتیب سفاین حریت ژاپن چنان مأمور میشد که دسته کشتیهای جنگی دشمن از هر جاییکه بگذرد همه حال گریبانش بدست خواهد افتاد. چونکه هرگاه دشمن ازین دو آبزی مذکور از هر کدامی که ظمهور نماید همانجغزه از طرف دیده بانهای بزرگ ژاپنی دیده شده با تلگراف بی سیم به امیران خیر

میدهند و او نیز بدون ضایع کردن وقت بمقابله دشمن میبراهند. بنا علیه
گرفتن اینگونه تارتیبانی در مذکور شد و در آن دشمنی که از طرف جنوب ظهور
نماید خیلی معقول یک حرکت بود. نظرات و غیرت در مجامع دشمن
از جنوب می بلنگه از شمال آمد. هیچ شیره نیست در امیرال (قاسمورا)
این چنین ظهور ناگهانی هیچ منظر نبود.

حوادث خروج دسته کشتیهای جنگی روس از (پور آنور) در ۱۱
ماه آگست در (ولادپوستوق) ضایع گردید. پنج هزار ۱۳۰۰ ماه امیرال
(ژوسن) کشتیهای کروز و لوزور و کشتیهای دروسیا و غیره و بوی و درودیکه
را لگن برداشته به سمت کشتیهای جنگی (پور آنور) برداشتند.
آیا از تقویه در دست کشتیهای جنگی (پور آنور) در این فرقه
(ولادپوستوق) هیچ یک فایده منسوب بود. و این یک محقق بود. این فرقه
بحریه که از سواحل (کوریان) بگذشتن مجبور بود پس حصار صرف دشمن
دیده میشد و بمحرد دیده شدن و دسته کشتیهای جنگی امیرال (قاسمورا)
که از بسیار وقتیه توفیق و تا خبر حرکت آن مأمور شده است با دسته کشتی
های جنگی خود دینار تکیه به پیش روی او میبراند. و اگر هم که از خود را
رهایی میداد، بالبراک (توغی) آماج میگردد؟

حالا آنکه بری مدد زمانی دسته کشتیهای جنگی پور آنور بهترین
مانوره ها، این بود که این فرقه یک حرکتی اجراء میکرد که مانع جمع شدن
قوای حریه از این میگردد. در دسته کشتیهای جنگی (ولادپوستوق)
را بسوی سواحل ژنیز بران یک تاپشی فرستاده، و خریدار بدشمن نشان
دادن لازم بود تا آنکه نظر دشمن به آنسوی جلب شده. دسته کشتیهای جنگی
سوم - این دسته کشتیهای جنگی امیرال (قاسمورا) با آن طرف برود،
و در آن فرصت خروج دسته کشتیهای جنگی (پور آنور) لازم بود.

ولی برای این حرکت کشیدن نقشه و پلان لازم بود . و اسفاه . روسها بگونه چیزها مقهور بودند . نقشه ابگونه . کات یا (پورا تو) و یا ز (ولادیمیر سوتوق) سوق و اجرا باید میشد . حال آنکه او امر سوق و اثره حرکت یکسراز (پترسبورگ) بوقوع میآورد .

والحاصل امیرال (ژنرال) ۱۲۰۰۰ نفر از (ولادیمیر سوتوق) برانده ، و درها انشب یکسرا بر استقامت آبنای (کوریا) تدوی . چرخ . کن کرده بود . و در ۱۴ ماه مذکور در وقت فجر کاتب از دماغه شمال جزیره (چه شما) ۳۲ میل بطرف شمال شرقی . سید ه بود . در عبارت ای داخلشدن در آبنای (کوریا) بسوی ضرب تیریل اشتقامت نمود . دو پیمان تخمیناً ۸ میل بسوی شمال گفته ، قطعه گرو و از ور امیرال (قابمورا) پدیدار گردید . مقصد امیرال (قابمورا) از بحر کت شمالی این بود که از پس پشت خط رجعت دستة کتیههای جنگی روس . اقطع نماید .

ساعت ۴ بود ، که امیرال روس برای گریختن بسوی شمال شرقی بدست چپ تبدیل استقامت ورزید . ولی امیرال (قابمورا) بخبر حرکت امیرال روس را دیده برای نزدیکشدن به او تزیید سرعت نمود .

امیرال (قابمورا) اشارت حاضر باشی را برافراشته همه سفابن حریمه خود را بحضوری اسر داد . در هر کشتی این امر بکمال آرزو و اشتیاق ایفا گردید . در بی آن اشارت محاربه گشوده شد . در همین طرفین از مسافت (۱۱۰۰۰) و تیر و آتش طویب آغاز نمود . و چون به (۸۰۰۰) متر نزدیکشدند امیرال (قابمورا) نیز مانند امیرال (توشو) محاربه نزدیک را از رو نکرده بخط روسها موازی پشت را می گرفتند .

وقته رفته محاربه کسب شدت ایتمود . گاههای مدهشی که از طرفین انداخته میشد در چو هوا اشتعال ورزیده منظره بسیار زیبای پدیدار میشد .

کشتیهای جنگی ژاپن وضعیت گریخته بودند که آفتاب در پشت سرشان مانده بود. دسته کشتیهای جنگی روس بالطبع رو به آفتاب بودند. لهذا انداخت روسها در صدی هفتاد راست نمی آمد؛ روسها هم از جهت قوه معنوی، و هم از جهت نقطه موضع که گرفته بودند، علی الخ و ص در کم مهارتی که در فن انداخت داشتند غایب در صدی نود بسوی ژاپن دیده میشد.

امیرال (قلمیورا) به امیرال (اورپو) بواسطه تلگراف بنی سیم خبر داد که یک کرووازور خود را بسرعت هر چه تا ترسوق نموده راه را بردسته کشتیهای جنگی روس بگیرد. همین بود که کرووازور (تامینوا) به فشار سرعت اعظم خود از جهت جنوب بیدار گردید. دسته کشتیهای جنگی امیرال (اورپو) از صنف درجه دوم و سوم بود که نسبت به کرووازورهای صنف درجه اول هیچ نبودند.

راپوریک امیرال (ژ. سن) نوشته یک خفیه آن شبان دقت و حیرت یک عباد را حاوی است. چنانچه میگوید:

«چون نیت و مقصد ما را دسته کشتیهای جنگی ژاپن در راه حس نمود کرووازور (تامینوا) در شصت هجدهم راه را بر ما گرفته به اجرای مانوره ما مانع آمد.»

حالا اینستکه هیچ بدون نمیکند که یک کرووازور یکا با طوب (۱۶۰) با قدرت و بی بصورت بسیاره مجهز باشد راه را چنان رسد که کرووازور بر آن صنف درجه اول برسد میتواند؟ پس ازینهم معلوم میشود که امیرال (ژ. سن) از سیم یک تلهگراف خیالی، و تا آن قوه معنوی آنچه درجه بر سیده، و تا چندی به سر آمده شده است.

امیرال (ژ. سن) یکی یکبار بسوی دست راست برگشت، و با یک رفتار مقبل بر استقامت شهرت غربی بقطع مسافه آغاز نموده که ازین راه چنانی مقصدش

این بود که پیش از آنکه گریبان خود را بدست دشمن بدهد بسواحل کوریا خود را رسانیده بنواند .

امیرال (قامیسورا) مانوره دشمن را درنگ کرده او نیز بسوی راست توجیه عدان عزیمت نمود . اما باز دریندفعه از طرف پیش بغن چپ دشمن را نیز بطوب گرفت که مقصدش ازین وضعیت این بود که بغل چپ کشتی های دشمن که از مدتی در زیر آتش طوب گرفته شده وانگذازد ، و همان خسارا تی را که با آن طرف رسانیده تر بشود و افزونی دهد .

درین وقت جنگش شکل خصوصیتی حالت رجعت را گرفت . روسپاهدف همه بدینا شیکه بجزایه رجعت داوند گردیدند .

بک قوه بحریه که برای پیدا کردن مایه سلامت بکوشن مجبور گردید خیلی بک وضعیت بحران آهز پر مشکلاتی را میگردد . چنانچه درین بحار به ۱۴ آگست این مشکلات بخوبی مشاهده میشود .

گرووازور (دور بک) هنوز در ابتدای رجعت دیگر رفتنای خود را پیروی کرده نیتوا است ، و پس میباشد . بنا برین کشتی مذکور به آتش همه کشتیهای ژاپان هدف گردید . این کشتی چون در سرعت بدرجه کشتی های دیگر نبود پستمانده آماج خوبی برای ضربهچیان بحری ژاپان تشکیل داده بود . کله های ژاپانی آنکه آماج خود را مخلط کنند هر کله بکمال درستی بر هدف مقصود بر میخورد و صدا های مسرت و غالیست طریچیان ژاپانی که (بازای ؟) گفته بر میکشید تدبه آفاق بحر بلند کشته به اهالی ژاپان مژده و بشارت برسانید .

ژاپانها چنان چه بک مانوره تعلیمی اجرا بکنند بکمال سکونت و بیقیدی ایفای وظیفه میگردند . ژاپانها بک خود چنان انداخته بودند که در پیش روی شان کشتی جنگی دشمن تی بلکه بک آماج متحرک است .

ب ساعت ۷ صبح همدو کومانندان یعنی ... افسران کشتی (روریک) تلف شده بودند ، و بیشتر از نصف طوپ های آن کور کرده شده بودند . ساعت ۸ یک کله ۲۰۳ لیتر و بی ژاپونی بردنیه کشتی (روریک) بر خورده دایره سکان کشتی را یازده بارچه ساخته ، و سکان سر اسر از کله پرفتاد . کشتی در حال شکسته شدن سکان را اشارت کرده از خط نظام بیرون بر آمد . اینست که باینصورت سفینه (روریک) از حرکت متها پس خود در پیش روی همه دستة کشتیهای جنگی دشمن بیفتاد .

درین اثنا امیرال (ژوسن) برای رهائی دادن (روریک) غیرت و همت فوق العاده اجرا نمود . موسی البهارو کشتی (روسیا) و غر و موی (برکشته) که مینوانست بمقابل دشمن (روریک) را استرو محافظه نموده برای تعبیر سنبه بپروج فر صت بدست کشتی فسیبان بداد ، این حرکت پس کشتی امیرال روسی راستی که خیلی فخر مانده و دلانورانه یک حرکتی بود ولی تهنکه آن نیز عظیم بود .

هرگاه امیرال ژاپانی با رجه کشتی دشمن تقرب می نمود دستة کشتیهای جنگی روسی کارش تمام شده بود ، حال آنکه (ظلم مورد) این خطبه را اینداخت و از دور به محاربه اکتفا نمود . از مسافت (۶۰۰۰) تو کله ریزی نمود . اگر چه این کله ریزی او دو کشتی روسی را بیضرر و خسارت نگذاشت ، اما آهنا سر اسر بزاسنه یک ساقط نمود .

ژاپانها بیکان شدت به آتش دوام ورزیدند . (روریک) در میان آنها و کرد باز آب آتش آلود مانده بود . در کشتیهای (روسیا) و (غر و موی) حریق ظهور نمود ، حال دستة کشتیهای جنگی روس خیلی وخیم گردیده شبه هاشیکه از حریق بر میخواست بشدت باد باز از آبر کشتی بیرون کشتی هجوم نموده غر بوها برمی آورد . دودهها شیکه بسوی سهای نیلگون بر می

خواست روی هوا را با یک سحاب کشتی میپوشید ، ولی روسها از کوشش
وانه ایستاده به خاموش کردن حریق کا میاب آمدند .
ژاپنها درین اثنا آهسته آهسته آتش میگرداندند . گروواروز (روریک)
به بغل چپ میل نموده ، واژه لیر زخم خود از حرکت باز مانده بود . این
این کشتی پندخت باز هم بصورت بسیار تو میدانه بمباریه دوام مینمود .
دو کشتی رفیق او ماندند . وانه بر اطراف آن میگردید ، و در باب تخلیص او
بجان همکوشید ، اکثر طویمهای (روریک) کور گردیده از استحکات ساقط
ماند ، در سینه (روسها) شش بار حریق ظهور یافت .

امیرال (ژه سن) بقدر بکساعت بر همان وضعیت ماند اما چون آخر الامر
بدیده (روریک) رها خود رده نمیتواند از او را و با بجان خود نرنک کرده
یکسوسوی شمال غرا نموده ، کشتههای ژاپن بقدر ساعت آنها را تعقیب
نموده و ايس بسوی جنوب برگردیدند . کشتههای (روسها) و غیره و میبوی)
باز خود را هزار مشکلات به (ولادیووستوک) رسانیدند .

(روریک) شش دره قابل دو گرو و از ورژاپانی — یعنی (نابرو) و
(نابقا شیهو) که از دنبال رسیده بودند مانده بود ، (روریک) بجزایر از
کار مانده بود ، با وجود آنها هم باز بسیار دلاوریته مقاربت مینمود ، با دو خوب
باقی مانده خود بکمال صبر روی هزار مشکلات آتش میگرد . کیتان چارم
کشتی هم می و کوشی که درباره شناور ساختن کشتی اجرا نموده بهرود
رفت ، و با بلز هم امید خود را قطع نیکرد .

نهایت کیتان (ابواتوف) خواست که سکان را بر هوا کنند تا باشد که مانع
رفتار کشتی رفع شود . لهذا یکی از نفرهای کشتی را برای گذاشتن نقره
در سکان پذیرا فرو آورد ، ولی هنوز بمنزل مقصود نرسیده یک کله دشمن
آمده نقره بجزایر را در بود .

دو گرووازور ژاپنی از مسافت (۴۰۰) متر و بر روی یک بدبخت آتش
میگردند ، و رخنه های بزرگ بزرگ در وجودش میکشاندند تا آنکه طوب
آخرین آن را نیز از استعمال ساقط ساختند . (ایوانوف) چون دید که
هیچ چاره نماند بفرق کردن کشتی آغاز نهاد . مجروحین را با آلات تخصیصیه
بسته بندیا انداخت . دروازه های آب را باز کرده آب مانند سیل خروشان
بدرون کشتی ریختن گرفت . از ساعت (۱۰) ، ۴ دقیقه گذشته بود که (رو
ریک) بدبخت بجز دریا غرق و نابود گردید .

نفرهای روسی که در بحر افتاده ، و با موجهای بحر هم آغوش بودند صد
های استمداد و معاونت طلبی برمی آوردند . درین وقت بحال وقعه (جو
شپانی) با کشتی ها (با) نام دسته کشتیمای جنگی امیرال (اوریو) با
پنج قطعه ضربه بدوی ژاپنی نیز رسیده بودند . همه این کشتیها به راهی در
دن سر نبات کشتی (رو ریگ) که صدای مدد طلبی بر میگشیدند اقدام و
مسارعت ورزیدند . سفین مذکور ۶۱۳ نفر از سرنبات را رهایی دادند
که کپتان (ایوانوف) نهرمان نیز در میان آنها موجود بود .

در گرووازور (رو ریگ) ۱۹۲ مقتول ، ۳۵۰ مجروح بوقوع آمده
است . و از ۱۳ نفر افسران آن نیز ۷ نفر آن تلف و (۵) نفر آن مجروح
گردیده اند .

هنگامیکه گرووازورهای (روسیا) و (غر و مپوینا) به بندرگاه (ولاد
یووستوک) عودت کردند خیلی البسم ریاس آوریگ منظره تشکیلی نمودند ،
پیش از چند روز چون این دو کشتی با کشتی رو ریگ یکجا بندرگاه (ولادیو
ستوک) را بصورت بسیار مغرورانه ترک میکردند همه اهالی در حالتیکه دل
های شان به آتش و هیجان امید نظرها ، الامال بود . بر سرک سنگ بست بندر
جمع آمده برای مظهریت و غالیبت قطع دسته کشتی های جنگی روس شمشه

دازدعا ها نمودند .

اینست که دسته کشتی های جنگی گروو و زور و مدکور در میان پنجین هیجان
پر مسرت از (ولاد یووستوق) عزیمت کرده بود .

دسته کشتی های جنگی (ولاد یووستوق) در میان قرنی بحرینه اقصای
شرق روس یگانه دسته کشتی های جنگی مخدزی بود که سقوط و ناموس
سکرتی روس را محافظه نموده بود . اینست که این دسته کشتی های جنگی
یرشان و شرف درینوقت برای ایفا کردن و بجا آوردن يك وظیفه بسیار
مهی میزد . بلی امیرود که دسته کشتی های جنگی روس را که از مدت ماهها
در قلعه (پور آتور) محصور مانده ، و در (۹۰) ماه آگست خروج کرده
استقبال نماید : و آرا گرفته به (ولاد یووستوق) بیارد .

اهنتی (ولاد یووستوق) هر روز بیک هیجان زیاد و بیقرارانی تمام
انراف انفرانجس می نمودند . و برای استقبال کردن دسته کشتی های جنگی
درین بندرگاه اقصای شرق روسی يك حاضری و انتظار بسیار عظیمی
حکمه فرما بود .

يك روزی بود ، که از کار افنی يك دو گروو و زوری پدیدار گردید که
بیک بطالت و آهسته روی سر سر پانه وانگ ننگانه یکسر بسوی بندرگاه می
آمدند . چون بکفدری نزد بکشد همه کس شتاختند که گروو زور های
(روسیا) و (غرومبوی) میباشند . ولی دسته کشتی های جنگی قونزکی
که انتظار آنرا داشتند با آنها نیست ، و تنها بسر خود می آیند . دیگر اینکه
هنگامیکه دسته کشتی های جنگی از بندرگاه بیامد از سه قطعه کشتی مرکب بود .
حالا نکه درینوقت دو قطعه شده اند .

این دو قطعه نیز چه حال ؟

دگل های شان يك قسمی پارچه پارچه شده ، و يك قسمی غلطیده ، و

هر دو فینه بیک وضع بدنای بیک یک بغل مین نموده است . گرو و آوزورها
 هر ا قدر که نزدیک میشدند آثار منحنی خرابیهای آنها زیاد تر ظاهر و
 آشکار میگردد .

در پیش طو پهای کور شده شکسته زخمهای دست و پا بیکسو افتاده ، نمشپای
 در خون و دود آلوده ، اعضاهای بدن از هم جدا جدا گشته دیده میشود .
 کوشنها چربها روده ها خونها سطح کشتی را هزار بار بدتر از سرد خنکانه
 ساخته بود . آدهای زنده آن نیز بتأثیر غازی مسمومه یاروت و آلات
 نارینه بر آتش و دود ، یک رنگ زرد و سفید بد نظری پیدا کرده بودند .

سبحان الله ! نظره این گرو و آوزورها چقدر عجیب و غریب بود ! دود کس
 ها مانند خرمک سوراخ سوراخ شده ، و بعضی از میان بدو نیم شده مانند
 ناو شکسته به هم دیگر آویزان مانده بود .

کپن کشتی (روسیا) مقتول ، و از (خرو و هونی) مجروح شده بود ،
 بدنه های کشتیه این شکاف شکاف گشته بود ، لوحه های آهنین زرم کشتی مانند
 کاغذ های پاره شده آویزان شده بود .

کشتی ها چون بساحل آمده لنگر انداختند اینهمه احوال خبیثه آنچه
 بافتبلاش آن معلوم گردید و آنچه امید های دو خندان یگان یگان محو
 و ناپدید شد .

در ژاپونیا ، این مظهرات کوچک (جوشیا) بک سوراخ سوراخ و هر چنان
 شانمانشی بزرگی حاصل کرد . آری : گفته اند : (مصایب قوم عند قوم فوائد)
 ما قدر نعم و المی که از بخت جاریه برای روسها حاصل شد ، بود : و چندان آن شادی
 و خرمی برای ژاپنها پیدا نگردیده بود .

شهرهای (نوکیو) (و یوقو هاما) با هزاران هزار فانوسها و قند باهای
 رنگ رنگ و پر قها و نگارسته های شوخ و شنگ آراسته و پراسته گردید .

سرمدان در هر طرف سرورها و شادیا اجرا کردند .
 سرمدانی که در وقت خرق شدن کشتی تقابله (ساد و وارو) و (هپتاوی
 مارو) برامیرالک (قلمبورا) و خانه و عیال او به بعضی حرکات تحقیرانه
 و اراظیرورانه قیام نموده بودند در سواقت او را تقدیرس و فکر سمیکر دند بخانه
 مومی الیه که در (تو کبو) بود از هر طرف جداها مکتوب و تلگراف نامهها
 برای مبارکبادی و شکر گذاری بآیدن گرفت . اخبار های ژاپنی صورت
 بسیاری ازین مکتوب ها و تلگراف ها برانقل و نشر نمودند که مادر شجابه تفاکر دن
 دو تلگراف نامه آنرا کتفا میورزیم :

« بسبب گرفتن انتقام پس خود خیلی ممنون شدم . از شما نیازمندم که شکر

مگذاری بسیار احترام کارا شما بزوج محرم خود بلیغ نمایند . دستخط

والده یکی از سربات

سفینه کینشو مازو

که غرق شده بود

د دستة کشتیهای جنگی ولای ووستون آخر جای سزای خود را دید . ژاپاز غلبه

پوشرفرا احراز کرد . همه مایشا مشیون شکران عظیم هستیم دستخط

۱۴ سپتامبر و هفت ساله دختر یکی از

نفرینهای بحری که در غنای ره

کوچک چوشها مقتول شده





پس از آنکه در این دسته کشتیهای جنگی پور آنور جریان یافته بود.
 هنوز در ابتدای ماه آگست برج سنبله موضع مدافعۀ اصلی (پور آنور) از طرف خشکه بطریقهای بزرگی قلعه کوب ژاپانی در زیر آتش گرفته شده بود. ولی در ۱۹ ماه مذکور که ریزی بر او وضع شد کوز، و دیگر اطراف شهر بصورت جدی و دو مؤثر بلا فاصله تا بوقت آخر فتح عمومی دوام ورزید.

پومار دنان، یعنی - کنگه ریزی - در اول اسرمقدمت هجوم عمومی را آشکار کرده بود که این هجوم نو، پدانه و فداکارانه در ۲۳ ماه آگست بیک حدم کامیابی خون آلودی منجر گردید. بنا برین جنرال (نوژی) به اصول محاسره منقاعه حرکت کرد تا همه و اولاً ترسورد.

درین شان، احدی که در دریا وقوع آمده بدینحو است:
 در ۱۸ ماه آگست یک کشتی شوب گش روسی در جوار (لیانویستان) بیک نقب دریایی برخوردده گرفتند.

در ۲۳ ماه مذکور کشتی زر هیوش (سیواستبول) برای گرفتن موضعهای برقی را بازرایر طوب از بندر کنگه خروج نمود. ولی او نیز بیک غلبی برخوردده خسار زده گردید، و کشتی دیگر او را بخود بسته تانه بندر کنگه رسانید. و در همان روز کشتیهای (بشین و قازوفا) نام ژاپانی (پور آنور) را نیز طوب گرفتند.

در ۲۴ آگست دو مخرب شورپیدوی روس در پستگاه مدخل به نقب

دریائی طور پیل مصادمه کرد یکی غرق ، و دیگری بهزار زحمت به بندرگاه
عودت کرده است .

در ۳۱ آگست ۷ قطعه کشتی های روسی — غیر از زوهریوها — برای
منع آنگر از اینگونه مصیبتها لوینسراگاه را آمدند تا آنکه طور پیلها بی زانکه
خودشان نمانده بودند ، و تا بحال بغیر از ضرر هیچ نقی از آن ندیدند رفع
وزایل سازند ، ولیکن ساعت سه و سه بود که از یکی ازین کشتی ها به طور پیل مالش
یافته غرق گردید .

در ۲۲ سپتامبر : ج مهران یک کشتی دیگر روسی ازله برای همین مسئله
برآمده بوده لقب دریائی غرق شد ، و هم در همان روز در پشتگاه دریایچه
(تاجک) یک طوری بدوی ژاپانی ، و در ۳۰ سپتامبر کشتی ژاپنی به طور پیل
بر خورد یکی غرق و دیگری خسار زده شده است .

در ۲۰ سپتامبر : شعبه دریایچه (کیوتو) یانه کشتی خوب کس ژاپانی نیز همین
فلاکت دچار گردید .

از (۱۹) اینول تا (۲۳) آن از طرف خشکه بر جبهه های شمال و
شمال شرقی (پوز آن نور) بر هجومها یعنی — بورس ها اجرا کرده شده
است ، اصل مهاجرات عساکر ژاپان بر (استحقاقات معاونه) که در شرق
و جنوب شرقی (سیوشین) واقع شده است ، بر تپه واقع دار (۲۰۳)
اجرا میگردد .

استحقاقات جوار (سیوشین) آهسته آهسته سراسر از دست روسها
بر آمد . ولی تپه (۲۰۳) اگر چه یکجند ساعت در دست ژاپان ها ماند ،
ولی در (۲۳) ماه مذکور بیک هجوم مقابل روسها باز پس استردان گردید .
در ظرف چهار هفته که بعد ازین هجوم مرور نموده است ، ژاپانها سراسر از نوبعضی
حاضرین و نوارکات تازه در آتش طوری بجای خود دیده اند .

از (۲۵) اکتوبر برج عقرب، تا به (۳) نومبر برج قوس بسنی مخاربه های خونریزانه یورشی بعمل آمد .

یوم جشن ولادت امپراطور ژاپان چون به (۶) ماه نومبر مصادف بود از ازو ژاپانها تصور و مصمم کرده بودند که در ازو بیک هجوم عمومی برده (بود آرتور) راجع و تسخیر نمایند . این هجوم بر جبهه های شمال و شمال شرقی اجرا گردید . در ظرف ۸ روز بیک این هجوم مهاجر امپراگردید . اگر چه ژاپانها چند بار استحقکات منفرد را ضبط کردند ، ولی بهودت تعرضیه تسکر احتیاطی روس و پاس رانده شده اند . با وجود آن هم استحقکات مذکور درین مهاجمات چنان زیر و زبر گردید که از مستحکمی هیچ نام و نشانی برایش باقی نمانده است . خلاصه کلام از نتیجه این هجوم خونریز ... که تفصیلات ممکن آنها در دیگر جلد های این کتاب بیان خواهد گردید . - همه استحقکات مات معاونه در دست ژاپانها درآمد ، و به سایه این موفقیت بخط مدا فوه استحقکات دانه خیلی نزدیک شدند .

برای اتلافی کردن ضایعات و تلفات این مهاجمه های آخرین ، فرقه هفتم نقادیه از ژاپانها به پیشگاه بود آرتور فرستاده شد .

در ۲۶ نومبر یوشی چارم بوقوع آمد . از نتیجه این هجوم خونریزی که از طرف فرقه اول و فرقه هشتم مشترکاً اجرا گردید ، در جبهه شمال خرابی بیک نتیجه قطعی ب حصول آمد . یعنی - تبه رقم دار ۲۰۳ بصورت قطعی بدست ژاپانها درآمد .

علاوه بیک این تبه رقم ۲۰۳ بدست ژاپانها درآمد ، در اوقت این تبه را برای سوئی و ادواتش توپچی خود نقطه نرسد انتخاب کرده باطوهای (۲۸) سائیمترویی به گانه رزی بر سفاین روس که در نقطه های مختلف بندر گاه داخلی لنگر انداز بودند آغاز نمودند .

هریک از کشتیهای روس جدا جدا هدف گرفته شده و اینصورت یکی را در پیش دیگر غرق نمودند .

این یومبارد مان - یعنی کله ریزی، طرفین ... در ما بین طویخانه از بان، و کشتیهای روس در ۳ دسمبر برج قوس ابتدا نمود تا به ۱۲ ماه مذکور دوام ورزید . ژاپنها آتش خود را برابر کشتیهای زرهپوش (زه تویران) ، و (پولتاوا) ، و (پره سویت) ، و (پویبه دا) و کرووا زور های (بالا دا) ، و (بایان) ، و طویپ کنش (کیلیاتی) و کشتی قبح انشان (آمور) منوجه ساخته بودند . تنها زرهپوش (سیواستپول) پیش از ابتدا کردن یومبارد مان فک انگر نموده به بندر گاد خارجی برآمده بود .

معلوماتیکه در حق این یومبارد مان بدست آمده اینصورت است :

زرهپوش (پویبه دا) در ۳ دسمبر (۶) باد ، و در (۵) دسمبر (۲) باز زخم از کردید . در (۸) ماه مذکور بنامر ف جیب خیلی میل نموده و اقسام زیر خط آب آن بشاهها بیرون برآمده آماج مگنلی برای طویچی ژاپان تشکین داد . تا آنکه بعد از چند گنگله دیگر بجز بعضی اقسام آن که بسبب کم عمقی آب بندر گاد پنهان شد دیگر سراسر مغرق گردید .

(زه تویران) در دوروز اول یومبارد مان ۱۹ زخم خود ده بچنان خسارات و خیمه مبتلا شد که از شناخت برآمد ، و در ۸ دسمبر بعد از ظهر بقمر آب زیر آن تکیه یافت بقدریک متر آب از سطح آن بالا برآمد . زرهپوش (پولتاوا) در (۵) دسمبر از ۱۱ رخنه کویافته بود نیز همین حال گرفتار آمد .

زرهپوش (پره سویت) در ۷ ماه دیده شد که تا بسطح آن آب بالا برآمده . کرووا زور (بالا دا) بسبب که در میان (زه تویران) و آمور بود از طرف طویچی های ژاپان بخوبی معلوم نمیشد . از اثر و کثر زخم از کردیده بود .

ولی در ۸ ماه بتاثير يك كمانه بزرگ آتش گرفته بردنباله خود در آب فرونشست .

كششي كره و آتوزو (بايان) نيز در همان روز آتش گرفته بيك بخش انگليده

كششي (آموز) نيز در (۸) ماه به ۱۴ كمانه بقعر آب ناپاب شد .

كششي طوب كمش (كبلباف) نيز به يازده كمانه سراسر خرقى گرديد .

جنرال (توى) ، ثابت حال دسته كششي هاى جنگي (پوز آتوز) را

يانگراف ۱۲ ماه جنورى خوديه (توكيو) به اينصورت خبر داده است :

« ۴ قطعه كششي زير هيوش (پولناوا ؛ يره سويت ؛ پويه دا ؛ زه نوزان)

و كروه ، آتوز (بالاده ؛ بايان) ويك كششي طوب كمش ؛ ويك كششي آقب

افشان روس را كه در بندر كمانه (پوز آتوز) بودند سراسر محاطيكه از محاربه

خارج باشند در آورديم . به بومباردمان ديگر كششي هاى خود دوريزه حاجت

نيانده است . بعد از اين شهر آتش كرده خسارات عظيمه بوقوع مبادريم . »

انست كه كار دسته كششي هاى جنگي پوز آتوز به اينصورت به انجام رسيد .

كششي قبح و خرقى را كه در (۱۰) آگست بخت و خالغ نسوى اميرال (توى)

انداخته بود . و او از ان چشم پوشى كرده بود ، بعد از ۴ ماه جنرال (توى)

آسان در بود .

مگر اجلان دسته كششيهاى جنگي بحرى از دست بحرنى ، بلكه از طرفه

بر رسيدند بود .

در نئى بومباردمان كششيها ، بسيارى از مياضى روس را نيز خسارات عظيمه

واقعه شده بود . دوروز پنج ماه يك جبه خانه روسي يك كمانه كفايه جبه خانه

مذكور آتش گرفت ، و بعد چند ساعت يك حريق عظيمى را باعث گردانيد .

در ۱۳ ماه كمانه ريزى بر دايره كششي سازى شروع شده كارخانه كششي سازى

طور پيدورا آتش گرفت ، و سه عدد طور پيدورا نيز خرقى و خراب گردانيد .

اما اصل خبر ایستادگی در شهر و فلسفه (پور آنروز) بوقوع آمده بهمانز بومباردمانی کشتیه‌هاست که تفصیلات آن بهمانزین در ذیل محاربات بری ذکر و بیان خواهد شد. حائزاً به این شرح بر احوال کشتی زرچپوش (سیواستپول) .

کپتان این زرچپوش چون دانست که نیه راقم ۲۰۳ بدست ژاپنها در آمد پیش از آنکه به بومباردمان آغاز شود به بندر گاه خارجی ر آمده در زیر پناه های بسیار بلند نیم جزیره (بانگک) که سراسر از نامیر آتش طوب دشمن خارج بود الشجا برد .

روز دیگر یعنی -- در ۲۹ نوه بر طور پیدو های ژاپن هجوم آغاز نمایند . در اول امر يك بادند شائی هجومهای طور پیدو ها را مانع آمد . روز دیگر هوا چون کسب سکونت نمود هجوم نخستین طور پیدو ها و قوعیات . کشتی (سیواستپول) تور فولادئی خود را بر اطراف خود کشیده بود ، و از کشتیهای مغرور و دیگر نیز تورهائی شارا آورد . در دورادور خود بر کشیده بود . ایست که اوشب و روز دیگر همین تورهائورا از آسیب طور پیدو ها وارهائید .

ژاپنها نزدیک شده طور پنهانی خود را بر سیواستپول پیدا ساختند . اما طوب سیواستپول نزدیک شدن طور پیدو ها را بیشتر از آن منع نمود . هیچیکی از طور پنهانی طور پیدو ها کارگر نیفتد . نزدیک پیش از طلوع شمس در بسیار نزدیک سیواستپول دو طور پیدوی دشمن دیده شد آنقدر نزدیک بودند که صداهای تمام وقواعد افسران آن نیز شنیده میشد .

تقریباً از صد متر و مسافه دو طور پیل انداخته شد . بنا برین سیواستپول به شدت آتش کرد و کشتیهای طور پیدو از نظر غالب گردید . طور پنهان کشتی بر خوردند ، ولی تور اطراف کشتی مانع نفوذ آنها گردید . طور پیل اون آنقدر نزدیک کشتی بگنجد که از قائمیر آن يك شکافی در کشتی پدیدار شد . و طور

پیل تانی در نور ملق مانده بشود افتاد ، نتیجه ریت دنباله کشی را بد حال نزدیک کردند شب دیگر خورپیر و های ژاپان سر از تو بجه برسد ، ژاپن طور پیر و های یکی بیک طوری بی بر خورده غریق شد ، از دیگر طور پیر و های طوری بی های متعدد انداخته شد از آنها یکجندی - نورد و - کشتی ششمن نمودند ، و بر کشتی آسیبی رسانیده شواستند .

در شب اول روز دهمبر ۲۰ طور پیر و های ژاپان بر کشتی روسی هجوم نمود ، این کشتیهای دشمن چون بقدر (۱۳۰۰) تیر و نزدیک شدند طور پیر و های خود را انداختند ، پیش از یک شب یک دسته کشتی های طور پیر و های روسی بهما و انت و مدد گاری کشتی (سپه استبول) آمده بودند که ماندان کشتی سپه استبول خور پیر و های مذکور را یکوضعی نمیه کرده بودند ، دریاچه که در آن جا بگیر بود به آنها استور شده بود ، و سه طور پیر و های مغرب را نیز در پیش روی خود وضع نمود ، بود ، لهذا بمجرده هجوم ژاپانها ازین طور پیر و های خود در هوش بر طور پیر و های ژاپان بران که ازین گرفت ، دو طور پیر و های ژاپانی بخسارت عظیمه دوچار شدند ، ژاپانها تنها در همین شب (۳۰) طور پیر و های انداخته بودند ، شب دیگر ، یک طوفان و گردنه شدیدی برخواست که به اینسبب روشنی پروژکتورها را مانع گردیده بود ، ژاپانها ازین طوفان فرصتی فائده گرفتند ، را اندیشید ، و کشتی طور پیر و های شان تا به نزدیک کشتی ژاپن بوش ، و پس رسیدند ، یکی از آنها تا به پیش سپه استبول آمده ، دو طور پیر و های خود را بیک آن بران بینداخت ، اگر چه یکی از آنها حفظ رفت ، ولی یک طور پیر و های دیگر در پیش سکان کشتی در درون تو دو فولادی کفیده سکان را سر اسر از کار در انداخت ، یک پارچه طور پیر و های سر کوفه ماندان طور پیر و های ژاپان که بر سر کشتی ایستاده بود اصابت نموده که اش را در ر بود .

(سپه استبول) خیلی زحمت کشیده بود ، و بسبب این زحمی که بردن پناه

اش اصابت نمود سراسر از کار افتاده بردن به خود بر، بنگ نشست، امسرحجوم
 واپایا خیلی بردهشت بود، طورییدو های روس نیز بموضع خود شان
 تاب آور مقاومت نشده پراکنده و بریشان کشتند.

وایاها، چون گمان کردند که (سیواستپول) را بخالنیکه از محاربه خارج
 شده باشد درآورده اند از انرو هجومهای خود شانرا نهایت داده اند.

(سیواستپول) ازین فرصت استفاده جسته باطوب های (۳۰۵) ملبه شو
 بی خود انداخت نیم جزیره (پلنگ) به انداخت قوسی بر عساکر (زبان به
 گله ریزی آغاز نهاد، و محراب کردن یک طوب خانه محرابی و اینها کامیاب آمد.
 در شب ۲ اکتوبر کوماندهان کشتی از انفسر زدگی خود یک امری گرفت
 که بسبب قریب لوفوج بودن تسلیم نلمه کشتنی خود را باید غرق کنند.
 لهذا باوجودیکه این امر موجب حیرت و تعجب نو گردید باز هم اطاعت
 لاسر بفرق کشتی فرار داده اینصورت حرکت نمود:

در ثانی شب، بعد از آنکه چند مرتبات خود را بجز (۴۰) نفر شتند
 بر آورد از جانبیکه لشکر انداز بود کشان کشان خود را تا آنجا شیکه عمق آب (۶۵)
 متر بود پیاورد. در آنجا باقی مرتبات خود را نیز بر قلده هشتادده بجا آورد
 آب کشتی را باز نمود، کشتی آهسته آهسته کور بچپ و گاه بر راست میل کرد
 بقدر آب فرود رفتی گرفت تا آنکه بعد از ۱۷ دقیقه سراسر غرق شده از نظر
 پنهان گردید.

در پنجم ماه دسامبر (پوز آرتور) بايخصهون يك بيستادۀ نشر گردید
 ای مدافعان دلاور و جاد بود آرتور به این شرف و شانی که زرعیوش
 سیواستپول سر از نواحرار نمود، و بوجود کوماندهان او کومان (۹۰۰) که
 از کپتانهای صنف اولست، و جمله انفسران و مرتبات که این حرکات فخرمانانه
 را اجرا کردند همه آن فیخر و مباحث کنید، اینحرکت جنگاورانه کشتنی

سید استیوارا که مدت پنج شبانه روز تنها بسر خود و چو مهای دست قطعه طور پیدوهای ژاپن بصورت بسیار شجیهانه از خورد دانه نموده میباشد که در لوحه های حاضر خود محلول و منقوش بدارید برای اولاد ۱۸ و نیره های خود آنرا حکایت کنید . شایع است نیز از محاربه ای این سفر حرب میباشد لهذا در حرکات شجاعانه و تفوی محرفی شایسته همه شرف و افتخار شایسته موجود است .

• زنده باد دلاوران زو هیوش سید استیوارا •

§

محو فانی شدن دسته کشتی های جنگی (پور آرتور) امیرال (توغو) را يك آزادی و استقلال بزرگی عطا نمود . بعد از این خود اقامه قیام نمود و امیرال (توغو) برای انتقام کشیدن دسته کشتی های جنگی بحر (بالیک) روس دم راست حاضر و آمده میشوند شد . چونکه بگر خوف و خطری از جهت اینکه بندرگاه (پور آرتور) امن الحركات دسته کشتی های جنگی روس باشند و امیرال (توغو) نیز مژعه و ترقب آن بود باقی ماند .

مقصود بگذارد اجتناب از کاپی امیرال (توغو) در محاربه ها همین بود که ضایعات و تلفات بسیاری در دسته کشتی های جنگی او حاصل نشود . تا آنکه از عهدۀ مقابله دسته کشتی های جنگی بحر (بالیک) روسی که قریب بودند است بخصوصیت برآمده بتواند .

اینست که این مقصد امیرال ، به سایه همت معاونت بسیار قیامدار اردوی محاصره بری مخوفی محمول انجامید . و وظیفه بسیار گرانمایه ای بود مخصوص معاونت عسکر را آوردن اردوی بری ختام پذیر گردید . لهذا علاوه الا بکمال سکونت و خاطر جمعی بوجود دسته کشتی های جنگی بحر (بالیک) انتظام گشوده میتواند .

جناب امیرالمؤمنین (میکادو) امیران صادق ولایتی خود را به بن ناگرا نداده
تخصیصها و آخرینها خوانده است :

«وظایفی را که در (پور آنور) بدسته های کشتی جنگی خودمان سپرده
بودیم ، و ایشان ، بیچ یک از مهالك طوفانها و آشوبهای دشمن نظر نکرده
بکمان شجاعت و دلیری شب و روز در اینجا و اجرای آن کوشش و زبده اند
بیک جس دیار بزرگی ممنونیت آنرا قبول میکنیم ، باوجود اینکه مشکلات ،
دسته های کشتی جنگی ما و وظیفه خودشان را این آنکه یک تلاش و بی انتظاری
جزوئی در آن راه بیاید ، بموانع متقابل رعایت کرده بکمان خوبی و درستی
پراغای آنکه بپای آمده اند ، بنابرین بر اثر جرأت و فدائی که در حسن
اجرای وظیفه های خودشان نشان داده اند محسین و آفرین میخوانیم ، و از
حراکات شجاعانه شان بین مسرت و خشنودیت اینها میگویم .»

بعد از آنکه (پور آنور) ضبط و تسخیر گردید ، کیفیت این ضبط و
تسخیر در دیگر جلد بیان میشود . — بنابرین و اجازه جنرال (نوزی) (آناشه
میلتر) — یعنی امیر عسکرانی که در مهیت سقیرها میباشند — دولت المانیا
(برونزا رشتندر) قلعه (پور آنور) را تسلیم و تسلیم کرده ، صلح بندر گاه و
بنظره دسته کشتی جنگی روس را به انصورت نفع و تصویر که در دست است .
در روز ۲۳ جنوری با اجازه جنرال (نوزی) بندر گاه (پور آنور) را

سپرو نمایند ، گردید ، اولاً به بندر گاه شرقی رقیب ، در پیش کارخانه کشتی سازی
پروانه های بزرگ بزرگی که برای تعمیر کشتی ها از روس آورده شده بود
وجود بود ، در نزدیک پشت حوض که چنگ کشتی سازی گرو و لوزور معاون
(آمر) خوابیده بود که از طرف گاه های بسیار سنگین بدفعات بخار شده
بود ، در مه تی بحرین که در پاس بندر گاه شرقی بود آنرا خرابیه ، و حریق
مشاهده میشود ، در دامنه شمالی کوه (طاب) به ساختن پشت حوض نو کشتی
سازی آغاز شده بود ، یک کمی به آنطرف سفینه مغر و فقه (بازان) دیده میشود .

بریک سرک نوکج و بیج اراش بر کره (طال) (الایر امایم) و در آن نخل از نیجا
خیلی واسع بود. از نیجا چون بسوی بندر که نفا، مباد، ختم انبار خانه های
بزرگی سیاه عسکری را می بینیم .

در ۲۴ ماه خزانیم که ازین بند نگاه به نیم جزیره (بلنگی) بگذریم
یک باد بسیار تند و خیلی سردی درویشند . و در جایی آن خیلی بلند بود .
فوق آن در آن جهان نندگونی بانس و آنسوی می انداخت . فسر زبانی که ای
جمع کردن و محو ساختن طوری بسیار بی نظیر و بسیار در هر طرف نفا شده بود
بکار مستعمل بود چنان معلوم میشد که تویا از یک سو چه می تراشید شده باشد
چون که هر قطره آبی بر او نفا شده باشد همان لحظه می آیدت بخشید . امین
باجرای شکلاتی نفا نمود . چه که اسکنه ای بی خود از بندگی که
از چوب های کشتی های خراب شده و شکسته ساخته شده بود بدست موجبها
خراب شده بود ، و دهشت من جهان بود که رفیقان را از فرصت میداد که خرد را
افوقه بساحلین ثابت کنیم . وضعیت طبیعی ما این فرصت را میدادند در
وضع میدادند . بطارین از سباحت نیم جزیره (بلنگ) بصرف اغراض کردن
و بر کشتی مجبور شدیم . در انسانی عادت ، در هر چه شوی غرق شدی را نداد
پوشید . پونتاوانده تورن (پره سویت) را جدا جدا تا شاکر دیم و
و برای گرفتن بصورت آنها بر طرف آن ها دور و کردش کردیم ، خوب
حالی سفایر مد کوزه کانداز را آورده شده بود . تنها خوب های بزرگترین
آهینی ، در آن روز که در نهایی را وسیله خود ، در دیوهای غلطیده ، احسان
فلاکت خرد را از آنها میگرداند ، گاهی های مذکور چون سرایا پنجه مانجه
شده بودند ، بدین آنها در آمده شو انیم . گشتیهای مذکور بطور روزیانی
بسیاری دو چار شده بودند ، علی الخصوص در کما و باهنگی فسر نشین آنها ، و در
گشتیهای شان خیال هم در درم شده بود . لوحه های زرد اضراف کشتی از بسیار
جمله از هم باز شده ، و نقطه هشیک کله های خوب های (۲۸) سابقه شرونی ژاپنی

برای رسیدن بود، سوراخهای بسیار، دهش خوف انگیزی بعمل آورده بود،
 « آن کشتی‌های قوت ناشو محتملی که یکسال پیش ازین برای سلطوت و
 شوکت بجز به انحصار شرقی روس یک‌یک شاهد آعینی شعرده میشد، درینوقت
 در میان آنها بجز خورچنگها، و ماهیان آبی هیچیک فردی در روسی دیده نمی‌شود
 و بیکصورت بدقلاکتی زانگ زده، و زخهای خوف انگیزی بران بنیدار گشته
 و بعضی بیک بغاز، و بعضی بر دنیایه و بعضی بکله در میان آب غلطیده دیده
 می‌شد که حقیقتاً متضاره آنها خیلی زودت انگیز می‌شود :

« افسر ژاپنی که نام و طاقت داشت، و اینها را بقدر خرابیهای انسانی
 کشتیهای روسی شکایت میکرد، چرا که تعمیرات آنها، و شناور ساختن آنها
 را خیلی بر زحمت و کثیر المشکلات برای و با آنها میدید .

« افسران روسی، چنان آشوب و اعلان گردیده بودند که کشتیهای خود را
 از برای آنکه بدست ژاپنها نیفتند خوب بدست خود غرق کرده اند .

« حالا آنکه ما از این سوال میکنیم : که با کز چه بنیست برای غرق کردن
 آنها چو را مشرق که خرابی را که عمیق بود، و بر آوردن آنها را از اجزا برای
 ژاپنها مستحکمتر می‌شود انتخاب نکردند ؟

« روسها بلکه بسیار کثرت از مقصد شناسی از عمرتی کردن کشتیهای
 شناور در گاه داشتند این بود که بعضی از این کشتیها در جزایر روسی در نزد
 ما خوب نگهداشته در اوقات با کشتیهای خود در این اوردیده استعمال خویش کرده
 « نتیجین جواب بجز سفت طود که هیچ یک از مغزای در آن دیده نمی‌شود زیرا
 لولا این کشتیها از همه غلات آن معلوم میشد که با تأثیر گاهانی (۴۸) سالی
 از مغزوی ژاپنها غرق گردیده است، ثانیاً اینکه یکی از کشتیهای روس یعنی
 کشتی (سیواسنچون) از تأثیر گاهانی های دشمن خود را پندرسگاه خارجی

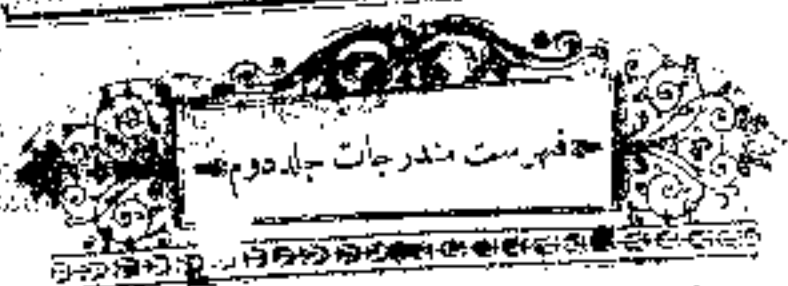
گنبد : و در آخر امر خود را در وضع عمیق بحر غرق ساخت .

بحر چون روس را اگر مقصد آراء داشتند که کشتیهای خود را باز از دریا کشیده

استعمال نماید پس چرا بهترین کشتی خود را در بحر صیغی بیرونی غرق کردند ؟
 اینست که به این سوال هیچ سبب مقبولی که بیان کنند نیست .
 از نقطه نظر فن حرب این به ثبت احوال دسته کشتیهای جنگی بحر محیط
 کبیر روسی از مقاومت مدیده قلعه (پور آنور) زیاده ترشایان استفاده و
 اهمیت است این دسته کشتیهای جنگی ، بی آنکه بخواهم خود دندناکت ضروری
 رسانیده بتواند به آنش طویخانه های خشکه دشمن فریبان و خداندند رفته
 است ، تاریخ سفارشات و فلاکت دسته کشتیهای جنگی (پور آنور) بکسر
 هان بلوغ و دین روشنی شد بر سکه در حرب حرکت عسکر به رایک اداره
 متردانه غیر فعالانه تا بجه جاف و کلام و اهل با برسانند .
 محافل بحریه روس بدست نام جرح و ، اخذ میکنند قلعه (پور
 آنور) برای زیاده کردن قابلیت تدافیه خود دسته کشتیهای جنگی را در
 بندرگاه جاس کرده از وسایط حربیه آن او اسراسر محروم گذاشته است .
 الا آنکه بخواهد به هیچ گاه بر حواب نیست ، چونکه بالعکس اگر چهار
 قلعه (پور آنور) نبود دسته کشتیهای جنگی روس پیشتر ازین محو و فانی
 میگردد . دیگر اینکه دسته کشتیهای جنگی داجابه آرزوی خود بجهایه قلعه
 النجا گزین شده است ، چونکه هیچگاه برای حرکت آزادانه خود بیست
 تشبث جدی و حقیقی آرزو نکرده است ،
 بعد از معربه (۱۰) اگست اگر چه بعضی قوای حربیه دسته کشتیهای
 جنگی را برای تقویه دادن مدافیه ، مطلقه استحقاقات پیدر پی بخشه نقل و
 اخراج داده اند ، ولیکن اینهم برای زیاده کردن عمر دسته کشتیهای جنگی
 تدبیر آخری بود که اجرا شده است .

مزارعش

چو کبیر زنی



مندرجات

۲	حقیقه	(امیرال توغو) زجه احوالش از آغاز ولادتش تا به این محاربه
۱۲		هجوم دوم بر پور آر تور
۲۶		(وقایع خریه) از ۹ تا ۲۹ فبروری
۳۱		تسبیت نخستین برمدخل پور آر تور
۴۲		بومباردمان — یعنی کک زیزی طوب سد بر ولادیوستوک
۴۴		عزل شدن دسته کشتیهای جنگی پور آر تور روس در زیر کوریا یعنی امیرال ماقاروف
۴۸		تسبیت ژاپنها برای سد کردن مدخل پور آر تور را با طوبوس
۵۴		احوال بندر کامپور آر تور و کیفیت استحکامات ساحلی آن
۶۴		تقدیم پور آر تور یک قطعه
۶۵		هجوم ژاپوشیان در ۲۲ مارچ بر پور آر تور
۶۹		تسبیت کردن ژاپوشیان بار دوم بر مدخل پور آر تور
۸۰		وقایع بحریه ماه اپریل
۸۵		وقایع ۱۳ ماه اپریل و غرق شدن امیرال ماقاروف
۹۵		ترجمه احوال امیرال ماقاروف
۱۰۲		حرکات دسته کشتیهای جنگی ولادیوستوک روس
۱۱۰		تسبیت برسدغودن مدخل پور آر تور در سوم
۱۱۷		اس الحركات دسته کشتیهای جنگی ژاپون
۱۱۹		کیفیت زوردهن عسکر بختکه و فعالیت بحریه
۱۳۰		اتفاق با کوریا
۱۳۴		حاضری سفر حرب ژاپانها

۱۴۴	ساحسری سفیر حرب روسها
۱۴۱	میاسیات و منایها ترکیه در مابین این دو کشور و بین موجود است
۱۵۴	تدابیر روسها
۱۵۶	بیرون بر آمدن اردوی نخستین ژاپن
۱۵۹	تغیبات بحریه ژاپنها
۱۶۲	احوال تاریخیه و جغرافیة دارالحرب
۱۶۸	احوال مانچوری
۱۷۱	احوال کوریه
۱۷۲	احوال تاریخیه کوریه
۱۷۴	راههای داخل دارالحرکات
۱۷۶	رهنهای امن کوریا
۱۷۷	جزیره ساخالین
۱۷۸	احوال جغرافیة ساخالین
۱۷۹	احوال اعلیٰ ساخالین
۱۸۱	احوال تاریخیه ساخالین
۱۸۵	بر آمدن اردوی دوم ژاپن بخشه
۱۹۰	خداجات دسته کشتیهای جنگی ژاپان
۱۹۳	اشتراک و وزیدن کشتیهای جنگی ژاپان بمحاربه کینچو
۱۹۶	حرکات کشتیهای جنگی ولادووستوک روس
۲۰۲	نقد و تفسیر نخستین دسته کشتیهای جنگی پور ارتو به بیرون بر آمدن
۲۰۶	ملاحظه
۲۱۰	محصرة پور ارتور
۲۳۳	مبارزه میدان بحری ۱۰ اگست
	مبارزه میدان بحری ۱۴ اگست
۲۴۴	و غیره تا تیرک از محاربه ۱۴ اگست تا جمع شدن دسته کشتیهای جنگی روس در پور ارتور، جریان یافته





{ یاد آوری }

بر ارباب مطالعه پوشیده نماند که (تاریخ محاربه روم و ژالان) پنج جلد است که جلد اول و دوم آن همین است که فارغ الطبع گردیده در معرض نشر است . جلد سوم آن فریباً انشاء الله از طبع فارغ شده تقدیم انظار اولی الا بصر میگردد ، و بطبع جلد چهارم و پنجم آن شروع میشود . معلوم است که بوجود آوردن اینچنین اثرهای بسیار نافع و مهم ، بایستی زحمت ها و دشواریها بوجود می آید که جیبیه ، اخفات آن زحمات و لذا کارها شوق و رغبت هو سکاران مطالعه است بسوی اینچنین آثار . بنا برین (مطالعه عنایت) مرا قدر شوق و رغبت که از شایسته علم و صرفان در خصوص اینچنین آثار کمابیش دهنده افکار و افهان به بیند همان قدر در خصوص بوجود آوردن آثار نافع کوشش خواهد ورزید .

(و من الله التوفیق)





اعلان آثار مبارکه

- (قیمت)
 روپیه کابلی
- عبد...
 اسم کتاب
- (۱) جغرافیای متفاهد افغانستان (نسخه اشرفی غایب)
 (۲) سیاحت بردوراد و کره زمین هشتاد و روز
 (۳) از مردمان سخن و از هر چمن - محق
 (۴) سیاحت در جوهه ا
 (۵) روضه حکم
 (۶) بیست هزار فرسخ سیاحت در زیر بحر مصور
 (۷) جزیره پنهان مصور
 (۸) پراکنده بجمعه شده در محمود طرزی مصور
 (۹) سیاحت به قطعه روی زمین مصور
 (۱۰) اطاعت اولی الامر [رایگان توزیع و تقسیم شده]
 (۱۱) مختاریه روس و زاپان

همه این کتابهای فوق در کابل در نفس (مطبعه عنایت) نژاد
 (عبدالرؤف خان) در مرتب ، و در بازار کتاب و شئی متصل
 مدرسه شاهی از دکان های حاجی (ملا غلام محمد) و (باز محمد)
 تاجران کتب به قیمت های معین آن که در پشت هر کتاب رقم
 شده است خریداری میشود . از خارج کبک که آر
 زوی خریداری آنها را بکنند با مدیر و سر
 محرر جریده سراج الاخبار اقبابه
 مختاریه کند .